

به نام خدا
فصلنامه پژوهش حسابداری و حسابرسی "نشریه علمی"
سال دهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۶)، بهار ۱۳۹۹

فصلنامه

پژوهش حسابداری

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

سرمدیر: شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

مدیر داخلی: پریسا سادات بهبهانی نیا، استادیار دانشگاه الزهراء (س)
هیأت تحریریه:

حمید پورجلالی، استاد دانشگاه هاوایی

رضوان حجازی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

ذبیح اله رضایی، استاد دانشگاه ممفیس

شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

مهناز ملانظری، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

سعید همایون، دانشیار دانشگاه گاول

حسن یزدی فر، استاد دانشگاه سالفورد

ویراستار علمی: پریسا سادات بهبهانی نیا

ویراستار ادبی: ماندانا طاهری

ویراستار انگلیسی: پرستو مصطفایی

طراح جلد: مریم صمدیان

صفحه آرا: خدیجه اسفندی

امور هماهنگی و اجرا: اعظم پاک خصال و خدیجه اسفندی

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده

علوم اجتماعی و اقتصادی کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن: ۸۵۶۹۲۴۲۱ و ۸۵۶۹۲۷۴۵ شماره: ۸۸۲۵۲۱۷۸

رایانامه: jar@alzahra.ac.ir

وبگاه: <http://ijar.alzahra.ac.ir>

این فصلنامه طبق مجوز شماره ۸۹/۲۲۵۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ از وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به چاپ می‌رسد.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

پژوهش‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیأت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که پژوهش‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم پژوهش به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل پژوهش

پژوهش در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان پژوهش ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی پژوهش ۱۲، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی‌متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ نقطه (pt) قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی پژوهش و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت پژوهش‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن پژوهش از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار پژوهش

۲-۱. صفحه جلد پژوهش: این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل پژوهش؛
- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛
- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛
- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

۲-۲. **صفحه اول پژوهش:** عنوان و چکیده پژوهش به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف پژوهش، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی: www.aeaweb.org/journal/jel_class_system.html قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحه دوم تا انتهای پژوهش:** این بخش باید در بردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛
- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛
- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛
- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛
- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در پژوهشات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛
- فهرست منابع.
- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌های فارسی در متن پژوهش از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود. هر منبعی که در متن پژوهش به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود. در صورت نیازه توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **پژوهش:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان پژوهش. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

- فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا پژوهش‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۰/۵ سانتی متر می‌باشد.

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آن‌ها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره ۱) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین ستون‌ها است با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جدا اما دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی نوشت و محتوای پی نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

۷. سایر نکات

- قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و... نیازی به فاصله نیست، اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.

- هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید.

- معادل‌های انگلیسی عناوین علمی نویسندگان به شرح نگاره زیر می‌باشد:

عناوین	معادل انگلیسی
کارشناس	BSc.
دانشجوی کارشناسی ارشد	MSc. Student
کارشناسی ارشد	MSc.
دانشجوی دکترا	Ph. D. Student
دکترا	Ph. D.
استادیار	Assistant Prof.
دانشیار	Associate Prof.
استاد	Prof.

* پژوهش‌های فرستاده شده نباید به صورت هم‌زمان به مجله‌های فارسی‌زبان دیگری در داخل و یا خارج از کشور ارسال شده باشد.

* فصلنامه از پذیرش پژوهش‌هایی که موارد شکلی و ساختاری یاد شده در راهنما در آن‌ها رعایت نشده باشد، معذور است.

* فصلنامه در ویرایش پژوهش‌ها و حذف برخی بخش‌ها، بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است و پژوهش‌هایی را که دریافت می‌کند، باز نمی‌گرداند.

* مسئولیت صحت و سقم مطالب پژوهش به عهده نویسنده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

* فایل ورد را به زبان انگلیسی نام‌گذاری کنید. این نام باید شامل: نام خانوادگی نویسنده اول و تاریخ ارسال پژوهش باشد. ۱۳۹۱ پژوهش‌ها صرفاً از طریق وبگاه مجله دریافت می‌شود.

* به منظور تسریع در فرایند داوری و چاپ پژوهش، از استادان و پژوهشگران محترم تقاضا می‌شود قبل از ارسال پژوهش از ویرایش فنی و ادبی پژوهش و رعایت نکته‌هایی که در این راهنما درج شده است، اطمینان حاصل نمایند.

* پژوهش‌های پژوهشی به پژوهش‌هایی گفته می‌شود که از پروژه پژوهشاتی، رساله دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد استخراج شده باشد.

فهرست مطالب

- مدیران اجرایی متخصص و بقاء شرکتهای دارای عرضه اولیه عمومی سهام ۱
فریدون رهنمای رود پستی، آناهیتا زندی
- فراز و فرود استقرار نظام بودجه‌بندی عملیاتی در ایران و بررسی تطبیقی کشور
هلند ۲۵
جعفر باباجانی، امیر عباس صاحبقرانی
- عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری ۴۷
سید علی حسینی، مهناز محمودخانی
- تبیین حاکمیت شرکتی با استفاده از تئوری اقتضائی: مسیر تحقیقات آتی ۷۱
فرشاد سبزعلی پور، محمدعلی آقایی، سحر سپاسی
- ارتباط تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌کننده توانایی مدیران ۹۱
مژگان صفا، سید رضا قاضی، ندا حسامی
- مطالعه علم‌سنجی تولیدات علمی فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی ۱۱۵
یونس نوبخت
- ارتباط بین در دسترس بودن اطلاعات مالی با عملکرد و تغییر مدیرعامل بعد از
اصلاحیه افشای اجباری اطلاعات شرکت‌های بورسی ۱۳۵
نازنین بشیری منش، حسین مشایخی
- بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و سرمایه انسانی در شرکتهای
پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ۱۵۹
حمید بداغی، حمیدرضا رضایی، فهیمه زمانی ثانی



مدیران اجرایی متخصص و بقاء شرکت‌های دارای عرضه

اولیه عمومی سهام

فریدون رهنمای رود پشته^۱، آناهیتا زندی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۶

مقاله پژوهشی

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر مدیران اجرایی ارشد در احتمال شکست یا پایداری شرکت‌های دارای عرضه اولیه عمومی سهام (IPO) طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ پرداخته است. برای این بررسی، مدیران اجرایی ارشد بر اساس شاخص‌های مهارت‌های عمومی به دو دسته متخصص و عمومی با مهارت، تقسیم شدند. مدیران اجرایی متخصص به دنبال نقش‌های کاربردی خاص در شرکت‌ها و صنایع هستند، در حالی که مدیران عمومی تجربه کاری خود را از فعالیت در سمت‌ها، شرکت‌ها و صنایع مختلف بدست می‌آورند. در این پژوهش، شواهد محکمی مبنی بر اینکه شرکت‌های عرضه اولیه با داشتن مدیر متخصص، به احتمال کمتر با شکست روبرو می‌شوند و پایدارتر هستند، ارائه شد. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که توانایی مدیران متخصص پیامدهای قابل توجهی در عملکرد شرکت‌های تازه ثبت شده ایجاد می‌کند. علاوه بر این، مدیران متخصص می‌توانند اقداماتی در راستای اهداف شرکت و سهامداران انجام دهند که موجب افزایش پایداری شرکت‌های عرضه اولیه در طولانی مدت شوند.

واژه‌های کلیدی: شرکت‌های عرضه اولیه، بقای شرکت‌های عرضه اولیه، مدیران اجرایی ارشد متخصص،

تجربه کاری مدیران اجرایی ارشد

طبقه‌بندی موضوعی: G31، G30، G32

DOI: 10.22051/ijar.2019.22088.1435

^۱استاد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. (rahnama.roodposhti@gmail.com)
^۲دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، نویسنده مسئول. (zandi_anna@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

شواهد تجربی موجود در بازارهای بین‌المللی در زمینه عرضه اولیه نشان می‌دهد که اگرچه شرکت‌های عرضه اولیه اغلب بازده اولیه قابل توجهی ارائه می‌دهند، اما در بلندمدت عملکرد ضعیفی داشته، به طوری که حدود ۳۰٪ این شرکت‌ها در ۵ سال اول فعالیت خود شکست خورده و یا واگذار شده‌اند (ریتر، ۲۰۰۳؛ ریتر و ولج، ۲۰۰۲؛ جنکینسون و لیونکوویست، ۲۰۰۱؛ لوفران و همکاران، ۱۹۹۴). در انتقال مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی، شرکت‌های عرضه اولیه با چالش‌های مختلفی مانند تغییر در ساختار مالکیت و حاکمیت راهبردی، نظارت دقیق‌تر از طرف تنظیم‌کنندگان و بازیگران بازار سرمایه، افزایش رقابت در بازار و غیره روبرو هستند (جین و کینی، ۲۰۰۰؛ جین و کینی، ۲۰۰۸). تمام این چالش‌ها بقای شرکت‌های عرضه اولیه را تهدید می‌کنند. مطالعات پیشین به طور دقیق به بررسی ویژگی‌های مختلف تأثیرگذار در بقاء شرکت‌های عرضه اولیه می‌پردازند. این خصوصیات شامل سابقه شرکت، وسعت شرکت، روند قیمت‌گذاری، سطح فعالیت عرضه اولیه، مالکیت داخلی، عوامل ریسک (هنسلر و همکاران، ۱۹۹۷)، کیفیت ممیزی (دمرز و جوس، ۲۰۰۵؛ جین و مارتین، ۲۰۰۷)، حمایت از سرمایه‌گذاری (جین و کینی، ۲۰۰۰)، اثربخشی هیئت‌مدیره (چریتو و همکاران، ۲۰۰۷) و مدیریت درآمد (الهداب و همکاران، ۲۰۱۵) است؛ با این حال، در مورد عوامل تعیین‌کننده بقای شرکت‌های عرضه اولیه در سطح مدیریتی اطلاعات قابل توجهی وجود ندارد.

در دهه‌های اخیر، توجه خاصی به میزان تأثیر مدیران اجرایی ارشد در سطح سازمانی شده است. در دهه ۱۹۵۰، اغلب مدیران اجرایی با حقوق دریافتی کمی بالاتر از مدیران زیردست خود، همراه با شرکت رشد می‌کردند و به ندرت اخراج می‌شدند (فریدمن و جنتر، ۲۰۱۰؛ خورانا، ۲۰۰۲؛ هو، ۲۰۱۵)، اما از دهه ۱۹۹۰، تغییرات قابل توجهی در موقعیت مدیران اجرایی ارشد بوجود آمد. از این دوره به بعد، مدیران اجرایی در مطبوعات برجسته‌تر شدند و بازار کار مناسب‌تری برای آنها بوجود آمد؛ آنها راحت‌تر اخراج می‌شدند و علاوه بر حقوق مشخص، به آنها مزایا و سنوات قابل توجهی نیز داده می‌شد (کوینگلی و همبریک، ۲۰۱۵؛ کبلن و میتون، ۲۰۱۲؛ خورانا، ۲۰۰۲؛ فریدمن و جنتر، ۲۰۱۰؛ مورفی و همکاران، ۲۰۰۴؛ هوارد و همکاران، ۲۰۰۴). کوینگلی و همبریک (۲۰۱۵)، "اثر مدیر اجرایی ارشد" را بررسی کردند و نشان دادند که اهمیت مدیران اجرایی در حال افزایش است، به ویژه اینکه نسبت عملکرد آنها به عملکرد

شرکت‌های تحت مدیریت آنها در دهه‌های مطالعه شده، به‌طور قابل توجهی همخوانی داشت. مکلی (۲۰۰۸) نیز نشان داد که میزان تأثیر مدیر اجرایی ارشد در عملکرد شرکت ۲۹/۲٪ است. نظریه ایلئون بالا (پلکان بالاتر) از همبریک و مسون (۱۹۸۴) فرض می‌کند که ویژگی‌ها و تجربیات مدیریتی می‌تواند بر تصمیم‌گیری مدیران ارشد و به تبع بر نتایج سازمانی تأثیرگذار باشد. به ویژه تجربه کاری یک عامل مهم در این زمینه به شمار می‌رود و تأثیر قابل توجه آن در استراتژی اتخاذ شده شرکت بر اساس شواهد تجربی مختلف اثبات شده است. در همین ارتباط، کارایی متفاوت مدیران اجرایی ارشد در زمینه‌های مهندسی و علمی (ملمیندیر و تیت، ۲۰۰۵)، تخصص مالی (کاستودیو و متزگر، ۲۰۱۳) و تجربه‌های کاری حرفه‌ای خاص (هوانگ، ۲۰۱۴؛ کاستودیو و متزگر، ۲۰۱۳)، در تحقیقات بررسی شده است. روند اخیر در زمینه کسب و کار نیز رشد قابل توجه درصد مدیران اجرایی با پیشینه‌های حرفه‌ای و تجربیات مختلف را نشان می‌دهد (کراسلند و همکاران، ۲۰۱۴). علاوه بر این، مهارت‌های مدیریتی عمومی که به راحتی قابل انتقال در سراسر شرکت‌ها و صنایع هستند، برخلاف مهارت‌های مدیریتی خاص که مختص شرکت‌ها و صنایع خاص هستند، در بازار کار مدیران اجرایی بیشتر کاربرد دارد. شرکت‌ها پرداخت‌های بالاتری به مدیران اجرایی ارشد عمومی که مهارت‌های مدیریتی عمومی خود را از سمت‌های مختلف در شرکت‌ها و صنایع مختلف کسب کردند، در مقایسه با مدیران متخصص در زمینه‌های خاص، ارائه می‌دهند (کاستودیو و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، با توجه به اهمیت فزاینده مدیران اجرایی در موفقیت سازمان‌ها و به خصوص با افزایش اولویت مدیران اجرایی با مهارت‌های مدیریتی عمومی، سوال اینجاست که آیا بقای شرکت‌های عرضه اولیه با مدیر اجرایی متخصص در مقایسه با شرکت‌های عرضه اولیه با مدیر اجرایی عمومی (با مهارت)، طولانی‌تر است یا خیر؟

مبانی نظری

انگیزه‌های متفاوت میان مدیران اجرایی متخصص و عمومی روند اقدامات و تصمیم‌گیری‌ها را جهت می‌دهد و در نتیجه بر ریسک شکست یا بقای شرکت‌های عرضه اولیه موثر است. ممکن است مدیران اجرایی عمومی انگیزه‌های مختلف ریسک‌پذیری را دارا باشند که در راستای اهداف شرکت نباشد (میشرا، ۲۰۱۴). مدیران اجرایی ارشد عمومی بیشتر در معرض

تغییر شغل هستند (جیانتی، ۲۰۱۱) و به دلیل حضور برجسته آنها در پایگاه‌های اطلاعاتی به راحتی استخدام می‌شوند (داسگوبتا و دینگ، ۲۰۱۰). قابلیت استخدام بالاتر باعث می‌شود سرمایه آنها کمتر وابسته به شرکت‌های تحت مدیریتشان باشد. علاوه بر این، مطالعات پیشین نشان می‌دهد اهداف مدیران اجرایی عمومی با استراتژی‌های شرکت تحت مدیریت خود متناقض است (همبریک و همکاران، ۱۹۹۳) و آنها دارای ریسک‌پذیری متفاوتی هستند (واردمن و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین، آنها نسبت به تجربیات جدید واکنش‌های متفاوتی دارند (زیمرم، ۲۰۰۸؛ بودرو و همکاران، ۲۰۰۱) و عکس‌العمل مثبتی نسبت به آزمایش و تغییر دارند (کراسلند و همکاران، ۲۰۱۴). مدیران اجرایی عمومی تمایل بیشتری به اتخاذ استراتژی‌های پرمخاطره برای اثبات توانایی‌های خود در بازار دارند. در نتیجه مدیران اجرایی عمومی انگیزه بیشتری در پیگیری پروژه‌های ریسک‌دار، بدون توجه به پیامدهای چنین استراتژی‌هایی در پایداری بلندمدت شرکت دارند. از سوی دیگر، تحرک شغلی مدیران اجرایی متخصص در شرکت‌ها و صنایع محدودتر است (کاستودیو و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، آینده سرمایه مدیران اجرایی متخصص به عملکرد بلندمدت شرکت وابسته است که باعث افزایش انگیزه آنها در پایدار نگاه داشتن شرکت می‌شود. علاوه بر این، کراسلند و همکاران (۲۰۱۴) استدلال می‌کنند که مدیران اجرایی با تنوع تخصص کمتر تمایل به ثبات در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک دارند. همچنین، تخصص قابل توجه در صنعت، درک کامل از شرکت و روابط بلندمدت با مشتریان و تامین‌کنندگان، مدیران اجرایی متخصص را قادر می‌سازد تصمیمات استراتژیک مناسب‌تری برای اطمینان از پایداری شرکت‌های عرضه اولیه اتخاذ نمایند. بنابراین، انتظار می‌رود شرکت‌های دارای مدیر اجرایی متخصص، کمتر دچار شکست شوند و پایدارتر باشند.

بر اساس استدلال کاستادیو و همکاران (۲۰۱۳) در این پژوهش، یک شاخص مهارت‌های عمومی ایجادگردید که ویژگی‌هایی از سابقه کاری مدیران اجرایی را خلاصه می‌کند و شامل نقش‌های مدیر اجرایی، تعداد شرکت‌های پیشین تحت مدیریت او، تعداد صنایعی که در آنها مدیر بوده است و اینکه او در شرکت‌های پیشین خود به همین سمت مشغول بوده یا خیر، است. در صورتی که شاخص مهارت‌های مدیر اجرایی برابر یا بیشتر از میانگین نمونه کلی باشد، مدیر اجرایی به‌عنوان مدیر اجرایی عمومی طبقه‌بندی می‌شود و در غیر این صورت، مدیر اجرایی به‌عنوان مدیر اجرایی متخصص محسوب می‌شود. در پژوهش کاستادیو و همکاران، تجزیه و

تحلیل بقای شرکت‌های عرضه اولیه در نمونه مورد مطالعه آنها از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ نشان می‌دهد، شرکت‌های عرضه اولیه با مدیر اجرایی متخصص، دارای احتمال کمتر در شکست و احتمال بقای بالاتر در دوره‌های پس از عرضه اولیه، هستند. به ویژه، خطر شکست شرکت‌های عرضه اولیه با مدیر اجرایی متخصص، ۳۳٪ کمتر از شرکت‌های دارای مدیر اجرایی عمومی است. به علاوه، نتایج بررسی آنها نشان می‌دهد مدیران اجرایی عمومی حقوق بالاتری نسبت به مدیران اجرایی متخصص دریافت می‌کنند، در حالی که تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت ندارند.

تحقیقات پیشین به بررسی ویژگی‌های مختلف مدیر اجرایی ارشد مانند سن (سرفلینگ، ۲۰۱۴؛ اورنس و ریپول، ۲۰۱۳)، تحصیلات (کینگ و همکاران، ۲۰۱۶)، تجربیات اولیه زندگی (ملمیندیر و همکاران، ۲۰۱۴)، ویژگی‌های روانی مانند اعتماد به نفس کاذب (ملمیندیر و تیت، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶)، نگرش به ریسک (کین و مکیون، ۲۰۱۶؛ گراهام و همکاران، ۲۰۱۳)، مهارت‌های مدیریتی خاص (کابلان و همکاران، ۲۰۱۲)، اثرات ثابت مدیریتی (برتراند و شوار، ۲۰۰۳) پرداخته است. همچنین، از نظر تجربه کاری مدیران اجرایی ارشد، مطالعات پیشین به بررسی تجربه‌های عملکردی (کاستودیو و مترگر، ۲۰۱۴؛ ملمیندیر و تیت، ۲۰۰۵)، تخصص صنعتی (هوانگ، ۲۰۱۴؛ کستودیو و مترگر، ۲۰۱۳؛ اورنس و ریپول، ۲۰۱۳) و تنوع حرفه کاری (هو و لیو، ۲۰۱۵؛ کراسلند و همکاران، ۲۰۱۴) پرداخته‌اند. این مطالعات عمدتاً ویژگی‌ها و تجربیات مدیران اجرایی را به تصمیمات استراتژیک آنها در سازمان مرتبط می‌سازند. شواهد تجربی در خصوص تأثیر سابقه کاری مدیران اجرایی بر بقای بلندمدت شرکت‌های عرضه اولیه کمیاب است. بر اساس تحقیقات انجام شده در خارج و بررسی مطالعات داخلی، این پژوهش اولین مطالعه در ایران است که مستقیماً به بررسی تأثیر توانایی مدیریتی مدیران اجرایی بر بقای شرکت‌های عرضه اولیه می‌پردازد.

توانایی مدیریتی مدیر اجرایی و بقاء شرکت‌های عرضه اولیه

نظریه ایلنون بالا (پلکان بالاتر) از همبریک و مسون (۱۹۸۴) فرض می‌کند که ویژگی‌ها و تجربیات مدیریتی می‌تواند بر تصمیم‌گیری مدیران ارشد تأثیرگذار باشد و بدین ترتیب بر نتایج سازمانی تأثیر بگذارد. مطالعات تجربی مختلف، یافته‌هایی مطابق با این نظریه ارائه می‌دهند و اهمیت ناهمگنی مدیریتی در توصیف استراتژی‌ها و عملکرد سازمانی را نشان می‌دهند. به‌عنوان

مثال، برتراند و اسکار (۲۰۰۳)، دریافتند که اثرات ثابت مدیر، اثر قابل توجهی در ناهمگنی تصمیمات سازمانی همچون سیاست‌های سرمایه‌گذاری مانند هزینه‌های سرمایه و خرید، سیاست‌های مالی مانند دارایی‌های نقدی، مزیت‌های سرمایه، پوشش بهره، پرداخت سود و سایر استراتژی‌های سازمانی مانند تحقیق و توسعه، تبلیغات و تنوع فعالیت، دارد. مطالعات بعدی به بررسی تأثیرات روانشناختی مدیران مانند اعتماد به نفس بیش از حد و نگرش‌های شخصی نسبت به ریسک (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶؛ کین و مکین، ۲۰۱۶؛ گراهام و همکاران، ۲۰۱۳؛ ملمیندیر و همکاران، ۲۰۱۱؛ ملمیندیر و تیت، ۲۰۰۸؛ ملمیندیر و تیت، ۲۰۰۵)، تجربیات اولیه زندگی (ملمیندیر و همکاران، ۲۰۱۱)، سن (سرفلینگ، ۲۰۱۴؛ اورنس و ریپول، ۲۰۱۳) و تحصیلات (کینگ و همکاران، ۲۰۱۶)، بر تصمیمات سازمانی او پرداختند. همچنین، مطالعات، تأثیرات قابل توجه تجربه پیشین مدیران اجرایی ارشد مانند پیشینه مهندسی و علمی (ملمیندیر و تیت، ۲۰۰۵؛ کاستودیو و مترگر، ۲۰۱۴) و تجربه حرفه‌ای او در صنعت خاص (هوانگ، ۲۰۱۴؛ کاستودیو و مترگر، ۲۰۱۴؛ اورنس و ریپول، ۲۰۱۳) را در اتخاذ استراتژی‌های سازمانی نشان دادند. بدنبال کاستودیو و همکاران (۲۰۱۳)، یک شاخص قدرت عمومی بر اساس جنبه‌های مختلف کاری مدیران اجرایی ایجاد شد. بر اساس تعریف کاستودیو و همکاران (۲۰۱۳)، توانایی مدیریت عمومی مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و تجاربی است که مدیر اجرایی ارشد از کار در نقش‌های کاربردی مختلف در شرکت‌ها و صنایع مختلف در طول عمر کاری خود بدست آورده است. بر خلاف توانایی مدیریتی عمومی، توانایی مدیریتی تخصصی شامل مجموعه‌ای از مهارت‌های خاص مانند نقش‌های کاربردی در شرکت‌ها و صنایع مختلف است. به عبارتی، مدیران متخصص با پیشرفت از طریق تصدی وظایف مختلف در سازمان‌ها و کسب و کارها، طیف وسیعی از تجارب را بدست می‌آورند و توانایی شناختی خود را برای رسیدگی به شرایط تجاری گسترش می‌دهند (دراگونی و همکاران، ۲۰۱۱؛ تسلوک و جیکوبز، ۱۹۹۸). بنابراین، مدیران اجرایی عمومی در میان شرکت‌ها یا مجموعه‌های پیچیده‌تر مطلوب‌تر به شمار می‌روند (یوان، ۲۰۰۹) و برای رسیدگی به شرایط پیچیده‌تر کسب و کار مانند تغییرات در بازار محصول (هابارد و بالیا، ۱۹۹۵)، تکنولوژی و شیوه‌های مدیریتی (گاریسیانو و راسی هنزبرگ، ۲۰۰۶)، بازسازی، ادغام، شوک‌های صنعتی و اختلالات عملیاتی (کاستودیو و همکاران، ۲۰۱۳)، مناسب‌تر محسوب می‌شوند. با این حال، تأثیر مدیران اجرایی عمومی در زمینه عرضه اولیه نامعلوم است.

میشرا (۲۰۱۴)، بیان می‌کند که مدیران اجرایی ارشد با تجربه مدیریت عمومی دارای انگیزه‌هایی هستند که ممکن است با منافع سهامداران متناقض باشد. به‌طور خاص، مدیران اجرایی عمومی در انگیزه‌های ریسک‌پذیری خود در مقایسه با مدیران اجرایی متخصص متفاوت هستند. آنها دارای مهارت‌های مدیریتی هستند که به راحتی در سراسر شرکت‌ها و صنایع قابل انتقال است و به‌طور فزاینده‌ای در بازار کار اجرایی، مورد استفاده قرار می‌گیرد (کاستودیو و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، آنها به احتمال بیشتر از یک بازار کار امیدوارکننده بهره می‌برند و تغییر شغل می‌دهند. همچنین، آنها در پایگاه‌های جستجوی مدیران اجرایی شرکت‌ها، خود را برجسته‌تر نشان می‌دهند و در نتیجه راحت‌تر استخدام می‌شوند (داسگوبتا و دینگ، ۲۰۱۰). به همین دلیل، سرمایه بلندمدت مدیران اجرایی ارشد عمومی کمتر وابسته به چشم‌انداز آینده شرکت است. علاوه بر این، مدیران اجرایی با تجارب کاری متنوع از نظر روانی کمتر متعهد به استراتژی‌های فعلی شرکت هستند (همبریک و همکاران، ۱۹۹۳)؛ آنها گرایش متفاوت به ریسک دارند (واردمن و همکاران، ۲۰۰۸؛ نیکولسن و همکاران، ۲۰۰۵) و به احتمال بیشتر از تجربیات و تغییرات استفاده می‌کنند (کرلسلند و همکاران، ۲۰۱۴). مدیران اجرایی عمومی ممکن است تلاش کنند تا با استفاده از استراتژی‌های پرمخاطره به بازار نشان دهند از توانایی بالاتری بهره‌مند هستند. بنابراین، مدیران اجرایی عمومی ممکن است انگیزه بیشتری برای پیگیری پروژه‌های خطرآفرین داشته باشند و به پیامدهای این استراتژی‌ها در بلندمدت توجه نکنند.

بر خلاف مدیران اجرایی عمومی، تجربه کاری مدیران اجرایی متخصص بر توابع، شرکت‌ها و صنایع مشخص متمرکز است و انتخاب‌های آنها در تغییر شغل محدودتر است (کاستودیو و همکاران، ۲۰۱۳). عملکرد ضعیف شرکت، بازتاب منفی برای سابقه کاری مدیران اجرایی متخصص و موقعیت استخدام آنها در آینده خواهد داشت. تحرک شغلی پایین در سراسر شرکت‌ها و صنایع باعث می‌شود آینده کاری مدیران اجرایی متخصص به عملکرد و اعتبار شرکت تحت مدیریت آنها وابسته باشد. بنابراین، آنها انگیزه‌های بیشتری برای افزایش اعتبار شرکت دارند، زیرا منافع بلندمدت خود را وابسته به این مسئله می‌دانند. علاوه بر این، مشارکت طولانی مدت در صنعت و شرکت‌های خاص توسط مدیران اجرایی متخصص باعث بدست آوردن تخصص صنعتی قابل توجه با درک دقیق از محیط کسب و کار شرکت و برقراری ارتباطات با مشتریان و تامین‌کنندگان، می‌شود. در نتیجه، مدیران اجرایی متخصص می‌توانند

تصمیمات مناسب تری در ارتباط با تخصیص منابع، اتخاذ نمایند و به نظر می‌رسد که آنها برای شرکت‌های عرضه اولیه در اعمال تغییرات ساختاری و عمومی سازی، مناسب تر هستند. طبق استدلال‌های ذکر شده، می‌توان انتظار داشت که مدیران اجرایی متخصص بر خلاف مدیران اجرایی عمومی خدمات قابل توجهی به بقاء شرکت‌های عرضه اولیه ارائه دهند و به‌طور خاص، با احتمال شکست پایین تری در دوره‌های پس از عرضه اولیه مواجه باشند.

پیشینه پژوهش

فاریس (۲۰۱۴)، به بررسی مشارکت هیئت‌مدیره و مدیرعامل در ارزیابی بهینه عرضه اولیه عمومی پرداخته است. هدف این مقاله گسترش حاکمیت شرکت‌های کوچک با تأثیر مداخله مدیران اجرایی در هیئت‌مدیره، در ارزیابی عرضه اولیه عمومی است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که مشارکت هیئت‌مدیره و مدیرعامل تأثیر مثبتی بر سرمایه‌گذاران در عرضه اولیه سهام داشته است.

باری و همکاران (۲۰۱۵)، به بررسی تامین مالی، سرمایه‌گذاری و عملکرد عرضه اولیه عمومی پرداخته‌اند. در این بررسی به نقش واسطه‌گران مالی، وام‌دهندگان و سرمایه‌گذاران، در یک نمونه‌ای بالغ بر ۶۰۰۰ شرکت / سال در عرضه اولیه عمومی در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ پرداخته شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با سطح بدهی بلندمدت و بازدهی اولیه، در سرمایه‌گذاری موفق‌تر از شرکت‌هایی با سطح پایین بدهی‌های بلندمدت بوده‌اند.

بولتنو کمپل (۲۰۱۶)، به بررسی اعتماد به نفس مدیران در عرضه اولیه عمومی پرداخته است. او بیان می‌کند که عدم تقارن اطلاعاتی ممکن است به‌عنوان یک مبدل برای ارتباط بین اعتماد به نفس مدیریت و عرضه اولیه عمل نماید. مدیران در تولید اطلاعات قبل از عرضه اولیه به شیوه‌های مختلفی عمل می‌کنند که نتایج این بررسی نشان می‌دهد مدیران با اعتماد به نفس کاذب، برای دریافت ارزش بالاتر برای سهام در عرضه اولیه تلاش می‌کنند و عموماً باعث ضرر بیشتر شرکت شده‌اند.

لی (۲۰۱۶)، به بررسی عوامل موثر در تقاضای سهامداران در عرضه اولیه عمومی با نقش مشوق‌های سهامداران و مدیران شرکت‌ها پرداخته است. هدف این پژوهش، بررسی انگیزه‌های

مدیرعامل و حاکمیت شرکتی در عرضه اولیه عمومی بر روند واگذاری و تقاضای سهامداران در بورس اوراق بهادار کشور چین بوده است. نتایج نشان داد که احتمال ادعا تقلب شرکت‌ها در عرضه اولیه عمومی برای شرکت‌هایی که هیئت‌مدیره آنها تحت مالکیت شخصی است و مدیران اجرایی آنها مسن‌تر هستند، بالاتر است.

راگوزینو (۲۰۱۷)، به بررسی اثرات فعالیت شرکت‌ها پیش از عرضه اولیه عمومی بر رشد شرکت در بورس امریکا طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ پرداخت. نتایج این بررسی نشان داد که فعالیت‌های شرکت‌ها می‌تواند بر رشد شرکت‌های کارآفرینی تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته باشد.

نخعی (۱۳۹۴)، به بررسی ارتباط بین عملکرد شرکت‌ها پس از عرضه عمومی اولیه و مدت زمان سپری شده از پذیرش آنها در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داده است که عملکرد آتی شرکت‌ها رابطه مستقیمی با مدت زمان سپری شده از پذیرش آنها در بورس اوراق بهادار دارد.

شفیع‌پور (۱۳۹۴)، به بررسی مدیریت سود و ساختار مالکیت در عرضه عمومی اولیه پرداخت. نتایج این بررسی نشان داد که اقلام تعهدی اختیاری قبل از عرضه اولیه توانایی توضیح‌دهندگی ساختار مالکیت شکل گرفته پس از عرضه را دارد، اما معکوس آن برقرار نیست. به عبارتی، دلیلی برای رد رابطه مستقیم میان اقلام تعهدی اختیاری قبل از عرضه با ساختار مالکیت یافت نشد. بنابراین، از آنجا که با افزایش مدیریت سود قبل از عرضه، درصد مالکیت نهادی افزایش یافته است، می‌توان نتیجه گرفت که عوامل مهم دیگری به غیر از اقلام تعهدی اختیاری در تصمیمات سرمایه‌گذاران نهادی موثر است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: احتمال کمتری برای شکست در عرضه اولیه عمومی شرکت با حضور مدیران ارشد اجرایی متخصص متصور است.

فرضیه ۲: احتمال بیشتری برای شکست در عرضه اولیه عمومی شرکت با حضور مدیران ارشد اجرایی عمومی متصور است.

روش پژوهش

روش پژوهش مورد استفاده، رگرسیون چند متغیره است که با الگوبرداری از پژوهش گانوپولوس و فام (۲۰۱۸) انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های تازه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ است که اطلاعات آن برای دوره مورد بررسی در دسترس باشد. نمونه‌گیری این تحقیق به صورت مرحله‌ای و هدفمند است که به روش غربال‌گری به شرح زیر انجام شده است.

- عرضه عمومی اولیه باشد.
 - اسناد، مدارک و گزارش‌های مورد نیاز جهت آزمون مدل‌ها در دسترس باشد.
- جهت گردآوری اطلاعات در خصوص بررسی ادبیات موضوع پژوهش از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده شده است. برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز برای پردازش فرضیه‌های پژوهش از مجلات و سالنامه‌های انتشارات سازمان بورس اوراق بهادار تهران، گزارش‌های سالانه شرکت‌ها، اطلاعات موجود در نرم افزار شرکت ره‌آورد نوین و دیگر نرم افزارهای مربوطه و بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است.

مدل‌های پژوهش

مدل‌های پژوهش برگرفته از پژوهش گانوپولوس و فام (۲۰۱۸) به صورت زیر برآورد شده‌اند:

$$H(t) = h_0(t) [a_0 + b_1 \text{ Specialist CEO} + \beta_i \text{ Controls } i,t] + \varepsilon \quad (1)$$

$$H(t) = h_0(t) [a_0 + b_1 \text{ Generalist CEO} + \beta_i \text{ Controls } i,t] + \varepsilon \quad (2)$$

متغیرها و نحوه محاسبه آنها

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش، ریسک شکست است. بنابراین، ضریب مثبت (منفی) نشان می‌دهد که شکست در عرضه اولیه با احتمال بیشتری (کمتری) اتفاق می‌افتد و زمان بقا کوتاه‌تر (طولانی‌تر) است. نسبت خطر برای هر متغیر مستقل و کنترلی به‌عنوان ضریب نما برای متغیر محاسبه می‌شود. این نسبت افزایش خطر شکست را برای یک واحد افزایش در مقدار متغیر اندازه می‌گیرد.

$H(t)$: خطر برآورد شده نهایی است که برای اندازه‌گیری آن از مدل آلتمن (۱۹۶۸) که توسط کردستانی و همکاران (۱۳۹۳) تعدیل شده است، برای شرکت‌های عرضه اولیه استفاده می‌شود. این مدل به شرح زیر است:

$$\text{Adj Z-Score} = 0.291WC/TA + 2.458RE/TA - 0.301EBIT/TA - 0.079BVE/TL - 0.05TS/TA \quad (3)$$

که در آن WC/TA : نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها، RE/TA : نسبت سود (زیان) انباشته به کل دارایی‌ها، $EBIT/TA$: نسبت سود (زیان) عملیاتی به کل دارایی‌ها، BVE/TL : نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به کل بدهی‌ها و TS/TA : نسبت فروش خالص به کل دارایی‌ها است.

محدوده درماندگی مالی، بین ورشکستگی و سلامت مالی تعریف می‌شود. بر این اساس، محدوده‌های مدل تعدیل شده آلتمن طبق تطبیق مراحل مختلف درماندگی مالی و ورشکستگی (نیوتن و آلتمن) به شرح زیر است:

$$\text{Adj Z-Score} \leq 0.14 \text{ - مرحله ورشکستگی با احتمال خیلی زیاد (۹۵ درصد)}$$

$$0.14 > \text{Adj Z-Score} > 0.02 \text{ - مرحله درماندگی مالی کامل}$$

$$0.36 > \text{Adj Z-Score} > 0.20 \text{ - مرحله کسری وجه نقد و عدم توانایی در پرداخت دیون مالی یا}$$

تجاری

$$0.6 > \text{Adj Z-Score} > 0.36 \text{ - مرحله نهفتگی درماندگی مالی}$$

Adj Z-Score ≥ 0.6 مرحله سلامت مالی

$S(t)$: تابع عملکرد ریسک ابتدایی است که برای برآورد ریسک شکست از تابع Nelson-Aalen برای شرکت‌های حاضر در عرضه اولیه عمومی و با توجه به مدل بالا استفاده می‌شود.

$$S(t) = \sum d_i / n_i \quad (4)$$

که در آن n_i تعداد شرکت‌های در معرض خطر (دچار درماندگی مالی) در زمان t ، d_i تعداد شرکت‌های شکست خورده یا ورشکسته در زمان t است.

در نهایت $H(t)$: خطر تخمین زده شده نهایی است که برابر است با:

$$H(t) = 100 * (\text{نسبت ریسک برآورد شده} - 1) \quad (5)$$

متغیرهای مستقل

Generalist CEO: مهارت‌های عمومی مدیر عامل است که بر اساس پژوهش هانگ (۲۰۱۷) برآورد شده است. مهارت‌های عمومی مدیر عامل شامل نقش‌های مدیر اجرایی، تعداد شرکت‌های پیشین تحت مدیریت او، تعداد صنایعی که در آنها مدیر بوده است و اینکه در شرکت‌های پیشین خود به همین سمت مشغول بوده است یا خیر، است. اگر شاخص‌های مهارت عمومی مدیر عامل بالاتر از حد متوسط باشد یک و در غیر این صورت برابر با صفر است.

Specialist CEO: تخصص مدیر عامل است که بر اساس پژوهش هانگ (۲۰۱۷) برآورد شده است. متغیر عددی که اگر فردی متخصص باشد برابر با یک و در غیر این صورت صفر است. برای دسته‌بندی، اگر شاخص توانایی عمومی مدیر عامل کمتر از رده‌ی متوسط باشد، به عنوان متخصص طبقه‌بندی می‌شود. همچنین، در این پژوهش مدیران عاملی که مدرک مالی دارند و قبلاً در سمت‌های مدیر مالی، رئیس حسابداری و معاون اداری و مالی بوده‌اند، به عنوان مدیران متخصص طبقه‌بندی شده‌اند. تخصص مدیر عامل یک متغیر ساختگی (مصنوعی) است؛ به این صورت که اگر مدیر عامل شرکت دارای مدرک حداقل لیسانس در رشته‌های مالی از قبیل حسابداری، مدیریت و اقتصاد باشد، مقدار این متغیر یک و در غیر این صورت صفر فرض می‌شود. در نهایت، جهت محاسبه شاخص تخصص مدیر عامل امتیاز این دو شاخص با هم جمع و بر تعداد معیار تقسیم می‌شود.

متغیرهای کنترلی

سن شرکت: لگاریتم طبیعی عمر شرکتی که سهامش برای اولین بار پذیره نویسی می‌شود. عمر شرکت از تفاوت بین سال تاسیس شرکت و عرضه اولیه عمومی بدست می‌آید. فروش: لگاریتم مجموع فروش شرکت در پایان سال مالی است. حسابرسی: در صورتی که شرکت مورد بررسی در پژوهش، توسط سازمان حسابرسی حسابرسی شده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص داده شده است. سودآوری: نسبت سود قبل از کسر مالیات به کل دارایی‌ها است. اهرم مالی: نسبت کل بدهی به کل دارایی‌های شرکت است. نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری: نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سرمایه است. هزینه‌های تحقیق و توسعه: نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه به ارزش دفتری دارایی است. هزینه تبلیغات: نسبت هزینه تبلیغات به کل دارایی‌ها است. مخارج سرمایه‌ای: مخارج سرمایه به کل دارایی‌ها است و در نهایت بازده اولیه: بازده سهام در روز اول معاملات سهام شرکت است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آماره توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره شماره (۱) ارائه شده است.

اصلی‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال، مقدار میانگین برای متغیر تخصص مدیرعامل برابر ۰/۳۲۵ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز هستند. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانگین	معیارها متغیرها
۰/۷۰۷	۰	۱	۰/۳۲۵	تخصص مدیر عامل
۰/۳۴	۰	۱	۰/۱۷۷	مهارت مدیر عامل
۰/۶۱۷	۴/۱۷۴	۱/۳۸۲	۲/۸۱۵	عمر شرکت
۰/۶۷	۳/۵۲	۸/۵۴	۵/۸۲	فروش
۰/۴۸۵	۰	۱	۰/۳۷۷	حسابرسی
۰/۱۳	-۰/۴۵	۰/۶۳	۰/۱۰	سودآوری
۰/۱۹	۰/۱۰	۰/۶۳	۰/۵۳۱	اهرم مالی
۲/۴۶۲	۱/۳۴	۱۳/۵۱	۲/۸۶	نسبت ارزش
۲/۶۶۲	۴/۴۱۵	۲۸/۲۹	۰/۳۱۸	تحقیق و توسعه
۲/۳۱	۵/۴۵	۲۴/۴۶	۰/۳۷۶	تبلیغات
۱/۲۲۴	-۰/۰۰۸۸	۶/۳۷۹	۰/۶۸۹	مخارج سرمایه‌ای
۶۰۳۳۴/۹۰	-۷۷/۷۱۴۹	۲۰۰۰	۲۲۳۹/۸۴۶	بازده اولیه

آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

براساس نتایج آزمون مانایی (لوین لین و چو) مطابق نگاره (۲)، همه متغیرهای حاضر در سطح صفر مانا هستند.

نگاره (۳): مانایی متغیرها

متغیر	ضریب	احتمال	سطح پذیرش
نسبت خطر	-۱۳۶/۵۲۲	۰/۰۲۰	I (0)
تخصص مدیر عامل	-۱۳۴/۹۶۳	۰/۰۰۰	I (0)
مهارت مدیر عامل	-۱۶/۳۹۷	۰/۰۰۰	I (0)
عمر شرکت	-۲۱/۲۸۰	۰/۰۱۰	I (0)
فروش	-۱۰/۴۱۵	۰/۰۰۸	I (0)
حسابرسی	-۳/۲۳۲	۰/۰۰۰	I (0)
سودآوری	-۶/۵۰۴	۰/۰۲۰	I (0)
اهرم مالی	-۲۹/۷۲	۰/۰۰۰	I (0)
نسبت ارزش	-۸/۲۴۴	۰/۰۰۰	I (0)
تحقیق و توسعه	-۱۸/۳۷۲	۰/۰۰۵	I (0)
تبلیغات	-۱۴/۰۱۲	۰/۰۰۰	I (0)
مخارج سرمایه‌ای	-۱۴/۳۷۲	۰/۰۰۰	I (0)
بازده اولیه	-۱۱/۷۱۷	۰/۰۰۵	I (0)

آزمون فرضیه اول پژوهش

همانطور که در نگاره (۳) مشاهده می‌شود، برای بررسی درستی مدل، از معیارهای ضریب تعیین (R^2)، ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj.R^2$) و آماره دورین واتسون ($D-W$) و برای بررسی معنی‌داری مدل نیز از آماره F استفاده شده است. مقدار ضریب تعیین 0.730 و ضریب تعیین تعدیل شده برابر 0.726 است. بنابراین، قدرت توضیح‌دهندگی و برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد. آماره دورین واتسون برابر با $1/63$ است و از آنجا که بازه $1/5$ تا $2/5$ نشان‌دهنده عدم وجود خود همبستگی مرتبه اول است، بنابراین خودهمبستگی مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر با $173/72$ و مقدار احتمال آن برابر با $0/0000$ است و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از $0/05$ است، بنابراین معنی‌داری مدل تأیید می‌شود. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون تی‌استودنت و ضریب رگرسیونی مدل ($Beta = -0.375561$)، تخصص مدیرعامل دارای رابطه معنی‌داری و منفی با متغیر شکست در عرضه عمومی اولیه است. بنابراین، احتمال کمتری برای شکست در عرضه اولیه عمومی شرکت‌ها با حضور مدیران ارشد اجرایی متخصص متصور است.

در واقع ضریب منفی حاکی از آن است که شرکت‌های عرضه اولیه که توسط مدیر عامل متخصص اداره می‌شوند، با احتمال خطر شکست کمتری مواجه هستند. نسبت خطر (۰/۳۵۱) نشان می‌دهد که ریسک شکست شرکت‌های عرضه اولیه با مدیرعامل متخصص ۳۵ درصد از ریسک شکست شرکت‌ها با مدیرعامل غیرمتخصص، کمتر است. همچنین، ضرایب متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که شرکت‌های در حال رشد و سودآور دارای مدیرعامل متخصص هستند که این مساله منجر به احتمال کمتر شکست در عرضه اولیه عمومی سهام آنها می‌شود. اهرم مالی تأثیر قابل توجهی بر احتمال شکست شرکت‌های عرضه اولیه دارد و ارتباط قابل توجهی بین بقای شرکت‌های عرضه اولیه و تصمیمات سرمایه‌گذاری راهبردی از جمله هزینه‌های تحقیق و توسعه و هزینه‌های سرمایه آنها یافت شد. مطابق با پژوهش جین و مارتین (۲۰۰۵) بقای شرکت‌های عرضه اولیه که توسط موسسات حسابرسی با کیفیت بالا، حسابرسی می‌شوند، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در این پژوهش نیز ارتباط معنی‌داری بین این دو متغیر یافت شد.

آزمون فرضیه دوم پژوهش

همانطور که در نگاره شماره (۴) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین ۰/۶۶۱ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۶۵۵ است. بنابراین، قدرت توضیح‌دهندگی و برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد. آماره دوربین واتسون برابر با ۲ است و از آنجا که بازه ۱/۵ تا ۲/۵ نشان‌دهنده عدم وجود خود همبستگی مرتبه اول است، بنابراین خودهمبستگی مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر با ۱۲۵/۱۳ و مقدار احتمال آن برابر با ۰/۰۰۰۰ است و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین معنی‌داری مدل تأیید می‌شود. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون تی استودنت و ضریب رگرسیونی مدل (۰/۰۰۰۰۰۰۲۷۳) $\beta =$ ، مهارت عمومی مدیرعامل دارای رابطه معنی‌داری و مثبتی با متغیر شکست در عرضه عمومی اولیه است. بنابراین، احتمال بیشتری برای شکست در عرضه اولیه عمومی شرکت‌ها با حضور مدیران ارشد اجرایی عمومی متصور است. به عبارتی، ضریب مثبت نشان می‌دهد که شرکت‌های عرضه اولیه که توسط مدیرعامل عمومی اداره می‌شوند، با احتمال خطر شکست بیشتری مواجه هستند. نسبت خطر (۱/۷۲۷) از شاخص مهارت مدیرعامل نشان می‌دهد که برای هر واحد افزایش شاخص توانایی‌های عمومی، خطر شکست در شرکت به میزان ۷۲/۱ درصد افزایش می‌یابد.

نگاره (۳): برازش مدل فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب رگرسیونی	t آماره	احتمال	نسبت خطر شکست
تخصص مدیرعامل	-۰/۳۷۵۵۶۱	-۴/۶۷۴۵۲۱	۰/۰۰۰۰	۰/۳۵۱
سن شرکت	-۰/۰۰۵۰۵۶	-۰/۲۷۳۲۳۴	۰/۷۸۴۸	۰/۴۱۳
فروش	-۰/۰۱۹۳۹۳	-۱/۱۰۷۳۵۱	۰/۲۶۸۷	۰/۵۵۳
شرکت بزرگ حسابرسی	۱/۱۸۰۶۵۱	۱۲/۵۵۶۳۱	۰/۰۰۰۰	۰/۶۸۷
سود آوری	-۲/۱۳۶۲۵۶	-۱۰/۵۶۱۸۲	۰/۰۰۰۰	۰/۴۲۵
اهرم مالی	۰/۹۵۴۴۱۹	۱۷/۲۵۲۴۴	۰/۰۰۰۰	۰/۶۴۳
نسبت ارزش	۰/۰۱۱۷۸۲	۰/۱۴۹۵۱۸	۰/۸۸۱۲	۰/۱۲۵
تحقیق و توسعه	۰/۰۰۰۰۰۰۲	۳/۵۹۲۱۵۸	۰/۰۰۰۴	۰/۴۷۹
تبلیغات	-۰/۰۰۹۸۱۹	-۰/۵۰۹۳۲۲	۰/۶۱۰۷	۰/۲۱۳
مخارج سرمایه ای	۰/۱۱۳۴۷۰	۲/۹۳۲۹۵۲	۰/۰۰۳۵	۱/۷۸۱
بازده اولیه	۰/۲۰۴۱۸۷	۲/۹۷۴۰۷۰	۰/۰۰۳۱	۰/۶۶۲
ضریب ثابت	-۷/۸۲۳۵۹۷	-۱۸/۱۷۷۲۹	۰/۰۰۰۰	
ضریب تعیین	۰/۷۳۰	F آماره	۱۷۳/۷۲ (۰/۰۰۰)	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۲۶	دوربین واتسون	۱/۶۳	

نگاره (۴): برازش مدل فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضریب رگرسیونی	t آماره	احتمال	نسبت خطر شکست
مهارت عمومی مدیر عامل	۰/۰۰۰۰۰۰۰۲۷۳	۳/۷۶۲۰۴۷	۰/۰۰۰۰۲	۱/۷۲۱
سن شرکت	۰/۶۰۶۲۹۱	۳/۲۲۶۴۶۵	۰/۰۰۱۳	۰/۵۰۳
فروش	۰/۰۰۰۰۰۰۵۵۳	۲۸/۹۳۹۶۲	۰/۰۰۰۰	۰/۵۲۱
شرکت بزرگ حسابرسی	۰/۱۱۰۵۷۶	۲/۴۰۵۱۴۴	۰/۰۱۶۵	۰/۴۷۱
سود آوری	-۰/۱۵۲۷۴۳	-۰/۹۳۲۹۱۱	۰/۳۵۱۳	۱/۵۳۸
اهرم مالی	۰/۰۱۹۲۱۲	۰/۳۹۴۹۳۸	۰/۶۹۳۱	۰/۳۲۱
نسبت ارزش	-۰/۲۴۸۱۶۴	-۲/۳۳۵۶۶۵	۰/۰۱۹۹	۰/۸۴۷
تحقیق و توسعه	برای	۱/۸۵۰۱۰	۰/۰۴۸۸	۲/۴۱۷
تبلیغات	۰/۹۳۵۶۳۲	۳/۱۹۷۶۲۹	۰/۰۰۱۵	۰/۸۷۴
مخارج سرمایه ای	۰/۰۰۰۰۰۰۳۷	۱۲/۴۵۸۵۴	۰/۰۰۰۰	۰/۶۵۲
بازده اولیه	۰/۲۷۳۱۹۱	۳/۸۱۶۱۵۱	۰/۰۰۰۰۲	۰/۴۱۲
ضریب ثابت	-۴/۶۳۳۷۶۹	-۳/۲۰۹۴۸۰	۰/۰۰۱۴	
ضریب تعیین	۰/۶۶۱	F آماره	۱۲۵/۱۳ (۰/۰۰۰)	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۵۵	دوربین واتسون	۲	

نتیجه گیری

این پژوهش به بررسی تأثیر مدیران اجرایی ارشد در احتمال شکست و پایداری شرکت‌های دارای عرضه اولیه عمومی سهام طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ پرداخته است. در این پژوهش، ارتباط میان مدیران اجرایی ارشد متخصص در احتمال شکست یا بقاء شرکت‌های عرضه اولیه در دوره‌های پس از عرضه اولیه بررسی شد. با استفاده از تحلیل بقاء، می‌توان پی برد که شرکت‌های عرضه اولیه با مدیریت اجرایی متخصص دارای احتمال شکست پایین‌تر و بقای بلندمدت‌تر هستند. این نتایج با نتایج پژوهش‌کاستودیو و همکاران (۲۰۱۳)، براکمن و همکاران (۲۰۱۶) و مکلی (۲۰۰۸) که بیان کردند، مدیران اجرایی متخصص بر خلاف مدیران اجرایی

عمومی خدمات قابل توجهی به بقاء شرکت‌های عرضه اولیه ارائه می‌دهند، مطابقت دارد و با نظریه ایلنون بالا (پلکان بالاتر) از همبریک و مسون (۱۹۸۴) که فرض می‌کند، ویژگی‌ها و تجربیات مدیریتی می‌تواند بر تصمیم‌گیری مدیران ارشد و به تبع بر نتایج سازمانی تأثیرگذار باشد، در تضاد است. به عبارتی، با توجه به نتایج فرضیه‌های پژوهش می‌توان استنباط نمود که شرکت‌های عرضه اولیه با مدیرعامل متخصص نسبت به شرکت‌هایی که دارای مدیرعامل عمومی هستند، با ریسک پایین‌تر و بقای طولانی‌تری مواجه هستند. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که مدیران اجرایی متخصص نقش موثری در ادامه بقا شرکت‌های عرضه اولیه عمومی دارند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که توانایی‌های مدیران متخصص، پیامدهای قابل توجهی در عملکرد شرکت‌های تازه ثبت شده ایجاد می‌کند. علاوه بر این، مدیران متخصص می‌توانند انگیزه‌هایی در راستای اهداف شرکت و سهامداران بوجود آورند و موجب افزایش پایداری شرکت‌های عرضه اولیه در بلندمدت شوند. بنابراین، سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های عرضه اولیه عمومی می‌توانند این شاخص‌ها را مورد توجه قرار دهند.

پیشنهادات

با توجه به اینکه تخصص مدیرعامل بر تصمیمات آنها موثر است و می‌تواند بقای شرکت‌های عرضه اولیه را تحت تأثیر قرار دهد، در تحقیقات آتی می‌توان ویژگی‌های شخصیتی مدیران از قبیل اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی و سبک‌های مدیریتی را بر بقای شرکت‌های دارای عرضه اولیه بررسی نمود. همچنین، به نظر می‌رسد شرکت‌هایی با مدیران متخصص، بعلاوه آشنایی با استانداردهای حسابداری نسبت به سایر شرکت‌ها، صورت‌های مالی با کیفیت‌تری داشته باشند، بنابراین بررسی این موضوع می‌تواند مفید باشد. مدل رگرسیونی این پژوهش برای شرکت‌های عرضه اولیه در نظر گرفته شده است، بنابراین تحقیق حاضر می‌تواند برای تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار انجام گیرد و اثر تخصص مدیران بر عملکرد و احتمال ورشکستگی شرکت‌ها بررسی شود.

بی‌نوشت

۱ Upper echelons theory ۲ Altman

منابع

- Alhadab, M. , Clacher, I. , & Keasey, K. (2015). Real and accrual earnings management and IPO failure risk. *Accounting and Business Research*, 45 (1) , 55-92.
- Altman, E. I. (1968). Financial ratios, discriminant analysis and the prediction of corporate bankruptcy. *The journal of finance*, 23 (4) , 589-609.
- Barry, C. B. , & Mihov, V. T. (2015). Debt financing, venture capital, and the performance of initial public offerings. *Journal of Banking & Finance*, 58, 144-165.
- Bertrand, M. , & Schoar, A. (2003). Managing with style: The effect of managers on firm policies. *The Quarterly journal of economics*, 118 (4) , 1169-1208.
- Brockman, P. , Lee, H. S. G. , & Salas, J. M. (2016). Determinants of CEO compensation: Generalist–specialist versus insider–outsider attributes. *Journal of Corporate Finance*, 39, 53-77.
- Boulton, T. J. , & Campbell, T. C. (2016). Managerial confidence and initial public offerings. *Journal of Corporate Finance*, 37, 375-392.
- Charitou, A. , Louca, C. , & Vafeas, N. (2007). Boards, ownership structure, and involuntary delisting from the New York Stock Exchange. *Journal of Accounting and Public Policy*, 26 (2) , 249-262.
- Crossland, C. , Zyung, J. , Hiller, N. J. , & Hambrick, D. C. (2014). CEO career variety: Effects on firm-level strategic and social novelty. *Academy of Management Journal*, 57 (3) , 652-674.
- Custódio, C. , & Metzger, D. (2013). How do CEOs matter? The effect of industry expertise on acquisition returns. *The Review of Financial Studies*, 26 (8) , 2008-2047.
- Dasgupta, S. , & Ding, F. (2010). Search intermediaries, internal labor markets, and CEO pay. *Internal Labor Markets, and CEO Pay* (November 10, 2010).
- Demers, E. , & Joos, P. (2007). IPO failure risk. *Journal of Accounting Research*, 45 (2) , 333-371.
- Dragoni, L. , Oh, I. S. , Vankatwyk, P. , & Tesluk, P. E. (2011). Developing executive leaders: The relative contribution of cognitive ability, personality, and the accumulation of work experience in predicting strategic thinking competency. *Personnel psychology*, 64 (4) , 829-864.
- Mousa, F. T. , Ritchie, W. J. , & Reed, R. (2014). Founder-CEO board involvement and optimal IPO valuation. *Management Decision*.
- Frydman, C. , & Jenter, D. (2010). CEO compensation. *Annu. Rev. Financ. Econ.* , 2 (1) , 75-102.
- Gao, N. , & Jain, B. A. (2011). Founder CEO management and the long-run investment performance of IPO firms. *Journal of Banking & Finance*, 35 (7) , 1669-1682.

- Giannetti, M. (2011). Serial CEO incentives and the structure of managerial contracts. *Journal of Financial Intermediation*, 20 (4) , 633-662.
- Graham, J. R. , Harvey, C. R. , & Puri, M. (2013). Managerial attitudes and corporate actions. *Journal of financial economics*, 109 (1) , 103-121.
- Garicano, L. , & Rossi-Hansberg, E. (2006). Organization and inequality in a knowledge economy. *The Quarterly journal of economics*, 121 (4) , 1383-1435.
- Gounopoulos, D. , & Pham, H. (2018). Specialist CEOs and IPO survival. *Journal of Corporate Finance*, 48, 217-243.
- Hayward, M. L. A. , V. P. Rindova, and T. G. Pollock. 2004. Believing one's own press: the causes and consequences of CEO celebrity. *Strategic Management Journal* 25 (7): 637-653.
- Hayward, M. L. , Rindova, V. P. , & Pollock, T. G. (2004). Believing one's own press: The causes and consequences of CEO celebrity. *Strategic Management Journal*, 25 (7) , 637-653.
- Hambrick, D. C. , Geletkanycz, M. A. , & Fredrickson, J. W. (1993). Top executive commitment to the status quo: Some tests of its determinants. *Strategic Management Journal*, 14 (6) , 401-418.
- Hensler, D. A. , Rutherford, R. C. , & Springer, T. M. (1997). The survival of initial public offerings in the aftermarket. *Journal of Financial Research*, 20 (1) , 93-110.
- Huang, R. , Tan, K. J. K. , & Faff, R. W. (2016). CEO overconfidence and corporate debt maturity. *Journal of Corporate Finance*, 36, 93-110.
- Hu, C. , & Liu, Y. J. (2015). Valuing diversity: CEOs' career experiences and corporate investment. *Journal of Corporate Finance*, 30, 11-31.
- Hubbard, R. G. , & Palia, D. (1995). Executive pay and performance evidence from the US banking industry. *Journal of financial economics*, 39 (1) , 105-130.
- Jain, B. A. , & Kini, O. (2000). Does the presence of venture capitalists improve the survival profile of IPO firms?. *Journal of Business Finance & Accounting*, 27 (9-10) , 1139-1183.
- Jain, B. A. , & Kini, O. (2008). The impact of strategic investment choices on post-issue operating performance and survival of US IPO firms. *Journal of business finance & accounting*, 35 (3-4) , 459-490.
- Jain, B. A. , & Kini, O. (2000). Does the presence of venture capitalists improve the survival profile of IPO firms?. *Journal of Business Finance & Accounting*, 27 (9-10) , 1139-1183.
- Jenkinson, T. , Ljungqvist, A. , & Ljungqvist, A. P. (2001). *Going public: The theory and evidence on how companies raise equity finance*. Oxford University Press on Demand.
- Jensen, M. C. , & Meckling, W. H. (1979). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. In *Economics social institutions* (pp. 163-231). Springer, Dordrecht.
- Kaplan, S. N. , Klebanov, M. M. , & Sorensen, M. (2012). Which CEO characteristics and abilities matter?. *The Journal of Finance*, 67 (3) , 973-1007.

- King, T. , A. Srivastav, and J. Williams. 2016. What's in an education? Implications of CEO education for bank performance. *Journal of Corporate Finance* 37: 287-308
- King, T. , Srivastav, A. , & Williams, J. (2016). What's in an education? Implications of CEO education for bank performance. *Journal of Corporate Finance*, 37, 287-308.
- Kordestani, Gh. R. , Tatali, R. , KothariFar, H. (2014). Estimation of the predictive power of Altman's modified model from Newton financial distress and corporate bankruptcy. *Investment Knowledge* 3 (9) , 83-100.) In Persian (.
- Li, X. , Pukthuanthong, K. , Walker, M. G. , & Walker, T. J. (2016). The determinants of IPO-related shareholder litigation: The role of CEO equity incentives and corporate governance. *Journal of Financial Markets*, 31, 81-126.
- Loughran, T. , Ritter, J. R. , & Rydqvist, K. (1993). Initial public offerings: International insights. Center for International Business Education and Research, College of Commerce and Business Administration, University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Malmendier, U. , & Tate, G. (2005). CEO overconfidence and corporate investment. *The journal of finance*, 60 (6) , 2661-2700.
- Mishra, D. R. (2014). The dark side of CEO ability: CEO general managerial skills and cost of equity capital. *Journal of Corporate Finance*, 29, 390-409.
- Murphy, K. J. , & Zabochnik, J. (2004). CEO pay and appointments: A market-based explanation for recent trends. *American economic review*, 94 (2) , 192-196.
- Nakhemi, H. & Emidian, M. (2015). The relationship between companies' performance after the initial public offering and the time elapsed for their admission to the Tehran Stock Exchange. *Third International Conference on Accounting and Management with New Science Research Approach*, Tehran. (In Persian (.
- Nicholson, N. , Soane, E. , Fenton-O'Creevy, M. , & Willman, P. (2005). Personality and domain-specific risk taking. *Journal of Risk Research*, 8 (2) , 157-176.
- Orens, R. , & Reheul, A. M. (2013). Do CEO demographics explain cash holdings in SMEs?. *European Management Journal*, 31 (6) , 549-563
- Quigley, T. J. , & Hambrick, D. C. (2015). Has the "CEO effect" increased in recent decades? A new explanation for the great rise in America's attention to corporate leaders. *Strategic Management Journal*, 36 (6) , 821-830.
- Ragozzino, R. , Shafi, K. , & Blevins, D. P. (2017). The effects of pre-IPO corporate activity on newly-public firms' growth. *Long Range Planning*, 51 (2) , 219-233.
- Ritter, J. R. , & Welch, I. (2002). A review of IPO activity, pricing, and allocations. *The journal of Finance*, 57 (4) , 1795-1828.
- Sanders, W. G. , & Hambrick, D. C. (2007). Swinging for the fences: The effects of CEO stock options on company risk taking and performance. *Academy of Management Journal*, 50 (5) , 1055-1078.

- ShafiPour, S. , M. , JalaliAliabadi, F. (1394). IPOsurvival: profit management and ownership structure. *Empirical Accounting Research*, 4 (4) , 17-32.) In Persian (.
- Serfling, M. A. (2014). CEO age and the riskiness of corporate policies. *Journal of Corporate Finance*, 25, 251-273.
- Schultz, P. (1993). Unit initial public offerings: A form of staged financing. *Journal of Financial Economics*, 34 (2) , 199-229.
- Tesluk, P. E. , & Jacobs, R. R. (1998). Toward an integrated model of work experience. *Personnel psychology*, 51 (2) , 321-355.
- Vardaman, J. M. , Allen, D. G. , Renn, R. W. , & Moffitt, K. R. (2008). Should I stay or should I go? The role of risk in employee turnover decisions. *Human Relations*, 61 (11) , 1531-1563.
- Xuan, Y. (2009). Empire-building or bridge-building? Evidence from new CEOs' internal capital allocation decisions. *The Review of Financial Studies*, 22 (12) , 4919-4948.



فراز و فرود استقرار نظام بودجه‌بندی عملیاتی در ایران و

بررسی تطبیقی کشور هلند

جعفر باباجانی^۱، امیر عباس صاحبقرانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۷

مقاله ترویجی

چکیده

بودجه به عنوان سندی که حاوی اطلاعات مربوط به منابع و نحوه مصرف آن است، یکی از مهمترین اجزای نظام پاسخگویی در بخش عمومی بوده که در دهه‌های اخیر و تحت تأثیر پارادایم مدیریت نوین در بخش عمومی دستخوش تغییر و تحولات متعددی گردیده است. در ایران نیز طی سال‌های اخیر مباحث متعددی در رابطه با ضرورت اصلاح نظام بودجه‌بندی و ورود به حوزه عملیاتی کردن بودجه مطرح شده است که با توجه به ساختار فعلی نظام حسابداری و گزارشگری مالی در دستگاه‌های اجرایی کشور، حصول به این مهم با چالش‌های اساسی همراه است. بر این اساس و با توجه به ضرورت استفاده از تجربیات کشورهای پیشرو در بحث عملیاتی کردن بودجه، پژوهش حاضر با انجام یک بررسی تطبیقی، ابعاد و چالش‌های عملیاتی کردن بودجه در کشور هلند را مورد بررسی قرار داده است. لازم به ذکر است کشور مذکور طی یک بازه زمانی ۲۰ ساله موفق گردید اولین بودجه خود که به روش عملیاتی تهیه گردیده را در سال ۲۰۰۱ به پارلمان تقدیم نماید. با توجه به تجربه کشور مذکور به نظر می‌رسد آنچه در فرآیند تحقق نظام بودجه‌بندی عملیاتی حائز اهمیت است، بهبود زیرساخت‌های نظام بودجه‌بندی همچون سیستم حسابداری و گزارشگری مالی به منظور اصلاح سنجش بهای تمام شده پروژه‌ها بوده و نهایتاً تعریف دقیق شاخص‌های کمی ارزیابی نحوه حصول به اهداف بودجه عملیاتی نیز نقش بسزایی در موفقیت اجرای بودجه‌بندی عملیاتی خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: بودجه‌بندی عملیاتی، کشور هلند، مدیریت عمومی نوین، نظام پاسخگویی، نظام حسابداری و گزارشگری مالی.

طبقه‌بندی موضوعی: H61، H83

DOI: 10.22051/ijar.2019.23119.1452

^۱ استاد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (jafar.babajani@gmail.com)

^۲ دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، نویسنده مسئول (abbas_sahebgharani@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

بودجه مهمترین سندی است که توسط دولت به عنوان بزرگترین نهاد بخش عمومی کشور تنظیم می‌شود و حاوی تمام برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت است. با تغییر وظایف دولت‌ها و افزایش سریع هزینه‌های بخش عمومی، کنترل مخارج به تدریج اهمیت خود را از دست داده و بهبود در سیستم‌های برنامه‌ریزی، کنترل و مدیریت بخش عمومی، جایگزین آن گردیده است (باباجانی و رسولی، ۱۳۹۰). مجموعه این عوامل منجر به شکل‌گیری موجی از اصلاحات سازمانی، مدیریتی و حسابداری در اغلب کشورها به ویژه کشورهای اروپایی گردید که از آن تحت عنوان مدیریت عمومی نوین یاد می‌شود. مشخصه اصلی این پارادایم مدیریتی، استفاده از ساز و کارهای مدیریتی نهادهای انتفاعی بخش خصوصی در نهادهای بزرگ بخش عمومی با هدف ارتقای اثربخشی، کارایی و صرفه‌ی اقتصادی این نهاد و ایجاد تحول در زیر سیستم‌های نظام مدیریت عمومی همانند سیستم حسابداری و گزارشگری مالی و به تبع آن تحول در نظام بودجه‌بندی از مدل سنتی یا برنامه‌ای به عملیاتی است (بارتون، ۱۹۹۹). در واقع در این نظام مدیریتی، تفکر بر آن است که به دلیل ارتقای سطح مطالبات شهروندی، دایر بر افزایش سطح پاسخگویی دولت‌ها در قبال مصرف‌کنندگان، کارا و همراه با صرفه اقتصادی منابع در اختیار، دولت‌ها باید حیطه پاسخگویی خود را افزایش دهند که انجام این مهم میسر نیست مگر از طریق ارتقای زیرسیستم‌های نظام پاسخگویی و به ویژه سیستم بودجه‌بندی که یکی از مهمترین اجزای این نظام است (باباجانی، ۱۳۹۵). با عملیاتی شدن بودجه، ارتباط بین منابعی که برای نهادهای بخش عمومی فراهم می‌گردد، با خروجی‌ها و اثربخشی این منابع تقویت می‌شود (راینسون، ۲۰۰۸). از سوی دیگر، با توجه به مطالعات صورت گرفته ۲، نقشه راه واحدی برای استقرار نظام بودجه‌بندی عملیاتی وجود ندارد و کشورهای پیشرو در این زمینه از رویکردهای متعددی، اقدام به دستیابی به این مهم نموده‌اند. بنابراین، تجربه هر کدام از این کشورها حاکی از تنوع در رویه‌ها است. به همین جهت در این پژوهش تلاش شده است تا با یک رویکرد مبتنی بر بررسی تطبیقی، فراز و فرود استقرار نظام بودجه‌بندی عملیاتی در کشور هلند مورد بررسی قرار گیرد تا از رهگذر این بررسی، نکات قابل توجه در پیاده‌سازی نظام بودجه‌بندی عملیاتی مشخص گردد. به عقیده نگارندگان این پژوهش، بخش عمده‌ای از چالش‌های پیش‌روی کشور هلند در استقرار نظام بودجه‌بندی عملیاتی، در ایران نیز موضوعیت دارد. لازم به ذکر است کشور

هلند اولین بودجه خود به شیوه عملیاتی را در سال ۲۰۰۱ به پارلمان تقدیم نمود و هم اکنون تمرکز این کشور بر اصلاح رویه‌های شناسایی و اندازه‌گیری مخارج، علی‌الخصوص مخارج سرمایه‌ای، معطوف بوده تا مخارج انجام شده منطبق با درآمدهای در دسترس باشد (کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۸).

سیر تاریخی تحول در نظام بودجه‌بندی

با نگاهی گذرا به سیر تطور نظام‌های بودجه‌بندی در دنیا به طور کلی می‌توان آنها را در ۳ طبقه کلی زیر دسته بندی نمود (باباجانی، ۱۳۹۵).

بودجه متداول^۳

در این نوع بودجه‌بندی اعتبارات در بودجه سالانه به تفکیک فصول و مواد هزینه منظور می‌گردد. در این روش، نوع و ماهیت هزینه‌ها نشان داده می‌شود، اما مشخص نمی‌گردد که هر هزینه به منظور رسیدن به کدام هدف یا اجرای کدام برنامه یا فعالیت خاص انجام شده است (باباجانی و اقوامی، ۱۳۸۲). در چنین سیستمی مصرف منابع با هدف‌هایی که نهاد عمومی دنبال می‌کند و کالا و خدماتی که تولید می‌کند، مرتبط نیست. از منظر پاسخگویی نیز بودجه‌بندی مورد بحث از ظرفیت محدودی برخوردار بوده و نهادهای مصرف‌کننده بودجه، صرفاً از نظر مصرف منابع مالی در چارچوب طبقه‌بندی‌های مرسوم نظیر فصول و مواد هزینه، مسئولیت پاسخگویی داشته و نظارت مالی و پاسخگویی مالی نیز به همان میزان محدود شده است.

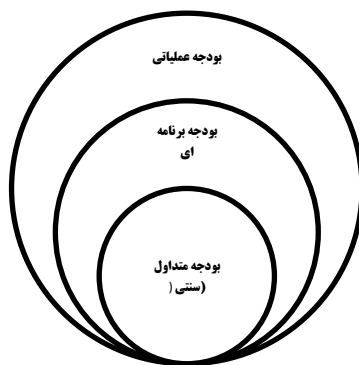
بودجه برنامه‌ای^۴

در این نوع بودجه‌بندی، اعتبارات بر حسب وظایف، برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که نهادهای عمومی در سال مالی اجرای بودجه و برای رسیدن به اهداف خود می‌بایست انجام دهند، پیش‌بینی می‌گردد. به عبارت بهتر در این روش ابتدا مشخص می‌گردد نهادهای دریافت‌کننده بودجه چه اهدافی داشته و سپس برآورد می‌گردد به منظور حصول به این اهداف چه میزان منابع مالی مورد نیاز است. تفاوت این روش با روش بودجه‌بندی متداول نیز در این است که در بودجه متداول یا سنتی سهم دستگاه‌های دریافت‌کننده بودجه در قالب فصول و مواد هزینه پیش‌بینی می‌شود، در حالی که در بودجه برنامه‌ای اهداف این دستگاه‌ها در قالب وظایف مشخص

تشریح شده و سپس راه‌های انجام وظایف در قالب برنامه‌ها و فعالیت‌ها بیان می‌گردد و نهایتاً منابع مالی مورد نیاز برای اجرای آنها برآورد می‌شود.

بودجه عملیاتی^۵

بودجه عملیاتی برنامه سالانه‌ای است که رابطه میان میزان منابع تخصیص یافته به هر برنامه با نتایج بدست آمده از اجرای آن برنامه را نشان می‌دهد. در این نوع بودجه‌بندی، منابع بودجه به اهداف مورد نظر در قالب برنامه به نحوی کارا و اثربخش تخصیص می‌یابد، در نتیجه عامل صرفه اقتصادی و اثربخشی نیز به ابعاد سنتی بودجه اضافه می‌گردد (مک گیل، ۲۰۰۹). در بودجه بندی عملیاتی، منابع مالی به کار رفته در برنامه‌ها و عملیات، با خدمات و کالاهای تولید شده و محصول نهایی در هر یک از واحدهای سازمانی که اجرای عملیات و وظایف را بر عهده دارند، ارتباط داده می‌شود. تهیه و اجرای بودجه عملیاتی در نهادهای عمومی مستلزم به کاربردن حسابداری تعهدی به منظور تعیین هزینه‌های واقعی برنامه‌ها و فعالیت‌ها است. همچنین، هماهنگی و یکنواختی طبقه‌بندی‌های بودجه‌ای و حسابداری و تطبیق آنها با ترکیب سازمانی نهادهای عمومی از یک طرف و ارتباط وظایف برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی و حسابداری از طرف دیگر، از ضروریات بودجه عملیاتی و ایجاد اطلاعات کافی برای مدیریت منابع و وجوه عمومی است. به‌طور کلی ارتباط سه مدل بودجه‌بندی را می‌توان در شکل ۱ خلاصه نمود.



شکل (۱): ارتباط مدل‌های مرسوم بودجه‌بندی در دنیا

فواید بودجه‌بندی عملیاتی که در آن بودجه به عنوان وسیله‌ای جهت برنامه‌ریزی اقتصادی و اجرای برنامه‌ها و مدیریت عملکرد است شامل موارد زیر است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۰):

- در یک نظام میان خروجی^۶ بین فعالیت‌ها، اقدامات دستگاه‌های اجرایی، مأموریت‌ها و وظایف کلان دولت ارتباط روشنی برقرار می‌گردد.
- پیامد^۷ فعالیت‌ها و اقدامات دستگاه‌های اجرایی بر روی اقتصاد کشور و میزان اثرات آن اندازه‌گیری و مدیریت می‌گردد.
- دربرگیرنده شاخص‌های شفاف عملکردی و نظام‌های ارزیابی عملکرد است.
- دربرگیرنده پاسخگویی در سطحی بالاتر همراه با پاداش و تنبیه است

آگاهی از فرآیند استقرار سیستم بودجه‌بندی عملیاتی در کشورهایی که طی سالیان متمادی برنامه‌ریزی به این مهم دست یافته‌اند، می‌تواند زمینه مناسبی را برای شناخت ابعاد مهم و کلیدی دستیابی به این فرآیند برای اجرا در ایران فراهم نماید. در کشور هلند مهمترین چالش‌های استقرار و تثبیت نظام بودجه‌بندی عملیاتی را می‌توان تحول در سیستم حسابداری و گزارشگری مالی و همچنین اندازه‌گیری میزان حصول به شاخص‌های تعریف شده در بودجه جدید، دانست.

فرآیند استقرار نظام بودجه‌بندی عملیاتی در کشور هلند

سابقه ورود به حوزه بودجه‌بندی و ایجاد تحول در نظام بودجه‌بندی کشور هلند به دهه ۱۹۸۰ میلادی بازمی‌گردد. به همین دلیل، این کشور یکی از باسابقه‌ترین کشورهای اروپایی در زمینه اصلاح ساختار مالی و بودجه‌ای خود به شمار می‌رود که یکی از دلایل عمده این اصلاحات وقوع پدیده‌ای به نام "بیماری هلندی" در ساختار اقتصاد این کشور بود که هلند را به تکافوی اصلاح ساختار نظام کلان اقتصادی خود، منجمله نظام بودجه‌بندی واداشت. اگرچه این کشور مبانی پیاده‌سازی بودجه عملیاتی را از دهه ۱۹۸۰ آغاز نمود، اما زمینه‌سازی جهت اجرای این پروژه مهم و اساسی در ساختار اقتصادی این کشور چیزی در حدود ۲۰ سال به طول انجامید. هلند اولین لایحه بودجه خود را که به ادعای دولت به صورت عملیاتی تهیه گردیده بود، در سال ۲۰۰۱ به پارلمان تقدیم نمود. با مطالعه فراز و فرود اصلاح ساختار بودجه‌ای هلند، می‌توان برنامه عملیاتی کردن بودجه در این کشور را به دو دسته‌ی کلی تقسیم نمود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۸)؛ در مرحله اول که از دهه ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۰۱ به طول انجامید، هلند زیرساخت‌های لازم جهت استقرار نظام بودجه‌بندی عملیاتی را فراهم نمود که یکی از بخش‌های مهم تغییرات در این دوران، اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری مالی بود. به عبارت

دیگر، اطلاعات بر آوردی بودجه که در نظام جدید در قالب برنامه‌ها و فعالیت‌ها بیان می‌گردید، هنگامی مبنای لازم جهت ایفای مسئولیت پاسخگویی مالی و عملیاتی را در اختیار ذی‌نفعان قرار می‌داد که با اطلاعات واقعی استخراج شده از سیستم حسابداری و گزارشگری مالی قابلیت مقایسه داشته باشد و از سوی دیگر سیستم حسابداری و گزارشگری مالی نیز، می‌بایست اطلاعات لازم را جهت برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی در سال‌های آتی فراهم نماید. بنابراین دستیابی به یک بودجه عملیاتی از کانال یک سیستم حسابداری مناسب امکان‌پذیر بود که از قابلیت‌های لازم مثل محاسبه بهای تمام شده طرح‌ها و پروژه‌ها برخوردار باشد.

دوره دوم در بودجه‌بندی عملیاتی کشور هلند از سال ۲۰۰۱ به بعد و پس از استقرار بودجه عملیاتی در این کشور آغاز گردید. در این دوران پس از تعریف اهداف و مأموریت‌های اصلی دستگاه‌های دریافت‌کننده بودجه، عمده‌ترین دغدغه دولت تعریف شاخص‌هایی بود که بتوان به‌طور قابل‌اتکا، میزان حصول به اهداف را از طریق این شاخص‌ها اندازه‌گیری نمود. در طول این دوره، دولت هلند گاهی اهداف را بازنگری می‌نمود و گاهی به تغییر شاخص‌ها می‌پرداخت و این کار به‌طور مداوم و پیوسته ادامه می‌یافت، به طوری که بر اساس قوانین بودجه‌ای در این کشور شاخص‌های اندازه‌گیری میزان حصول به اهداف، هر ۵ سال یکبار می‌بایست مورد بازنگری اساسی^۸ قرار گرفته و به روز گردند. بنابراین و با توجه به مطالب عنوان شده، ساختار تشریح فرآیند عملیاتی کردن بودجه در هلند در ۴ بخش زیر تشریح می‌گردد:

- سیستم حسابداری عملیاتی (دهه ۱۹۸۰)
- تهیه بودجه عملیاتی (دهه ۱۹۹۰)
- اصلاح شاخص‌های ارزیابی میزان حصول به اهداف کلی
- راه پیش‌رو

سیستم حسابداری عملیاتی

در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دو اصلاح عمده در ساختار نظام پاسخگویی هلند ایجاد گردید؛ نخست، اصلاح سیستم حسابداری عملیاتی بود که از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ صورت پذیرفت و دوم عملیاتی کردن ساختار بودجه و ورود به حوزه پاسخگویی عملیاتی که از سال ۱۹۹۰ آغاز

گردید. نگاره ۲ ساختار کلی تغییرات در نظام حسابداری و بودجه‌بندی این کشور را نشان می‌دهد (گزارش وزارت امور اقتصادی هلند، ۲۰۰۸).

نگاره (۱): برنامه کلی عملیاتی کردن بودجه در هلند

ردیف	اصلاحات	اهداف	اقدامات صورت گرفته
۱	سیستم حسابداری عملیاتی ۱۹۸۰	شفافیت و اثربخشی	پاسخگویی مدیران از طریق اعطای اختیار به دولت‌های محلی در رابطه با مصرف صحیح منابع، افزایش یافت.
۲	تهیه بودجه عملیاتی ۱۹۹۰	شفافیت	خط‌مشی‌های تهیه بودجه در لایحه بودجه گنجانده شد. همچنین، برای اهداف عملیاتی در بودجه، شاخص‌های مناسبی تعریف گردید.
۳	تجدید نظر در شاخص‌های ارزیابی میزان حصول به اهداف کلی	اثربخشی	خط‌مشی‌های تهیه بودجه با کمک نهادهای انتفاعی و محافل دانشگاهی مورد بازنگری قرار گرفت و خط‌مشی‌های کلان نیز با کمک موسسه CBP تعیین گردید.
۴	راه پیش‌رو	شفافیت و اثربخشی	بر شفافیت هرچه بیشتر بودجه (به عنوان یک ابزار مرکزی جهت اعطای اختیار) و اصلاح پیوسته خط‌مشی‌های تهیه بودجه تمرکز شد.

سیستم حسابداری عملیاتی هنگامی مطرح شد که در اواخر دهه ۱۹۷۰ دولت با کسری بودجه شدیدی مواجه گردید (مخارج افزایش یافته و مطالبات مالیاتی زیادی ایجاد شد). تغییرات در سیستم حسابداری عملیاتی، شامل گسترش دامنه رویکرد اندازه‌گیری بود (در این اصلاحات بیشتر روی شناسایی مطالبات به منظور محاسبه درآمدهای قابل اتکای دولت تمرکز شده بود) که موجب گردید توجه دولت بر کنترل مخارج بیشتر شده و از ایجاد مخارج مازاد بر درآمدهای شناسایی شده پرهیز شود، تا از بروز کسری بودجه پیش‌بینی نشده جلوگیری گردد. از سوی دیگر، با استقرار نظام حسابداری جدید و برنامه‌ریزی‌های موازی جهت عملیاتی کردن بودجه (که بر پایه‌ی منابع و اهداف استوار بود)، اختیارات اعطایی به مدیران (افراد) که به منابع دسترسی داشته‌اند، نیز افزایش پیدا نمود و در عوض دامنه پاسخگویی آنها در ارتباط با نحوه برنامه‌ریزی‌های خود و همچنین در رابطه با نحوه استفاده از منابع وسیع‌تر شد. بنابراین، همزمان با استقرار نظام حسابداری عملیاتی، مدیران نیز از دو جنبه پاسخگو شدند که این دو حوزه عبارت بود از: نحوه برنامه‌ریزی و استفاده از منابع در اختیار. به همین دلیل، زیرساخت بودجه جدید، پاسخگویی مدیران در قبال نحوه استفاده از منابع را شکل داد که این مورد را می‌توان

یکی از مزایای این سیستم بودجه‌بندی به شمار آورد. علاوه بر این، در شیوه جدید هر وزیر می‌تواند با مدیران زیر مجموعه خود در رابطه با نحوه مصرف منابع در اختیار خود، قراردادی منعقد نموده و در پایان دوره مدیران در رابطه با کسری بودجه ایجاد شده و یا حتی مازاد بودجه ایجاد شده پاسخگو خواهند بود. از سوی دیگر، هنگام تدوین بودجه، مدیران راه‌های احتمالی در جهت مصرف بهینه منابع را در اختیار وزیر مربوطه و همچنین وزیر امور اقتصادی قرار خواهند داد و نهایتاً تصمیم نهایی در رابطه با نحوه مصرف منابع اتخاذ خواهد شد.

تغییر دیگری که در ساختار بودجه ایجاد گردید، کاهش کنترل وزیر امور اقتصادی در رابطه با میزان مخارج هر وزارتخانه بود که این امر در راستای اعطای اختیار به وزارتخانه‌های مختلف و مدیران آنها بود. بنابراین، چارچوبی جهت نحوه تمرکز اطلاعات بین وزارت امور اقتصادی و سایر وزارتخانه‌ها ایجاد گردید که سرعت انتقال اطلاعات بین وزارت امور اقتصادی و وزارتخانه انجام دهنده خرج را افزایش می‌داد و از سوی دیگر با افزایش سرعت تهیه بودجه، میزان تبادل اطلاعات بین دولت و پارلمان افزایش پیدا کرد. برای مثال، اولین بار لایحه تفریغ بودجه ۹ ماه پس از دوره عمل بودجه تقدیم پارلمان هلند شد، در صورتی که قبل از آن گزارش تفریغ بودجه سال ۱۹۷۸ در سال ۱۹۸۵ به پارلمان تقدیم شده بود. بنابراین، همانطور که عنوان شد با اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری مالی، اصلاحات در نظام مدیریتی نیز به‌طور پیوسته دنبال گردید و استقلال اعطایی به مدیران افزایش پیدا نمود. البته، در کنار این استقلال، افزایش قانون‌مداری و مدیریت مخارج دولتی نیز در دستور کار قرار گرفت و نهایتاً اولین بودجه با ساختار جدید در سال ۲۰۰۱ تقدیم پارلمان شد.

برنامه بودجه عملیاتی

فرآیند تهیه بودجه جدید که به اختصار VBTB^۹ نامیده شد، گام مهمی را در جهت شفافیت در ارائه لایحه بودجه تقدیمی به پارلمان ایفا نمود و موجب گردید نتایج فعالیت‌های دولت تا حدودی روشن شود؛ دلیل آن هم این بود که فرآیند جدید، دولت را قادر ساخته بود تا به جای آنکه بر ابزارهای اجرای بودجه متمرکز گردد، روی اهداف (نتایج اجرای ابزارها) متمرکز شده و حوزه دید خود را گسترده‌تر نماید که این امر تأثیر به‌سزایی بر هدف "اثربخشی" در تهیه بودجه بر جای گذاشت. از سوی دیگر، پارلمان هلند نقش مهمی را در آغاز این فرآیند ایفا

نمود و در دولت نیز تمامی وزارتخانه‌ها در سال ۲۰۰۱ موظف بودند تا ساختار بودجه‌ای جدید را (که اولین لایحه آن در همین سال به پارلمان تقدیم شده بود) در وزارتخانه متبوع خود پیاده نمایند. در این میان، وزارت امور اقتصادی نیز نقش هماهنگ کننده و ناظر اجرای فرآیند مذکور را بر عهده داشت. نهایتاً در طول استقرار نظام بودجه‌بندی عملیاتی، همواره سوالات اساسی زیر به عنوان چارچوب استقرار این نظام مد نظر قرار داشت:

- ۱) ما قصد به دست آوردن چه چیزی را داریم؟
- ۲) برای تحقق آن می‌بایست چه اقداماتی را انجام دهیم؟
- ۳) به چه میزان، اجازه هزینه کردن داریم؟
- ۴) آیا آنچه قصد دستیابی به آن را داریم، شدنی است؟
- ۵) آیا نسبت به آنچه که قرار است بدست آوریم شناخت کافی داریم؟
- ۶) آیا با این میزان منابع در اختیار این کار شدنی است؟

بنابراین، نظام جدید بودجه‌بندی به همراه سیستم حسابداری اصلاح شده جدید، در هلند به‌عنوان دو روی یک سکه، به کار گرفته شد و به صورت موازی اجرا شدند. نمونه‌ای از ساختار بودجه‌ی عملیاتی ایجاد شده در شکل ۲ به نمایش درآمده است:

<p>الف) هدف کلی</p> <p>- کودکان هلندی می‌بایست در محیطی سالم و ایمن رشد کنند.</p> <p>ب) خط‌مشی‌های تعریف شده به منظور حصول به این هدف</p> <p>- کودکان و خانواده‌های آنها، کمک‌هایی را به‌منظور رشد بهتر و ایجاد فضایی ایمن برای کودکان دریافت می‌نمایند.</p> <p>- کودکانی که دارای مشکلات روحی و جسمانی می‌باشند، کمک‌های ویژه‌ای را از دولت دریافت می‌نمایند.</p> <p>- نهادی تحت عنوان "موسسه ویژه جوانان" برای خدمت‌رسانی به جوانانی که دارای شرایط ویژه‌ای مثل نقص جسمانی هستند، تاسیس می‌گردد.</p> <p>ج) به‌منظور اندازه‌گیری میزان موفقیت هر یک از اهداف فوق، شاخص‌هایی تعریف می‌گردد. همچنین، اهداف فوق و تعهدات ایجاد شده در رابطه با آنها نباید از سقف بودجه تعیین شده برای آنها تجاوز نماید.</p>

شکل (۲): نمونه‌ای از ساختار بودجه‌بندی عملیاتی ایجاد شده

در سپتامبر ۲۰۰۶، هنگامی که لایحه بودجه با ساختار جدید برای ششمین بار به پارلمان هلند تقدیم شد، اذعان شد که فرآیند تهیه بودجه به شیوه‌ی عملیاتی دارای مشکلات عدیده‌ای است که از آن جمله می‌توان به زمان‌بر و دشوار بودن تهیه آن اشاره نمود. از سوی دیگر، اینطور به نظر می‌رسید که اهداف تهیه بودجه عملیاتی مثل افزایش میزان پاسخگویی مدیران هنوز به طور کامل محقق نگردیده است. بنابراین، این سوال مطرح شد که "مشکل کجاست؟". البته، ذکر این نکته لازم است که بودجه جدید مزایایی را نیز در برداشت که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- بودجه از نظر ساختاری شفاف‌تر شده بود، زیرا بودجه حول اهداف کلی و استراتژیک شکل گرفته بود و خط‌مشی‌های تعریف شده در آن به منظور تحقق اهداف بود. این امر، سبب گردید بندهای بودجه بیش از ۷۵ درصد کاهش یابد (از ۸۰۰ بند به ۲۰۰ بند).
- بندهای لحاظ شده در بودجه مختصر و کوتاه شده و از تفصیل و تشریح بیش از حد جلوگیری شده بود.

این ویژگی‌ها همانقدر که از نقاط قوت بودجه جدید به شمار می‌رفت، مشکلاتی را نیز به همراه داشت. برای مثال، این خلاصه‌گویی و اختصار در لایحه بودجه، فهم آن را سخت‌تر می‌نمود. از سوی دیگر، اصطلاحات فنی و تخصصی و محاسبات پیچیده مربوط به تعیین بهای تمام شده برخی پروژه‌ها، بر میزان پیچیدگی بودجه می‌افزود و این محاسبات در حدود ۲۰ درصد کل فضای بودجه را به خود اختصاص داده بود. همچنین، اطلاعات مربوط به نحوه ارتباط فعالیت‌ها با اهداف و خط‌مشی‌های تعریف شده برای ارزیابی آنها تا حدودی گنگ و نامفهوم بود و نهایتاً اهداف تعیین شده نیز بعضاً در قالب‌هایی مطرح می‌گردید که اندازه‌گیری آنها تقریباً غیرممکن بود. بنابراین، به نظر می‌رسید یک بروکراسی فنی و رسمی به منظور طفره رفتن از پاسخ به سوالات ایجاد شده در رابطه با بودجه، در حال شکل‌گیری بود. نگاره ۴ به اختصار مزایا و معایب سیستم بودجه‌بندی جدید را نشان می‌دهد.

نگاره (۲): مزایا و معایب بودجه‌بندی عملیاتی در هلند

مزایا	معایب
بودجه تا حدود زیادی کم حجم شده بود.	تهیه این شیوه بودجه مستلزم صرف زمان زیادی بود.
شفافیت در ارائه بودجه افزایش یافته بود.	ساختار بودجه از لحاظ فنی پیچیده تر شده بود.
تخصیص منابع بین پروژه‌ها دقیق تر شده بود.	اختصار در ارائه بودجه سبب به وجود آمدن نوعی ابهام در ساختار بودجه شده بود.
	اهداف بعضاً قابلیت اندازه‌گیری دقیق نداشتند.
	شاخص‌هایی که به منظور اندازه‌گیری اهداف تعریف گردیده بودند، دقیق نبودند.

تجدید نظر در شاخص‌های ارزیابی عملکرد

مشکلات مطرح شده در بالا موجب گردید تا از سال ۲۰۰۴، تجدید نظرهایی در ارائه لایحه بودجه صورت پذیرد که از آن تحت عنوان RPE یاد می‌گردد. این اصلاحات تصریح می‌نمود که وزارتخانه‌ها چگونه می‌بایست برای اهداف خود شاخص‌های ارزیابی مناسبی را تعریف نمایند. بنابراین، در تعریف شاخص‌های عملکرد تغییراتی صورت پذیرفت که این تغییرات به صورت مداوم و پیوسته صورت می‌پذیرفت. این اصلاحات در شاخص‌ها مستقیماً تحت نظر وزیر مربوطه صورت می‌پذیرفت. برنامه RPE سه ضابطه کلی را به منظور تعریف شاخص در نظر گرفت که این سه عامل عبارتند از معتبر بودن، اتکاپذیر بودن و مفید بودن شاخص. البته، پیاده‌سازی روش مذکور با چالش‌هایی همراه بود که از آن جمله می‌توان به این نکته اشاره کرد که اهداف کلی عمدتاً کیفی بودن، در صورتیکه شاخص‌های ارزیابی عملکرد قاعدتاً جنبه کمی داشته و در نتیجه در برخی موارد ارتباط مناسبی بین اهداف کیفی و شاخص-های ارزیابی اهداف که ماهیت کمی و آماری داشتند، برقرار نمی‌شد. این ارتباط ضعیف در بسیاری از موارد، ارزیابی مدیران را با مشکل مواجه می‌نمود و ایفای مسئولیت پاسخگویی مدیران را با ابهامات فراوان همراه می‌گرداند. برای مثال، به منظور اندازه‌گیری میزان ارتقای دانش و معلومات در جامعه (به عنوان یک هدف کلی)، نمی‌توان تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها (شاخص ارزیابی) را ملاک قرار داد، بنابراین مشکل اندازه‌گیری شاخص‌های ارزیابی عملکرد بحث‌های زیادی را ایجاد نمود. از سوی دیگر، اکثر پژوهش‌های مربوط به تعیین شاخص‌های عملکرد در هلند، توسط دانشگاه و نهادهای تخصصی که به صورت تئوریک در امر بودجه‌بندی عملیاتی تخصص

داشتند، صورت می‌پذیرفت. نتایج پژوهش‌های این نهادها تأثیر قابل توجهی را در تدوین یک شاخص برای اندازه‌گیری میزان حصول به اهداف کلی مندرج در بودجه داشت، در حالی که به درستی مشخص نبود این شاخص‌ها بر اساس چه معیارهایی لحاظ شده و به نظر می‌رسید بیشتر دارای پشتوانه تئوریک باشند، تا بر اساس نیازهای واقعی جامعه شکل گرفته باشند (به طور میانگین هر سال در حدود ۲۵۰ شاخص ارزیابی عملکرد در حوزه‌های مختلف توسط موسسات مذکور تدوین می‌شد). همچنین، بر اساس اطلاعات اعلام شده توسط این موسسات بخشی از منابع آنها جهت تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد مصرف می‌شد که این شاخص‌ها عبارت بودند از انتظارات جامعه، میزان رضایت مصرف‌کنندگان کالا یا خدمات، مصاحبه‌های صورت پذیرفته با دریافت‌کنندگان کالا یا خدمات و اعتقادات (هنجارهای) جامعه.

از سوی دیگر، تلاش برنامه‌ی RPE بر این اصل استوار بود که میزان اثربخشی شاخص‌های ارزیابی عملکرد جهت دستیابی به اهداف را با استفاده از یک روش علمی و مبتنی بر پژوهش‌های اثباتی بیان نماید. بنابراین، پژوهش‌های تجربی صورت گرفته توسط این موسسات تنها به این موضوع اکتفا کردند که "شاخص‌ها چگونه هستند" و راجع به این موضوع که "شاخص‌ها می‌بایست چگونه باشند"، تعریف روشنی را بیان نکردند. با توجه به مجموعه تلاش‌های صورت گرفته در قالب برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت، فرآیند عملیاتی کردن بودجه به تدریج مسیر خود را طی می‌نمود که در سال ۲۰۰۷، نهایتاً ۷ حوزه عمل اصلی به منظور شکل گرفتن ساختار بودجه حول آنها، معرفی شد که عبارت بودند از:

(۱) خط‌مشی اقتصادی و اجتماعی،

(۲) حوزه‌ی جوانان،

(۳) تعلیم و تربیت، دانش و تکنولوژی،

(۴) امنیت اجتماعی،

(۵) بهداشت و سلامت،

(۶) ارتباطات و حمل و نقل،

(۷) دفاع و امنیت ملی.

هر یک از این حوزه‌ها به زیر مجموعه‌هایی تقسیم شده و به وزارتخانه‌های متولی ابلاغ گردیدند تا با تعریف اهداف و شاخص‌های ارزیابی عملکرد، نحوه حصول به اهداف مطرح

شده در هر حوزه را مشخص نمایند. نظارت بر حسن اجرای حصول به اهداف تعیین شده بر عهده وزارت امور اقتصادی و بخش کنترل و نظارت هر وزارتخانه قرار داشت. نمونه‌ای از اهداف مطرح شده در حوزه دفاع و امنیت ملی در شکل ۳ بیان گردیده است.

<p>لایحه بودجه</p> <p>اهداف حوزه دفاع و امنیت ملی</p> <ul style="list-style-type: none"> • کاهش ۲۰ تا ۲۵ درصدی جرایم از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ • افزایش میزان زندان‌ها • جنگ علیه تروریست و حفاظت از زیرساخت‌های کشور • افزایش تعداد پلیس‌های کشور حداقل به میزان ۴۰,۰۰۰ نفر
--

شکل (۳): نمونه‌ای از اهداف مطرح شده در حوزه دفاع و امنیت ملی هلند

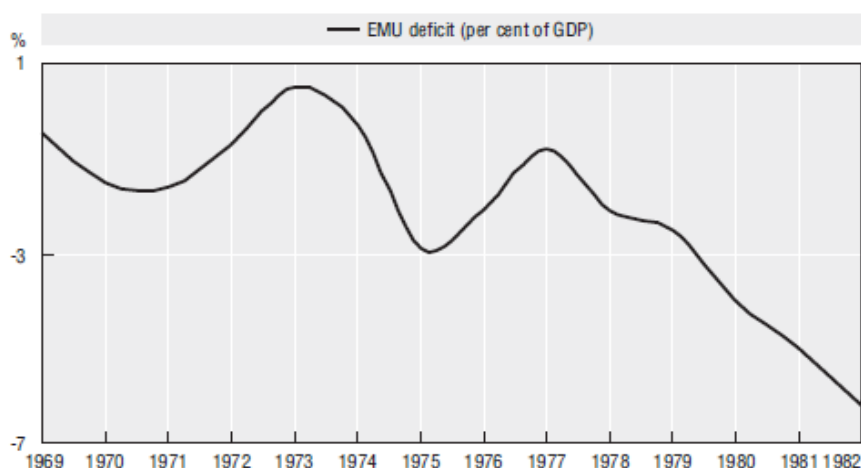
نهایتاً دستاوردهای عمده کمی و کیفی که طی این سال‌ها در لایحه بودجه بوجود آمد را می‌توان از جهات زیر برشمرد.

- به دلیل شفافیت بوجود آمده در میزان مخارج وزارتخانه‌ها حجم مالیات دریافتی از شرکت‌ها از ۳۴/۵ درصد به ۲۵/۵ درصد کاهش یافت.
 - میزان بروکراسی در دستگاه‌های اداری هلند به میزان قابل توجهی کاهش یافت.
 - به دلیل شفافیت به وجود آمده، سازوکار تخصیص منابع بین پروژه‌های در جریان تسریع گردید که این امر رشد ۲۵ درصدی اشتغال را موجب گردید.
- در نهایت، مجموعه اقدامات انجام شده برای دستیابی به این موفقیت‌ها را می‌توان در یک جمله خلاصه نمود:
- "انجام اصلاحات تدریجی در بودجه (با هدف شفاف‌سازی) به همراه قانونمند کردن آن (با هدف ارتقای اثربخشی)"

تجدید نظر در خط‌مشی‌ها

کشور هلند نیز همانند اکثر کشورهای توسعه یافته دغدغه استفاده اثربخش و کارای منابع ایجاد شده از طریق مالیات پرداختی شهروندانش را دارد. از دهه ۱۹۷۰ راه کارهای گوناگونی

به منظور رسیدن به این هدف به اجرا درآمد که از آن جمله می‌توان به استفاده از سیستم بودجه-بندی برنامه‌ای (PPBS¹⁰))، انجام تجدیدنظرهای اساسی در نحوه تخصیص منابع (۱۹۸۱) و نهایتاً تجدیدنظر در سازوکار و خط‌مشی‌های درون سازمانی (۱۹۹۵) را نام برد. دلیل دیگری که کشور هلند را در انجام این اصلاحات ترغیب نمود، وقوع پدیده‌ای موسوم به "بیماری هلندی" در ساختار اقتصادی هلند بود که در سال ۱۹۷۰ به وقوع پیوست. یکی از پیامدهای این مشکل اقتصادی این است که دولت برای درآمدهای افزایش یافته موقتی مخارج ساختاریافته دائمی تعریف می‌نماید که در نتیجه آن با زوال درآمدهای افزایش یافته موقتی، دولت با کسری بودجه شدیدی مواجه خواهد گردید. شکل ۴ تراز تجاری هلند را در یک بازه زمانی ۱۴ ساله (از ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۲) نشان می‌دهد.



شکل (۴): تراز تجاری هلند از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۲

در طول وجود آمدن این بحران، دولت ابتدا از وزارتخانه‌ها درخواست کرد تا بخشی از بودجه غیرضروری خود را عودت دهند که تنها تعداد کمی از وزرا به این درخواست پاسخ مثبت دادند. به همین دلیل، کشور هلند طی ۱۱ سال به تدریج برنامه بلندمدتی را جهت اصلاح ساختار اقتصادی و بودجه‌ای خود به اجرا گذاشت که برخی از اقدامات آنها در میان‌مدت عبارت بود از (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۸):

• هر وزارتخانه موظف بود طی مدت ۴ سال، ۲۰ درصد از مخارج وزارتخانه متبوع خود را کاهش دهد.

• امکان تعدیل (افزایش) مخارج در طی سال وجود نداشت.

کمیته‌ای متشکل از وزیر امور اقتصادی، وزیر مربوطه و کارشناسان خبره مسئول بازنگری در مخارج وزارتخانه‌های دولت گردید.

همچنین، دهه ۱۹۷۰ را می‌توان دهه آغاز اصلاحات اساسی در نظام بودجه‌بندی در هلند به شمار آورد. در این دهه، کشور هلند بودجه‌بندی برنامه‌ای را با اجرای ۳ مدل زیر آغاز نمود:

• بودجه برنامه‌ای^{۱۲}

• بودجه سالانه‌ای^{۱۳}

• بودجه عملیاتی^{۱۴}

در این دهه، با توجه به وقوع بحران موسوم به بیماری هلندی، تنها مدل دوم یعنی بودجه سالانه جنبه کاربردی پیدا نمود که از دلایل آن می‌توان به نحوه برنامه‌ریزی این نوع بودجه‌بندی به منظور انجام پرداخت‌های غیرمنتظره و شفافیت برنامه‌ها در یک بازه زمانی میان‌مدت اشاره کرد؛ دو مدل دیگر با شکست مواجه شد که از دلایل عمده آن می‌توان به این موضوع اشاره کرد که هنوز ساختار تئوریک منسجمی که تمام ابعاد بودجه‌بندی را با توجه به ساختار اقتصادی هلند در برگیرد، برای بودجه‌بندی عملیاتی طراحی نشده بود. از سوی دیگر، در بودجه‌بندی عملیاتی اهداف از بالا به پایین به صورت دستوری بیان می‌شد که در آن دهه ساختار وزارتخانه‌های هلند هنوز از انسجام لازم و کافی به منظور حرکت در مسیر اهداف کلی وضع شده، برخوردار نبوده و این امر پاسخگویی مدیران را با مشکلات جدی مواجه می‌ساخت. بنابراین، هلند وارد مرحله دوم از برنامه تجدیدنظر در خط‌مشی‌های خود شده و آن انجام اصلاحات ساختاری بود تا زمینه را به منظور ورود به حوزه بودجه‌بندی عملیاتی فراهم آورد. در این مرحله تلاش شد، نخست اهداف تشکیل وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی مورد بازنگری اساسی قرار گرفته و در مرحله بعدی خط‌مشی‌هایی به منظور اندازه‌گیری میزان حصول به اهداف تعریف شده برای هر وزارتخانه تعریف گردد که فراز و فرود آن در مرحله قبل به تفصیل بیان گردید. هدف اولیه از انجام این تغییرات، افزایش بازدهی بودجه تدوین شده و کاهش مخارج دستگاه‌های دولتی بود.

برای مثال، همانطور که قبلاً نیز عنوان گردید وزارتخانه‌ها مکلف شدند در طول اجرای این شیوه بودجه‌بندی، طی مدت ۴ سال، ۲۰ درصد از کل مخارج وزارتخانه خود را نیز کاهش دهند که لازمه انجام این موارد اصلاح الگوی مصرف منابع توسط وزارتخانه‌ها بود.

تا دهه ۱۹۹۰ که فرآیند بودجه‌بندی هلند وارد سومین دهه خود می‌شد، تغییرات در نظام بودجه‌بندی هلند وارد سومین مرحله گردید که از آن تحت عنوان "تجدید نظر در سازوکارها و خط‌مشی‌های درون سازمانی" ۱۵ یاد می‌شود. اصول این مرحله از تغییرات در نظام بودجه‌بندی هلند را می‌توان به شرح زیر برشمرد (کندی و هاوولین، ۲۰۱۷):

- اختیارات بیشتری به وزارت امور اقتصادی محول گردید و هر نوع تغییرات در اصول بودجه بندی می‌بایست توسط این وزارتخانه اعمال گردد.
- همه گزارشات عمومی شده و در اختیار پارلمان قرار گرفت.
- تغییرات در خط‌مشی‌های بودجه می‌بایست به تصویب کابینه رسیده و در بودجه همان سال لحاظ گردد.
- هرگونه تغییر و ایجاد خط‌مشی جدید به منظور ارزیابی میزان حصول به اهداف مندرج در بودجه، می‌بایست توسط کمیته‌ای متشکل از وزارت امور اقتصادی، وزیر مربوطه و سایر کارشناسان خبره در این زمینه صورت پذیرد.

نمونه‌ای از انجام این تغییرات جدید در بودجه را می‌توان در لایحه مربوط به خدمات اجتماعی و کمک‌های عمومی دولت مشاهده کرد. تا قبل از انجام این اصلاحات این باور وجود داشت که حتی افراد شاغل و دارای منبع درآمد نیز می‌بایست مشمول دریافت کمک‌های اجتماعی و رفاهی قرار گیرند، اما نهادهای متولی این امر موسوم به CPB پس از انجام اصلاحات و بازنگری در اهدافشان، موظف شدند در ازای ارائه خدمات اجتماعی به افرادی که دارای منبع درآمدی می‌باشند، مالیات‌های مشخصی را دریافت نمایند. انجام این امر اگرچه با مخاطراتی همراه بود، اما منبع درآمدی جدیدی را برای دولت فراهم کرد. از دیگر تغییرات این دوره، تغییر در دستورالعمل‌های حسابداری بخش عمومی در هلند بود که به کمیته حسابرسی در این کشور اجازه می‌داد تا برنامه‌های لحاظ شده در بودجه را به منظور حصول اطمینان از اثربخشی آنها مورد بازنگری قرار داده و وزرا نیز مکلف شدند شاخص‌های ارزیابی عملکرد را به منظور ارزیابی

میزان حصول به اهداف خود، هر ۵ سال یکبار مورد بازنگری اساسی قرار دهند. در همین دوره بود که برنامه‌ای موسوم به RPE که در قسمت‌های قبل به تفصیل بیان گردید، به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات مربوط به خط‌مشی‌های به‌کاررفته، برای ارزیابی میزان حصول اهداف هر وزارتخانه و بازنگری در آنها در صورت لزوم، تدوین شد. به‌عبارت دیگر، هدف نهایی از اجرای این برنامه حصول اطمینان از این موضوع بود که حتی پس از تدوین شاخص و خط‌مشی‌ها، به‌منظور ارزیابی عملکرد هر وزارتخانه و دستگاه دولتی و تأیید این شاخص‌ها توسط وزارت امور اقتصادی، آنها به‌طور متناوب مورد بررسی قرار گرفته و با به‌روزآوری این شاخص‌ها متناسب با ماموریت‌های جدید وزارتخانه‌ها، اثربخشی و میزان ارتباط این شاخص‌ها با اهداف مرتبط با آنها مورد تأیید مجدد قرار گیرد.

راه پیش‌رو

در سال ۲۰۰۸، در حدود ۱۷ دستورالعمل جدید به‌منظور تهیه بودجه در حوزه‌های گوناگون تدوین شد که این دستورالعمل‌ها که حاوی اهداف و ماموریت‌های جدید برای برخی وزارتخانه از یک سو و دستورالعمل تعریف شاخص‌های ارزیابی میزان حصول اهداف از سوی دیگر بود، به تأیید پارلمان نیز رسید. هم‌اکنون، در نظام بودجه‌بندی هلند تمرکز بر تحقق اهداف مندرج در لایحه بودجه و کنترل مخارج بوده و به نظر می‌رسد این امر محقق نمی‌گردد جز اینکه موضوع بودجه‌بندی و عوامل کلیدی جهت تحقق بودجه عملیاتی به‌جای بحث و تأکید صرف در محافل دانشگاهی و علمی، جزء دغدغه‌های اصلی محافل سیاسی و دست‌اندرکاران اجرایی نیز باشد. از سوی دیگر، می‌بایست به این موضوع توجه گردد که تمرکز بر اهداف و تعیین شاخص به‌منظور اندازه‌گیری میزان حصول به اهداف، نباید باعث غفلت از توجه به وظیفه ابتدایی و اصلی بودجه که همان نقش کنترلی و جهت‌دادن به اهداف می‌باشد، گردد. نهایتاً به این موضوع نیز توجه شود که یک بودجه قابل تحقق، بودجه‌ای است که ساختار شفاف و روشنی داشته که در عین اختصار از اطلاعات کافی و مستند به‌منظور هدایت برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی نیز برخوردار باشد. همچنین، دسترسی به اطلاعات فنی دقیق‌تر به‌منظور تعریف شاخص‌ها، بر اساس اطلاعات دقیق و مستند ضروری به نظر می‌رسد که در این مسیر می‌بایست ابزارهای تهیه بودجه نیز همواره رصد شده و در صورت لزوم تغییرات لازم اعمال گردد. در

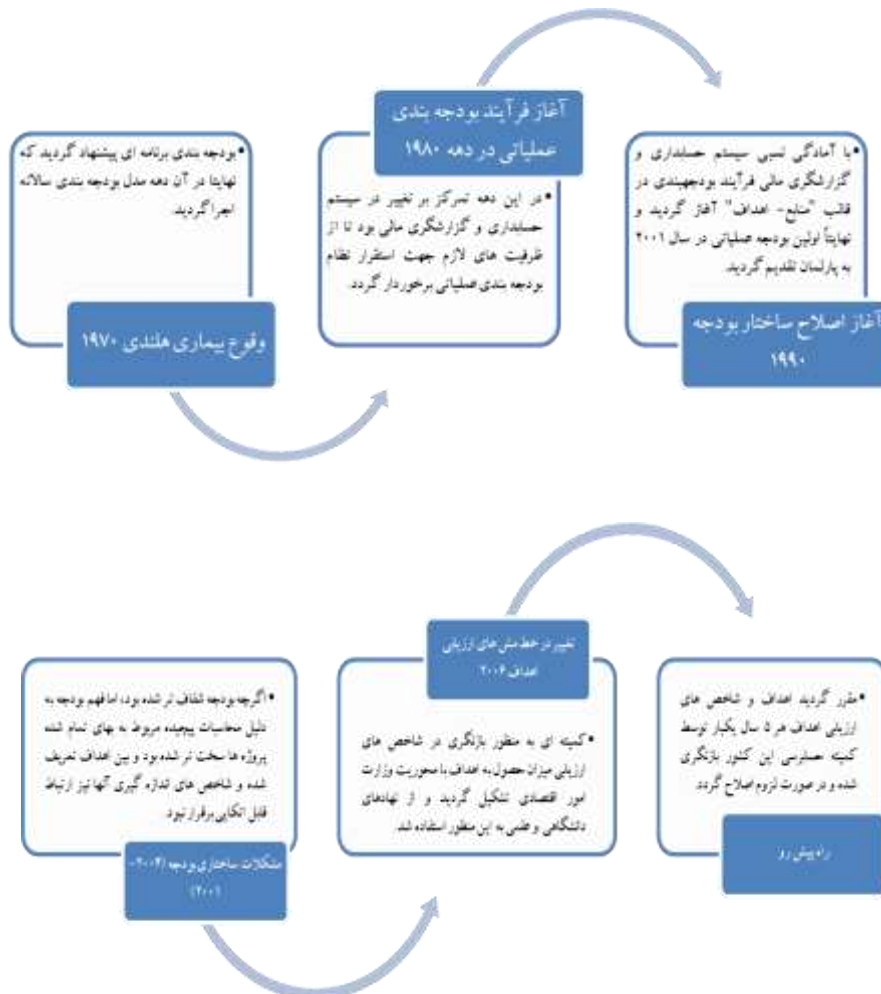
تعیین اهداف نیز سوالات زیر می‌بایست نقطه آغازین فرآیند هدف‌گذاری به‌منظور تخصیص منابع در راستای تحقق آن هدف گردد:

- مشکل دقیقاً کجاست؟
- نقش دولت در حل این مشکل چیست؟

نکته مهم دیگری که در فرآیند بودجه‌بندی می‌بایست مدنظر قرار گیرد، توجه به شاخص‌های کلان اقتصادی به‌منظور برنامه‌ریزی‌های دقیق و با ضریب اطمینان بالا است، زیرا بین بودجه و شاخص‌های کلان اقتصادی رابطه علت و معلولی برقرار نبوده و هر یک به‌طور توأمان از یک سو بر دیگری تأثیر گذاشته و از سوی دیگر تأثیر می‌پذیرند (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۱۸).

در حال حاضر کشور هلند تمرکز خود را بر مدیریت مخارج، علی‌الخصوص مخارج سرمایه‌ای، معطوف داشته و با اندازه‌گیری مخارج، علی‌الخصوص میزان مخارج مورد نیاز به‌منظور انجام طرح‌های سرمایه‌ای از یک سو، چشم‌انداز روشنی از حجم منابع مورد نیاز به‌منظور انجام طرح‌های ضروری خود ارائه می‌نماید و البته، از سوی دیگر فاصله معقولی بین حجم درآمدهای سالانه و مخارج سرمایه‌ای ضروری، برقرار نموده است (کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۸). نهایتاً، چنانچه بخواهیم فرآیند عملیاتی کردن بودجه هلند را از ابتدای شکل‌گیری تا کنون، مرور کلی نماییم می‌توان در قالب ۲ نمودار، این فرآیند را تشریح نمود. نمودار اول از آغاز شکل‌گیری ایده عملیاتی کردن بودجه آغاز گردیده و تا سال ۲۰۰۱ که نخستین بودجه عملیاتی تقدیم پارلمان گردید، ادامه می‌یابد. دومین نمودار دوران پس از عملیاتی شدن بودجه را ترسیم می‌نماید.

نگاره (۳): فراز و فرود عملیاتی کردن بودجه در هلند



نتیجه‌گیری

با مطالعه فراز و فرود استقرار نظام بودجه‌بندی عملیاتی در کشور هلند به نکات مهم و با اهمیتی در رابطه با زوایای متعدد این فرآیند رسیده که به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از این نکات مختص به یک کشور خاص نبوده و هر کشوری که قصد عملیاتی کردن بودجه خود را داشته باشد، به نوعی با آن مواجه خواهد شد. بنابراین، همانطور که در ابتدای پژوهش حاضر نیز بیان گردید، انجام بررسی تطبیقی می‌تواند ما را نسبت به زوایای پنهان اجرای فرآیند مذکور و بایدها و نبایدهای آن آشنا نموده و از پیمودن مسیرهای اشتباهی که بعضاً توسط برخی از این کشورها

طی شده، جلوگیری به عمل آورد. به طور کلی دستاوردهای مطالعه تجربه کشور هلند در عملیاتی کردن بودجه را می‌توان در قالب موارد زیر بیان کرد:

(۱) پس از وقوع پدیده‌ای موسوم به بیماری هلندی در ساختار اقتصادی این کشور نوعی درخواست فراگیر و مطالبه همگانی در رابطه با اصلاح ساختار اقتصادی و نظام بودجه‌بندی در این کشور به وجود آمد و موضوع بودجه و شفافیت آن به یک نوع "دغدغه" محافل اقتصادی در این کشور تبدیل شد. این امر به عنوان یک موتور محرک برای ورود به حوزه مذکور تبدیل گردید.

(۲) فرآیند عملیاتی کردن بودجه و ایده اصلی آن در حدود ۳۰ سال پیش در این کشور شکل گرفت و هلند با یک برنامه بلندمدت، زمینه را به منظور اصلاح نظام بودجه‌بندی خود فراهم نمود که نیمی از مدت مذکور به تنهایی صرف اصلاح نظام حسابداری و گزارشگری مالی در این کشور گردید. بنابراین، همانطور که بارها توسط صاحب‌نظران و پژوهشگران در حوزه نهادهای بخش عمومی عنوان گردیده، اصلاح سیستم بودجه‌بندی از کانال اصلاح سیستم حسابداری و گزارشگری مالی گذشته و نحوه انجام این تغییرات نیز خود دارای نکات و ظرایف متعددی است که از حوصله پژوهش حاضر خارج است و تنها ذکر این نکته ضروری است که اصلاح در سیستم‌های مذکور با توجه به شرایط فعلی اقتصادی کشور و بازه‌های زمانی مطرح شده در قالب برنامه‌های میان‌مدت، امکان‌پذیر نخواهد بود.

(۳) عملیاتی شدن بودجه نقطه آغاز فرآیندی است که طی کردن این فرآیند چه بسا از آغاز نمودن آن دشوارتر باشد. همانطور که عنوان گردید کشور هلند پس از عملیاتی کردن بودجه خود بارها در رابطه با تعریف اهداف کلی یا همان نتایج برای دستگاه‌های اجرایی خود دچار مشکل شد و از سوی دیگر در تعریف شاخص‌های ارزیابی میزان حصول به این اهداف و نحوه ارتباط این شاخص‌های کمی با اهداف بعضاً کیفی، دچار چالش‌های فراوان گردید.

(۴) نهایتاً هم اکنون با گذشت بیش از یک دهه از عملیاتی شدن بودجه در کشور هلند چالش اصلی این کشور در حوزه مذکور بنا بر اعلام وزارت امور اقتصادی هلند، تعریف بهینه ماموریت‌ها و اهداف برای دستگاه‌های اجرایی این کشور بیان شده است. تمرکز اصلی این چالش نیز تعریف شاخص‌هایی است که میزان حصول به اهداف و ماموریت‌های دستگاه‌های مصرف‌کننده بودجه را به طور بهینه ارزیابی نماید. در حال حاضر نیز با استقرار بودجه‌بندی

عملیاتی، تمرکز این کشور بر مدیریت مخارج و حفظ فاصله معقول بین میزان درآمدها و مخارج صورت پذیرفته است که این مهم از طریق اصلاح سیستم حسابداری و گزارشگری مالی، مبتنی بر شناسایی مخارج بر مبنای تعهدی و اندازه‌گیری مواردی همچون درصد پیشرفت کار امکان پذیر خواهد بود. همچنین، همانطور که بیان شد بر اساس قوانین این کشور هم اهداف و هم شاخص‌های ارزیابی اهداف، هر ۵ سال یکبار می‌بایست مورد تجدید نظر اساسی قرار گرفته و در صورت لزوم تعدیل شوند.

پی‌نوشت:

- | | | | |
|---|--|----|--|
| ۱ | New public management | ۹ | اصطلاحاً به معنای "فرآیند بودجه و فرآیند پاسخگویی" بوده و مفهوم آن نیز این است که ابزار بودجه مخفی جهت اعطای اختیار به مدیران و عاملان بودجه بوده و به همان میزان نیز آنها در رابطه با نحوه‌ی مصرف منابع مالی می‌بایست پاسخگو باشند. |
| ۲ | در ارتباط با رویکردها، شیوه‌های اجرا و چالش‌های بودجه‌بندی عملیاتی پژوهش جامعی توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) صورت پذیرفته که به صورت مستمر مورد بازنگری و به روز رسانی قرار می‌گیرد، که آخرین نسخه آن در سال ۲۰۱۸ منتشر گردید. | ۱۰ | Planning programming budgeting system |
| ۳ | Traditional budget | ۱۱ | Dutch disease |
| ۴ | Program budget | ۱۲ | Programmer budgeting |
| ۵ | Performance budget | ۱۳ | Multi annual budgeting |
| ۶ | Output | ۱۴ | Performance budgeting |
| ۷ | Out come | ۱۵ | Interdepartmental policy reviews |
| ۸ | Policy reviews | | |

منابع

- Azar, Adel. (2007). Performance-Based Budgeting, First Operational Budgeting Conference, Tehran. (In Persian).
- Babajani, J. (2011). Theoretical foundations of accounting and municipal finance reporting, Tehran. Tehran City Study and Planning Center. (In Persian).
- Babajani, J. , Rasouli, M. (2011). Identifying the barriers and problems in establishing a budget-based operational system in the executive agencies of the country. Quarterly Journal of Empirical Financial Accounting Research, 1 (1). (In Persian).
- Babajani, J. (2015). Advanced public sector accounting, Tehran, Allameh Tabatabai University Press. (In Persian).
- Barton, A. (2007). Accrual accounting and budgeting systems issues in Australian governments. Australian Accounting Review, 17 (41) , 38-50.

- European Commission. (2018). EU Results, Online collection of EU funded projects.
- Eurostat. (2017). website: ec.europa.eu/Eurostat/web/europe-2020-indicators.
- Hassan Abadi, M. Najjar Saraf, A. (2007). A Comprehensive model of operational budgeting system, First Edition, Iran Center of Industrial Education and Research. (In Persian).
- Performance Budgeting in OECD Countries. (2018). OECD Publishing.
- International monetary fund. (2010). kingdom of the Netherlands: report on the observance of standards and codes-fiscal transparency module, and the regarding the fiscal framework. NO. 06/124. International monetary fund. Washington dc.
- Kennedy, F. , & Howlin, J. (2017). Spending reviews in Ireland–Learning from experience. OECD Journal on Budgeting, 16 (2) , 93-108.
- Ministry of finance. (2008). Policy budgets and policy accountability: final report. Lessons from practice, ministry of finance and economic affairs (IOFEZ).
- Montesinos, V. , Pina, V. , & Vela, J. M. (1995). Comparative analysis of governmental accounting systems in OECD countries: an empirical approach. International research in public sector accounting, reporting and auditing, 161-84.
- Robinson, M. (2013). Performance budgeting. In The international handbook of public financial management (pp. 237-258). Palgrave Macmillan, London.
- Robinson, M. , & Brumby, J. (2005). Does performance budgeting work? An analytical review of the empirical literature (No. 5-210). International Monetary Fund.

عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری

سید علی حسینی^۱، مهناز محمودخانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۶

مقاله ترویجی

چکیده

میزان انتشارات پژوهشی، عاملی مؤثر در ارزیابی کیفیت دانشگاه‌ها و اعضای هیئت‌علمی حسابداری است. افزایش آگاهی از عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش در رشته حسابداری به دانشگاه‌ها کمک می‌کند تا از منابع و امکانات خود به نحو اثربخشی استفاده نمایند. همچنین، محققان با شناخت این عوامل می‌توانند در انجام پژوهش، بهره‌وری بیشتری داشته باشند. هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری است. در این پژوهش، تلاش شده است با استفاده از تئوری‌هایی چون تئوری انگیزش، رضایت شغلی و تعهد سازمانی، عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش از طریق مطالعه مقالات و ادبیات نظری، اهداف پژوهش تشریح شده است. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، تعهد سازمانی، جنسیت، وجود دانشگاه‌های تحقیقاتی، عوامل فردی، ویژگی‌های تحقیق و سیاست‌های نشر و انگیزه از جمله عواملی هستند که بر بهره‌وری پژوهش، اثر می‌گذارند. بنابراین، بهبود عواملی چون افزایش حقوق، خط‌مشی ارتقا و استخدام و وجود فرهنگ پژوهش می‌تواند در افزایش بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری مثرتر باشد.

واژه‌های کلیدی: بهره‌وری پژوهش، حسابداری، مجلات حسابداری

طبقه‌بندی موضوعی: M40

DOI: 10.22051/ijar.2020.28452.1548

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه الزهراء (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، (a.hosseini@alzahra.ac.ir)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه الزهراء (ع)، تهران، ایران، (mahnaz.mahmoudkhani@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

بهره‌وری پژوهش، به تحقیقات تولیدشده توسط دانشگاهیان اشاره دارد که معمولاً به‌عنوان تعداد کل انتشارات محقق محسوب می‌شود که در برابر کیفیت مقالات تعدیل می‌شود (ویلز و همکاران، ۲۰۱۳). در سال‌های اخیر تأکید بیشتری بر بهره‌وری پژوهش شده است. بسیاری از دولت‌ها در سراسر جهان سازوکارهای اطمینان بخشی را ارائه داده‌اند که برای افزایش بهره‌وری پژوهش و پاسخگویی مؤسسات آموزش عالی طراحی شده است. تأکید بر پاسخگویی، بر همه رشته‌ها فشار وارد می‌کند تا بهره‌وری خود را افزایش و بهبود بخشند. در رشته حسابداری، فشار برای افزایش بهره‌وری تحقیق در سال‌های اخیر با افزایش تعداد دانشجویان در برنامه‌های حسابداری همزمان بوده است. برای مثال، رشد دانشگاهیان حسابداری و مالی در بریتانیا بین سال‌های ۱۹۸۴ و ۲۰۰۴ به میزان قابل ملاحظه‌ای نسبت به سایر رشته‌های دانشگاهی افزایش داشته است. البته دانشگاه‌ها در بریتانیا و کشورهای دیگر، در تأمین کارکنان کافی برای اجرای برنامه‌هایشان با مشکلاتی مواجه شده‌اند و این فشارها بر دانشکده‌های حسابداری و دانشگاهیان برای تمرکز بیشتر بر فعالیت‌های آموزشی، باعث شده است که حفظ و افزایش بهره‌وری پژوهش دشوار باشد (بران و همکاران، ۲۰۰۷؛ ویلز و همکاران، ۲۰۱۳).

انتشار، کانال اصلی محصولات فکری است که دانش جدید را به جهان عرضه می‌کند. در حال حاضر، بهره‌وری پژوهش به‌ویژه خروجی‌های نشر، به‌عنوان معیار اصلی استخدام، ارتقا، پاداش‌ها و پیشرفت حرفه‌ای در تمام دانشگاه‌ها در سطح جهانی است (چان و همکاران، ۲۰۱۳؛ تاکرو تیلت، ۲۰۱۹). استانداردها و معیارهای انتشارات دانشگاهیان حسابداری در منطقه آسیا و اقیانوسیه اخیراً نقش مهمی را در مدیریت عملکرد ایفا می‌کند، زیرا دانشگاه‌ها به میزان خروجی پژوهش‌ها توجه ویژه‌ای دارند (چان و همکاران، ۲۰۱۲ به نقل از باند و همکاران، ۲۰۲۰).

تأکید بر بهره‌وری پژوهش تضمین می‌کند که دانشگاهیان تازه استخدام‌شده در آینده، به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهشی دانشگاه‌ها، محققان دانشگاهی بهره‌ور و مولد خواهند بود (کوی هوو، ۲۰۱۵). خواسته بهبود بهره‌وری پژوهش که اغلب با تعداد و کیفیت مقالات منتشرشده در نشریات علمی سنجیده می‌شود در دستور کار دانشگاهیان قرار گرفته است (تاکرو تیلت، ۲۰۱۹). در مقایسه با دیگر رشته‌های حوزه کسب‌وکار و تجارت، تعداد انتشارات پایین برای دانشگاهیان حسابداری گزارش شده است (گلاور و همکاران، ۲۰۰۶؛ بران و همکاران،

۲۰۰۷). شناخت عوامل مؤثر بر بهره‌وری، زمینه را برای اتخاذ سیاست‌های کارآمد نظام آموزشی فراهم می‌سازد (فرجی ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین، هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری است.

این پژوهش درصدد است با ارائه اطلاعات به تصمیم‌گیرندگان و متصدیان حوزه آموزش و پژوهش به بهبود بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری کمک نماید. انجام پژوهش از جمله مواردی است که از اساتید حسابداری انتظار می‌رود. رؤسای دانشگاه‌ها برای بهبود رتبه دانشگاه، تصمیمات خود را عموماً بر اساس افزایش بهره‌وری تحقیق، پایه‌ریزی می‌کنند. بنابراین، افزایش آگاهی از عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش در رشته حسابداری به متصدیان کمک می‌کند تا از منابع و امکانات خود به نحو اثربخشی استفاده نموده و در عین حال رهنمودهایی را برای اعضای هیئت‌علمی حسابداری و محققان به‌طور فردی، ارائه دهد تا با بهره‌وری بیشتر به امر پژوهش بپردازند. در این پژوهش، ابتدا الزامات ناظر بر دانشگاهیان برای افزایش بهره‌وری پژوهش و تعریف آن بیان می‌شود و سپس عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش تبیین می‌شود.

الزامات ناظر بر دانشگاهیان حسابداری

فعالیت‌های تحقیقاتی و بهره‌وری پژوهش در سطح جهانی برای نهادهای آموزش عالی بسیار مهم است. مسئله بهره‌وری پژوهشی دانشگاهیان از همان ابتدای قرن نوزدهم، با شروع سیستم آموزش عالی در آلمان مطرح شد و سپس به مؤسسات آموزش عالی در ایالات متحده رسوخ کرد (کوی هوو، ۲۰۱۵).

ادعاشده است که محیط پژوهشی در دانشگاه‌های اقتصاد محور غربی از تولید دانش به تولید درآمد، با تمرکز بر بودجه‌ها و کمک‌های مالی حرکت کرده است. مؤسسات آموزش عالی در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، مجبور شده‌اند کارآفرینانه تر شوند، زیرا بودجه‌ها و حمایت‌های مالی دولتی کاهش یافته است و بر کنترل هزینه‌ها و افزایش درآمد تأکید شده است. تأکید بر کارآفرینی همراه با پیشرفت‌های فناوری، با افزایش اندازه کلاس‌ها، معرفی برنامه‌های جدید و تنوع در فعالیت‌های آموزشی همراه بوده است. ثبت نام دانشجویان بین‌المللی حسابداری در برخی از کشورهای غربی که به دنبال اقامت دائم و کار به‌عنوان حسابدار در این کشورها بوده‌اند، برای استادان حسابداری نیز چالش ایجاد کرده است. علاوه بر این، تمرکز بر

حاکمیت شرکتی پس از فروپاشی شرکت‌ها و بحرآنهای مالی و تقاضای مرتبط با آن برای جلب فارغ‌التحصیلان حسابداری، باعث شده است که تغییرات در رشته حسابداری تشدید شود. این تغییرات به کمبود اعضای هیئت علمی حسابداری و افزایش استفاده از مدرسان حق‌التدریس منجر شده است. با این حال، به رغم تقاضای زیاد برای فعالیت‌های آموزشی و تدریس، پژوهش همچنان از محرک‌های اصلی پاداش برای استادان حسابداری است. برای مثال، در یک نظرسنجی از روسای دانشکده‌های ایالات متحده که مدرک دکتری را ارائه می‌دهند، ۵۹ درصد از ارزش بازار دانشگاهیان حسابداری به بهره‌وری پژوهش و فقط ۲۸ درصد برای فعالیت‌های تدریس اختصاص یافته است؛ حتی در مدارس حسابداری آموزش محور، پژوهش به عنوان فعالیت‌های آموزشی اهمیت دارد. در سیستم استخدام (حق تصدی و اشتغال) ایالات متحده آمریکا نیز توجه زیادی به مسئولیت پژوهشی دانشگاهیان وجود دارد (ویلز و همکاران، ۲۰۱۳).

دلایل زیادی وجود دارد که چرا بهره‌وری پژوهش برای اساتید حسابداری اهمیت دارد که احتمالاً مهمترین آنها در توجه و تأکید بر معیارهای کمی و کیفیت انتشارات مورد نیاز برای استخدام، ارتقا و یا دریافت جوایز سالانه شایستگی، در ارتباط است. همچنین، مدیران و کمیته‌های ارزیابی هیئت علمی علاقه‌ای مشابه به این هنجارها دارند، زیرا این افراد به دنبال رهنمودهایی برای تصمیم‌گیری در خصوص تصدی، استخدام، ارتقا و معیارهای شایستگی افراد و ارزشیابی برنامه‌ها هستند. بهره‌وری پژوهش در دانشکده‌ها و دانشگاه‌هایی که به دنبال تحصیلات تکمیلی هستند، اهمیت دارد (کرو همکاران، ۲۰۰۸؛ حاسلبک و همکاران، ۲۰۰۰).

اندازه‌گیری بهره‌وری تحقیق معمولاً برای مقاصد مقایسه‌ای، مثلاً مقایسه بین مؤسسات اعطاکننده درجه دکتری و غیردکتری یا مطالعاتی که با هدف شناسایی محققان بهره‌ور رشته حسابداری صورت می‌گیرد، مورد استفاده واقع می‌شود (کر و همکاران، ۲۰۰۸). بهره‌وری پژوهش مورد توجه فزاینده مدیران در مؤسسات آموزش عالی است، زیرا مدیران باید پاسخگوی بهره‌وری تحقیق باشند و سالانه ارزیابی‌های زیادی توسط دانشگاه‌ها در خصوص بهره‌وری اعضای هیئت علمی انجام می‌شود و به عنوان ابزاری برای تعیین افرادی که بیشترین شایستگی دریافت بودجه تحقیقات دولتی را دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد (اوریت و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین، این امر به رسمیت شناخته شده است که خروجی‌های نشر به عنوان سنجی‌ای پرکاربرد برای ارزیابی بهره‌وری پژوهش‌های دانشگاهیان و محققان در سراسر جهان

مورد استفاده قرار گیرد و مهمترین معیار برای رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان توسط سیستم‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان است.

به‌طور کلی، بهره‌وری پژوهش دانشگاهیان در توسعه حرفه‌ای آنها و همچنین برای دانشگاه‌ها مهم است. کیفیت بالای بهره‌وری پژوهش، اعتبار و شهرت دانشگاه را در سطح ملی و بین‌المللی افزایش می‌دهد (کوی هوو، ۲۰۱۵). میزان پژوهش‌های تولیدشده اغلب برای اندازه‌گیری کیفیت یک عضو هیئت‌علمی یا کیفیت یک برنامه حسابداری استفاده می‌شود و پژوهش‌های منتشرشده، بهترین معیار در دسترس برای ارزیابی کیفیت اساتید، بخش و دانشگاه است (کر و همکاران، ۲۰۰۸).

معیارهای ارزیابی بهره‌وری پژوهش

قلب هر دانشگاه یا موسسه آموزش عالی، اعضای هیئت‌علمی آن است و اعتلای توان و دانش اعضای هیئت‌علمی مصداق واقعی افزایش کیفیت دانشگاه است. یکی از مهمترین الزامات برای بهبود کیفیت آموزش عالی و ارتقای سطح بهره‌وری، شناخت وضع موجود و اندازه‌گیری میزان بهره‌وری است (فرجی ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱).

شاخص سنجش کارایی هر سیستمی، بهره‌وری است. نسبت بین ارزش خروجی تولیدشده و ارزش ورودی موردنیاز برای تولید را بهره‌وری می‌گویند. خروجی‌ها بعضاً نامحسوس هستند و نگرانی در این خصوص وجود دارد که آنها معمولاً از طریق همکاری افراد و مؤسسات مختلف به دست آیند. در نتیجه ارزیابی فعالیت علمی یک سازمان، برای شناسایی سهم واقعی پرسنل آن در زمینه خروجی پژوهش، از جمله آنهایی که در همکاری با سایر سازمان‌ها تولید می‌شود، ضروری است. در زمینه‌های علمی، سنجش خروجی نتایج، عمدتاً از طریق انتشار در مجلات علمی است و انتشارات علمی در پایگاه‌های داده مانند وب او ساینس^۳ یا اسکوپوس^۴ نشان داده می‌شود. کتاب‌شناختی و علم‌سنجی را می‌توان برای ارزیابی گستره بهره‌وری پژوهش مورد استفاده قرارداد. در این مورد، مشارکت دانشمندان و سازمان‌ها در خروجی پروژه‌های تحقیقاتی، به رسمیت شناخته شده است. فعالیت تحقیقاتی یک فرایند تولیدی است که در آن ورودی‌ها شامل منابع انسانی، موارد ملموس (مانند ابزارهای علمی) و منابع نامشهود (دانش انباشته، شبکه‌های اجتماعی و غیره) است و خروجی‌ها دارای ویژگی پیچیده‌ای از ماهیت

ملموس (نشریات، اختراعات، سخنرانی‌های کنفرانس، پایگاه‌های داده، پروتکل‌ها و غیره) و ماهیت نامشهود (دانش ضمنی، فعالیت مشاوره‌ای و غیره) است. بنابراین، تابع تولید دانش جدید ۵ دارای ویژگی ورودی و خروجی‌های چندگانه است (آرامو و همکاران، ۲۰۱۳).

اگرچه میزان تحقیقات منتشر شده نشانگر اصلی بهره‌وری پژوهش است، با این حال این تنها راهی نیست که بتوان بهره‌وری پژوهش‌ها را اندازه‌گیری کرد. در واقع، عملکرد و بهره‌وری تحقیقات را می‌توان با روش‌های دیگر موردسنجش قرارداد. برای مثال، اثربخشی هیئت‌علمی توسط معیارهایی چون دستیابی به حمایت خارجی، تعداد و ارزش پژوهانه‌های (گرت) اعطا و دریافت شده و یا سایر فعالیت‌های علمی مانند بررسی کتاب‌ها، فصل‌های کتاب، اختراعات، سخنرانی در کنفرانس‌ها، دعوت‌نامه‌ها و بحث‌های پانل‌ها و همچنین حضور در هیئت تحریریه مجلات و فعالیت‌های حرفه‌ای، می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد (تاکرو تیلت، ۲۰۱۹؛ کایا و وبر، ۲۰۰۳).

دو روش غالب در پژوهش‌های گذشته به‌منظور بررسی بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری مورد استفاده قرار گرفته است. اولین رویکرد، کمیت و ماهیت خروجی انتشارات تحقیقاتی حسابداری را مورد بررسی قرار می‌دهد و در تصمیم‌گیری در زمینه ارتقا و استخدام استفاده می‌شود. رویکرد دوم عواملی را مورد بررسی قرار می‌دهد که بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری تأثیر می‌گذارد. برای رویکرد اول، حداقل سه روش در مطالعات گذشته برای اندازه‌گیری بهره‌وری دانشگاهیان حسابداری استفاده شده است. اولین روش تجزیه و تحلیل، استناد و ارجاع است که در آن ارزیابی کمی برای بررسی اینکه اغلب محققان دیگر به یک مقاله تا چه میزان ارجاع می‌دهند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. روش دوم شامل نظرسنجی از دانشگاهیان و یا مدیران است که در آن رتبه‌بندی‌ای انجام می‌شود که می‌تواند ارزش یک مقاله در یک مجله را در مقایسه با ارزش سایر مقالات منتشر شده در نشریات دیگر مشخص سازد. روش سوم تعداد مقالات منتشر شده با استفاده از رویکرد کمی است که به‌طور گسترده‌ای هم مورد استفاده قرار می‌گیرد (حاسلبک و رینرتین، ۱۹۹۵، ویلز و همکاران، ۲۰۱۳).

این روش‌ها محدودیت‌های خاصی دارند. تجزیه و تحلیل ارجاع، می‌سنجد که چگونه مقالات دیگر به نویسندگان یا مقالات نشریات دیگر ارجاع کنند، با این فرض که به مقالات و مجلات با کیفیت بالا، بیشتر از مقالات کم کیفیت ارجاع شود. فراوانی ارجاع، کیفیت مقاله یا دلایل

ایجاد استاد را نادیده می‌گیرد. شهرت نویسنده، بحث‌برانگیز بودن، اهمیت موضوع، انتشار و تیراژ مجله، پوشش و بهنگام بودن آن می‌تواند بر میزان استناد تأثیر بگذارد. علاوه بر این، اثربخشی تجزیه و تحلیل ارجاع، به میزان زیادی بر روی نمایندگی نشریات مورد استفاده برای انجام تحلیل ارجاع آثار ذکر شده، بستگی دارد (حاسلبک و همکاران، ۲۰۱۲). شاخص ارجاع، شاخصی برجسته است که در حال حاضر در ارزیابی سالانه و رتبه‌بندی دانشگاه‌های تحقیقاتی جهانی توسط آموزش عالی تایمز ۷ استفاده می‌شود. تامسون رویترز معتقد است که شمار استناد انتشارات دانشمندان می‌تواند پیش‌بینی کند که برنده جایزه نوبل در رشته‌های خاص چه کسی است (کوی هوو، ۲۰۱۵).

روش شمارش، نیز مقدار مقالات منتشر شده را ارزیابی می‌کند، اما ارزیابی‌ای از کیفیت تحقیقات علمی ارائه نمی‌دهد. برای مثال، برخی از مطالعات تنها شامل سنجش مقالاتی است که در مجلات معتبر منتشر شده‌اند. چنین انتخابی توانایی تعمیم‌یافته‌های تحقیقاتی را کاهش می‌دهد. مسئله دیگر این است که آیا اعتبار کامل یا جزئی برای مقالات با نویسندگان مشترک و همکار در نظر گرفته می‌شود؟ یکی دیگر از مسائل مربوط در استفاده از شمارش برای ارزیابی بهره‌وری پژوهشی یک دانشگاه، این است که آیا اعتبار انتشارات یک عضو هیئت علمی به موسسه فعلی که او عضو آن است داده می‌شود و یا زمانی که مقاله نوشته شده است؟ (حاسلبک و همکاران، ۲۰۰۰). بنابراین، هر کدام از موارد مطروحه دارای مزایا و معایب خاص خود است. در این پژوهش در ادامه مهمترین عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری مورد بررسی قرار گرفته است.

تفکیک دانشگاه‌ها به آموزشی و پژوهشی

دانشگاه‌های آموزشی، دانشگاه‌هایی هستند که رسالت و مأموریت آنها آموزش دانشجویان و آماده کردن آنان برای کار حرفه‌ای است. در این دانشگاه‌ها پژوهش علمی زیرمجموعه‌ای از هدف اصلی یا نتیجه علایق اعضای هیئت علمی یا سفارش‌های بیرونی است (مهدی و شفیع، ۱۳۹۶). طبق نظر سیبال (۲۰۱۱)، مفهوم دانشگاه به‌عنوان یک موسسه تحقیقاتی در آلمان قرن نوزدهم و با انقلاب صنعتی به وجود آمد (نقل از کوی هوو، ۲۰۱۵). در دانشگاه‌های پژوهشی، فرایندهای آموزشی به‌عنوان انشعاب و شاخه‌ای از پژوهش علمی تعریف می‌شوند و آموزش،

در یک حوزه خاصی از علم هدایت می‌شود که دانشجویان را برای انجام کار پژوهشی مستقل در حوزه معینی از علم آماده می‌کند (مهدی و شفیع، ۱۳۹۶).

رابطه مثبتی بین آموزش و پژوهش وجود دارد. تدریس و تحقیق از طریق عمل یادگیری به یکدیگر مرتبط هستند. با وجود اینکه دانشگاه‌های تحقیقاتی تلاش می‌کنند تا برتری پژوهشی خود را در زمینه تحقیقات با تأکید بر اهمیت تحقیق، بیش از آموزش داشته باشند، اما نقش آموزش در دانشگاه‌های تحقیقاتی هنوز اهمیت زیادی دارد (کوی هوو، ۲۰۱۵). علی بیگی (۱۳۸۶) به نقل از فاکس (۱۹۹۲) اشاره می‌نماید که تدریس و تحقیق دو فعالیت متضاد هم محسوب می‌شوند. بنابراین، محققان تمام وقت، بهره‌وری پژوهشی بالاتری نسبت به اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها که به هر دو کار مشغول هستند، دارند. پژوهشگران مولد، زمان کمتری را به تدریس، اختصاص می‌دهند و اهمیت کمتری نیز برای آن قائل هستند. دباغ و جواهریان (۱۳۹۵) وضعیت دانشگاه‌های بزرگ دولتی کشور را ارزیابی و تحلیل نمودند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن است که بیشتر دانشگاه‌ها به طور نسبی ناکارا هستند و کاراترین دانشگاه‌ها از نظر فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه‌های تهران و شیراز است (دباغ و جواهریان، ۱۳۹۵). به نظر می‌رسد که تفکیک دانشگاه‌ها به آموزشی و پژوهشی بر خروجی پژوهش‌های حسابداری اثرگذار باشد (نگاش و همکاران، ۲۰۱۹)، زیرا وجود دانشگاه‌های تحقیقاتی می‌تواند خلاقیت و همکاری پژوهشی قوی بین دانشگاهیان را برای تولید و انتقال دانش جدید تسهیل کند (کوی هوو، ۲۰۱۵). هرمانسون و همکاران (۱۹۹۵)، اشاره نمودند که بسیاری از مدارسی که آموزش محور بودند، انتشار در مجلات دارای داوری تخصصی را برای حق تصدی شغلی (استخدام) و ارتقا الزامی کرده‌اند، زیرا فعالیت‌های علمی و بهره‌وری پژوهش برای سنجش موفقیت مؤسسات استفاده می‌شود و امروزه برای اعضای هیئت علمی بسیار اهمیت دارد تا در تحقیقات، مولد باشند.

تعهد سازمانی

یکی از تئوری‌های مرتبط با بهره‌وری پژوهش، تئوری تعهد سازمانی است. ارتباط تنگاتنگی میان تعهد به سازمان، نگرش و رفتار کارمندان نسبت به کارشان وجود دارد. تعهد کارکنان زمانی افزایش می‌یابد که اهداف و ارزش‌های شخصی آنها با سازمان هم‌خوانی داشته باشند و در نتیجه، اثربخشی و عملکرد سازمان افزایش می‌یابد (میر و آلن، ۱۹۹۷). در رابطه با فعالیت‌های

پژوهشی در دانشگاه، نیومان و فینالی نیومان (۱۹۹۰) به تأثیر مثبت سیستم پاداش دهی ۸ دانشگاه‌ها بر سطح تعهد دانشگاهیان در دانشگاه‌های تحقیقاتی، اشاره کردند. سطح تعهد به دانشگاه‌ها به‌طور مثبت با انتشارات پژوهشی دانشگاهی در دو مقوله (۱) مقالات دارای داوری تخصصی و (۲) کتاب‌ها، مرتبط بود. هارمان (۱۹۸۹) تعهد دانشگاهیان به تحقیق را به‌عنوان راهی برای ابراز وفاداری به حرفه و تعهد خود به دانشگاه و همین‌طور نهاد مربوطه مورد تأکید قرار دادند. همان‌طور که در شکل ذیل نشان داده شده است، وفاداری حرفه‌ای دانشگاهیان را می‌توان به چهار نوع تعهد بر اساس دو دسته کلی تعهد به پژوهش و تعهد به نهاد طبقه‌بندی کرد.

نمودار (۱): انواع تعهد و وفاداری حرفه‌ای دانشگاهیان به پژوهش و نهاد (منبع: هارمان، ۱۹۸۹)

بالا	تعهد به موسسه (نهاد)		کم
	نوع الف: پژوهشگران پیشرو ^۹ تعهد پژوهشی بالا تعهد سازمانی بالا	نوع ب: محققان (به‌طور انفرادی) تعهد پژوهشی بالا تعهد سازمانی پایین	
پژوهش	نوع ج: صنعت کاران (پیشه‌ور) ^{۱۱} تعهد سازمانی بالا تعهد پژوهشی پایین	نوع د: افراد بی‌مسئولیت ^{۱۰} تعهد سازمانی پائین تعهد پژوهشی پائین	کم

نیومان و فینالی نیومان (۱۹۹۰) اشاره می‌نمایند که دانشگاه‌ها نه تنها نیاز به اعضای هیئت‌علمی‌ای دارند که به دانشگاه پیوسته‌اند و به آن تعهد دارند، بلکه لازم است همچنان فعالانه در فعالیت‌های پژوهشی نوآورانه شرکت کنند. بنابراین، بهبود تعهد در دانشگاهیان، مأموریت حیاتی همه دانشگاه‌ها است (کوی هوو، ۲۰۱۵). نگاش و همکاران (۲۰۱۸)، تعهد به انجام پژوهش را به‌عنوان عاملی اثرگذار بر خروجی پژوهش‌های حسابداری در سطح کشورهای در حال توسعه در نظر گرفتند.

زمان و چرخه حیات

مطالعات نشان داده است که بهره‌وری پژوهشی دانشگاهیان بسته به مرحله کار حرفه‌ای محقق متفاوت است. این رویکرد به‌عنوان مدل چرخه زندگی ۱۲ شناخته می‌شود. مدل چرخه زندگی

حاکمی از آن است که بهره‌وری پژوهشگر به اثر متقابل انگیزه سرمایه‌گذاری و مصرف‌بستگی دارد که تحت تأثیر بلوغ شغلی و حرفه‌ای فرد است. نظریه چرخه زندگی نشان می‌دهد که به‌طور کلی، بهره‌وری پژوهشی یک محقق، در مراحل اولیه زندگی حرفه‌ای او که اوج آن در زمان قله، یعنی حق تصدی و استخدام رسمی است، به شدت افزایش می‌یابد و سپس رو به کاهش است (ویلز و همکاران، ۲۰۱۳؛ چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ هو و گیل ۲۰۰۰).

مدل چرخه زندگی پیش‌بینی می‌کند که بهره‌وری پژوهشی اعضای هیئت‌علمی با افزایش تجربه علمی ۱۳ فرد کاهش می‌یابد. یک دلیل قابل قبول برای کاهش بهره‌وری پژوهش، کاهش انگیزه بیرونی است که خود پیامد دستیابی و رسیدن به مواردی چون استخدام رسمی و ارتقا و نزدیکی به بازنشستگی است. یکی دیگر از دلایل ممکن است بخاطر این باشد که اعضای هیئت‌علمی بلندمرتبه معمولاً دارای مسئولیت‌های بیشتری برای ارائه خدمات و نیز مسئولیت‌های اجرایی هستند که این امر خود ممکن است مانعی برای بهره‌وری پژوهش باشد (چن و همکاران، ۲۰۰۶).

هو و گیل (۲۰۰۰) دریافتند که بین حق تصدی و استخدام رسمی شغلی با بهره‌وری پژوهشگران همبستگی منفی وجود دارد. درحالی‌که به نظر نمی‌رسد سن پژوهشگر تأثیری داشته باشد. نمونه‌های زیادی از محققان در دانشگاه‌ها وجود دارد که تمرکزشان بر انجام تحقیقات پس از ارتقا و حق تصدی، کاهش یافته است. برای مثال، استادان بلند مرتبه بیشتر به صرف وقت برای آموزش و تعلیم دانشجویان دکتری می‌پردازند و ممکن است وظایف آموزشی بیشتری داشته باشند و احتمالاً الزامات شهروندی ۱۴ بیشتری دارند و زمان کمتری برای انجام تحقیقات می‌گذارند. البته، در مقایسه بهره‌وری پژوهشی محققان جدید ۱۵ و قدیم (سنتی) مسائلی وجود دارد؛ محققان قدیمی ۱۶، هرچند که اغلب تحقیقات بیشتری را منتشر می‌کنند، اما این پژوهش‌ها ممکن است قدیمی و مربوط به سال‌های گذشته باشد. پژوهش‌هایی که به رتبه‌بندی افراد در خصوص بهره‌وری پژوهش می‌پردازند، تلاش کمی برای نشان دادن نحوه تغییر رتبه‌بندی بهره‌وری پژوهشی افراد با توجه به تاریخ انتشار مقاله، انجام داده‌اند (پیکرد و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین، تلاش‌های مستمر تحقیقاتی، بهره‌وری و میزان انتشار اولیه حرفه‌ای، با ملاحظات انگیزشی عمومی همراه است. موفقیت در انتشار، انتظارات موفقیت مداوم را به وجود می‌آورد.

عدم انتشار یا حداقل انتشار یک مقدار قابل توجه، ممکن است منجر به عقب‌نشینی از تلاش‌های لازم در جهت حفظ جریان در ادبیات و تکنیک‌های روش‌شناختی شود (فوگارتی، ۲۰۰۴).

عوامل انگیزشی

لویین و استفان (۱۹۹۱)، اشاره می‌نمایند که انگیزه ذاتی برای انجام تحقیق، مصرف دانش است، زیرا برای رفع جاه‌طلبی و احساس رضایت از آن استفاده می‌شود. در مقابل، انگیزه بیرونی برای انجام تحقیق به‌عنوان سرمایه‌گذاری از زمان، تلاش و منابع شخصی برای دستیابی به نتایج یا منافع خارجی مانند ارتقا، مشاهده می‌شود. به‌طور کلی بر اساس تئوری انتظار، افراد به‌طور مداوم نتایج و پیامدهای رفتار خود را ارزیابی می‌کنند و به‌طور ذهنی ۱۷ ارزیابی می‌نمایند که هر یک از اقدامات احتمالی آنها منجر به چه نتایجی خواهد شد. میزان تلاش افراد، بر اساس تجزیه و تحلیل سیستماتیک از الف) ارزش پاداش حاصل از نتایج (خروجی‌ها ۱۸)، ب) احتمال این که پاداش‌ها با توجه به نتایج حاصل شود و ج) احتمال دستیابی به نتایج از طریق اقدامات و تلاش‌ها، خواهد بود (چن و همکاران، ۲۰۰۶).

چن و همکاران (۲۰۰۶)، از مدل تئوری انتظار وروم ۱۹ (۱۹۶۴) به‌منظور درک انگیزه پژوهشی دانشگاهیان مرتبط با کسب و کار هشت رشته اصلی که شامل حسابداری بود، استفاده کردند. نظریه انتظار اشاره می‌کند که تلاش‌های افراد، به پاداش حاصل از نتایج و خروجی رفتار آنها وابسته است و احتمال افزایش پاداش ناشی از نتایج و پتانسیل دستیابی به نتایج، به تلاش افراد بستگی دارد. چن و همکاران (۲۰۰۶)، عوامل انگیزشی (پاداش) رایج که در ارتباط با بهره‌وری پژوهش دانشگاهیان است را شناسایی کردند. آنها به دودسته انگیزه ذاتی و بیرونی تقسیم‌بندی می‌شوند، همان‌طور که در نگاره ذیل نشان داده شده است.

نگاره (۱): انگیزه‌های مؤثر بر انجام پژوهش

عوامل مرتبط بانگیزه بیرونی	عوامل مرتبط بانگیزه ذاتی
<ul style="list-style-type: none"> • دریافت حق تصدی شغلی و استخدام رسمی • ارتقا • دریافت حقوق بیشتر • اخذ مقام مدیریتی • کسب مقام استادی^{۲۰} • کاهش مسئولیت آموزشی 	<ul style="list-style-type: none"> • شناخت و استقبال همکار • تکریم دانشجویان • برآوردن نیاز شخصی فرد در خصوص مشارکت و نقش فرد در یک زمینه کاری • برآوردن نیاز خلاقیت یا کنجکاوی شخصی فرد • برآوردن نیازهای شخصی فرد در خصوص همکاری با دیگران • برآوردن نیازهای شخصی فرد در خصوص فعال بودن در زمینه‌ها و موضوع‌های مدنظر • به دست آوردن یک موقعیت شغلی بهتر در دانشگاه دیگر

منبع: چن و همکاران (۲۰۰۶)

تیین و بلکبرن (۱۹۹۶) اشاره می‌کنند که انگیزه برای انجام تحقیق نه صرفاً ذاتی و نه صرفاً بیرونی است. در عوض، به نظر می‌رسد که این دو نوع به‌طور متقابل عمل می‌کنند و وابسته به شرایط افراد، ارزش‌ها و محیط نهادی آنها است. ویلز و همکاران (۲۰۱۳)، حق تصدی و استخدام را به‌عنوان عاملی مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری مورد تأیید قراردادند. نتایج پژوهش نگاش و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که انگیزه و تعهد برای انجام پژوهش در کشورهای در حال توسعه از عواملی چون کسب استقبال و شناخت از سوی همکاران دانشگاهی و وجود معیارهای ارتقا ناشی می‌شود.

عوامل انفرادی

توانمندی و اعتماد به نفس حرفه‌ای اساتید در کنار طرز تلقی، گرایش‌ها و علاقه‌مندی آنان به امر پژوهش حلقه‌ای است که فقدان آن می‌تواند به‌راحتی کارکرد سایر عوامل و بازیگران عرصه پژوهش را خنثی نماید. این مهم در قالب تئوری‌های رفتار شهروند سازمانی قابل توجیه است. در حقیقت دانشگاه‌ها نوعی از سیستم‌های اجتماعی - سیاسی هستند که در آن تعاملات اعضای هیئت علمی در قالب شبکه‌های پیچیده‌ای از روابط درونی، نمود می‌یابد که به نیروهای داخلی

و خارجی عکس‌العمل نشان می‌دهند. بنابراین، موفقیت دانشگاه‌ها در مواجهه با چالش‌های جدیدی نظیر جهانی‌شدن، بین‌المللی‌شدن و پاسخگویی، اساساً به تمایل اعضای هیئت‌علمی بستگی دارد که در راستای رسیدن به اهداف دانشگاه، فراتر از وظایف و انتظارات سازمانی خود عمل نمایند (عزیزی، ۱۳۹۲).

عوامل فردی شامل مهارت، دانش و دیگر ویژگی‌های فردی محقق است. این عوامل از مؤلفه‌های انگیزه درونی و بیرونی یا عوامل مرتبط با چرخه زندگی متفاوت است. عوامل فردی را می‌توان در داشتن ارتباطات قوی، مهارت‌های نوشتن و انجام پژوهش، مهارت‌های مدیریت زمان، موفقیت‌آمیز بودن آموزش دکتری فرد و داشتن مدرک دکتری در یک دانشگاه با کیفیت خلاصه کرد که می‌تواند به‌طور مثبت بر بهره‌وری پژوهش اثر گذارد. کار تمام‌وقت در صنعت، عاملی منفی در بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری است (ویلز و همکاران، ۲۰۱۳؛ نگاش و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین، این امر بدیهی است که ویژگی‌های شخصیتی مانند هوش، بینش، کنجکاوی و اخلاق کاری از جمله شاخص‌های مهم برای موفقیت علمی محققان است (چن و همکاران، ۲۰۰۶).

لویتان و رای (۱۹۹۲) متغیرهای نهادی و فردی را که با بهره‌وری پژوهشی حسابداری در ارتباط است، موردبررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مهمترین عامل در بهره‌وری پژوهش حسابداری، تخصیص مؤثر زمان است. در واقع افراد می‌توانند با مدیریت زمان به طرز چشمگیری توانایی‌های پژوهشی خود را افزایش دهند تا ساعت‌های طولانی‌تری را برای انجام تحقیق اختصاص دهند. آنها اشاره نمودند که مؤسسات می‌توانند با بهره‌مندی از دستیاران و کاهش مسئولیت تدریس و یا وظایف اداری دانشگاهیان به‌ویژه برای محققان برتر خود، بهره‌وری پژوهشی آنها را افزایش دهند. همچنین، نتایج پژوهش آنها نشان داد که محققان برتر از پژوهش لذت بیشتری نسبت به آموزش، می‌برند. صابری و همکاران (۱۳۹۴)، نشان دادند که میزان علاقه‌مندی اساتید به امر آموزش و پژوهش و متناسب بودن محیط خانوادگی و زندگی خصوصی بیشترین تأثیر را بر بهره‌وری اعضای هیئت‌علمی دارد.

جنسیت محقق

جنسیت نیز عاملی است که در تحقیقات مختلف برای بررسی تأثیر بر بهره‌وری پژوهش مورد اشاره قرار گرفته است. راما و همکاران (۱۹۹۷)، دریافتند که زنان نائل شده به ارتقا در مؤسساتی که دانشجوی دکتری نمی‌پذیرند ۲۱، دارای انتشارات بیشتری نسبت به مردانی که در موقعیت مشابه بودند، هستند. باکلس و همکاران (۱۹۹۸)، دریافتند که استادان زن باید از شایستگی و اعتبار ۲۲ بسیار بیشتری نسبت به هم‌تایان مرد خود برای دستیابی به همان سطح پیشرفت حرفه‌ای برخوردار باشند. تفسیر حاصله می‌تواند این چنین باشد که احتمالاً انگیزه بیشتری برای اساتید زن وجود دارد تا با انجام فعالیت‌هایی همچون پژوهش، مشروعیت خود را در محیطی که تحت سلطه مردان است تداوم بخشند. بنابراین، زنان ممکن است به میزان بیشتری تمایل به انجام هر کاری که به چاپ و انتشار مقاله می‌انجامد و لازم است، داشته باشند (فوگارتی، ۲۰۰۴). با این حال، برخی مطالعات تفاوت جنسیتی در میزان انتشار مقاله را مشاهده نکرده‌اند (نگاش و همکاران، ۲۰۱۸). فهیم نیا، نوروزی چاکلی و بامیر (۱۳۹۵)، به بررسی رابطه عوامل فردی و سازمانی با بهره‌وری پژوهشی اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران پرداختند. جامعه پژوهشی آنها شامل ۸۴۲ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران که در سال ۱۳۹۳، در پایگاه وب او ساینس مقاله نمایه شده داشتند، بود. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که بین جنسیت و بهره‌وری پژوهش، رابطه‌ای وجود ندارد.

حاسلبک و همکاران (۲۰۱۲)، با بررسی انتشارات فارغ‌التحصیلان دکتری حسابداری نشان دادند که اساتید مرد نسبت به اساتید زن بهره‌وری پژوهشی بالاتری دارند. در ادبیات بهره‌وری پژوهشی مورد مطالعه در تمام رشته‌ها، دلایل متعددی برای بهره‌وری پائین اعضای هیئت علمی زن، اشاره شده است؛ از جمله اینکه اعضای هیئت علمی مرد بیشتر به پژوهش‌هایی می‌پردازند که قابلیت انتشار بیشتری دارد. در ضمن، زنان عضو هیئت علمی دانشگاه همانند مردان، شبکه‌های بزرگ و قوی برای انتشار مقالات خود ندارند و معمولاً در این زمینه منزوی هستند (علی بیگی، ۱۳۸۶).

زیوساخت‌های آموزشی دانشگاه‌ها

وضعیت اجتماعی، وضعیت اعتبار نسبی یک نهاد را توصیف می‌کند. وضعیت ۲۳، به‌عنوان یک ارزیابی جامع اجتماعی از یک واحد حسابداری دانشگاهی تعریف شده و بر پایه شهرت دانشگاهی بنا می‌شود. وضعیت، نهادی عاملی است که بسیاری از جنبه‌های حرفه‌ای یک عضو هیئت‌علمی را دربرمی‌گیرد. مطالعات در بسیاری از رشته‌ها نشان داده است که بهترین مجلات و سایر نشریات تحقیقاتی توسط چندین دانشکده برتر تحت سلطه قرار گرفته‌اند. جوایز نیز در دست تعداد کمی از دانشگاه‌ها متمرکز است (فوگارتی، ۲۰۰۴).

بر اساس تئوری اجتماعی‌سازی می‌توان توضیح داد که در محیطی که دانشگاهیان فرصت‌های بیشتری برای همکاری با همکاران خود برای بحث در مورد مسائل پژوهشی داشته باشند، توانایی تحقیق در زمینه مورد نظر افزایش می‌یابد. وجود چنین محیطی، به‌خصوص برای سال‌های اولیه حضور دانشگاهیان در دانشگاه، حائز اهمیت است (کوی هوو، ۲۰۱۵). جنبه‌های کیفی مختلف حمایت علمی دانشگاه از اساتید راهنمای پایان‌نامه‌ها، بر بهره‌وری پژوهش‌های آینده تأثیر می‌گذارند. توانایی کار با مشاوران پایان‌نامه‌های مولد که احتمالاً در گروه‌ها و دانشگاه‌ها با وضعیت برتر قابل مشاهده است، بر بهره‌وری پژوهشی بعدی دانشجویان اثرگذار است. در دسترس بودن منابع مهم، منابع مالی در اختیار ۲۴، کاهش مسئولیت آموزشی و وجود همکاران شایسته می‌تواند محیط را برای انجام تحقیقات مهیا کند (فوگارتی، ۲۰۰۴). یک عضو هیئت‌علمی بلندمرتبه و باسابقه ممکن است به علت وجود مسئولیت آموزشی متناسب، فرصت‌های کار با اعضای هیئت‌علمی جدیدتر و دانشجویان دکتری را داشته باشد و همچنین بتواند زمان بیشتری برای فعالیت‌های پژوهشی به دلیل کم شدن مقدمات و فعالیت‌های لازم برای حضور در کلاس را داشته باشد (هوو و گیل، ۲۰۰۰).

رضایت شغلی، یک سازه نگرشی در روانشناسی سازمانی است که به جنبه‌های کار در سازمان‌ها مربوط می‌شود. رضایت شغلی نشان‌دهنده یک حالت احساسی خوشایند است که از ارزیابی وضعیت شغلی حاصل می‌شود، مثلاً رضایت از حقوق و محیط کاری مناسب. رضایت شغلی را می‌توان به‌عنوان یک واکنش عاطفی ۲۵ به شغل که نتیجه مقایسه نتایج و خروجی واقعی با اهداف تعیین شده است، تعریف کرد. اگر نتایج واقعی شبیه انتظارات فرد باشد، احساس رضایت فرد و بالطبع عملکرد او در محیط کار افزایش خواهد یافت. به نظر می‌رسد رضایت

شغلی عاملی مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌ها است (کوی هوو، ۲۰۱۵). همان‌طور که اگر رضایت شغلی برقرار نباشد، ممکن است اعضای هیئت‌علمی حسابداری در کاری خارج از دانشگاه مشغول به کار باشند تا حقوق کمترشان را افزایش دهند و به امر تحقیق کمتر مبادرت ورزند (نگاش و همکاران، ۲۰۱۹). صابری و همکاران (۱۳۹۴)، نشان دادند که رضایت شغلی، داشتن احساس تعلق نسبت به دانشگاه، رضایت داشتن از فعالیت در دانشگاه، برآورده شدن انتظارات شغلی در دانشگاه و کیفیت زندگی کاری اعضای هیئت‌علمی، بیشترین تأثیر را بر بهره‌وری اعضای هیئت‌علمی دارد. بر اساس نتایج حاصل از تحقیق سلیمانی و همکاران (۱۳۹۳)، عدم وجود امکانات تحقیقاتی در دانشگاه‌ها و عدم رضایت دانشجویان از امکانات موجود، در صدر عوامل مؤثر بر عدم گرایش دانشجویان تحصیلات تکمیلی حسابداری کشور به پژوهش قرار دارد.

به‌طور کلی، وجود زیرساخت‌های پژوهشی باید به‌عنوان یک ابزار مؤثر در موفقیت‌های علمی اعضای هیئت‌علمی‌ای که از این منابع استفاده می‌کنند، در نظر گرفته شود (فوغارتی، ۲۰۰۴). هر اندازه که دانشگاه‌ها، بسترهای لازم در این عرصه را فراهم کنند و هر اندازه اساتید در رابطه با منابع موردنیاز خود برای پژوهش با تنگنای کمتری مواجه باشند و دغدغه کمتری داشته باشند، به همان اندازه نیز می‌توان انتظار گسترش فعالیت‌های پژوهشی را از آنان داشت. عوامل اقتصادی، افزایش بودجه و تأمین منابع و نیازهای مالی، تأمین شرایط مناسب برای پژوهش و نشر آثار پژوهشی، توسعه فرصت‌های حضور افراد در کنگره‌ها، همایش‌ها و بهره‌گیری از نظام اطلاعاتی بر افزایش فعالیت‌های پژوهشی، تأثیرگذار است (عزیزی، ۱۳۹۲).

محیط پژوهشی، کمک‌های مالی از پژوهش‌ها و حضور در یک موسسه معتبر یا یک موسسه بخش خصوصی، عواملی است که بر بهره‌وری پژوهش‌ها اثر می‌گذارد (ویلز و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج پژوهش دباغ (۱۳۹۰)، حکایت از آن داشت که میزان کارایی ۱۳ دانشگاه ایران از سطح متوسط کارایی دانشگاه‌ها پایین‌تر بوده است. در بررسی تغییرات بهره‌وری دانشگاه‌ها مشخص شد که طی پنج سال تحصیلی، بهبود محسوسی حاصل نشده است و عدم پیشرفت و تغییرات نامحسوس مثبت در بهره‌وری پژوهش و بهره‌وری کل عمدتاً ناشی از رشد کم، کارایی تکنولوژی (به‌کارگیری مؤثر و میزان تجهیزات و امکانات آموزشی و پژوهشی) آنها است و در

مجموع ارتقای کارایی و بهره‌وری دانشگاه‌ها نیازمند اتخاذ برنامه‌ای استراتژیک و راه‌اندازی چرخه مدیریت بهبود بهره‌وری در دانشگاه‌ها است (دباغ، ۱۳۹۰).

تأثیر برنامه‌های دکتری

در برخی پژوهش‌ها به تأثیر کیفیت آموزش دکتری بر بهره‌وری پژوهش و ارتباط بین کیفیت بخش تحصیلات تکمیلی و تعداد استنادها به آثار، اشاره شده است (فوگارتی، ۲۰۰۴؛ نگاش و همکاران، ۲۰۰۹). کینی (۱۹۸۶)، اشاره می‌نماید که یک مشکل در برنامه‌های دکتری حسابداری، این است که دانشجویان سال اول در زمینه تحقیقات تجربی در حسابداری پیش‌زمینه‌ای ندارند (کینی، ۱۹۸۶). بنابراین، بهبود برنامه‌های دکتری می‌تواند موجب افزایش خروجی پژوهش‌های حسابداری شود (نگاش و همکاران، ۲۰۱۹) و مدرسان در برنامه‌های دکتری باید اطمینان حاصل کنند که فارغ‌التحصیلان خود را به‌درستی در امر روش تحقیق و کارهای آماری پژوهش آماده می‌کنند (دیکمن و زف، ۲۰۱۴).

فوگارتی (۲۰۰۴)، نشان داد که اعضای هیئت علمی حسابداری که درجه دکتری خود را در دانشگاه‌های با رتبه بالاتر کسب می‌کنند، احتمال بیشتری دارد تا در تحقیقات بهره‌ورتر باشند. حاصلبک و همکاران (۲۰۱۲)، نشان دادند که وابستگی سازمانی با بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری ارتباط معناداری دارد و اساتیدی که در دانشگاه‌های دارای مقطع دکتری تدریس می‌کنند، دارای بهره‌وری بیشتری هستند (دیکمن و زف، ۲۰۱۴). نتایج پژوهش فهیم نیا و همکاران (۱۳۹۵)، نشان داد که محل اخذ مدرک و مرتبه علمی بر بهره‌وری پژوهش مؤثر است، یعنی هرچه دانشگاه محل تحصیل از سطح بالاتری برخوردار باشد و اعضای هیئت علمی آن از مرتبه بالاتری برخوردار باشند، تولیدات علمی بیشتر خواهد بود.

ویژگی‌های تحقیق و سیاست‌های نشر

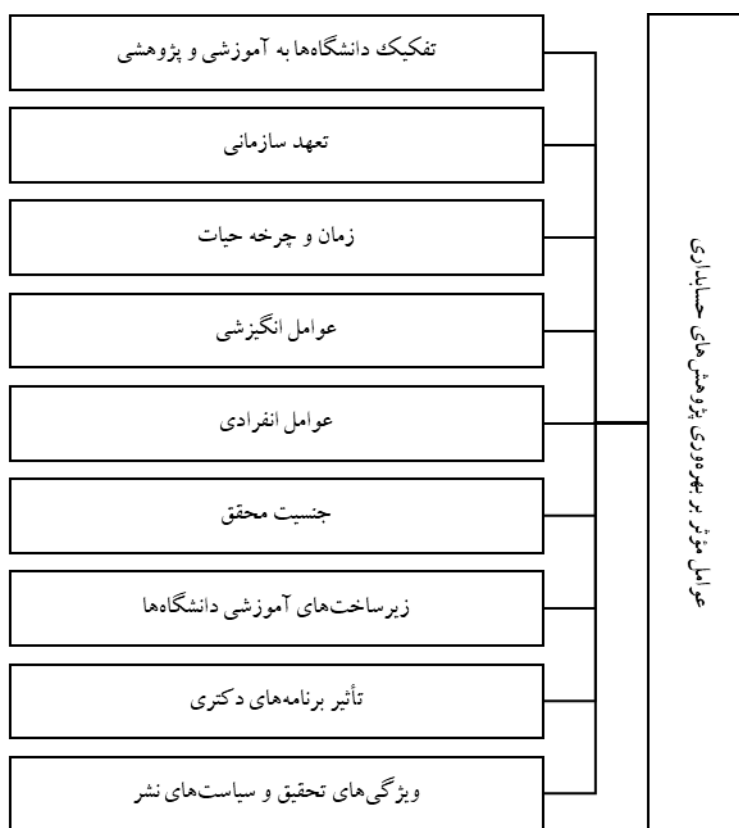
تاریخچه تحقیقات سیستماتیک ۲۶ در حسابداری، نسبتاً کوتاه است. ارائه تحقیقات متمایز نسبت به پژوهش‌های گذشته با مقاله بال و براون (۱۹۶۸) شروع شد و توانست به سرعت به یک پارادایم غالب در رشته حسابداری مبدل شود. رهبری این نوع تحقیقات همچنان در محتوای مجلات حسابداری پیشرو (مثلاً بررسی حسابداری و مجله تحقیقات حسابداری)، امروز احساس می‌شود. تسلط حوزه حسابداری مالی، در انجمن حسابداری آمریکا نیز دیده می‌شود. فعالیت

در پارادایم غالب، باعث قابلیت دید بیشتر موضوع و فرصت برای ارائه مقالات و بحث در مورد آنها می‌شود. به‌طور برعکس، افرادی که در پارادایم‌ها یا حوزه‌های کمتر شناخته‌شده کار می‌کنند، ممکن است دشواری بیشتری داشته باشند و زمان بیشتری را صرف تحقیق کنند. البته بعضی از همین حوزه‌ها ممکن است به‌عنوان حوزه‌های کمتر سخت‌گیرانه در نظر گرفته شوند، زیرا آنها پارادایم پذیرفته‌شده را توسعه نداده‌اند و یا آنها با عرف و عمل ۲۷، بیشتر مرتبط هستند. مزایای پارادایم اصلی این است که این حوزه در محدوده تدریس و آموزش جاری است. به‌عبارت‌دیگر، بسیاری از دانشگاهیان به دلیل تلاش‌های آموزشی خود به این حوزه متصل هستند. کسانی که در برخی زمینه‌های خاص (برای مثال، مالیات و سیستم‌های اطلاعاتی) فعالیت دارند، ممکن است از شتاب نسبی و شور و شوق تحقیق در این زمینه‌ها بهره‌مند شوند (فوکارتی، ۲۰۰۴). بعضی از موضوعات حسابداری احتمالاً منجر به انتشارات بیشتری می‌شود. این حوزه‌ها شامل تحقیقات رفتاری، حسابرسی و سیستم‌های اطلاعاتی هستند. تحقیقات مالی به طرز شگفت‌انگیزی به‌عنوان عامل مثبت در برخی مطالعات و عامل منفی در سایر مطالعات شناخته‌شده است (ویلز و همکاران، ۲۰۱۳).

اگرچه بهبود کیفیت، تضمین‌کننده چاپ مقاله نیست، اما می‌تواند احتمال چاپ را افزایش دهد (حقیقی طلب، ۱۳۹۶). دانش‌افزایی و نوآوری پژوهش و داشتن روش‌شناسی دقیق، عاملی مهم در افزایش بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری است (ویلز و همکاران، ۲۰۱۳). داشتن قالب مناسب نیز بر پذیرش مقالات اثرگذار است. در ایران مجلات علمی پژوهشی داخلی، مقالات حسابداری با قالب پایان‌نامه‌ای را چاپ می‌کنند و شاید یکی از مهمترین دلایل این موضوع، تدوین مقالات توسط دانشجویان مطابق قالب پایان‌نامه باشد (محمدرضایی، ۱۳۹۷). عوامل مرتبط با سازوکار و سیاست انتشار، همچنین در مطالعات قبلی مورد اشاره قرار گرفته است. ارائه تحقیق با سایر محققان شناخته‌شده ۲۸، انتخاب مناسب مجلات و سردبیران و این امر که تا چه میزان مقاله مدنظر به مسائل واقعی می‌پردازد و عمق موضوع را بررسی می‌کند و با ادبیات جاری رشته حسابداری و رشته‌های پیرامونی آن در تطابق است، به‌عنوان عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری مورد تأکید قرار گرفته‌اند (ویلز و همکاران، ۲۰۱۳).

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری است. امروزه میزان انتشار مقالات، عامل مهمی در زمینه رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و ارتقای اعضای هیئت‌علمی است. رشته حسابداری نیز از این قاعده مستثنی نیست. عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری که در این پژوهش اشاره شد، به شرح شکل ۱ است. این عوامل با استفاده از مطالعه مقالات حوزه بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری استخراج شده است (به‌طور نمونه: نگاش و همکاران، ۲۰۱۸؛ چن و همکاران، ۲۰۰۵).



شکل (۱): عوامل مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری

در ایران تعداد پژوهش‌هایی که بتواند عوامل مؤثر در زمینه بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری را مورد بررسی قرار دهد، کم است. نتایج این پژوهش می‌تواند بینش مفیدی را به متصدیان حوزه

آموزش و پژوهش بدهد. پیشنهاد می‌شود که دانشگاه‌ها نسبت به ارتقای کیفیت آموزش دوره دکتری و تربیت محققان حاذق مبادرت ورزند. طبق تئوری انگیزش، ارتقا و رضایت درونی و بیرونی اشخاص بر بهره‌وری پژوهش‌ها اثر می‌گذارد، بنابراین لازم است که تأثیر آئین‌نامه‌های استخدام و ارتقا اعضای هیئت‌علمی و بهبود فرهنگ پژوهش در گروه‌های حسابداری برای افزایش بهره‌وری پژوهش‌های حسابداری موردبررسی قرار گیرد.

همچنین، طبق تئوری رضایت شغلی، رضایت اشخاص از دانشگاه محل خدمت خود عاملی مؤثر بر بهره‌وری پژوهش‌ها است. از همین رو دانشگاه‌ها لازم است با بهبود عواملی چون افزایش حقوق اعضای هیئت‌علمی، در تحقق این امر تلاش کنند. البته، محققان نیز بایستی خود در امر پژوهش اهتمام بیشتری داشته باشند. مهارت در انجام پژوهش و داشتن دانش در خصوص روش‌شناسی پژوهش می‌تواند بر افزایش احتمال چاپ مقاله مؤثر باشد. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی میزان بهره‌وری محققان حسابداری ایران با توجه به مدل چرخه زندگی موردبررسی قرار گیرد.

بی‌نوشت

۱	entrepreneurial	۱۵	new researchers
۲	market valu	۱۶	established researchers
۳	Web of science	۱۷	subjectively
۴	Scopus	۱۸	outcomes
۵	The new-knowledge production function	۱۹	Vroom
۶	circulation	۲۰	chaired professorship
۷	Times Higher Education	۲۱	non-doctoral
۸	the reward system	۲۲	credentials
۹	Research leaders	۲۳	status
۱۰	Drones	۲۴	discretionary monies
۱۱	Artisans	۲۵	affective reaction
۱۲	The life-cycle model	۲۶	systematic research
۱۳	academic experience	۲۷	practice
۱۴	citizenship	۲۸	knowledgeable

منابع

- Abramo, G. , D'Angelo, C. A. , & Rosati, F. (2013). Measuring institutional research productivity for the life sciences: the importance of accounting for the order of authors in the byline. *Scientometrics*, 97 (3) , 779-795.
- Alibeygi, A. (2008). An analysis of the research productivity of faculty members: The case of Razi university. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*. 13 (4) ,125-154. (In Persian).
- Azizi, N. (2013). A study of ways to improve research performance of humanities faculty members. *Strategy for Culture*, 6 (21) , 7-33. (In Persian).
- Bond, D. , Clout, V. J. , Czernkowski, R. M. , & Wright, A. (2020). Research productivity of Australian accounting academics. *Accounting & Finance*.
- Brown, R. , Jones, M. , & Steele, T. (2007). Still flickering at the margins of existence? Publishing patterns and themes in accounting and finance research over the last two decades. *The British Accounting Review*, 39 (2) , 125-151.
- Buckless, F. , Ravenscroft, S. , & Baldwin, A. (1998). Educational qualifications and gender: Accounting for women as adjuncts. *Advances in public interest accounting*, 7, 1-26.
- Chan, K. C. , Chen, C. R. , & Cheng, L. T. (2005). Ranking research productivity in accounting for Asia-Pacific universities. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 24 (1) , 47-64.
- Chen, Y. , Gupta, A. , & Hoshower, L. (2006). Factors that motivate business faculty to conduct research: An expectancy theory analysis. *Journal of Education for Business*, 81 (4) , 179-189.
- Chen, Y. , Nixon, M. R. , Gupta, A. , & Hoshower, L. (2010). Research Productivity of Accounting Faculty: An Exploratory Study. *American Journal of Business Education*, 3 (2) , 101-115.
- Dabbagh, R. (2011). The Comparison of research and total productivity in Iranian public universities. *Iranian Journal of Economic Research*, 16 (47) , 75-104. (In Persian).
- Dabbagh, R. & Javaherian, L. (2016). Productivity of educational units in Iran's comprehensive public universities. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 22 (2) ,99-123. (In Persian).
- Dyckman, T. R. , & Zeff, S. A. (2014). Some methodological deficiencies in empirical research articles in accounting. *Accounting Horizons*, 28 (3) , 695-712.
- EVERETT, J. , Neu, D. , & Green, D. L. (2003). Commentary: Research productivity measurement and the field of academic accounting. *Canadian Accounting Perspectives*, 2 (2) , 153-175.
- Fahimnia, F. , Norozi, A. , & Bamir, M. (2016). A study on the relationship between individual and organizational factors and research productivity of the faculty members of Tehran University. *Journal of Scientometrics*, 2 (4) , 15-26. (In Persian).
- Faraji Armaki, A. , Arasteh, H. , & Farasatkah, M. (2012). Developing a Model for Increasing Research Productivity of University Faculty Member: a Case Study of Shahid Beheshti University. *Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 5 (8) , 95-117. (In Persian).

- Fogarty, T. J. (2004). Sustained research productivity in accounting: a study of the senior cohort. *Global perspectives on accounting education*, 1, 31.
- Glover, S. M. , Prawitt, D. F. , & Wood, D. A. (2006). Publication records of faculty promoted at the top 75 accounting research programs. *Issues in Accounting Education*, 21 (3) , 195-218.
- Hagigitalab, B. (2018). Points to consider when self- assessing your empirical accounting research. *Journal of Accounting and Auditing Research*, 7 (3) , 141-167. (In Persian).
- Harman, K. M. (1989). Professional loyalties of university academics: Four ideal types. *The Australian Educational Researcher*, 16 (2) , 1-11.
- Hasselback, J. R. , & Reinstein, A. (1995). A proposal for measuring scholarly productivity of accounting faculty. *Issues in Accounting Education*, 10 (2) , 269.
- Hasselback, J. R. , Reinstein, A. , & Abdolmohammadi, M. (2012). Benchmarking the research productivity of accounting doctorates. *Issues in Accounting Education*, 27 (4) , 943-978.
- Hasselback, J. R. , Reinstein, A. , & Schwan, E. S. (2000). Benchmarks for evaluating the research productivity of accounting faculty. *Journal of Accounting Education*, 18 (2) , 79-97.
- Hermanson, D. R. , Hermanson, H. M. , Ivancevich, D. M. , & Ivancevich, S. H. (1995). Perceived expectations and resources associated with new accounting faculty positions. In *American Accounting Association Annual Meeting*, Orlando, FL.
- Hu, Q. , & Gill, T. G. (2000). IS faculty research productivity: Influential factors and implications. *Information Resources Management Journal (IRMJ)* , 13 (2) , 15-25.
- Kaya, N. , & Weber, M. J. (2003). Faculty research productivity: Gender and discipline differences. *Journal of Family and Consumer Sciences*, 95 (4) , 46.
- Kerr, S. , Simkin, M. G. , & Mason, R. (2008). A Publication Profile of Accounting Faculty. *American Journal of Business Education*, 2 (8) , 103-114.
- Kinney Jr, W. R. (1986). Empirical accounting research design for Ph. D. students. *Accounting Review*, 338-350.
- Levin, S. G. , & Stephan, P. E. (1991). Research productivity over the life cycle: Evidence for academic scientists. *The American Economic Review*, 114-132.
- Levitan, A. S. , & Ray, R. (1992). Personal and institutional characteristics affecting research productivity of academic accountants. *Journal of Education for Business*, 67 (6) , 335-341.
- Mahdi, R. , Shafiee, M. (2018). The fourth generation university as a creator of the local and regional development. *Journal of Industry and University*. 10 (35) , 1-22. (In Persian).
- Meyer, J. P. , & Allen, N. J. (1997). *Commitment in the workplace: Theory, research, and application*. Sage.
- Mohammad Rezaei, F. (2018). Template for archival accounting research. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7 (26) , 189-208. (In Persian).

- Negash, M. , Lemma, T. T. , & Samkin, G. (2019). Factors impacting accounting research output in developing countries: An exploratory study. *The British Accounting Review*, 51 (2) , 170-192.
- Neumann, Y. , & Finaly-Neumann, E. (1990). The reward-support framework and faculty commitment to their university. *Research in Higher Education*, 31 (1) , 75-97.
- Pickerd, J. , Stephens, N. M. , Summers, S. L. , & Wood, D. A. (2011). Individual accounting faculty research rankings by topical area and methodology. *Issues in Accounting Education*, 26 (3) , 471-505.
- Nguyen, Q. H. (2015). Factors Influencing the research productivity of academics at the research-oriented university in Vietnam (Doctoral dissertation, Doctoral thesis) , Griffith University, Australia.
- Rama, D. V. , Raghunandan, K. , Logan, L. B. , & Barkman, B. V. (1997). Gender differences in publications by promoted faculty. *Issues in Accounting Education*, 12 (2) , 353.
- Saberi, S. , Mohamad khani, K. , & Araste, H. (2015). Investigating the factors affecting the productivity of faculty members and presenting a model for improving it. *The Journal of Research in Educational Systems*, 9 (29) , 55-80. (In Persian).
- Soleimani, H. , Soleimani, H. , & Salehfar, D. (2014). Factors influencing the reluctance of accounting graduate students the research. *Journal of Accounting Research*, 4 (2) , 97-116. (In Persian).
- Tien, F. F. , & Blackburn, R. T. (1996). Faculty rank system, research motivation, and faculty research productivity: Measure refinement and theory testing. *The Journal of Higher Education*, 67 (1) , 2-22.
- Tucker, B. P. , & Tilt, C. A. (2019). 'You know it when you see it': In search of 'the ideal' research culture in university accounting faculties. *Critical Perspectives on Accounting*, 64, 102069.
- Wills, D. , Ridley, G. , & Mitev, H. (2013). Research productivity of accounting academics in changing and challenging times. *Journal of Accounting & Organizational Change*, 9 (1) , 4-25.



تبیین حاکمیت شرکتی با استفاده از تئوری اقتضائی: مسیر

تحقیقات آتی

فرشاد سبزعلی پور^۱، محمدعلی آقایی^۲، سحر سپاسی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۱۲

مقاله ترویجی

چکیده

در طی سالیان دراز، تحقیقات حاکمیت شرکتی تلاش کرده‌اند مدلی را تدوین کنند که برای تمام شرکت‌ها و با اهداف مختلف سازگاری داشته باشد. تمرکز بیشتر این تحقیقات بر حداقل نمودن تضاد نمایندگی بین مالکان و مدیران بوده است. مشخصه مهم ادبیات مرسوم نمایندگی، تحقیق در زمینه وجود روابط کلی و جهان شمول بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و پیامدهای سازمانی بر مبنای منطق سیستم‌های بسته و با تمرکز بر هزینه‌های نمایندگی است. در دهه‌های گذشته بسیاری از محققین با این استدلال که تئوری نمایندگی کمتر به زمینه‌های محیط سازمانی می‌پردازد، نیاز به ارائه یک دیدگاه اقتضائی از حاکمیت شرکتی را مورد توجه قرار داده‌اند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی و تحلیلی به تبیین حاکمیت شرکتی با استفاده از تئوری اقتضائی پرداخته است. در این راستا، در گام اول به توضیح تئوری نمایندگی و انتقادات وارد بر آن و سپس به ارائه مبانی تئوری اقتضائی و پیشینه تحقیقات حاکمیت شرکتی با استفاده از این تئوری پرداخته شده است. در پایان نیز، پیشنهاداتی در خصوص مسیر تحقیقات آتی در این حوزه، ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، تئوری نمایندگی، تئوری اقتضائی، زمینه‌های سازمانی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G34, L11

DOI: 10.22051/ijar.2019.21762.1423

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه ایلام، ایلام، نویسنده مسئول، (f.sabzalipour@ilam.ac.ir)

^۲ دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران (aghaeim@modares.ac.ir)

^۳ دانشیار گروه حسابداری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (sepasi@modares.ac.ir)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

حاکمیت شرکتی با "ساختار حقوق و مسئولیت‌ها بین گروه‌های ذینفع در شرکت" در ارتباط است (آئوکی و همکاران، ۲۰۰۱). حاکمیت شرکتی اثربخش به‌طور ضمنی بیانگر سازوکارهایی است که از یک سو اطمینان می‌دهد مدیران حقوق و منافع ذینفعان شرکت را مورد توجه قرار می‌دهند، و از سوی دیگر تضمین می‌کند ذینفعان در خصوص حفاظت، ایجاد و توزیع ثروت سرمایه‌گذاری شده در شرکت به‌طور مسئولانه عمل می‌کنند. این اثربخشی همچنین توسط رویکردهای سیاسی متعدد در خصوص حاکمیت شرکتی که هدف آنها نظارت بر قدرت مدیریت است مورد حمایت قرار می‌گیرد (دیویس، ۲۰۰۵؛ پارکینسون، ۱۹۹۵).

از دیدگاه نظری، بیشتر ادبیات تجربی حاکمیت شرکتی ریشه در تئوری نمایندگی دارد و با موضوع ارتباط بین جنبه‌های مختلف حاکمیت شرکتی با پیامدهایی نظیر عملکرد شرکت سروکار دارد. در این زمینه فرض بر این است که از طریق مدیریت کردن مسئله نمایندگی/کارفرما بین سهامداران و مدیران، شرکت‌ها دارای عملیات کارا تر و عملکرد بهتری خواهند بود. در درون چارچوب نظریه نمایندگی، بر ابعاد کنترل و نظارت حاکمیتی تأکید می‌گردد. همچنین، پیش فرض اصلی این چارچوب این است که مدیران به عنوان نمایندگان سهامداران می‌توانند دارای رفتاری متناسب با نفع شخصی خود باشند که ممکن است با اصل حداکثرسازی ثروت سهامداران ناسازگار باشد. جهت محدود کردن رفتار فرصت‌طلبانه مدیران، سهامداران از دامنه متنوعی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی نظیر نظارت توسط هیات مدیره و نظارت دوگانه توسط مدیران (فاما و جنسن، ۱۹۸۳)، نظارت توسط سهامداران بیرونی بزرگ (دمتر و لهن، ۱۹۸۵) و انگیزه‌های مدیریتی مبتنی بر سهام (جنسن و مورفی، ۱۹۹۰)، استفاده می‌کنند. همچنین، عوامل درونی مانند تهدید به تصاحب (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷)، رقابت محصول (جنسن، ۱۹۹۳)، و بازارهای کار مدیریت (فاما، ۱۹۸۰)، ممکن است به محدود کردن رفتار فرصت‌طلبانه مدیران کمک نماید.

با وجود گستره و عمق ادبیات قبلی، این مطالعات دیدگاهی بسیار محدود درباره حاکمیت شرکتی ارائه نموده‌اند، به‌طوری‌که بسیاری از صاحب‌نظران نظیر توسی (۲۰۰۸) به محدودیت‌های مربوط به پارادایم‌های سنتی حاکمیت شرکتی مانند تئوری نمایندگی و چارچوب سرمایه‌داری مدیریتی^۱ اشاره نموده‌اند. در ادبیات قبلی حوزه حاکمیت شرکتی، توجه زیادی به بزرگترین

شرکت‌های بالغ پذیرفته شده در بازارهای بورس دنیا شده است که بر تئوریزه کردن دیدگاه نماینده/ کارفرما متمرکز هستند. در عوض توجه کمتری به فرآیندهای تغییر در حاکمیت و تغییرات در رابطه نماینده/ کارفرما، در طول چرخه عمر شرکت از مرحله تولد تا بلوغ، شده است. اگر چه حاکمیت شرکتی درباره اطمینان از پاسخگویی مدیریت جهت حداقل کردن ریسک سهامدار است، اما آن با توانمند نمودن کارآفرینی مدیریتی به گونه‌ای که سهامداران از منافع بالقوه شرکت منتفع گردند، نیز سروکار دارد (فیلاتوتچی و همکاران، ۲۰۰۶).

رویکرد نمایندگی به‌طور ضمنی فرض می‌کند که مجموعه‌ای از روابط کلی و جهان شمول^۲ بین رویه‌های حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت وجود دارد و در نتیجه توجه اندکی به زمینه‌های مختلفی^۳ که شرکت در آن فعالیت می‌کند، معطوف داشته‌اند. در این راستا، تحقیقات تجربی حاکمیت شرکتی این تردید و سوالات را به وجود آورده است که آیا یک رابطه مستقیم و جهان‌شمول بین رویه‌های حاکمیتی با پیامدهایی نظیر عملکرد شرکت وجود دارد؟ آیا این رابطه با توجه به اشکال متعدد تضادهای نمایندگی (وان دن برگ و همکاران، ۲۰۰۲)، اقتضای های سازمانی^۴ مختلف و در محیط‌های ملی مختلف (وایتلی، ۱۹۹۹؛ کروچ، ۲۰۰۵؛ کوگوت و راگین، ۲۰۰۶) برقرار است؟ برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که با استفاده از تئوری اقتضائی^۵ می‌توان توضیح جامع‌تری راجع به عوامل تعیین‌کننده و اثربخشی حاکمیت شرکتی فراهم نمود. تئوری اقتضائی بر این استدلال مبتنی است که عملکرد شرکت‌ها حاصل سازگاری^۶ بین عوامل اقتضائی مانند اندازه، عوامل محیطی، استراتژی، کنترل و ساختار سازمانی است (دونالدسون، ۲۰۰۱). هدف نوشتار حاضر، تبیین نقش تئوری اقتضائی در مطالعات حاکمیت شرکتی و تحلیل مسیر تحقیقات آتی در این حوزه است. در این راستا، ابتدا به تحلیل تئوری نمایندگی به‌عنوان چارچوب غالب در تحقیقات حاکمیت شرکتی و انتقادات وارده بر آن پرداخته می‌شود. سپس، تئوری اقتضائی و پیشینه تحقیقات حاکمیت شرکتی با استفاده از این تئوری، تشریح شده است و در پایان نیز به ارائه مسیر تحقیقات آتی در این حوزه پرداخته می‌شود.

تئوری نمایندگی: انتقادات وارده

مرور ادبیات موجود درباره بنیان‌های نظری حاکمیت شرکتی حاکی از آن است که تئوری نمایندگی، چارچوب نظری غالب در این حوزه بوده است. طرفداران نخستین تئوری نمایندگی

نظیر برل و مینز (۱۹۹۱) و جنسن و مکلینگ (۱۹۶۷) مدعی هستند که یک رابطه منطقی بین بازیگران اصلی یک سازمان شامل سهامداران، هیات مدیره و مدیریت وجود دارد. فرض اصلی این تئوری که ریشه‌های آن به حوزه اقتصاد بر می‌گردد، این است که مدیران و سهامداران دارای دسترسی متفاوتی به اطلاعات خاص شرکت هستند و مدیران به عنوان نمایندگان سهامداران ممکن است دارای رفتار فرصت‌طلبانه‌ای باشند که حداکثرسازی ثروت سهامداران را با مخاطره همراه سازد. به عبارتی دیگر، فرض می‌گردد منافع سهامداران و مدیریت متفاوت است و در نتیجه باید با استفاده از ابزارهایی این منافع هم‌راستا گردند. فرآیند هم‌راستا نمودن منافع این دو گروه، هزینه‌های نمایندگی را به همراه دارد و بیشتر این هزینه‌ها به فعالیت‌های نظارتی و کنترلی هیات مدیره قابل انتساب است. البته، این ادعا که تمایل به محدود کردن هزینه‌های نمایندگی باعث می‌گردد رفتار مدیران با انتظارات مالکان سازگار گردد و سطح مطلوبی از عملکرد را به ارمغان بیاورد، نیز وجود دارد (ایسن هارت، ۱۹۸۹؛ فاما و جنسن، ۱۹۸۳). بنابراین، مفهوم حاکمیت شرکتی اساساً به عنوان مسئله نماینده در مقابل کارفرما تفسیر می‌شود و بر محور ساختار حقوق و مسئولیت‌های این دو گروه جهت هم‌راستا کردن منافع آنها می‌چرخد (آئوکی و همکاران، ۲۰۰۱).

از دیدگاه شلیفر و ویشنی (۱۹۹۷)، در درون پارادایم اقتصاد مالی، حاکمیت شرکتی با این مسئله نمایندگی "جدایی مدیریت از تامین مالی" سروکار دارد. سوال بنیادی حاکمیت شرکتی این است که چگونه به تامین‌کنندگان منابع مالی اطمینان داده شود که آنها از سرمایه‌گذاری مالی خود بازدهی کسب می‌کنند. بنابراین، تئوری نمایندگی با کارایی شرکت از دیدگاه سهامداران که منابع خود را در شرکت سرمایه‌گذاری و در جستجوی حداکثرسازی بازدهی حاصل از این سرمایه‌گذاری هستند، سروکار دارد. برخی از انواع مختلف سازوکارهای حاکمیت شرکتی با ترکیب هیات‌مدیره، مشارکت سرمایه‌گذاران، انگیزه‌های مدیران اجرایی و ویژگی‌های رهبری سروکار دارد. این ویژگی به اندازه‌ای که هزینه‌های نمایندگی را کاهش و منجر به پیامدهای سازمانی نظیر بهبود کارایی و عملکرد گردند، اثربخش خواهند بود.

مقبولیت تئوری نمایندگی از دو ویژگی آن نشأت می‌گیرد (دیلی و همکاران، ۲۰۰۳). موضوع نخست به ساده بودن این تئوری بر می‌گردد، زیرا این تئوری، شرکت‌های بزرگ را به دو گروه شامل مدیران و سهامداران که منافع متمایز آنها به روشنی تعریف می‌شود، کاهش می‌دهد. دوم،

این تئوری فرض می‌کند انسان ذاتاً خودخواه است و به‌طور عقلایی در تعقیب منافع شخصی خود است. در اغلب مطالعات، سازوکارهای حاکمیت شرکتی به‌عنوان ابزارهایی تلقی می‌شوند که منافع شخصی مدیران را محدود می‌کند و باعث می‌گردند آنان در تعقیب منافع سهامداران برآیند.

انتقادات تئوری نمایندگی و کاربردهای آن در موضوعات حاکمیت شرکتی بر مسائلی نظیر وجود پیش‌فرض‌های غیرواقعی درباره اقدامات و انگیزه‌های مدیریت و ارائه پیشنهادات نامناسب حاصل از تئوری متمرکز است (سگرسین و هاتچول، ۲۰۱۱). محدودیت‌های بکارگیری تئوری نمایندگی عمدتاً ناشی از پیش‌فرض‌هایی است که در مدل‌سازی روابط نمایندگی مختلف وجود دارد. پیش‌فرض‌های ساده‌انگارانه درباره ماهیت اقدامات دخیل در روابط بین مقوله‌هایی مانند فرصت‌طلبی، انسان اقتصادی و تعقیب منافع شخصی، تمام پیچیدگی‌های مربوط به اقدامات انسان را پوشش نمی‌دهد. این پیش‌فرض‌ها برای مدل‌سازی ریاضی بسیار ساده هستند، اما زمانی که موضوع توصیف رفتار انسان مطرح می‌شود، غیرواقعی هستند. تمرکز صرف بر پیش‌فرض‌های تئوری نمایندگی ممکن است به توصیف‌های سطحی از روابط موجود در حاکمیت شرکتی و در نتیجه ارائه راه‌حل‌های عملی نامناسب منتهی گردد. این بدان معنی است که پیش‌فرض‌های تئوری نمایندگی جامعیت آن را محدود می‌کند (دیویس و همکاران، ۲۰۰۵)، به‌طوری‌که این پیش‌فرض‌ها تنها در وضعیت‌هایی که منافع مدیران و سهامداران متفاوت است، قابل استفاده باشند. این تئوری به دلیل تمرکز بر برخی از عوامل اقتصادی و عدم لحاظ عوامل سیاسی، مسائل حاکمیتی درونی یا نقش‌های سایر ذینفعان، یک سو به تلقی می‌شود. برخی محققین رویکردهای مختلفی را پیشنهاد می‌کنند که امکان توضیح رفتار مدیران را فراهم می‌کند. به عنوان نمونه، دیویس و همکاران (۲۰۰۵) تئوری مباشرت را پیشنهاد می‌کنند و بلایر و استوت (۱۹۹۹) در تحلیل جنبه‌های قانونی حاکمیت شرکتی، تئوری تولید تیمی را پیشنهاد می‌کنند. انتقادات بر تئوری نمایندگی این نکته را خاطر نشان می‌کنند که سازوکارهای کنترلی ارائه شده بر اساس مبانی تئوری نمایندگی نه فقط ساده هستند، بلکه به لحاظ اقتصادی ناکارآمد نیز هستند، زیرا سازوکارهای حمایت‌کننده از منافع سهامداران ممکن است با تحقق تصمیمات استراتژیک در تعارض بوده، اقدامات جمعی را محدود کنند، طرح‌های سرمایه‌گذاری را مختل

و منافع سایر ذینفعان را نادیده بگیرد که این موضوعات ممکن است به کاهش تعهد آنها به ایجاد ارزش اقتصادی منجر گردد (سگرسین و هاتچول، ۲۰۱۱).

علاوه بر انتقاداتی که در فوق به آنها اشاره شد، پذیرش تئوری نمایندگی در مطالعات حاکمیت شرکتی از چهار جنبه زیر که حاصل دیدگاه اقتضائی است، مورد انتقاد قرار گرفته است:

(۱) ماهیت غیرزمینه‌ای^۷ آن یا توجه اندک به زمینه‌هایی که شرکت در آن فعالیت می‌کند.

انتقادات اخیر به تئوری نمایندگی بر این موضوع متمرکز شده‌اند که این تحقیقات برای مقایسه و توضیح تنوع در سازوکارهای حاکمیت شرکتی کمتر به زمینه‌های ملی یا سازمانی مختلف توجه کرده‌اند (آگیلرا و جکسون، ۲۰۰۳). این موضوع منجر به نواقص و کاستی‌های مهمی در زمینه تجویز رویه‌های کلی می‌گردد که اغلب باید با زمینه‌های محیطی شرکت‌ها یا محیط‌های متنوع نهادی و ملی مطابقت داشته باشد (احمدجان و رویینز، ۲۰۰۵؛ فیس و زاجاک، ۲۰۰۴). حاکمیت شرکتی یک پدیده زمینه محور و پویا است که مستلزم تجزیه و تحلیل از طریق رویکرد فرآیندی تا رویکرد ایستای پذیرفته شده فعلی، است. تحقیقات تجربی که به موضوع حاکمیت شرکتی پرداخته‌اند، مدعی هستند که شناخت و فهم حاکمیت شرکتی از طریق تئوری‌های ذینفعان/ سهامداران مرسوم، مشکل است و عقلانیت اقتصادی و کارایی قادر به توضیح کامل آن نیستند.

(۲) پذیرش فرض "شرکت به عنوان یک سیستم بسته"، و اینکه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و پیامدها یک مجموعه روابط کلی و جهان شمول وجود دارد.

در طی سالیان دراز، تحقیقات دانشگاهی در زمینه حاکمیت شرکتی تلاش کرده‌اند مدلی را تدوین کنند که برای تمام شرکت‌ها و با اهداف مختلف سازگاری داشته باشد. به لحاظ تاریخی، بیشتر تحقیقات حاکمیت شرکتی بر یک مدل جهانشمول از تئوری کارفرما/ نماینده مبتنی بوده است (فاما، ۱۹۸۰؛ جنسن، ۱۹۹۳). ویژگی این تحقیقات، بررسی وجود روابط کلی (جهان شمول) بین حاکمیت شرکتی و پیامدها بر مبنای منطق سیستم‌های بسته و با تمرکز بر هزینه‌های نمایندگی است. به بیانی دیگر، تمرکز بیشتر تحقیقات تجربی درباره حاکمیت شرکتی بر حداقل نمودن تضاد نمایندگی بین مالکان و مدیران است. تمرکز بر تئوری نمایندگی باعث گردیده

است تا محققین دیدگاه سیستم منطقی بسته از سازمان^۸ را بپذیرند. در رویکرد سیستم بسته، تمرکز بر طراحی ابزارهایی جهت تحقق اهداف کارایی و عملکرد مشارکت‌کنندگان است (اسکات، ۲۰۰۱). رویکرد سیستم بسته به دلیل تمرکز بیش از حد بر ویژگی‌های ساختاری، بجای ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان و همچنین عدم توجه به زمینه‌های اجتماعی، تکنولوژی و فرهنگی که در آن سازمان‌ها فعالیت می‌کنند و بر ساختار و عملکرد آنها تأثیر دارد، توسط محققین مورد انتقاد قرار گرفته است. تامسون (۱۹۶۷)، مدعی است که تمرکز بر جنبه‌های جهان شمول سازمان‌ها ضروری است، اما این تمرکز منجر به مفهوم‌سازی ایستا^۹ از سازمان‌ها می‌گردد. در این راستا، تعدادی از مطالعات تلاش کرده‌اند تا ابعاد پویای حاکمیت شرکتی در طول چرخه عمر شرکت (جوهانسن، ۱۹۹۷؛ فیلاتوتچی و همکاران، ۲۰۰۶) و تنوع سیستم‌های حاکمیتی در کشورها را در طول زمان (آگویلرا و جکسون، ۲۰۰۳؛ گوسپل و پندلتون، ۲۰۰۵) توضیح دهند.

(۳) مبتنی بودن آن بر رویکرد "بهترین شیوه"^{۱۰}

تفکر "بهترین شیوه" از زمان رساله برل و مینز (۱۹۹۱) بر تحقیقات ساختار حاکمیتی حاکم شده است. محققین حوزه مدیریت مدعی‌اند که برای طراحی ساختار حاکمیتی یک شیوه صحیح (عموماً مستقل) و یک شیوه ناصحیح (عموماً دوگانه) وجود دارد. در حالیکه تفکر "بهترین شیوه" تا به امروز ادامه دارد، شکست‌های حاکمیتی متعدد نشان داده‌اند که سازمان‌ها و صنایع مختلف با هم تفاوت دارند. به عبارتی، آنچه که برای یک شرکت قابل کاربرد است، برای سایر شرکت‌ها قابل کاربرد نیست (مینتزبرگ، ۱۹۷۹). این انتقادات توانایی تئوری نمایندگی برای مقایسه صحیح و توضیح سازوکارهای حاکمیت شرکتی در زمینه‌های سازمانی مختلف را تهدید می‌کند (آگویلرا و جکسون، ۲۰۰۳؛ آگویلرا و همکاران، ۲۰۰۸).

تئوری اقتضایی

تئوری اقتضایی رویکردی در باب مطالعه رفتار سازمان هنگام مواجه با عوامل اقتضایی محیط سازمانی و نیز بررسی چگونگی اثرگذاری آنها بر عملکرد سازمان است. بر اساس این تئوری، اثربخشی سازمانی به تغییرات محیطی، اندازه سازمان، ساختار سازمانی و سیستم‌های اطلاعاتی وابسته است. تئوری اقتضایی بیان می‌کند که هیچ راهی به‌عنوان بهترین راه برای کنترل سازمان‌ها

وجود ندارد که به طور جهان شمول برای همه سازمان‌ها در همه زمان‌ها و در همه شرایط قابل کاربرد باشد (چن هال، ۲۰۰۶).

مفهوم اقتضائی بیانگر آن است که عملکرد یک شرکت حاصل مطابقت یا سازگاری ویژگی‌های آن با عواملی است که وضعیت شرکت را منعکس می‌کند (دونالدسون، ۲۰۰۱). یک عامل اقتضائی شامل هر گونه متغیری است که تأثیر ویژگی‌های سازمانی بر جنبه‌های مختلف عملکرد شامل عملکرد و کنترل مالی را تعدیل می‌کند. عوامل اقتضائی شامل مشخصه‌های درونی و بیرونی یک شرکت نظیر محیط بیرونی، استراتژی تجاری، اندازه سازمان، ساختار و فرهنگ سازمانی و میزان اتکاء سازمان به تکنولوژی است (گیگر و همکاران، ۲۰۰۶؛ هوکیو و جیمز، ۲۰۰۱). در تئوری اقتضائی، سه اصل اساسی به شرح زیر وجود دارد:

- ۱) برای سازماندهی هیچ راهی به عنوان بهترین راه وجود ندارد.
- ۲) روش‌های مختلف سازماندهی دارای کارایی و اثربخشی یکسانی نیستند.
- ۳) بهترین راه برای سازماندهی به ماهیت محیطی که سازمان با آن در ارتباط است، بستگی دارد (اسکات، ۲۰۰۳).

نظریه اقتضائی بر پایه مکتب سیستم‌ها بنا شده است. جوهر و اساس این مکتب بر این مبنا استوار است که رابطه یک سازمان با سازمان‌های دیگر و با توجه به مجموعه عوامل محیط آن به "وضعیت و موقعیت" بستگی دارد (ملانظری و زرابی، ۱۳۹۲). رویکرد سیستمی، تعاملات درون سازمان و نیز روابط تعاملی پویا بین سازمان و محیط را در نظر می‌گیرد و از این رو بر توسعه رویکرد اقتضائی تأثیر دارد. بهبود صورت گرفته توسط رویکرد تئوری اقتضائی، افراد را با منطق محدود در نظر می‌گیرد و ویژگی‌های رفتاری و منطقی سازمان‌ها را که عملیات آنها را تحت یک "سیستم باز" و در تعامل با محیط ترکیب می‌کند، در نظر می‌گیرد. تحت این رویکرد، "هیچ راهی به عنوان بهترین راه" وجود ندارد، بلکه در عوض راه‌های مناسب به وضعیت زمینه‌ای ۱۲ وابسته است. رویکرد تئوری اقتضائی برای مطالعات سازمانی در سال ۱۹۵۰ شروع به توسعه کرد که این امر واکنشی به تئوری‌های قبلی مدیریت بود، که علی‌رغم تنوعشان عموماً بر "بهترین شیوه برای سازمان" تأکید داشتند. این دیدگاه به صورت خلاصه توسط والانس و سیلاگی به این صورت بیان شده است:

"دیدگاه اقتضائی تلاش دارد تا رابطه متقابل بین و درون زیر سیستم‌های سازمان و همچنین، بین سیستم‌های سازمان به‌عنوان یک نهاد و محیطش را درک کند. این رویکرد بر ماهیت چند متغیره سازمان‌ها تأکید دارد و تلاش می‌کند که چگونگی فعالیت سازمان‌ها را تحت شرایط مختلف درک و تفسیر کند" (ملائظری و زرایی، ۱۳۹۲).

هسته مرکزی تئوری اقتضائی که دونالدسون (۲۰۰۱) آنرا پارادایم می‌نامد، این است که اثربخشی سازمانی حاصل سازگاری و ویژگی‌های سازمانی مانند ساختار آن با اقتضاءهایی است که وضعیت سازمان را منعکس می‌کند. او چنین استدلال می‌کند که اگر ساختار سازمانی با اقتضاءها سازگاری داشته باشند، سازمان دارای عملکرد بهتر و اثربخش‌تر خواهد بود. به بیانی دیگر، از دیدگاه او مدل اقتضائی شامل سه عنصر است. نخست، بین سیستم کنترل سازمان و عوامل اقتضائی رابطه وجود دارد. دوم، این عوامل ساختار شرکت را تعیین می‌کنند و سوم، سازگاری بین ساختار سازمانی و عوامل اقتضائی، منجر به عملکرد برتر می‌گردد.

از آنجا که پژوهش حاضر بر پایه تئوری نمایندگی و تئوری اقتضائی قرار دارد، بنابراین لازم است در این بخش به مهمترین ویژگی‌های هر یک از این دو تئوری، ارتباط آنها با هم و تفاوت‌های آنها پرداخته شود.

با عنایت به مطالب فوق، اگر چه به نظر می‌رسد تئوری نمایندگی متفاوت از تئوری‌های سازمانی نظیر تئوری اقتضائی است، اما با دیدگاه‌های سازمانی روابط متعددی دارد. همچنین، تئوری نمایندگی و اقتضائی دارای برخی ویژگی‌ها و فرضیات مشترک هستند (ایسن هاردت، ۱۹۸۹). به‌طور کلی، مهمترین تفاوت بین این دو تئوری به تمرکز آنها بر می‌گردد؛ در حالیکه تئوری اقتضائی بر شناسایی بهترین ساختار گزارشگری روابط و مسئولیت‌های تصمیم‌گیری تمرکز دارد، تئوری نمایندگی بر شناسایی بهترین ساختار روابط کنترلی حاصل از الگوهای گزارشگری و تصمیم‌گیری تمرکز دارد (ایسن هاردت، ۱۹۸۹). در نگاره (۱) فرضیات این دو تئوری مورد مقایسه قرار گرفته است.

نگاره (۱): مقایسه فرضیات تئوری اقتضائی و تئوری نمایندگی

فرضیات	تئوری اقتضائی	تئوری نمایندگی
نفع شخصی	--	*
تضاد هدف	--	*
عقلانیت محدود	*	*
عدم تقارن اطلاعاتی	*	*
رجحان کارایی	*	*
ریسک‌گریزی	--	*
اطلاعات به عنوان یک کالا	--	*

پیشینه تجربی حاکمیت شرکتی با استفاده از تئوری اقتضائی

در دهه‌های گذشته بسیاری از محققین نیاز به ارائه دیدگاه اقتضائی از حاکمیت شرکتی را مورد توجه قرار داده‌اند (میتزبرگ، ۱۹۸۳؛ ویلیامسون، ۱۹۸۳؛ بای سینگر و باتلر، ۱۹۸۵؛ کاسنیک، ۱۹۸۷؛ بای سینگر و هوسکینسون، ۱۹۹۰؛ دیلی و اسپونک، ۱۹۹۶؛ هراکلوس، ۲۰۰۱؛ استربل، ۲۰۰۴). دیدگاه اقتضائی بیان می‌کند که اثربخشی سازوکارهای حاکمیت شرکتی ممکن است در انواع محیط‌های سازمانی، متفاوت باشد (اسکات، ۲۰۰۳؛ آگیلرا و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین، این دیدگاه حاکی از آن است که استفاده از یک رویکرد استاندارد و مناسب برای تمام وضعیت‌ها صحیح نیست و در عوض رویه‌های کارآمد باید دامنه‌ای از سازوکارهای حاکمیتی ممکن که به اقتضاهای مهم وابسته‌اند، را مورد توجه قرار دهند (آگیلرا و همکاران، ۲۰۰۸). بنابراین، تئوری اقتضائی را می‌توان به منظور بررسی اثر سازگاری بین سازوکارهای حاکمیتی و اقتضاهایی نظیر عدم اطمینان محیطی، استراتژی و اندازه سازمان بر عملکرد سازمانی بکار برد (دونالدسون؛ ۲۰۰۱؛ آگیلرا و همکاران، ۲۰۰۸).

مرور ادبیات حاکمیت شرکتی با استفاده از تئوری اقتضائی حاکی از آن است که اگر چه رویکرد اقتضائی به حاکمیت شرکتی به طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است، اما رابطه بین حاکمیت شرکتی و عوامل اقتضائی توجه بسیاری از محققین را به خود جلب کرده است (نایکر و همکاران، ۲۰۰۹؛ فیلاتوتیچو و تامز، ۲۰۰۳؛ زهرا و پیرس، ۱۹۸۹). عامل اصلی پشتوانه این

دیدگاه، طبق ادبیات حوزه تئوری سازمانی، این است که هیچ مدل دستوری یا بهترین شیوه تدوین ساختار و سازماندهی وجود ندارد. در ادامه خلاصه‌ای از برخی مطالعات نظری و تحقیقات تجربی که با استفاده از رویکرد اقتضائی به تبیین و مطالعه حاکمیت شرکتی پرداخته اند، ارائه می‌گردد.

زهرآ و پیرس (۱۹۸۹)، در یک مقاله مروری استدلال‌هایی را در خصوص بکارگیری دیدگاه اقتضائی از حاکمیت شرکتی ارائه نمودند. آنان مدلی را ارائه کردند که روابط بین عوامل اقتضائی، ساختار هیات مدیره (ویژگی‌ها و نقش‌ها) و عملکرد را نشان می‌دهد. مطابق این مدل، ویژگی‌های هیات مدیره باید با عوامل اقتضائی درونی و بیرونی سازگاری داشته باشند. مارومتی (۲۰۰۸)، در رساله دکتری خود با مطالعه حاکمیت شرکتی در یونان مدعی شد که تنوع سازوکارهای حاکمیت شرکتی با توجه به سازگاری یا انطباق ۱۳ آن با متغیرهای وضعیتی حاصل از محیط‌های قانونی، شرکت و سازمانی مختلف تعدیل می‌گردد. همچنین او با پذیرش این رویکرد زمینه محور، استدلال می‌کند که اگر چه ویژگی‌های سیستم حاکمیت شرکتی در یونان متأثر از سایر پارادایم‌ها است، اما متغیرهای وضعیتی و سازگاری با ویژگی‌های محیط داخلی باعث گردیده است تا این سیستم متمایز بوده و بر قواعد چندگانه‌ای استوار باشد. بوید (۱۹۹۵)، با بکارگیری تئوری اقتضائی، ساختارهای رهبری مختلف ارائه شده توسط تئوری‌های نمایندگی و مباشرت را مورد بررسی قرار داد. او دریافت که تأثیر جدایی یا ترکیب نقش‌های مدیر عامل و رئیس هیات مدیره بر عملکرد به عدم اطمینان محیطی، به عنوان یک عامل اقتضائی، وابسته است.

کورن فورث (۲۰۰۳)، در کتابش می‌گوید "ما باید عوامل زمینه‌ای که ویژگی‌های هیات مدیره را شکل می‌دهد، بر آن تأثیر دارد یا بر چگونگی کار کردن آنها تأثیر دارند، را مورد توجه قرار دهیم". او با اتکاء بر کار اوستروور و استون (۲۰۰۱)، اقتضاهایی را مدلسازی کرد که بر ویژگی‌های هیات مدیره (مانند ترکیب، قدرت، ساختار و فرآیند)، نقش‌ها و اثربخشی آن تأثیر دارد. از دیدگاه او، اقتضاهای بیرونی شامل محیط نهادی و قانونی، زمینه فعالیت، ذینفعان و محیط تامین وجوه و اقتضاهای درونی شامل عمر، اندازه، چرخه عمر و پیچیدگی سازمان هستند. مینتزرگ (۱۹۸۳) نیز مدعی است که ترکیب هیات مدیره باید با توجه به میزان وابستگی شرکت به محیط تعیین گردد. به طور مشابه، ویلیام سون (۱۹۸۳) پیشنهاد کرد که ساختار سازمانی

به عنوان یک عامل اقتضائی بر ساختار هیات مدیره تأثیر دارد. به طور خاص، او تأکید کرد که هیات مدیره تحت کنترل افراد درونی برای شکل سازمانی نوع M^{۱۴} مناسب است، زیرا ساختار سازمان از نوع M یک ساختار کنترلی درونی فراهم می کند که با آنچه که توسط هیات مدیره اجرا می شود، سازگاری دارد. برخی صاحب نظران مالی نظیر هرملین و ویسبک (۲۰۰۱) نیز مدعی اند که برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی مانند استقلال هیات مدیره ممکن است برای تمام شرکت ها و با توجه به اقتضاهای مختلف ایده آل نباشد.

فیلاتوتوچو و تامز (۲۰۰۳)، مدعی هستند که رابطه حاکمیت شرکتی و استراتژی باید از دیدگاهی پویا مورد بررسی قرار گیرد. مایدلتون (۱۹۸۷) این نکته را یادآور شد که هیات مدیره بخشی از سازمان و محیط بیرونی است، بنابراین سازماندهی هیات مدیره باید با توجه به عوامل محیط بیرونی و سازمانی صورت گیرد. براون (۲۰۰۰)، نتیجه گرفت که مدل های حاکمیتی باید نیازهای سازمانی و محدودیت های محیطی را منعکس کنند. به طور مشابه، برادنی و مورای (۱۹۹۷) بیان کردند که هر سازمانی باید مدل مربوط به ساختار هیات مدیره خود را بر اساس محیط بیرونی، مجموعه ویژگی های سازمانی و فرهنگی تدوین نمایند. برادشو (۲۰۰۶)، با مطالعه نقش تئوری اقتضائی در ساختار حاکمیت شرکتی دریافته اند که مدل حاکمیتی با توجه به محیط بیرونی و سایر عوامل اقتضائی مانند اندازه سازمان، عمر سازمان، استراتژی و ساختار سازمانی متفاوت است. بنابراین، مدل حاکمیت شرکتی باید با این اقتضاهای سازگاری داشته باشد. آنان دریافته اند که در یک محیط با ثبات، سازمان های دارای ساختار سازمانی بوروکراتیک تر و عمر بیشتر، دارای کارایی بیشتری هستند. در چنین شرکت هایی نقش هیات مدیره و کارکنان به روشنی از هم تفکیک می گردد و کمیته های هیات مدیره توسعه یافته تری، شکل می گیرند. در مقابل، در سازمان های با اندازه کوچک و عمر کمتر که با یک محیط نامطمئن و پیچیده مواجه هستند، در صورتی کارایی بیشتر است که یک شکل منعطف حاکمیتی با تسهیم قدرت بیشتر بین هیات مدیره و کارکنان ایجاد شود و کمیته ها نیز با رسمیت کمتری باشند. پراساد و جانی (۲۰۱۷)، به ارائه الگوی اقتضائی ویژگی های مدیر عامل و نوآوری شرکت، پرداختند. آنان مدعی اند که شناخت تأثیر ویژگی های مدیر عامل بر نوآوری شرکت بدون توجه به زمینه های سازمانی امکان پذیر نیست، زیرا ممکن است زمینه هایی وجود داشته باشد که در آن ویژگی های خاص مدیر عامل بسیار کارآمد هستند. در این تحقیق، به طور خاص از اندازه شرکت به عنوان

یک عامل اقتضائی سازمانی مهم استفاده گردید. گوفار و اسلام (۲۰۱۵)، با ارائه مدل اقتضایی اثربخشی حاکمیت شرکتی دریافتند که استراتژی تجاری و رقابت تجاری به عنوان دو عامل اقتضایی جزو عوامل تعیین کننده ساختار حاکمیت شرکتی هستند. چلیا و همکاران (۲۰۱۶)، نیز نشان دادند که متغیرهای اقتضایی درونی و بیرونی بر سیستم‌ها و فرآیندهای حاکمیت شرکتی تأثیرگذار هستند. آنان با استفاده از رویکردی اقتضایی و مبنی بر اینکه در تدوین ساختارهای حاکمیت شرکتی باید زمینه‌های محیطی مورد توجه قرار گیرد، پیشنهاداتی عملی و نظری در حمایت از مدل‌های حاکمیتی، ارائه کردند. مطالعات مشابه دیگری نظیر پاگلیز و گرین (۲۰۰۲) و برسون و همکاران (۲۰۰۱) نیز به اهمیت عامل اقتضائی اندازه شرکت در روابط بین سازوکارهای حاکمیتی شرکت نظیر ساختار هیات مدیره و پیامدهای سازمانی آن، اشاره کرده‌اند.

نتیجه گیری

مرور ادبیات موجود حاکی از آن است که محققین با استفاده از دیدگاه‌های نظری مختلف مانند تئوری نمایندگی، وابستگی منابع، مباشرت، ذینفعان و... به تبیین و مطالعه حاکمیت شرکتی پرداخته‌اند. از بین این تئوری‌ها، دیدگاه تئوری نمایندگی مرسوم‌ترین دیدگاهی است که در کانون توجه محققین قرار گرفته است، به طوری که بیشتر رویه‌های تجویزی سیاست‌گذاری در حاکمیت شرکتی بر دیدگاه کلی "بهترین رویه"، مبتنی بر تئوری نمایندگی متمرکز بوده‌اند (فیس و زاجاک، ۲۰۰۴؛ آگولیرا و کورو-کازورا، ۲۰۰۴). تعدادی از مطالعات اخیر در حوزه حاکمیت شرکتی مهمترین فرضیات تحقیقات مبتنی بر تئوری نمایندگی را به چالش کشیده‌اند. این تحقیقات مدعی‌اند که توجه اندکی به عوامل اقتضائی موثر بر اثربخشی رویه‌های حاکمیت شرکتی، معطوف شده است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی و تحلیلی به تبیین حاکمیت شرکتی با استفاده از تئوری اقتضائی پرداخته است. نتایجی که می‌توان از مباحث ارائه شده استخراج کرد این است که استفاده از رویکرد اقتضائی در مطالعه حاکمیت شرکتی به توضیح اینکه چرا با وجود برخی عناصر جهان شمول، هیچ رویه‌ای به عنوان بهترین رویه برای دستیابی به حاکمیت شرکتی اثربخش وجود ندارد، کمک می‌کند. همچنین، ترکیب تئوری نمایندگی و تئوری اقتضائی این امکان را فراهم می‌کند تا انتقادات مطرح شده علیه تئوری نمایندگی به واسطه عدم توجه به زمینه‌های محیطی را مورد توجه قرار داد. بنابراین، مطالعات نظری و تجربی

آتی باید به شناخت حاکمیت شرکتی با توجه به عوامل اقتضائی پردازند که این به نوبه خود برای شاغلین و تدوین کنندگان رویه‌ها که به کاربرد حاکمیت شرکتی در وضعیت‌های خاص علاقه مند هستند، بسیار سودمند خواهد بود.

به طور کلی، استفاده از تئوری اقتضائی در مطالعه حاکمیت شرکتی دارای پیامدهای مهمی برای تحقیقات آتی و تجزیه و تحلیل سیاست‌گذاری در حوزه حسابداری است. نخست، این چارچوب می‌تواند برای مطالعه فرآیندهای حاکمیتی در اشکال مختلف سازمان-ها نظیر شرکت‌های کارآفرین یا شرکت‌های چندملیتی که در ادبیات حاکمیت شرکتی مورد توجه قرار نگرفته‌اند، بکار رود. دوم، تشابهات و تفاوت‌ها در حاکمیت شرکتی می‌تواند به طور سیستماتیک‌تر در درون یک صنعت و بین صنایع مختلف و همچنین در مجموعه گسترده‌تری از نهادها و قوانین ملی با هم مقایسه گردد. سوم، از آنجایی که بیشتر تحقیقات حاکمیت شرکتی به زمینه‌های محیطی همگن و رویه‌های حاکمیتی خاص بدون توجه به اثرات اقتضائی متمرکز بوده‌اند، بنابراین عوامل اقتضائی صرفاً به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند. در مطالعات آتی باید اثر عوامل اقتضائی نظیر اندازه و عمر شرکت، استراتژی تجاری، ساختار سازمانی و غیره به عنوان عوامل تعیین‌کننده ساختار حاکمیت شرکتی و یا به‌عنوان متغیرهای تعدیل‌گر و یا میانجی در رابطه بین حاکمیت شرکتی و پیامدها و رفتار گزارشگری مالی مورد توجه قرار گیرند.

پی‌نوشت

۱	managerial capitalism framework	۸	rational-closed systems view of organizations
۲	universal linkage	۹	static conceptualization
۳	distinct contexts	۱۰	one best way
۵	organizational contingencies	۱۱	situational
۶	contingency theory	۱۲	contextual status
۶	alignment	۱۳	fit
۷	under-contextual nature	۱۴	شکل سازمانی نوع M توسط شرکت‌هایی استفاده می‌شود که مدیریت شرکت به صورت غیرمتمرکز صورت می‌گیرد. در این نوع سازمان‌ها، مدیران ارشد در دفتر مرکزی، اجرای عملیات روزمره بخش‌ها را به مدیران آنها تفویض می‌کنند و صرفاً بر عملکرد مدیران بخش‌ها نظارت می‌کنند.

منابع

- Aguilera, R. V. , & Jackson, G. (2003). The cross-national diversity of corporate governance: Dimensions and determinants. *Academy of management Review*, 28 (3) , 447-465.
- Aguilera, R. V. , Filatotchev, I. , Gospel, H. , & Jackson, G. (2008). An organizational approach to comparative corporate governance: Costs, contingencies, and complementarities. *Organization science*, 19 (3) , 475-492.
- Ahmadjian, C. L. , & Robbins, G. E. (2005). A clash of capitalisms: Foreign shareholders and corporate restructuring in 1990s Japan. *American Sociological Review*, 70 (3) , 451-471.
- Aoki, M. , OAKI, M. A. , Greif, A. , & Milgrom, P. (2001). *Toward a comparative institutional analysis*. MIT press.
- Baysinger, B. , & Hoskisson, R. E. (1990). The composition of boards of directors and strategic control: Effects on corporate strategy. *Academy of Management review*, 15 (1) , 72-87.
- Baysinger, B. D. , & Butler, H. N. (1985). Corporate governance and the board of directors: Performance effects of changes in board composition. *Journal of Law, Economics, & Organization*, 1 (1) , 101-124.
- Berle, A. A. , & Means, G. G. C. (1991). *The modern corporation and private property*. Transaction publishers.

- Berson, Y. , Shamir, B. , Avolio, B. J. , & Popper, M. (2001). The relationship between vision strength, leadership style, and context. *The Leadership Quarterly*, 12 (1) , 53-73.
- Boyd, B. K. (1995). CEO duality and firm performance: A contingency model. *Strategic management journal*, 16 (4) , 301-312.
- Brown, W. A. (2000). Organizational effectiveness in nonprofit human service organizations: The influence of the board of directors (Doctoral dissertation, Claremont Graduate University).
- Brudney, J. L. , & Murray, V. (1998). Do intentional efforts to improve boards really work? The views of nonprofit CEOs. *Nonprofit management and leadership*, 8 (4) , 333-348.
- Chelliah, J. , Boersma, M. , & Klettner, A. (2016). Governance challenges for not-for-profit organisations: empirical evidence in support of a contingency approach. *Contemporary Management Research: an international journal*.
- Chenhall, R. H. (2006). The contingent design of performance measures. *Contemporary issues in management accounting*, 1 (9) , 92-117.
- Cornforth, C. (2003). Introduction: the changing context of governance-emerging issues and paradoxes.
- Crouch, C. (2005). Capitalist diversity and change: Recombinant governance and institutional entrepreneurs. OUP Oxford.
- Daily, C. M. , & Schwenk, C. (1996). Chief executive officers, top management teams, and boards of directors: Congruent or countervailing forces?. *Journal of Management*, 22 (2) , 185-208.
- Daily, C. M. , Dalton, D. R. , & Rajagopalan, N. (2003). Governance through ownership: Centuries of practice, decades of research. *Academy of Management Journal*, 46 (2) , 151-158.
- Davila, T. (2005). An exploratory study on the emergence of management control systems: formalizing human resources in small growing firms. *Accounting, Organizations and Society*, 30 (3) , 223-248.
- Davis, G. F. , & Marquis, C. (2005). Prospects for organization theory in the early twenty-first century: Institutional fields and mechanisms. *Organization science*, 16 (4) , 332-343.
- Demsetz, H. , & Lehn, K. (1985). The structure of corporate ownership: Causes and consequences. *Journal of political economy*, 93 (6) , 1155-1177.
- Donaldson, L. (2001). *The contingency theory of organizations*. Sage.

- Eisenhardt, K. M. (1989). Agency theory: An assessment and review. *Academy of management review*, 14 (1) , 57-74.
- Fama, E. F. (1980). Agency problems and the theory of the firm. *Journal of political economy*, 88 (2) , 288-307.
- Fama, E. F. , & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The journal of law and Economics*, 26 (2) , 301-325.
- Filatotchev, I. , & Toms, S. (2003). Corporate governance, strategy and survival in a declining industry: A study of UK cotton textile companies. *Journal of Management Studies*, 40 (4) , 895-920.
- Filatotchev, I. , Toms, S. , & Wright, M. (2006). The firm's strategic dynamics and corporate governance life- cycle. *International Journal of Managerial Finance*.
- Fiss, P. C. , & Zajac, E. J. (2004). The diffusion of ideas over contested terrain: The (non) adoption of a shareholder value orientation among German firms. *Administrative science quarterly*, 49 (4) , 501-534.
- Ghofar, A. , & Islam, S. (2015). *Corporate governance and contingency theory*. Suiza: Springer International Publishing.
- Gospel, H. F. , & Pendleton, A. (Eds.). (2005). *Corporate governance and labour management: An international comparison*. Oxford University Press on Demand.
- Heracleous, L. (2001). What is the impact of corporate governance on organisational performance?. *Corporate governance: an international review*, 9 (3) , 165-173.
- Hermalin, B. E. , & Weisbach, M. S. (2001). Boards of directors as an endogenously determined institution: A survey of the economic literature (No. w1161). National Bureau of Economic Research.
- Hoque, Z. , & James, W. (2000). Linking balanced scorecard measures to size and market factors: impact on organizational performance. *Journal of management accounting research*, 12 (1) , 1-17.
- Jensen, M. C. (1993). The modern industrial revolution, exit, and the failure of internal control systems. *the Journal of Finance*, 48 (3) , 831-880.
- Jensen, M. C. , & Meckling, W. H. (1979). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. In *Economics social institutions* (pp. 163-231). Springer, Dordrecht.

- Jensen, M. C. , & Murphy, K. J. (1990). Performance pay and top-management incentives. *Journal of political economy*, 98 (2) , 225–264.
- Johnson, R. B. (1997). The board of directors over time: Composition and the organizational life cycle. *International Journal of Management*, 14, 339–344.
- Kogut, B. , & Ragin, C. (2006). Exploring complexity when diversity is limited: Institutional complementarity in theories of rule of law and national systems revisited. *European Management Review*, 3 (1) , 44–59.
- Kosnik, R. D. (1987). Greenmail: A study of board performance in corporate governance. *Administrative science quarterly*, 163–185.
- Melanzeri, M. and Zarabi, A. (2013). Accounting Information System Coordination, *Journal of Accounting Research*, 3 (2) , 107–124. (In Persian).
- Middleton, M. (1987). Nonprofit boards of directors: Beyond the governance function. *The nonprofit sector: A research handbook*, 141–153.
- Mintzberg, H. (1973). Strategy-making in three modes. *California management review*, 16 (2) , 44–53.
- Ostrower, F. , & Stone, M. M. (2001, November). Governance research: Trends, gaps and prospects for the future. In ARNOVA Annual Conference, November.
- Paglis, L. L. , & Green, S. G. (2002). Leadership self- efficacy and managers' motivation for leading change. *Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial, Occupational and Organizational Psychology and Behavior*, 23 (2) , 215–235.
- Parkinson, J. E. (1995). *Corporate power and responsibility: Issues in the theory of company law*. OUP Catalogue.
- Prasad, B. , & Junni, P. (2017). A contingency model of CEO characteristics and firm innovativeness. *Management Decision*.
- Scott, W. (2003). *Richard1987 Organizations: Rational, Natural, and Open Systems*. Englewood Cliffs, NJ: Pren-tice-Hall. *ScottOrganizations: Rational, Natural, and Open Systems*.
- Shleifer, A. , & Vishny, R. W. (1997). A survey of corporate governance. *The journal of finance*, 52 (2) , 737–783.
- Strebel, P. (2004). The case for contingent governance. *MIT Sloan Management Review*, 45 (2) , 59.

- Thompson, J. D. (1967). *Organizations in action: social science bases of administrative theory*. McGraw-Hill.
- Thompson, J. D. (2003). *Organizations in action: Social science bases of administrative theory*. Transaction publishers.
- Tosi, H. L. (2008). Quo Vadis? Suggestions for future corporate governance research. *Journal of Management & Governance*, 12 (2) , 153-169.
- Van den Berghe, L. , Berghe, L. , Elst, C. , Carchon, S. , & Levrau, A. (2002). *Corporate governance in a globalising world: Convergence or divergence?: A European perspective*. Springer Science & Business Media.
- Whitley, R. (1999). *Divergent capitalisms: The social structuring and change of business systems*. OUP Oxford.
- Williamson, O. E. (1983). Organization form, residual claimants, and corporate control. *the Journal of Law and Economics*, 26 (2) , 351-366.
- Zahra, S. A. , & Pearce, J. A. (1989). Boards of directors and corporate financial performance: A review and integrative model. *Journal of management*, 15 (2) , 291-334.



ارتباط تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل کننده توانایی مدیران

مژگان صفا^۱، سید رضا قاضی^۲، ندا حسامی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۰۸

مقاله پژوهشی

چکیده

شرکت‌های دارای تمرکز مشتری عمده به دلیل ریسک تجاری بالا (ریسک از دست دادن مشتریان عمده)، نیازمند نگهداشت وجه نقد اضافی هستند. اجتناب مالیاتی می‌تواند جریان خروجی وجوه نقد را کاهش دهد و برای شرکت وجوه نقد اضافی ایجاد کند. هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط میان تمرکز بر مشتریان عمده و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و با بررسی نقش تعدیل کننده توانایی مدیریت است. برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیاتی) از نسبت هزینه مالیات ابرازی به سود خالص قبل از کسر مالیات، برای تمرکز مشتری از نسبت فروش‌های عمده (فروش‌های بالای ۱۰ درصد) و برای اندازه‌گیری متغیر توانایی مدیران از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. این پژوهش، از نوع شبه تجربی و پس رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری بوده و کاربردی است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون خطی تابلویی استفاده گردیده است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون خطی تابلویی استفاده گردیده است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۳۰ شرکت انتخاب شده با کمک فرمول کوکران در بورس اوراق بهادار تهران و طی بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ بوده است. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری فرضیه اول نشان داد که بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. به عبارتی، در شرکت‌های با مشتری عمده، نرخ مؤثر مالیاتی بالاتر و اجتناب از پرداخت مالیات پایین تر بوده است. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که توانایی مدیران به عنوان یک متغیر تعدیل کننده، ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی، تمرکز مشتری، توانایی مدیران

طبقه‌بندی موضوعی: M49, G38, G30, H20

DOI: 10.22051/ijar.2019.22628.1444

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران، نویسنده مسئول، (Mozhgan_safa@yahoo.com)

^۲ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد نطنز، اصفهان، ایران، (Sr_ghzi@yahoo.com)

^۳ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نطنز، اصفهان، ایران، (Hesami.neda@yahoo.com)

مقدمه

مالیات یک بحث راهبردی، زیربنایی و پویا است که نقش اساسی و محوری در تحقق برنامه‌های توسعه ملی هر کشوری مانند کشور ما ایفا می‌کند. امروزه مالیات جدا از نقش اصلی خود یعنی تأمین بخشی از هزینه‌ها، به عنوان یک اهرم تأثیرگذار در اجرای سیاست‌های انبساطی و انقباضی دولت در بودجه بندی بخش‌های مختلف کشور مورد توجه است. بنابراین، لزوم تحقق درآمدهای مالیاتی برای توسعه همه جانبه کشور بیش از پیش احساس می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، به طور معمول ۵۰ درصد و یا بیشتر، درآمد بالقوه مالیاتی وصول نمی‌شود. در اقتصاد نوظهور ایران نیز، اجتناب مالیاتی می‌تواند یکی از بزرگترین مشکلاتی باشد که سیستم مالیاتی با آن مواجه است (خواجوی و کیان مهر، ۱۳۹۵).

در این پژوهش، ارتباط تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی با بررسی نقش تعدیل‌کننده توانایی مدیریت بررسی خواهد شد. امروزه در محیط کسب و کار، جلب رضایت مشتری، در دستیابی سازمان‌ها به اهدافشان، نقشی مهم و اساسی دارد. سازمان‌ها دریافته‌اند که مشتریان، مهمترین دارایی آنها محسوب می‌شوند و ارتباط با مشتریان را تعاملی سودمند به شمار می‌آورند (بانرجی و همکاران، ۲۰۰۸). از سوی دیگر، نمی‌توان گفت که همه مشتریان، به یک اندازه در موفقیت سازمان نقش دارند. نکته ای که در مطالعات مدیریت ارتباط با مشتری، بر آن تأکید می‌شود، مسأله تمرکز بر مشتریان کلیدی است (پاتاتوکاس، ۲۰۱۲). مدیریت ارتباط با مشتری، سازمان‌ها را برای تشخیص مشتریان کلیدی و با اهمیت و حفظ آنها برای مبادلات آتی ترغیب کرده و نشان می‌دهد که تمرکز بر مشتریان کلیدی، باعث کاهش هزینه‌های جلب مشتری جدید و همچنین افزایش درآمدهای سازمان از جانب مشتریان وفادار می‌شود (خانلری و سهرابی، ۱۳۸۷). قانون ۲۰-۸۰ پارتو نیز همین مطلب را بیان می‌کند؛ یعنی ۸۰٪ سود سازمان از ۲۰ درصد مشتریان تأمین می‌شود.

همچنین در بخشی دیگر از این پژوهش، به اثرات تعدیل‌گر توانایی مدیران بر رابطه بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی خواهیم پرداخت. یکی از سرمایه‌های انسانی، که نقش مهمی در تبدیل منابع شرکت به درآمد و خلق ثروت برای سهامداران دارد، مدیران شرکت‌های تجاری هستند. اطلاعات مرتبط با قابلیت مدیران شرکت‌ها، از قبیل توانایی آنها در استفاده از فرصت‌های

سرمایه گذاری، تأمین منابع، تخصیص بهینه منابع و دانش و تجربه آنها، یکی از ابعاد مهم و ارزشمند دارایی‌های نامشهود شرکت‌های تجاری محسوب می‌شوند. اجتناب مالیاتی تلاش در جهت کاهش مالیات بر درآمدهای پرداختنی است. توانایی (قدرت) مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کاراتر عملیات روزانه شرکت شود، خصوصاً در دوره‌های بحرانی عملیات که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد. علاوه بر این، در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبرو است، مدیران توانا تر تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین مالی مورد نیاز خواهند داشت. به نظر می‌رسد مدیران توانمند در کنترل کارای منابع شرکت، عموماً تصمیم‌هایی را اتخاذ می‌کنند که منجر به افزایش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت می‌شود (حسینی القار و مرفوع، ۱۳۹۶). بنابراین، مساله تحقیق حاضر این است که چه رابطه‌ای بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی وجود دارد؟ همچنین، آیا توانایی مدیران اثر معنی داری بر رابطه بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی دارد؟

مبانی نظری پژوهش

ادبیات موجود رابطه معنی دار بین تمرکز مشتری و (۱) سیاست‌های مالی تأمین کنندگان (تیتمن و وسلس، ۱۹۸۸؛ بانرجی و همکاران، ۲۰۰۸؛ وانگ، ۲۰۱۲؛ کوهن و لی، ۲۰۱۳)، (۲) ریسک و عملکرد تأمین کنندگان (راونسکراپ، ۱۹۸۳؛ کالوانی و نارایانداس، ۱۹۹۵؛ پیرسی و لین، ۲۰۰۶؛ دالیوال و همکاران، ۲۰۱۴) و (۳) کیفیت گزارشگری مالی تأمین کنندگان (رامان و شهرور، ۲۰۰۸؛ رگو و ویلسون، ۲۰۱۲)، را نشان می‌دهند. با این حال مطالعات کمی به بررسی رابطه بین تمرکز مشتری و تأثیر تأمین کنندگان بر سایر عوامل همچون سهامداران و دولت از طریق پرداخت مالیات، پرداخته‌اند.

شرکت‌هایی با مشتریان متمرکز، این انگیزه را دارند تا به دو دلیل وجوه نقد اضافی نگهداری کنند؛ اول، تکیه بر مشتریان عمده و بزرگ مستلزم ریسک، جریان‌های نقدی بالاتری دارند، زیرا زیان مشتری عمده، می‌تواند منجر به کاهش (سقوط) قابل توجه در جریان‌های نقدی عرضه کنندگان شود (هرتزل و همکاران، ۲۰۰۸؛ دالیوال و همکاران، ۲۰۱۶). دوم، وانگ (۲۰۱۲) نشان داد که تأمین کنندگان با مشتریان عمده ممکن است به سرمایه گذاری در دارایی خاصی به عنوان یک تعهد به مشتریان‌شان نیاز داشته باشند. گوسمن و کلیک (۲۰۰۹) و پیرسی

و لین (۲۰۰۶)، اعتقاد داشتند که مشتریان عمده تمایل دارند تا از قدرت چانه‌زنی خود برای حفظ شرایط مطلوب تأمین‌کنندگان استفاده کنند که در نتیجه آن می‌تواند سودآوری پایین‌تر، درآمد بالاتر و نوسانات جریان نقدی را برای تأمین‌کنندگان به همراه داشته باشد. بنابراین، تأمین‌کنندگان با مشتریان عمده، احتیاج به نگهداری وجوه نقد بالاتری دارند، زیرا اجتناب مالیاتی می‌تواند جریان خروجی وجوه نقد را کاهش دهد (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). به عبارتی، شرکت‌ها با مشتریان متمرکز این انگیزه را دارند تا فعالیت‌های اجتناب مالیاتی بیشتری به کار برند.

شرکت‌ها می‌توانند وجوه نقد خود را از طریق ابزارهای مختلف اجتناب مالیاتی همچون انتشار بدهی (سپردهای مالیاتی بدهی)، عدم پرداخت سود سهام و کاهش اقلام تعهدی اختیاری افزایش دهند. وانگ (۲۰۱۲) نشان داد که شرکت‌ها با تمرکز مشتری بالا از سطح سود نقدی پایین‌تر و صدور بدهی، برای نگهداشت وجه نقد استفاده می‌کنند. همچنین، او نشان داد که شرکت‌های با مشتریان متمرکز ممکن است بر اجتناب مالیاتی برای افزایش وجوه نقد تکیه نکنند. اعتقاد بر این است که شرکت‌ها در استفاده از اجتناب مالیاتی و ابزارهای دیگر برای افزایش وجه نقد، نوعی وابستگی به هزینه بکارگیری هر روش دارند و اجتناب مالیاتی هزینه پایین‌تری را برای شرکت‌ها با مشتریان متمرکز، برای ایجاد جریان نقدی به همراه دارد. شرکت‌هایی که با احتمال بحران مالی بالاتری مواجه هستند، تمایل دارند تا از اجتناب مالیاتی برای صرفه‌جویی نقدی استفاده کنند (نوگا و اسپچندر، ۲۰۱۳). شرکت‌ها با تمرکز مشتری بالا، احتمال بالاتری را برای تجربه بحران مالی دارند (گوسمن و همکاران، ۲۰۰۴)، بنابراین احتمال بالاتری دارد تا با بکارگیری اجتناب مالیاتی در جهت حفظ وجوه نقدی حرکت کنند. همچنین، نسبت بدهی پایین‌تر در شرکت‌ها با تمرکز مشتری بالاتر، این انگیزه را به آنها می‌دهد تا از اجتناب مالیاتی استفاده کنند، زیرا این شرکت‌ها یک سپر مالیاتی بدهی کوچک دارند (تیتمن و ولس، ۱۹۸۸).

در این پژوهش به بررسی اثر تعدیل‌گر قدرت (توانایی) مدیران (مدیرعامل) بر رابطه بین تمرکز بر مشتری و اجتناب مالیاتی پرداخته شده است. مطالعات متعددی (همچون؛ بیک و همکاران، ۲۰۱۱؛ بنکر و همکاران، ۲۰۱۳؛ کارتر و همکاران، ۲۰۱۰؛ چانگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ جیانگ و لی، ۲۰۱۱) گزارش می‌کنند که توانایی بیشتر مدیرعامل، مدیریت عملیات شرکت را بهبود می‌بخشد، در نتیجه عملکرد شرکت را افزایش می‌دهد. هریس و هلمستروم (۱۹۸۲)،

استدلال می‌کنند که شرکت‌ها توانایی و بازخورد مدیران خود را در طول زمان مشاهده و ارزیابی می‌کنند و معتقدند که مدیران با توانایی بالا، کارآمدی بیشتری در تولید دارند. همچنین، سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در پروژه‌های باارزش‌تر و مدیریت کارای کارکنان نیز از ویژگی‌های مدیران توانمند است. بنابراین، در کوتاه‌مدت انتظار می‌رود، مدیران توانمند بتوانند درآمد بیشتری با استفاده از سطح معینی از منابع کسب کنند، یا با استفاده از منابع کمتر، به سطح معینی از درآمد دست یابند و بالعکس، تصمیمات ضعیف و مهارت پایین مدیریت در رهبری می‌تواند شرکت را به سمت ورشکستگی سوق دهد. مدیران توانمندتر آگاهی و دانش بیشتری در ارتباط با مشتریان و شرایط کلان اقتصادی دارند و قادرند درک بهتری در ارتباط با استانداردهای پیچیده‌تر داشته و آنها را به درستی اجرا کنند (دی و همکاران، ۲۰۱۲).

مدیران دارای توانایی بالا، قدرت درک بهتری از شرایط داخلی و خارجی شرکت داشته و از قدرت برآورد بالایی در رابطه با پیش‌بینی فرصت‌های اجتناب مالیاتی شرکت برخوردارند. مدیران توانا علاوه بر برآوردهای باکیفیتی که انجام می‌دهند، به واسطه شناخت و قدرت درک خود از عملیات شرکت، فرصت‌های مالیاتی را شناسایی کرده و خروجی‌های نقدی شرکت را کاهش و ثروت مالکان را افزایش می‌دهند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳).

توانمندی مدیریت به عنوان یکی از اهرم‌های قوی و محرک‌های اصلی توسعه، موضوعی است که همواره مورد تأیید کارشناسان و مجریان بوده است. در برخی از شرکت‌ها منشأ تصمیمات مهم برای جذب مشتریان عمده مدیران شرکت است، در حالی که در برخی از شرکت‌های دیگر تصمیمات، حاصل اجماع اعضای هیأت‌مدیره آن شرکت است. بنابراین، در شرکت‌هایی که مدیر عامل منشأ تمام تصمیمات استراتژیک شرکت است، ممکن است تصمیماتی اتخاذ شود که با کاهش ریسک عدم فروش محصول (با جذب مشتریان عمده)، تمرکز بر مشتریان عمده در شرکت افزایش یابد (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵).

پیشینه پژوهش

در پژوهشی دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) با بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر چهار ویژگی کیفی سود شامل تعدد ارائه مجدد صورت‌های مالی، پایداری سود، کیفیت ارقام تعهدی و میزان خطای برآورد در مطالبات مشکوک‌الوصول، نشان دادند که میزان توانایی مدیریت با هر کدام

از چهار ویژگی ذکر شده رابطه مثبت دارد. آنها به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیریت بر پایداری بخش تعهدی سود به صورت مستقیم، تأثیرگذار است. در پژوهشی دیگر، ریچاردسون و همکاران (۲۰۰۷) با بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات، سیاست بدهی و اعضای غیرموظف هیئت مدیره به این نتیجه رسیدند که بین هزینه مالیات و سیاست بدهی رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. همچنین، بین درصد اعضای غیر موظف و سیاست بدهی نیز رابطه منفی وجود دارد. سایر یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نسبت اعضای غیر موظف، اثر جانشینی بدهی را تقویت می‌کند.

گالمور و لاپرو (۲۰۱۵)، در پژوهشی با بررسی اهمیت محیط اطلاعات داخلی برای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها نشان دادند شرکت‌هایی که محیط اطلاعات داخلی با کیفیت تری دارند، احتمالاً اجتناب مالیاتی بالاتری دارند. همچنین، در شرکت‌هایی که کیفیت محیط اطلاعات داخلی بیشتر است، ریسک مالیاتی نیز پایین تر است. در پژوهش دیگری، هوانگ و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی رابطه بین تمرکز مشتری و اجتناب (و ریسک) مالیاتی نشان دادند که در شرکت‌های با مشتریان متمرکز بالاتر، اجتناب و ریسک مالیاتی بالاتر است. همچنین، گان و پارک (۲۰۱۷) با بررسی رابطه بین توانایی مدیریتی مدیرعامل و ارزش حاشیه‌ای وجوه نقد نشان دادند که ارزش حاشیه‌ای وجوه نقد در شرکت‌های با توانایی مدیریت بیشتر، بالاتر است. لی و همکاران (۲۰۱۸) نیز نشان دادند که توانایی مدیریت اثر مثبتی بر فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها دارد.

در پژوهشی فروغی و محمدزاده (۱۳۹۲) با بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی، ارزش و سطح نگهداشت وجوه نقد نشان دادند که اجتناب مالیاتی بر سطح نگهداشت وجوه نقد اثر منفی دارد. کردستانی و عباسی (۱۳۹۳) با بررسی رابطه بین تمرکز مشتری و عملکرد شرکت نشان دادند که تمرکز مشتری رابطه مثبتی با عملکرد شرکت دارد. همچنین، خدای پور و بزرایی (۱۳۹۴) با بررسی تأثیر رقابت بازار محصول بر اجتناب از پرداخت مالیات نشان دادند که بین شاخص هزینه ورود (شاخص اول اندازه‌گیری رقابت بازار محصول) و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه ای منفی و معنی دار وجود دارد، اما در خصوص رابطه شاخص هرفیندال (شاخص دوم اندازه‌گیری رقابت بازار محصول) و اجتناب از پرداخت مالیات، نتایج معنی داری یافت نشد.

در پژوهشی دیگر، خواجهی و کیان مهر (۱۳۹۵) به مدل‌سازی اجتناب مالیاتی با استفاده از اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نشان دادند که حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی اثرگذار است، به طوری که با افزایش راهبری شرکتی، اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد. همچنین، حاکمیت شرکتی از طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی بر اجتناب مالیاتی اثرگذار است. نتایج نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی بر اجتناب مالیاتی اثرگذار است. حسنی‌القار و شعری (۱۳۹۶) در پژوهشی با بررسی تأثیر توانایی مدیران بر اجتناب مالیاتی نشان دادند که توانایی مدیریت، تأثیر مثبت معنی‌داری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

شیبانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با بررسی تأثیر تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن سهم بازار شرکت نشان دادند که تمرکز مشتری شرکت دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی آن است. علاوه بر این، ارتباط مثبت بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی، زمانی برجسته‌تر است که شرکت در صنعتی که فعالیت می‌کند، سهم بازار کمتری داشته باشد. در پژوهشی مشابه، شیبانی و خدای‌پور (۱۳۹۷) با بررسی نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی نشان دادند که تمرکز مشتری شرکت دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی آن است. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش بیانگر این است که ارتباط مثبت بین تمرکز مشتری و اجتناب از مالیات زمانی برجسته‌تر است که شرکت کمتر در مدیریت سود واقعی درگیر شود. به عبارت دیگر، شرکت‌های با مشتریان عمده که در مدیریت سود واقعی درگیر هستند، کمتر احتمال دارد در اجتناب مالیاتی درگیر شوند که این با اثر جایگزینی بین مدیریت سود واقعی و اجتناب از مالیات سازگار است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و مسئله اصلی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر ارائه شده است:

فرضیه اول: بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم: توانایی مدیران بر رابطه بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی اثر معنی‌داری دارد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات شبه تجربی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری می‌باشد و از حیث هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. روش پژوهش حاضر از نوع استقرایی و پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) و روش آماری آن همبستگی است. اطلاعات واقعی شرکت‌ها به صورت تلفیقی و به وسیله الگوی رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات مزبور از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال استخراج و با اطلاعات صورت‌های مالی تطبیق یافت و برای آماده‌سازی اطلاعات، از صفحه گسترده اکسل و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نسخه ۹ نرم‌افزار EViews استفاده گردید.

جامعه و نمونه آماری

- جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در بورس اوراق بهادار تهران بوده‌اند و حائز شرایط زیر می‌باشند.
- ۱) با توجه به دوره تحقیق (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵)، تاریخ پذیرش آنها در بورس قبل از سال ۱۳۹۰ و تا پایان سال ۱۳۹۵ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.
 - ۲) اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس باشد و سهام آنها به دلیل کنترل ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، به طور مستمر مورد معامله قرار گرفته باشد.
 - ۳) به منظور افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی آنها منتهی به پایان اسفندماه بوده و در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند (برای افزایش قابلیت مقایسه).
 - ۴) سهام شرکت در هر یک از سال‌های دوره پژوهش وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نداشته باشد.
 - ۵) به دلیل ساختار مالی عموماً متفاوت شرکت‌های مالی، نمونه انتخابی نباید جزء شرکت‌هایی از قبیل بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و لیزینگ‌ها باشد.
- پس از اعمال محدودیت‌های بالا و با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه آماری منتخب با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۳۰ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند.

الگو و متغیرهای تحقیق

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کمی و آزمون فرضیه‌های تحقیق از «رگرسیون خطی چندگانه» بر اساس داده‌های ترکیبی استفاده شده است. مدل مورد استفاده جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق؛ برگرفته از مدل تحقیق هوانگ و همکاران (۲۰۱۶) به شرح زیر است:

مدل (۱): آزمون فرضیه اول تحقیق

$$TaxAvoidance_{it} = \beta_0 + \beta_1 CC_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 CASH_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 PPE_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 IB_{it} + \beta_{10} CFO_{it} + \beta_{11} AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲): آزمون فرضیه دوم تحقیق

$$TaxAvoidance_{it} = \beta_0 + \beta_1 CC_{it} + \beta_2 (CC_{it} * MA_{it}) + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 CASH_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 PPE_{it} + \beta_9 LOSS_{it} + \beta_{10} IB_{it} + \beta_{11} CFO_{it} + \beta_{12} AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته و نحوه محاسبه آن

اجتناب از پرداخت مالیات: ($TaxAvoidance$) در این پژوهش از معیار نرخ مؤثر مالیاتی شرکت i در سال t به عنوان معیاری برای محاسبه اجتناب از پرداخت مالیاتی شرکت استفاده شده است. نرخ مؤثر مالیاتی (ETR_{it}) برابر با هزینه مالیات ابرازی ($TaxExpense_{it}$) مندرج در صورت سود و زیان تقسیم بر سود خالص قبل از کسر مالیات، است.

$$TaxAvoidance_{it} = \frac{TaxExpense_{it}}{PreTaxIncome_{it}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

از آنجا که بین نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی وجود دارد (به عبارتی، با افزایش اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی کاهش می‌یابد)، بنابراین برای خنثی کردن این رابطه معکوس در مدل، مقدار ETR در عدد (-۱) ضرب می‌شود (گالمور و لابرو، ۲۰۱۵):

$$TaxAvoidance_{it} = (-1) * ETR_{it} \quad \text{رابطه (۲)}$$

متغیر مستقل و نحوه محاسبه آن

در این پژوهش، تمرکز مشتری (CG_{it}): تنها متغیر اصلی و مستقل پژوهش خواهد بود. در ایران، استاندارد یا الزام خاصی برای افشای مشتریان عمده وجود ندارد، اما بر اساس بیانیه ۱۳۱ هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی، در صورتیکه درآمد حاصل از فروش به یک مشتری، ۱۰ درصد یا بیشتر از ۱۰ درصد کل درآمد شرکت را تشکیل دهد، افشای چنین مشتریانی در صورت های مالی الزامی است (FASB، ۱۹۹۷). در پژوهش پیش رو برای تعیین مشتریان عمده، از این استاندارد استفاده شده است. در این پژوهش برای اندازه گیری متغیر تمرکز مشتری از نسبت فروش مشتریان عمده به کل فروش شرکت استفاده شده است. تمرکز مشتری برابر با مجموع فروش شرکت به مشتریان عمده (در صورتیکه درآمد حاصل از فروش به یک مشتری، ۱۰ درصد یا بیشتر از ۱۰ درصد کل درآمد شرکت را تشکیل دهد، مشتری عمده است) در سال t به کل فروش شرکت در سال t ، است. هر قدر این معیار بزرگتر باشد، یعنی تمرکز مشتری بالاتر بوده است.

متغیر تعدیلگر و نحوه محاسبه آن

توانایی مدیران (MA_{it}): متغیر نمایانگر توانایی مدیر عامل که در این پژوهش از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) برای اندازه گیری آن، استفاده شده است. آنها معتقدند که کارایی کل شرکت که به کمک رابطه (۲) محاسبه می شود، نشانگر کارایی منابع در اختیار مدیریت و همچنین، توانایی های فردی مدیریت است، زیرا مدیری که توانایی مدیریتی بیشتری دارد، بدون توجه به اندازه شرکت، در پیش بینی ساز و کارها، روندهای شرکت و بحث و مذاکرات با مشتریان عمده و عرضه کنندگان مواد و محصولات مؤثرتر واقع خواهد شد. علاوه بر توانایی مدیریت، کارایی کل شرکت حاصل شده از رابطه فوق، به عواملی از جمله اندازه شرکت، سهم بازار، وجوه نقد آزاد، تعداد شعب یا واحدهای فرعی (پیچیدگی عملیات) و شاخص ارزی (به عنوان یک عامل ناشی از روابط خارجی) بستگی دارد. در این پژوهش پیرو تحقیق دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، برای اندازه گیری توانمندی مدیریت از رابطه رگرسیونی زیر به صورت ترکیبی و بر اساس کل داده ها (سال شرکت ها) استفاده شده است. در رابطه زیر، جزء خطای

رگرسیون نشان دهنده توانایی مدیریت است. هر قدر جزء خطا پایین تر باشد، توانایی مدیریت نیز بالاتر است و بالعکس. در این پژوهش از تغییر توانایی مدیرعامل در مدل استفاده شده است.

رابطه (۳)

$$FirmEfficiency_{it} = \beta_0 + \beta_1 SIZE_{it} + \beta_2 MarketShare_{it} + \beta_3 FreeCash_{it} + \beta_4 AGE_{it} + \beta_5 BSC_{it} + \beta_6 ForeignCurrency_{it} + \varepsilon_{it}$$

به طوری که:

$FirmEfficiency_{it}$: کارایی کل شرکت است که برای محاسبه آن از مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده شده است. مدل تحلیل پوشش داده‌ها، مدل آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خارجی کاربرد دارد.

رابطه (۴)

$$max_v \theta = \frac{Sales}{v_1 COGS + v_2 SG\&A + v_3 PPE + v_4 OL + v_5 R\&D + v_6 GDWL + v_7 OtherIntan}$$

Sales: برابر است با فروش خالص شرکت i در سال t .

COGS: برابر است با بهای تمام شده کالای فروش رفته شرکت i در سال t .

SG&A: برابر است با هزینه‌های عمومی، اداری و فروش i در سال t .

PPE: برابر است با اموال، تجهیزات و ماشین آلات شرکت i در سال t .

OL: برابر است با هزینه اجاره عملیاتی شرکت i در سال t .

R&D: برابر است با هزینه‌های تحقیق و توسعه شرکت i در سال t .

GDWL: برابر است با میزان سرقتی شرکت i در سال t .

OtherIntan: برابر است با خالص دارایی‌های نامشهود شرکت i در سال t .

مقدار محاسبه شده برای کارایی شرکت در محدوده صفر تا یک قرار می‌گیرد. شرکت‌های با نمره کارایی یک، شرکت‌هایی هستند که بسیار کارا هستند و شرکت‌هایی که نمره کارایی

آنها کمتر از یک است، زیر مرز کارایی قرار دارند و باید با کاهش هزینه‌ها یا با افزایش درآمدها به مرز کارایی برسند. هدف از محاسبه کارایی شرکت، سنجش توانایی مدیریت شرکت است.

Sizeit: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها.

Market Shareit: سهم بازار شرکت از نسبت فروش شرکت i در سال t به فروش صنعت در سال t .

FreeCashit: نمایانگر متغیر جریان نقد آزاد شرکت i در سال t است و برابر با نسبت جریان نقد آزاد به کل دارایی‌ها، است. جریان نقد آزاد برابر با خالص جریان وجوه نقد عملیاتی منهای سود سهام پرداختی منهای خالص جریان وجوه نقد سرمایه‌گذاری، است.

Ageit: لگاریتم طبیعی سن یا تعداد سال‌های عمر شرکت از زمان تأسیس، است.

BSCit: نسبت فروش شرکت‌های فرعی (وابسته) به اصلی به کل فروش شرکت i در سال t .

ForeignCurrencyit: اگر شرکت i در سال t دارای تسعیر ارز باشد، مقدار آن یک در غیر این صورت مقدار آن صفر فرض می‌شود.

متغیر کنترلی و نحوه محاسبه آن

(۱) اندازه شرکت (SIZEit): برابر است با لگاریتم طبیعی خالص دارایی‌های شرکت i در سال t و شاخصی برای ارزیابی عملکرد شرکت است.

(۲) اهرم مالی (LEVit): نمایانگر نسبت ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌ها شرکت i در سال t و شاخصی برای ارزیابی اهرم مالی شرکت است.

(۳) نگهداشت وجه نقد (CASHit): نمایانگر نسبت مجموع وجوه نقد به علاوه سرمایه‌گذاری کوتاه مدت تقسیم بر ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال t و شاخصی برای ارزیابی نگهداشت وجه نقد شرکت است.

(۴) نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (MTB_{it}): نمایانگر نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت و شاخصی برای ارزیابی رشد شرکت است.

- ۵) نرخ بازده دارایی‌ها (ROA_{it}): بیانگر نسبت سود خالص پس از کسر مالیات به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال t و شاخصی برای ارزیابی عملکرد شرکت است.
- ۶) اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات (PPE_{it}): نمایانگر نسبت اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات به ارزش دفتری کل دارایی‌ها و شاخصی برای ارزیابی دارایی‌های ثابت شرکت است.
- ۷) متغیر مجازی زیان شرکت ($LOSS_{it}$): یک متغیر مجازی است. اگر شرکت زیان گزارش کرده باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.
- ۸) درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره (IB_{it}): برابر با تعداد اعضای غیرموظف شرکت i در سال t به جمع کل اعضای هیئت مدیره، است.
- ۹) جریان خالص وجوه نقد عملیاتی (CFO_{it}): نمایانگر نسبت خالص وجوه نقد عملیاتی به ارزش دفتری کل دارایی‌ها و شاخصی برای ارزیابی وجوه نقد عملیاتی شرکت است.
- ۱۰) عمر شرکت (AGE_{it}): نمایانگر لگاریتم طبیعی عمر شرکت از تاریخ تأسیس و شاخصی برای ارزیابی عمر طبیعی شرکت است.

یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در نگاره (۱) آورده شده است که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. میانگین نرخ مؤثر مالیاتی تقریباً ۰/۰۹۳، میانه ۰/۰۸۷، دارای حداقل مقدار ۰/۰۰۰ و حداکثر مقدار ۰/۲۶۱ که انحراف معیاری در حدود ۰/۰۸۹ دارد. این نشان می‌دهد که مالیات ابرازی حدود ۹ درصد از سود خالص قبل از مالیات هر شرکت را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، طبق ماده ۱۴۳ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۸۰، نرخ مؤثر مالیاتی قانونی شرکت‌های بورسی ۲۲/۵ درصد است، در حالی که میانگین نرخ مؤثر مالیات دفتری حدود ۹ درصد است. این تفاوت معنی دار احتمالاً می‌تواند مبین استفاده گسترده شرکت‌های بورسی از روش‌های اجتناب مالیاتی باشد.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
نرخ مؤثر مالیاتی (ETR_{it})	۰/۰۹۳	۰/۰۸۷	۰/۰۸۹	۰	۰/۲۶۱
اجتناب مالیاتی ($TaxAvoidance_{it}$)	-۰/۰۹۳	-۰/۰۸۷	۰/۰۸۹	-۰/۲۶۱	۰
تمرکز مشتری کل (CC_{it})	۰/۳۷۴	۰/۳۳۶	۰/۳۳۶	۰	۰/۹۹۰
توانایی مدیران (MA_{it})	۰/۰۱۳	۰/۰۱۵	۰/۱۹۵	-۰/۲۶۱	۰/۳۹۴
اندازه شرکت ($SIZE_{it}$)	۱۴/۱۲۹	۱۳/۹۶۴	۱/۳۷۳	۱۰/۵۰۴	۱۹/۱۴۹
اهرم مالی (LEV_{it})	۰/۶۵۲	۰/۶۶۰	۰/۱۹۴	۰/۱۹۶	۰/۹۵۵
نگهداشت وجه نقد ($CASH_{it}$)	۰/۰۵۲	۰/۰۳۱	۰/۰۶۴	۰/۰۰۰۴	۰/۴۷۹
نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام (MTB_{it})	۲/۹۱۰	۲/۳۲۶	۲/۱۰۷	۰/۵۴۱	۸/۲۱۵
نرخ بازده دارایی (ROA_{it})	۰/۰۷۳	۰/۰۶۵	۰/۱۴۵	-۰/۴۰۷	۰/۴۶۰
اموال، تجهیزات و ماشین آلات (PPE_{it})	۰/۲۴۶	۰/۲۰۶	۰/۱۷۵	۰/۰۱۹	۰/۷۶۴
متغیر مجازی زیان شرکت ($LOSS_{it}$)	۰/۱۸۵	۰	۰/۳۸۹	۰	۱
نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره (IB_{it})	۰/۶۴۸	۰/۶۰۰	۰/۱۶۲	۰/۲۰۰	۰/۸۳۳
جریان وجوه نقد عملیاتی به ارزش دفتری دارایی (CFO_{it})	۰/۱۰۶	۰/۰۹۴	۰/۱۲۰	-۰/۱۸۸	۰/۴۸۵
لگاریتم عمر شرکت (AGE_{it})	۳/۶۴۰	۳/۷۶۱	۰/۳۵۵	۲/۷۰۸	۴/۲۰۴

میانگین تمرکز مشتری تقریباً ۰/۳۷۴ و میانه‌ای در حدود ۰/۳۳۶ دارد. مقدار انحراف معیار آن ۰/۳۳۶ بوده، حداقل و حداکثر مقدار آن به ترتیب ۰ و ۰/۹۹۰ است. این موید این مطلب است که به طور متوسط در حدود ۳۷ درصد از فروش‌های شرکت‌های مورد بررسی به مشتریان عمده (بالای ۱۰ درصد) صورت پذیرفته است. میانگین متغیر توانایی مدیریت تقریباً ۰/۰۱۳، میانه ۰/۰۱۵، دارای حداقل مقدار ۰/۲۶۱- و حداکثر مقدار ۰/۳۹۴ است که انحراف معیاری در حدود ۰/۱۹۵ دارد. این نشان می‌دهد که میزان متوسط توانایی مدیریت (خطای مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۰۲) حدود ۰/۰۱۳) بوده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از رگرسیون خطی چندگانه بر اساس داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در ابتدا قبل از برازش الگو، میزان همخطی بین متغیرهای مستقل تحقیق از طریق آزمون تورم واریانس مورد بررسی قرار گرفت. تجربیات عملی حاکی از این است که اگر عامل تورم واریانس بزرگتر از عدد ۵ باشد، مبین وجود یک اخطار احتمالی است و در صورتی که بزرگتر از ۱۰ باشد، یک اخطار جدی را یادآور می‌شود و حکایت از آن دارد که ضرایب رگرسیونی مربوطه به علت همخطی چندگانه به صورت ضعیفی برآورد شده‌اند. نتایج این آزمون حاکی از عدم وجود همخطی شدید بین متغیرهای مستقل است. برای بررسی عدم وجود خود همبستگی سریالی متغیرهای مستقل از آزمون بروش-گادفری استفاده شده است. هر گاه سطح معنی داری در این آزمون بالاتر از ۵٪ باشد، این پیش فرض رگرسیونی برقرار است. نتایج این آزمون نیز بیانگر عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی است.

برای انتخاب مدل تحلیل داده، داده‌ها می‌توانند به صورت سری زمانی، مقطعی یا ترکیبی باشند. با توجه به اینکه داده‌های این تحقیق از نوع ترکیبی می‌باشند، باید مشخص شود که از نوع تابلویی (Pooling) یا تلفیقی (panel) هستند، بدین منظور از آزمون چاو و آزمون هاسمن استفاده شد. در این دو آزمون، برای آن دسته از مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵٪ باشد یا به عبارتی دیگر آماره آزمون آنها کمتر از آماره نگاره باشد، از روش تلفیقی استفاده می‌شود که معمولاً نتایج حاصل از این دو آزمون با یکدیگر سازگار است. از سوی دیگر، برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵٪ است، برای تخمین مدل از روش تابلویی استفاده خواهد شد. روش تابلویی خود با استفاده از دو مدل "اثرات تصادفی" و "اثرات ثابت" می‌تواند انجام گیرد. برای تعیین اینکه از کدام مدل استفاده شود، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵٪ است، از مدل اثرات ثابت و مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵٪ است از مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل استفاده می‌شود (افلاطونی، ۱۳۹۳). با توجه به اینکه الگوی استفاده شده در این تحقیق از نوع تابلویی (Pooling) است، نتایج آزمون هاسمن نیز نشان می‌دهد که باید از روش اثرات ثابت استفاده کرد.

نگاره (۲): نتایج آزمون چاو و هاسمن

نتیجه آزمون	آزمون هاسمن		آزمون چاو		مدل
	سطح معنی داری	آماره	سطح معنی داری	آماره	
روش تابلویی (Pooled)	۰/۰۰۰	۵۱/۴۱۷	۰/۰۰۰	۸/۴۵۴	مدل (۱) پژوهش
روش تابلویی (Pooled)	۰/۰۰۰	۴۸/۳۱۳	۰/۰۰۰	۸/۲۲۰	مدل (۲) پژوهش

نگاره (۳): نتایج آزمون آماری فرضیه‌ی اول پژوهش

$TaxAvoidance_{it} = \beta_0 + \beta_1 CC_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 CASH_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 PPE_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 IB_{it} + \beta_{10} CFO_{it} + \beta_{11} AGE_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی ($TaxAvoidance_{it}$)				
VIF	سطح معنی داری	آماره	ضریب	متغیر
-	۰/۰۰۰	-۵/۴۲۴	-۰/۵۴۱	مقدار ثابت
۱/۰۶۲	۰/۰۲۵	-۲/۲۳۳	-۰/۰۲۸	CC_{it}
۱/۱۰۶	۰/۱۲۲	۱/۵۴۹	۰/۰۰۸	$SIZE_{it}$
۲/۰۲۱	۰/۰۰۰	۴/۱۵۴	۰/۰۹۱	LEV_{it}
۱/۲۳۵	۰/۱۱۷	۱/۵۶۶	۰/۰۶۰	$CASH_{it}$
۱/۲۶۷	۰/۸۰۵	-۰/۲۴۶	-۰/۰۰۰۲	MTB_{it}
۳/۲۰۱	۰/۳۷۸	۰/۸۸۱	۰/۰۲۱	ROA_{it}
۱/۱۰۲	۰/۰۹۹	۱/۶۴۹	۰/۰۳۵	PPE_{it}
۱/۹۲۶	۰/۰۰۰	۷/۷۲۸	۰/۰۶۱	$LOSS_{it}$
۱/۰۴۲	۰/۹۴۸	۰/۰۶۴	۰/۰۰۰۹	IB_{it}
۱/۳۵۰	۰/۰۲۱	-۲/۳۰۲	-۰/۰۴۳	CFO_{it}
۱/۰۶۰	۰/۰۱۹	۲/۳۵۱	۰/۰۶۹	AGE_{it}
۱۹/۰۹۵		آماره F	۰/۲۰۳	ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۰۰۰		سطح معنی داری	۱/۸۰۴	آماره دوربین واتسون

فرضیه اول این پژوهش به این صورت مطرح شد که "بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی رابطه معنی داری وجود دارد." در نگاره ۳، ضریب متغیر اجتناب مالیاتی

($TaxAvoidance_{it}$) معادل $-0/028$ و آماره t معادل $-2/233$ است که در سطح ($0/025$) معنی دار است و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (5%) است، معنی داری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از 95% تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که بین تمرکز بر مشتری و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. به عبارتی، در شرکت‌های با مشتری عمده، نرخ مؤثر مالیاتی بالاتر بوده است.

نگاره (۴): نتایج آزمون آماری فرضیه‌ی دوم پژوهش

$TaxAvoidance_{it} = \beta_0 + \beta_1 CC_{it} + \beta_2 (CC_{it} * MA_{it}) + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 CASH_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 PPE_{it} + \beta_9 LOSS_{it} + \beta_{10} IB_{it} + \beta_{11} CFO_{it} + \beta_{12} AGE_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر ($TaxAvoidance_{it}$) متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی				
VIF	سطح معنی داری	آماره	ضریب	متغیر
-	0/000	-5/346	-0/529	مقدار ثابت
1/071	0/014	-2/450	-0/031	CC_{it}
1/669	0/034	-2/123	-0/057	$CC_{it} * MA_{it}$
1/107	0/111	1/594	0/008	$SIZE_{it}$
2/024	0/000	4/206	0/092	LEV_{it}
1/239	0/114	1/581	0/060	$CASH_{it}$
1/287	0/905	-0/118	-0/0001	MTB_{it}
3/406	0/228	1/206	0/030	ROA_{it}
1/466	0/371	0/894	0/020	PPE_{it}
1/929	0/000	7/697	0/061	$LOSS_{it}$
1/046	0/894	-0/132	-0/002	IB_{it}
1/353	0/011	-2/532	-0/048	CFO_{it}
1/061	0/021	2/301	0/067	AGE_{it}
18/371		آماره F	0/211	ضریب تعیین تعدیل شده
0/000		سطح معنی داری	1/799	آماره دوربین واتسون

فرضیه دوم این پژوهش به این صورت مطرح شد که "توانایی مدیران بر رابطه بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی اثر معنی داری دارد". در نگاره ۴، ضریب متغیر تعدیل گر توانایی مدیران $(MA_{it} * CC_{it})$ ، معادل $-۰/۰۵۷$ و آماره t معادل $۲/۱۲۳$ است که در سطح $(۰/۰۳۴)$ معنی دار است و از آنجا که کمتر از خطای پیش بینی (۵%) است، معنی داری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵% تأیید می شود. در واقع، توانایی (قدرت) مدیران بر رابطه بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی اثر کاهنده دارد. به عبارتی، در شرکت هایی که قدرت مدیرعامل بالاتر است، ارتباط منفی بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی پایین تر است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف یافتن رابطه معنی دار بین تمرکز بر مشتری عمده و اجتناب مالیاتی انجام شده است. شرکت ها با مشتریان متمرکز حداقل به سه دلیل انگیزه نگهداری وجوه نقد را دارند. اول، تمرکز مشتریان در ارتباط با ریسک جریان نقد بالاتر است. اگر یک شرکت بر تعدادی از مشتریان عمده متمرکز باشد، از دست دادن فروش یک مشتری عمده می تواند منجر به سقوط ناگهانی و بالای جریان نقدی شود (دالیوال و همکاران، ۲۰۱۶). این می تواند منجر به ورشکستگی مشتری با تعویض با عرضه کنندگان دیگر شود. در مورد اول به احتمال زیاد متحمل مقادیر قابل توجهی بدهی وصول نشده خواهد شد که آن منجر به کاهش قابل توجه در جریان نقدی ورودی خواهد شد. یکی از نتایج احتمالی این رویداد این است که یک عرضه کننده با مشتریان متمرکز، ممکن است با نگهداری وجوه نقد اضافی خود را در برابر ریسک جریان نقد احتمالی مصون نماید. همچنین، آنها ممکن است وجوه نقد اضافی را به عنوان یک تعهد به مشتریانشان که توانایی مالی دارند، نگه دارند.

با توجه به افزایش اهمیت اجتناب مالیاتی و همچنین در مقایسه با تحقیق های مشابه صورت گرفته در ایران، هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی با بررسی نقش تعدیل گر توانایی مدیران طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در بررسی پژوهش های مشابه، هوانگ و همکاران (۲۰۱۶)، اثرات تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی، شیبانی و خدای پور (۱۳۹۷)، تأثیر تعدیلی مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی و شیبانی و همکاران (۱۳۹۷)، بررسی

تأثیر تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش تعدیلی سهم بازار شرکت را مورد بررسی و تحلیل قرار دادند. این پژوهش در مقایسه با این تحقیقات مشابه، اثرات تعدیلی توانایی مدیران را بر رابطه بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار داده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. به عبارتی، در شرکت‌هایی که تمرکز مشتری بالاتر بوده است، نرخ مؤثر مالیاتی بالاتر بوده است. این نتیجه نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که تمرکز مشتری بالاتری دارند، بیشتر در رصد مقامات مالیاتی هستند. به نظر می‌رسد از دید مقامات مالیاتی، شرکت‌های که دارای مشتری عمده هستند، احتمالاً توانایی بالاتری برای برنامه‌ریزی مالیاتی در جهت کاهش نرخ مؤثر مالیاتی دارند. همچنین، از دید میزان مالیاتی، این شرکت‌ها به دلیل فروش‌های عمده، احتمالاً با ریسک عدم فروش محصولات پایین‌تری مواجهند و همواره قادرند قسمت اعظم محصولات خود را به این مشتریان عمده و کلیدی بفروشند. بنابراین، از دید آنها این شرکت‌ها احتمالاً سودآوری بالاتری دارند و احتمال بالاتری دارد تا به دنبال فعالیت‌های اجتناب مالیاتی (کاهش نرخ مؤثر مالیاتی) باشند. بنابراین، فرضیه اول پژوهش تأیید و نتایج این فرضیه با پژوهش هوانگ و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت ندارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان داد که توانایی مدیران رابطه معنی دار بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی پایین‌تر دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که مدیران توانمند در کنترل کارای منابع شرکت، عموماً تصمیم‌هایی را اتخاذ می‌کنند که منجر به افزایش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت می‌شود. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش در جهت منفی تأیید شد و نتایج آن با پژوهش کوستر ۲۹ و همکاران (۲۰۱۶) نیز مطابقت دارد.

پیشنهادات

به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد به منظور کاهش نرخ مؤثر مالیاتی، تمرکز بر مشتری عمده در شرکت را کاهش دهند، زیرا این عمل درک بهتری از وضعیت مالیاتی شرکت در اختیار آنها می‌گذارد. همچنین، آنها را قادر می‌سازد تا با کاهش ریسک تجاری ناشی از تمرکز بر مشتریان عمده، تصمیمات مالیاتی مطلوب‌تری گرفته و فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی را تعیین کنند. به مقامات مالیاتی و حساب‌برسان مالیاتی پیشنهاد می‌گردد به منظور شناسایی

فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، به میزان تمرکز بر مشتریان عمده شرکت‌ها (مشتریان بالای ۱۰ درصد) توجه ویژه‌ای داشته باشند، زیرا مدیران شرکت‌ها از طریق این معیارها می‌توانند به فعالیت‌های حداقل‌سازی مالیات پرداخته و جلوی انتقال منابع به دولت را بگیرند. به سرمایه‌گذاران و اعضای هیئت مدیره پیشنهاد می‌شود به این مهم توجه داشته باشند که در شرکت‌هایی که قدرت (توانایی) مدیران بالاتر است، ارتباط منفی بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی پایین‌تر است. بنابراین، این مهم را در تصمیمات مالیاتی خود در نظر بگیرند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی بررسی گردد که تمرکز عمده تأمین‌کنندگان (خریده‌های بالای ۱۰ درصد) چه اثری بر میزان اجتناب مالیاتی دارد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی برای محاسبه اجتناب مالیاتی به جای نرخ مؤثر مالیات تعهدی (نسبت هزینه مالیات ابرازی مستخرج از صورت سود و زیان به سود خالص قبل از کسر مالیات) از نرخ مؤثر مالیات نقدی (نسبت هزینه مالیات ابرازی مستخرج از صورت جریان وجوه نقد به سود خالص قبل از کسر مالیات) استفاده شود. همچنین، می‌توان به جای هزینه مالیات ابرازی از هزینه مالیات تشخیصی یا قطعی استفاده کرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی اثرات بیش اطمینانی مدیران بر رابطه بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی پرداخته شود.

پی‌نوشت

- | | |
|--------------------------|-------------------------|
| ۱ Banerjee | ۱۶ Baik |
| ۲ Patatoukas | ۱۷ Banker |
| ۳ Titman and Wessels | ۱۸ Carter |
| ۴ Wang | ۱۹ Chang |
| ۵ Cohen and Li | ۲۰ Jiang and Lie |
| ۶ Ravenscraft | ۲۱ Harris and Holmstrom |
| ۷ Kalwani and Narayandas | ۲۲ De |
| ۸ Piercy and Lane | ۲۳ Malmendier and Tate |
| ۹ Dhaliwal | ۲۴ Richardson |
| ۱۰ Raman and Shahrur | ۲۵ Gallemore and Labro |
| ۱۱ Rego and Wilson | ۲۶ Huang |
| ۱۲ Hertzfel | ۲۷ Gan and Park |
| ۱۳ Gosman and Kohlbeck | ۲۸ Lee |
| ۱۴ Desai and Dharmapala | ۲۹ Koester |
| ۱۵ Noga and Schnader | |

منابع

- Banerjee, S. , Dasgupta, S. , Kim, Y. (2008). Buyer-supplier relationships and the stakeholder theory of capital structure. *Journal of Finance* 63, 2507–2552.
- Baik, B. , Farber, D. , Lee, S. (۲۰۱۱). CEO ability and management earnings forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 28 (5) , 1645–1668.
- Berger, P. G. , Ofek, E. , Yermack, D. L. (1997). Managerial entrenchment and capital structure decisions. *Journal of Financ.* 52 (4) , 1411–1438.
- Banker, R. D. , Darrough, M. N. , Huang, R. , Plehn-Dujowich, J. M. (2013). The relation between CEO compensation and past performance. *The Accounting Review*, 88 (1) , 1–30.
- Carter, M. E. , Franco, F. , Tuna, I. (2010). Premium pay for executive talent: An empirical analysis. Working paper. Boston College.
- Cohen, D. A. , Li, B. (2013). Why do Firms Hold Less Cash?. The University of Texas at Dallas Working paper.
- Chang, Y. Y. , Dasgupta, S. , Hilary, G. (2010). CEO ability, pay, and firm performance. *Management Science*, 56 (10) , 1633–1652.
- Desai, M. A. , Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value, *Review of Economics and Statistics*, 91, 537–546.
- Demerjian, P. , Lev, B. , McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58 (7) , 1229–1248.
- Demerjian, P. , Lev, B. , Lewis, M. F. , & McVay, S. (2013). Managerial ability and earnings quality. *The Accounting Review*, 88 (2) , 463–498
- De, J. A. , Verbeek, M. , & Verwijmeren, P. (2012). Does financial flexibility reduce investment distortions? *Journal of Financial Research*, 35, 243–259.
- Dhaliwal, D. , Judd, J. S. , Serfling, M. A. , Shaikh, S. A. (2016). Customer concentration risk and the cost of equity capital. *Journal of Accounting and Economics* 61 (1) , 23–48.
- Dhaliwal, D. , Michas, P. N. , Naiker, V. , Sharma, D. (2014). Major Customer Reliance and Auditor Going-Concern Decisions. University of Arizona Working Paper.
- Foroughi, D. , Mohammadi, SH. (2012). Investigating the relationship between tax avoidance and value and the level of cash holdings of companies admitted to Tehran Stock Exchange, *Tax Revenue Research*, 20, 122–101. (In Persian).
- Gallemore, J., Labro, E. (2015). The importance of the internal information environment for tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics* 60, 149–167.
- Gan, H. Park, M. S. (2017). CEO managerial ability and the marginal value of cash, *Advances in Accounting*, Vol. 38, PP. 126–135
- Gosman, M. , Kelly, T. , Olsson, P. , Warfield, T. (2004). The profitability and pricing of major customers. *Review of Accounting Studies* 9 (1) , 117–139.
- Gosman, M. , Kohlbeck, M. (2009). Effects of existence of identity of major customers on supplier profitability: is Wal-Mart different? *Journal of Management Accounting Research*, 21, 179–201.
- Harris, M. , Holmstrom, B. (1982). A theory of wage dynamics. *Review of Economic Studies*, 49, 315–333.

- HassniAl-Qar, M. , Marfou, M. (2015). Investigating the Impact of Management Ability on Dividend Policies. *Accounting Experimental Research*, 3, 129–103. (In Persian).
- HassniAl-Qar, M. , SheriAnaghiz, S. (2016). Investigating the Impact of Managing Ability to Avoid Tax. *Accounting Knowledge*, 1, 134–107. (In Persian).
- Hertzal, M. , Li, Z. , Officer, M. , Rodgers, K. (2008). Inter-firm linkages and the wealth effects of financial distress along the supply chain. *Journal of Financial Economics* 87, 374–387.
- Huang, H. , Lobo, G. , Wang, C. , Xie, H. (2016). Customer concentration and corporate tax avoidance, *Journal of Banking and Finance* 72 (4) , 184–200.
- Jiang, Z. , Lie, E. (2016). Cash holding adjustments and managerial entrenchment, *Journal of Corporate Finance* 36 (2016) 190–205.
- Kalwani, M. U. , Narayandas, N. (1995). Long-term manufacturer-supplier relationships: do they pay off for supplier firms? *Journal of Marketing* 59, 1–16.
- Khajavi, SH. , Kiamehr, M. (2015). Tax avoidance modeling using accounting information, *Accounting Knowledge*, 25, 79–100. (In Persian).
- Khanlari, M. , Sohrabi, M. (2012). Investigating the relationship between corporate characteristics and tax avoidance, *Audit Knowledge*, 45, 69–50. (In Persian).
- Khoddamipour, A. , Bazrayi, Y. (2014). Effect of product market competition on avoidance of taxation of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Tax Research journal*, 27, 227–211. (In Persian).
- Koester, A. , Shevlin, T. , & Wangerin, D. (2017). The role of managerial ability in corporate tax avoidance. *Management Science*, 63 (10) , 3285–3310.
- Kurdestani, GH. , Abbasi, A. (2013). Investigating the Impact of Customer Cocentration on Corporate Financial Performance, *Asset Management and Financing*, 3, 87–92. (In Persian).
- Lee, C. C. , Wang, C. W. , Chiu, W. C. , Tien. , T. S. (2018). Managerial ability and corporate investment opportunity, *International Review of Financial Analysis*, 57, 65–76
- Malmendier, U. , & Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *The Journal of Finance*, 60, 2661–2700.
- Noga, T. J. , Schnader, A. L. (2013). Book-tax differences as an indicator of financial distress. *Accounting Horizons* 27, 469–489.
- Patatoukas, P. N. (2012). Customer-base concentration: implications for firm performance and capital markets. *The Accounting Review* 87, 363–392.
- Piercy, N. , Lane, N. (2006). The underlying vulnerabilities in key account management strategies. *European Management Journal* 24, 151–162.

- Raman, K. , Shahrur, H. (2008). Relationship-specific investments and earnings management: evidence on corporate suppliers and customers. *The Accounting Review* 83, 1041–1081.
- Ravenscraft, D. (1983). Structure-profit relationships at the line of business and industry level. *Review of Economics and Statistics* 65, 22–31.
- Rego, S. , and Wilson, R. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50, 775–809.
- Richardson, G. , & Lanis, R. (2007). Determinants of the variability in corporate effective tax rates and tax reform: Evidence from Australia. *Journal of accounting and public policy*, 26 (6) , 689–704.
- Sheybani, A. , Khoddamipour, A. (2018). Investigating the Adverse Effect of Real Earnings Management on the Relationship between Customer concentration and Tax Avoidance-Evidence from Tehran Stock Exchange, *Knowledge of Accounting*, 33, 129–103. (In Persian).
- Sheybani, A. , Khoddamipour, A. , Pourheidari, O. (2018). Investigating the Impact of Customer concentration on Tax Avoidance with Considering the Company's Market Share, *Accounting and Auditing Reviews*, 2, 232–215. (In Persian).
- Titman, S. , Wessels, R. (1988). The Determinants of capital structure choice. *The Journal of Finance* 43, 1–19.
- Wang, J. (2012). Do firms' relationships with principal customers/suppliers affect shareholders' income?. *Journal of Corporate Finance*, 18 (4) , 860–878.



مطالعه علم‌سنجی تولیدات علمی فصلنامه بررسی‌های

حسابداری و حسابرسي

یونس نوبخت^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۸

مقاله ترویجی

چکیده

هدف این پژوهش، مطالعه علم‌سنجی تولیدات علمی فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسي دانشگاه تهران، به‌عنوان با سابقه‌ترین نشریه علمی حوزه دانش حسابداری در ایران از ابتدای انتشار (۱۳۷۱) تا پایان سال ۱۳۹۷ است. این مطالعه از نوع علم‌سنجی بوده و با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی صورت گرفته است. داده‌های پژوهش نیز با بکارگیری ابزار سیاهه‌وارسی گردآوری و با استفاده از نرم افزار اکسل مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ در ۵۶۳ عنوان مقاله چاپ شده در طی این سال‌ها، ۱۲۲۲ نویسنده مشارکت داشته‌اند که از این تعداد، ۱۰۳۹ نفر را مردان و ۱۸۳ نفر را زنان تشکیل داده‌اند. در عین حال ۸ درصد مقالات تک نویسنده‌ای و ۹۲ درصد حاصل کار گروهی بوده است. از نظر سطح تحصیلی و مرتبه علمی نیز، استادیاران با ۴۱ درصد و دانشیاران با ۱۶ درصد، در صدر نگاره نویسندگان قرار دارند. در بین دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی، دانشگاه تهران با ۱۱۴ عنوان مقاله در رتبه اول و دانشگاه شیراز با ۳۴ عنوان مقاله در رتبه دوم قرار گرفته است. از نظر گرایش موضوعی، ۷۲ درصد از آثار منتشر شده در حوزه حسابداری مالی بوده و حسابرسي با ۱۳ درصد در رتبه بعدی قرار گرفته است. همچنین، از مجموع ۱۲۶۹۸ منبع مورد استناد در مقالات، ۷۴ درصد منابع به زبان انگلیسی و ۲۶ درصد به زبان فارسی بوده است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل محتوا، علم‌سنجی، دانش حسابداری، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسي.

طبقه‌بندی موضوعی: I2, I22

DOI: 10.22051/ijar.2019.24088.1480

^۱ دکتری مالی و حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه سلجوق، کنیا، ترکیه، نویسنده مسئول، (y.nobaxt@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

در جهان معاصر، رشد و توسعه علم و دانش از یک سو، تولید، مصرف و انتقال اطلاعات از سوی دیگر موجب ظهور فناوری‌های جدیدی شده است. به گونه‌ای که رابطه مستقیمی بین حجم اطلاعات علمی و رشد و توسعه برقرار شده است. انسان امروزی در عصری به سر می‌برد که اطلاعات یکی از کلیدی‌ترین عناصر آن محسوب می‌گردد و تمامی فرآیندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و مانند آن به‌طور گسترده به اطلاعات نیاز دارند. در واقع اطلاعات ثروتی ملی محسوب می‌شود و به همین دلیل است که تولید، مصرف و انتقال اطلاعات از شاخص‌های رشد و توسعه تلقی می‌گردد. امروزه برای پیشرفت علمی و آموزشی و رسیدن به حلقه‌های توسعه یافتگی، تحقیق و پژوهش سنگ‌بنای اولیه به شمار می‌آید و به همین جهت است که همواره می‌توان بین کم و کیف عملکرد پژوهشی در هر جامعه و میزان توسعه‌یافتگی آن جامعه رابطه مستقیمی برقرار کرد.

در این میان و به اعتقاد پژوهشگران، مجلات علمی و تخصصی در انتقال اطلاعات علمی و فنی نقش مهمی دارند و در کنار سایر وسایل ارتباطی در زمینه علم و تکنولوژی، دارای جایگاه خاص و منحصر به فردی هستند. مقالات مندرج در این مجلات به دلیل تازگی، کوتاه بودن، سرعت انتقال، ارزان‌تر بودن، تحلیل‌های دقیق، توزیع سریع و معرفی آخرین پژوهش‌ها، برای محققان اهمیت بسزایی دارد. مهمتر از همه اینکه، به دلیل فرآیند داوری و صیقل خوردن در اثر مطالعه نقادانه داوران و توصیه‌های ایشان برای رفع نواقص و تکمیل موارد، هویت ویژه‌ای به خود می‌گیرند (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین، مجلات علمی تخصصی در میان سایر مدارک و منابع انتشاراتی به دلیل نقش مؤثری که در انتقال اطلاعات دارند، از مهمترین منابع اطلاعاتی علمی محسوب می‌شوند. با توجه به این اهمیت، لازم است مجلات به‌عنوان محمل ارائه دهنده اطلاعات جدید، خود نیز مورد ارزیابی و بررسی دقیق علمی قرار گیرند تا مشخص گردد که اطلاعات تولید شده در این حوزه در چه وضعیتی می‌باشد.

یکی از راه‌های ارزیابی و بررسی نشریه‌های مذکور، مطالعه علم‌سنجی و تحلیل محتوای موضوعی مقالات و شناخت نوع مطالب منتشر شده در آنها است. بدین ترتیب، ضمن شناسایی مسائل آن حوزه در یک دوره زمانی، زمینه هدفمند کردن حرکت‌های علمی و تعیین اولویت‌های پژوهشی فراهم می‌گردد و به شناسایی ضعف‌ها و کمبودهای موجود در تولید اطلاعات

علمی نیز منجر می‌شود. از این رو و با عنایت به اینکه دانش حسابداری به‌عنوان دانش کاربردی در تصمیم‌گیری‌های زیرساختی و اقتصادی در سطح خرد و کلان، نقش اساسی دارد و مقوله‌ای با اهمیت در برنامه‌ریزی هر کشوری تلقی می‌گردد، بنابراین لازم است از دانش تولید شده در این حوزه نیز، ارزیابی‌های دقیقی به‌عمل آید.

با توجه به مطالب ذکر شده، این پژوهش درصدد مطالعه علم‌سنجی مقالات منتشر شده در فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی به‌عنوان اولین نشریه تخصصی در حوزه حسابداری و حسابرسی در ایران است و انتظار می‌رود تا ضمن تحلیل محتوای موضوعی مقالات منتشر شده در این فصلنامه، بتوان چارچوب منسجمی از وضعیت موجود پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی و همچنین زمینه‌هایی را که مستعد بررسی و توجه بیشتر پژوهشگران است را شناسایی نمود. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی نشریه علمی تخصصی دانشگاه تهران است که با امتیاز علمی از سال ۱۳۷۱ تا کنون تقریباً به‌طور منظم در حال انتشار است و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ((ISC نمایه شده و یکی از برترین نشریات این پایگاه نیز محسوب می‌گردد. رسالت نشریه، توسعه حسابداری در کشور، شناسایی مسائل حسابداری و حسابرسی سازمان‌های ایران و سایر حوزه‌های مربوطه و ارائه راهکار برای بهبود و توسعه هرچه بیشتر و بهتر آن می‌باشد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر شمار پژوهش‌های علم‌سنجی افزایش چشم‌گیری داشته است. علت این امر هم‌چنین تأثیرگذاری این پژوهش‌ها بر سیاست‌گذاری علم و فناوری است، اما بر اساس بررسی‌های انجام شده، در ایران و در سطح مجلات حسابداری و حسابرسی تاکنون پژوهش خاصی انجام نشده است. پژوهش‌های داخلی در این زمینه بیشتر به صورت بررسی مجموعه‌ای از مجلات، مقایسه محتوایی و موضوعی بین مجلات و یا بررسی موردی موضوعات حسابداری و یا حسابرسی بوده است. در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که به صورت غیر مستقیم با موضوع پژوهش در ارتباط هستند اشاره شده است.

نویخت (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان مطالعه علم‌سنجی تولیدات علمی پژوهشنامه مالیات، به تحلیل محتوای تنها نشریه علمی حوزه دانش مالیاتی در ایران پرداخته است. نتایج پژوهش او

حاکمی است که از ۲۷۳ عنوان مقاله مورد مطالعه در این نشریه، بیشترین گرایش موضوعی مربوط به حوزه‌های ارزیابی کارکنان و ادارات مالیاتی (۱۱ درصد)، مالیات بر درآمد شرکت‌ها (۷/۳) و فرار مالیاتی (۶/۶) بوده است. همچنین از ۶۲۶ نویسنده مشارکت کننده در تولید این مقالات، ۷۷ درصد را مردان تشکیل داده و دانشگاه علامه طباطبائی (ره) نیز با انتشار ۲۷ عنوان مقاله به عنوان دانشگاه پیشرو در تولید این نوع مقالات معرفی شده است.

نوبخت (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان علم‌سنجی پژوهش‌های حسابداری رفتاری در ایران، به تحلیل محتوای پژوهش‌های حسابداری رفتاری در ایران پرداخته است. یافته‌های پژوهش او نشان می‌دهد که به‌طور کلی در ایران، ۲۲۵ عنوان مقاله در این حوزه منتشر شده است. از ۵۳۱ نویسنده مشارکت کننده در تولید این آثار، ۳۳/۹ درصد را استادیاران و ۳۰/۵ درصد را کارشناسان ارشد تشکیل می‌دهند. ۷ درصد مقالات تک نویسنده‌ای و ۹۳ درصد حاصل کار گروهی بوده است. در بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات با ۳۹ عنوان مقاله در رتبه اول و دانشگاه علامه طباطبائی با ۱۹ عنوان مقاله در رتبه دوم قرار گرفته‌اند. از نظر گرایش موضوعی، بیش از ۳۰ درصد آثار منتشر شده در حوزه حسابداری مالی بوده و حسابرسی با ۲۷/۱ درصد و حسابداری مدیریت با ۱۳/۸ درصد در رتبه های بعدی قرار دارند. از مجموع ۶۱۵۶ منبع مورد استناد در مقالات، تقریباً ۷۰ درصد منابع به زبان انگلیسی و ۳۰ درصد به زبان فارسی بوده است.

حسینی و غلامی‌جمکرانی (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل محتوای پژوهش‌های مدیریت سود، مقالات انتشار یافته مرتبط با مدیریت سود را در ۵ مجله برتر حسابداری جهان، در بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش ایشان نشان می‌دهد که بیشترین تعداد مقالات مدیریت سود، با ۷/۶۵٪، در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ انتشار یافته است. رویکرد غالب در این مقالات با ۵۹/۷٪، استفاده از روش تعهدی در انجام مدیریت سود بوده است. در میان مراکز علمی مشارکت کننده، دانشگاه نیویورک با ۳/۳۴٪، در میان ۱۶۲ مرکز علمی، بیشترین نقش را داشته و مدل جونز (۱۹۹۱)، با ۲۴/۶۰٪، به‌عنوان پرکاربردترین مدل استفاده شده و مدل اصلاح شده جونز با ۲۱/۹۳٪، در رتبه دوم قرار دارد. بیشترین روش پژوهش بکار گرفته شده با ۵۹/۱۸٪، روش همبستگی بوده و در ۹۵٪ پژوهش‌های انجام شده، متغیر مدیریت سود با متغیرهای مورد بررسی، دارای رابطه معنی‌دار می‌باشد که نشان از محتوای

اطلاعاتی و اعتبار اندازه‌گیری آن دارد. همچنین، یافته‌های حاصل از پژوهش بیانگر مشارکت قابل توجه مراکز علمی در کشورهای آسیای شرقی (۹۷/۵٪) و ایالات متحده و بکارگیری رویکرد مدیریت سود واقعی در پژوهش‌های مورد بررسی، پس از تصویب قانون SOX، در واکنش به رویدادهای اقتصادی مانند بحران‌های مالی شرق آسیا و آمریکا و تصویب قانون SOX، می‌باشد.

مرادی و صفی‌خانی (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای به بررسی پژوهش‌های حسابداری بخش عمومی در ایران و جهت‌گیری تحقیقات آتی پرداختند. نتایج تحقیقات ایشان نشان می‌دهد سهم تحقیقات حسابداری بخش عمومی در ۲۱ نشریه‌ی بررسی شده ۳ درصد است. در این بین، نشریه‌های دانش حسابداری و حسابداری سلامت جزء نشریه‌های پیشرو در این زمینه بوده است. قلمرو مکانی بیشتر این تحقیقات، دولت، دانشگاه‌ها و شهرداری‌ها بوده و همچنین در بیش از ۶۰ درصد این تحقیقات از روش پیمایشی استفاده شده است. از دیگر نتایج این پژوهش اینکه موضوعاتی نظیر حسابداری تعهدی و بودجه‌بندی، بیشتر در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته و حوزه‌های حسابداری مالی، گزارشگری، حسابداری مدیریت، بودجه‌بندی، حسابداری مالی و عملکرد، پاسخگویی و مدیریت مالی به ترتیب، بیشتر مستعد تحقیق تشخیص داده شده است.

ایاستولو و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی و تحلیل محتوای ۱۰۸ مقاله منتشر شده در شش نشریه بین‌المللی آموزش حسابداری در سال ۲۰۱۶ و مقایسه آن‌ها با مقالات منتشر شده در طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۴ در همین نشریات پرداختند. در این مطالعه، مقالات در پنج بخش برنامه‌داری، آموزش، آموزش محتوا، تکنولوژی آموزشی، دانشجویان و دانشکده‌های حسابداری مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد، بیشترین کاهش در تعداد مقالات، با تولید ۱۳ درصد از کل مقالات در بخش آموزش محتوا و بیشترین افزایش نیز مربوط به موضوع دانشجویان با تولید ۳۳ درصد از کل مقالات بوده است. مقالات مرتبط با برنامه‌داری و آموزش ۲۶ درصد و تکنولوژی آموزشی نیز ۱۲ درصد از کل تولیدات را به خود اختصاص داده‌اند که در این زمینه نسبت به سال‌های مورد مقایسه تفاوت چندانی مشاهده نگردیده است. مقالات مرتبط با دانشکده‌های حسابداری نیز با ۱۶ درصد از کل مقالات آموزش حسابداری، نسبت به سال ۲۰۱۵ با کاهش ۸ درصدی و نسبت به سال ۲۰۱۴ با افزایش ۱ درصدی روبرو بوده است.

نتایج تحقیقات ارسریم (۲۰۱۶) که به بررسی مجلات حسابرسی در ترکیه پرداخته است حاکی است، بیش از ۵۰ درصد مقالات منتشر شده در این مجلات خارج از حیطه موضوعی حسابرسی بوده و در ۳۵ درصد مقالات اصلاً به موضوع حسابرسی در ترکیه پرداخته نشده است. علاوه بر این، در نوع شناسی گرایش‌های تحقیقات مشخص شد که ۶۵ درصد مقالات، توصیفی-تحلیلی و ۳۵ درصد از مقالات پژوهش‌های تجربی بوده است. همچنین در ۵ سال اخیر مقالات توصیفی-تحلیلی بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

آکچا کانات و همکاران (۲۰۱۴)، به تحلیل محتوای مقالات منتشر شده در ارتباط با استانداردهای حسابداری در طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۴ در کشور ترکیه پرداختند. نتایج این تحقیق که با مطالعه بر روی ۱۶۸ مقاله صورت گرفت، نشان داد، بیشتر تحقیقات در ارتباط با تأثیرات عمومی استانداردها و اجرای استانداردهای حسابداری در شرکت‌های کوچک بوده است.

ابوبکر و صالح (۲۰۱۱)، در کشور مالزی پژوهشی را در ارتباط با حسابداری بخش عمومی انجام دادند. در این پژوهش، ۶۵ مقاله چاپ شده در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۱۹۸۱ از لحاظ سطح سازمانی، حوزه‌ی تحقیقاتی و روش‌های تحقیق مورد مطالعه قرار گرفت. ایشان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بیشتر تحقیقات انجام شده در حسابداری بخش عمومی، در کشورهای توسعه یافته صورت گرفته و سهم کشورهای در حال توسعه در این زمینه کم بوده است.

جمع‌بندی بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، تحقیقات مرتبط در سال‌های اخیر، اغلب از چارچوب معینی برای طبقه‌بندی مقالات بهره برده‌اند و به کمک آن به تحلیل مطالعات پرداخته‌اند. در این چارچوب، تحقیقات بر اساس معیارهای مختلفی دسته‌بندی شده‌اند که عبارت‌اند از: توزیع فراوانی مقالات، زبان نوشتاری مقالات، میزان مشارکت زنان و مردان، سهم هریک از سطوح و مرتبه‌های مختلف علمی، میزان مشارکت علمی محققان، سهم هریک از دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی پژوهشی، نویسندگان پرتولید، گرایش موضوعی مقالات و زبان مورد استناد در منابع. بدین ترتیب در این پژوهش نیز از این رویکرد و طبقه‌بندی استفاده شده است.

با توجه به مطالب ذکر شده، سؤال‌های پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شوند:

- ۱) توزیع فراوانی مقالات منتشر شده در فصلنامه چگونه است؟
- ۲) زبان نوشتاری مقالات منتشر شده در فصلنامه چه بوده است؟
- ۳) میزان مشارکت زنان و مردان در تولید مقالات فصلنامه چگونه می‌باشد؟
- ۴) سهم هریک از سطوح و مرتبه‌های علمی در تولید مقالات فصلنامه چقدر بوده است؟
- ۵) نحوه مشارکت پژوهشگران در تولید آثار منتشر شده در فصلنامه چگونه می‌باشد؟
- ۶) سهم هریک از دانشگاه‌ها در تولید دانش حسابداری در فصلنامه چقدر بوده است؟
- ۷) نویسندگان پُر تولید حوزه حسابداری و حسابرسی در فصلنامه چه کسانی هستند؟
- ۸) گرایش موضوعی مقالات منتشر شده در فصلنامه چگونه می‌باشد؟
- ۹) زبان مورد استناد در منابع فصلنامه چگونه است؟

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع علم‌سنجی بوده و با رویکرد کمی انجام شده است. روش بکار گرفته شده برای انجام پژوهش نیز روش تحلیل محتوا می‌باشد. بدین صورت که با استفاده از آرشیو وب سایت فصلنامه، کلیه شماره‌ها و ۵۶۳ عنوان مقاله منتشر شده در آن‌ها استخراج و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است (در صورت عدم وجود مقاله در آرشیو فصلنامه، مقالات و اطلاعات مربوط به آن‌ها از طریق پایگاه مجلات تخصصی نورمگز و همچنین پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی بدست آمدند). همچنین، برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از سیاهه واریسی محقق ساخته استفاده شد. کلیه اطلاعات مجله اعم از سال، دوره، شماره و اطلاعات کتاب‌شناختی مقالات شامل مشخصات پدیدآورنده(ها)، رتبه علمی و وابستگی سازمانی آن‌ها و عنوان مقاله در سیاهه واریسی وارد و اطلاعات بدست آمده با استفاده از نرم افزار Excel مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. محدوده زمانی تحقیق از ابتدای انتشار فصلنامه (۱۳۷۱) تا پایان سال ۱۳۹۷ می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول به بررسی توزیع فراوانی مقالات منتشر شده در فصلنامه اختصاص یافته است که نگاره شماره یک توزیع فراوانی آن‌ها را نشان می‌دهد.

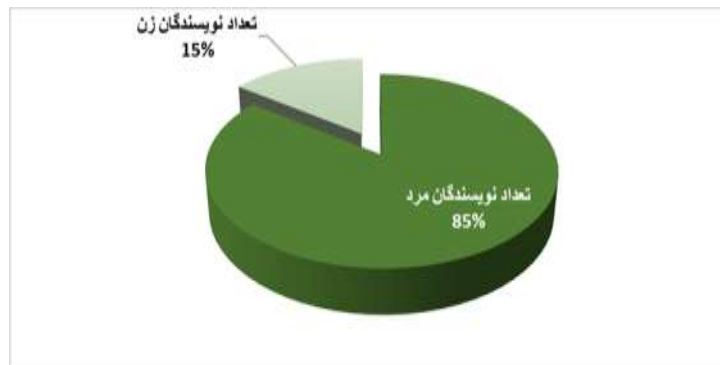
همانطور که داده‌های نگاره شماره یک نشان می‌دهد، سال ۱۳۸۸ با ۳۹ عنوان و ۶/۹ درصد از کل مقالات، بیشترین تعداد مقالات منتشر شده را به خود اختصاص داده است. در رده‌های بعدی، سال ۱۳۸۵ با ۳۱ عنوان و ۵/۵ درصد و سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، و ۱۳۹۱ با ۲۹ عنوان و ۵/۱ درصد قرار دارند. کمترین تعداد مقالات چاپ شده مربوط به سال ۱۳۸۱ با ۴ عنوان و ۰/۷ درصد کل مقالات است که بعد از دو سال وقفه منتشر شده است. در رده‌های بعدی سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸ با ۸ عنوان و ۱/۴ درصد از کل مقالات منتشر شده قرار دارند. دقت در ارقام نگاره نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۹ به بعد چاپ مقالات منظم‌تر شده است. به طوری که از این سال به بعد هر ساله به‌طور مرتب در حدود ۲۸ مقاله به چاپ رسیده است.

پرسش دوم به بررسی زبان نوشتاری مقالات منتشر شده در فصلنامه می‌پردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، از میان ۵۶۳ عنوان مقاله منتشر شده، ۵۳۹ مقاله به زبان فارسی و ۲۴ مقاله به زبان انگلیسی بوده است که روند چاپ مقالات انگلیسی از سال ۱۳۸۷ متوقف شده است. همچنین از مجموع ۵۳۹ مقاله فارسی، تعداد ۱۸ مقاله به صورت ترجمه بوده است.

سؤال سوم به تعیین سهم زنان و مردان در انتشار مقالات در فصلنامه اختصاص یافته است که شکل زیر اطلاعات آماری آن را نشان می‌دهد.

نگاره (۱): توزیع فراوانی مقالات در طول سال‌های مورد بررسی

سال انتشار	فراوانی	درصد
۱۳۷۱	۱۳	٪۲/۳
۱۳۷۲	۲۷	٪۴/۸
۱۳۷۳	۲۰	٪۳/۵
۱۳۷۴	۱۸	٪۳/۲
۱۳۷۵	۸	٪۱/۴
۱۳۷۶	۸	٪۱/۴
۱۳۷۷	۱۱	٪۱/۹
۱۳۷۸	۸	٪۱/۴
۱۳۷۹	۰	٪۰
۱۳۸۰	۰	٪۰
۱۳۸۱	۴	٪۰/۷
۱۳۸۲	۲۳	٪۴/۱
۱۳۸۳	۲۴	٪۴/۲
۱۳۸۴	۲۴	٪۴/۲
۱۳۸۵	۳۱	٪۵/۵
۱۳۸۶	۲۱	٪۳/۷
۱۳۸۷	۲۹	٪۵/۱
۱۳۸۸	۳۹	٪۶/۹
۱۳۸۹	۲۹	٪۵/۱
۱۳۹۰	۲۹	٪۵/۱
۱۳۹۱	۲۹	٪۵/۱
۱۳۹۲	۲۷	٪۴/۸
۱۳۹۳	۲۸	٪۵
۱۳۹۴	۲۸	٪۵
۱۳۹۵	۲۸	٪۵
۱۳۹۶	۲۸	٪۵
۱۳۹۷	۲۹	٪۵/۱
مجموع	۵۶۳	۱۰۰٪



شکل (۱): توزیع فراوانی جنسیت نویسندگان مقالات

بطور کلی ۱۲۲۲ نفر محقق در نوشتن این مقالات نقش داشتند که از این تعداد، ۱۰۳۹ نفر مرد (۸۶ درصد) و ۱۸۳ نفر زن (۱۴ درصد) بوده است که در شکل یک نمایش داده شده است. پرسش چهارم به تعیین سهم هریک از سطوح و مرتبه‌های علمی اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد، دانشجویان دکتری، استادیاران، دانشیاران و استادان در انتشار مقالات در فصلنامه اختصاص یافته است که نگاره شماره دو سهم هر گروه را نمایش می‌دهد.

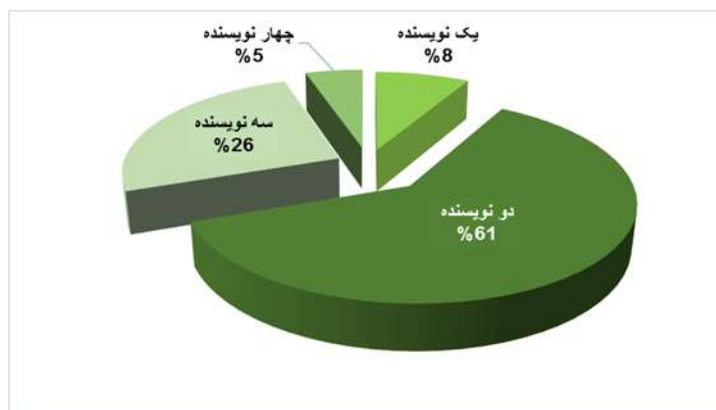
نگاره (۲): میزان مشارکت سطوح و مرتبه‌های علمی در تولید مقالات

درصد	فراوانی	تحصیلی سطح
۴۱/۴٪	۲۳۳	استادیار
۱۶/۵٪	۹۳	دانشیار
۱۵/۸٪	۸۹	کارشناسی ارشد
۱۲/۸٪	۷۲	دانشجوی دکتری
۴/۲٪	۲۴	استاد
۰/۲٪	۱	کارشناس
۹/۱٪	۵۱	نامشخص
۱۰۰٪	۵۶۳	مجموع

همانطور که داده‌های نگاره شماره سه نشان می‌دهد، از مجموع ۵۶۳ محقق مشارکت‌کننده (به‌عنوان نویسنده مسئول) در انتشار مقالات، تعداد ۵۱ نفر (۹/۱ درصد) که درجه علمی ایشان مشخص نبود، در گروه فاقد درجه علمی قرار گرفتند. از ۵۱۲ نویسنده باقیمانده، بترتیب ۲۳۳ نفر

استادیار (۴۱/۴ درصد)، ۹۳ نفر دانشیار (۱۶/۵ درصد) و ۸۹ نفر کارشناس ارشد (۱۵/۸ درصد) بودند. بنابراین داده‌های نگاره حاکی از آن است که از بین اعضای هیأت علمی، استادیاران در رتبه اول، دانشیاران در رتبه دوم و استادان در رتبه سوم قرار دارند. نکته جالب توجه در این بخش، تعداد اندک استادان و تعداد خیلی زیاد استادیاران می‌باشد.

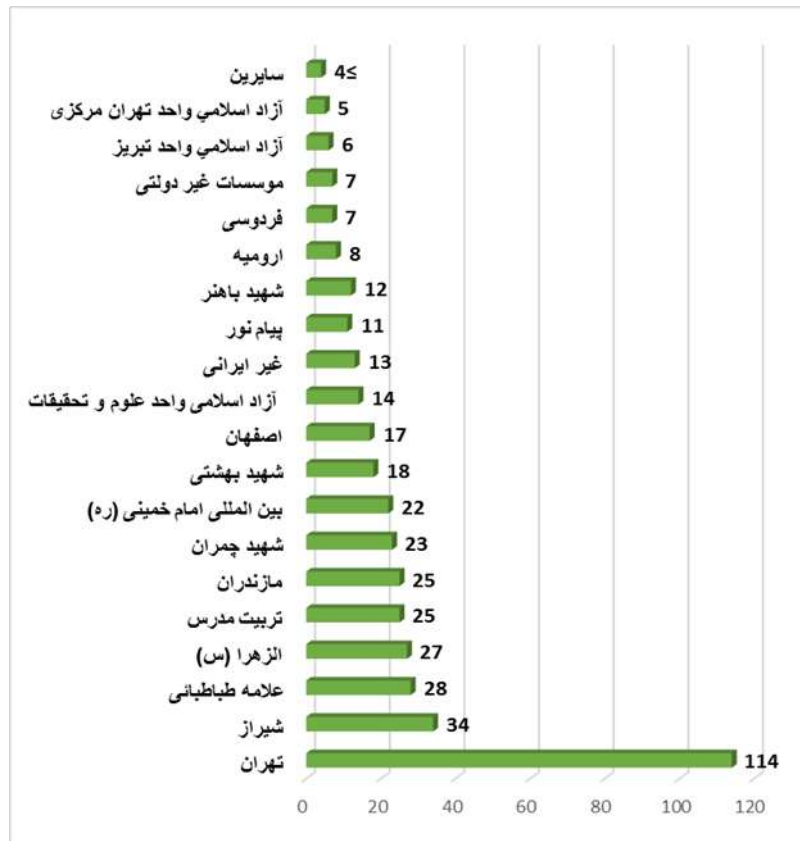
سؤال پنجم به بررسی نحوه مشارکت پژوهشگران در انتشار مقالات در فصلنامه اختصاص یافته است که شکل شماره دو داده‌های آماری آن را نشان می‌دهد.



شکل (۲): نحوه مشارکت نویسندگان در انتشار مقالات

همانطور که در شکل شماره دو قابل مشاهده است، ۶۱ درصد از مقالات توسط دو نویسنده، ۲۶ درصد با سه نویسنده و ۵ درصد نیز با همکاری بیش از سه نفر نوشته شده‌اند و تنها ۸ درصد از مقالات توسط یک نویسنده نوشته شده است. به عبارت دیگر، ۹۲ درصد آثار با مشارکت گروهی نوشته شده‌اند و سهم آثار انفرادی تنها ۸ درصد می‌باشد. البته، ذکر این نقطه ضروری است که بخش اعظمی از مقالات تک نویسنده‌ای مربوط به سال‌های ابتدایی انتشار فصلنامه (۱۳۷۱-۱۳۸۲) بوده است.

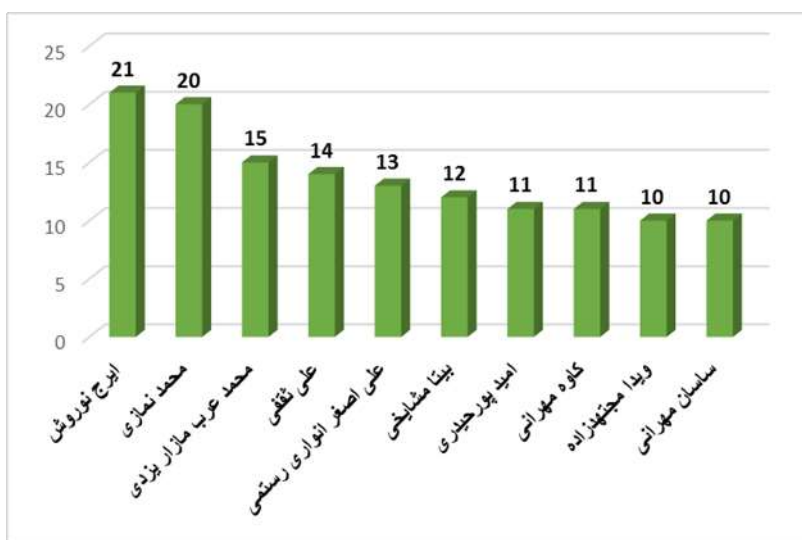
پرسش ششم به بررسی نقش هر کدام از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی در تولید مقالات در فصلنامه اختصاص یافته است. شکل شماره سه سهم هر کدام از دانشگاه‌ها را در انتشار مقالات نشان می‌دهد.



شکل (۳): میزان مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در تولید مقالات

همانطور که شکل شماره سه نشان می‌دهد، دانشگاه تهران با ۱۱۴ عنوان مقاله در رتبه اول، دانشگاه شیراز با ۳۴ عنوان مقاله در رتبه دوم و دانشگاه علامه طباطبائی با ۲۸ عنوان مقاله در رتبه سوم قرار گرفته است. در میان واحدهای مختلف دانشگاه آزاد اسلامی نیز، واحد علوم و تحقیقات با انتشار ۱۴ عنوان مقاله بیشترین تعداد مقالات منتشر شده را در بین واحدهای مختلف این دانشگاه داشته است. لازم به ذکر است که تعداد ۸۱ عنوان مقاله فاقد نام دانشگاه بود که در این طبقه‌بندی لحاظ نگردید.

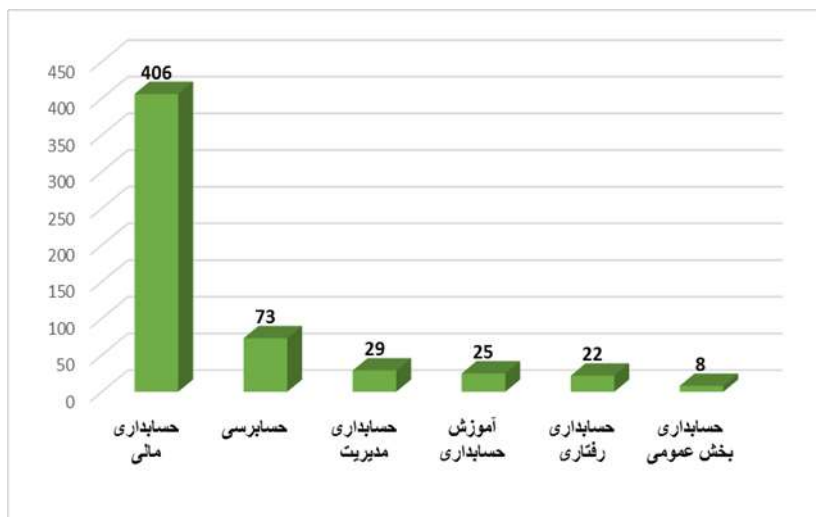
سؤال هفتم به تعیین سهم هریک از نویسندگان پُرکار حوزه حسابداری و حسابرسی در این فصلنامه اختصاص یافته است که شکل شماره چهار، ده نویسنده پُرکار را با تعداد آثارشان نشان می‌دهد.



شکل (۴): رتبه‌بندی نویسندگان تولیدات علمی جامعه آماری پژوهش

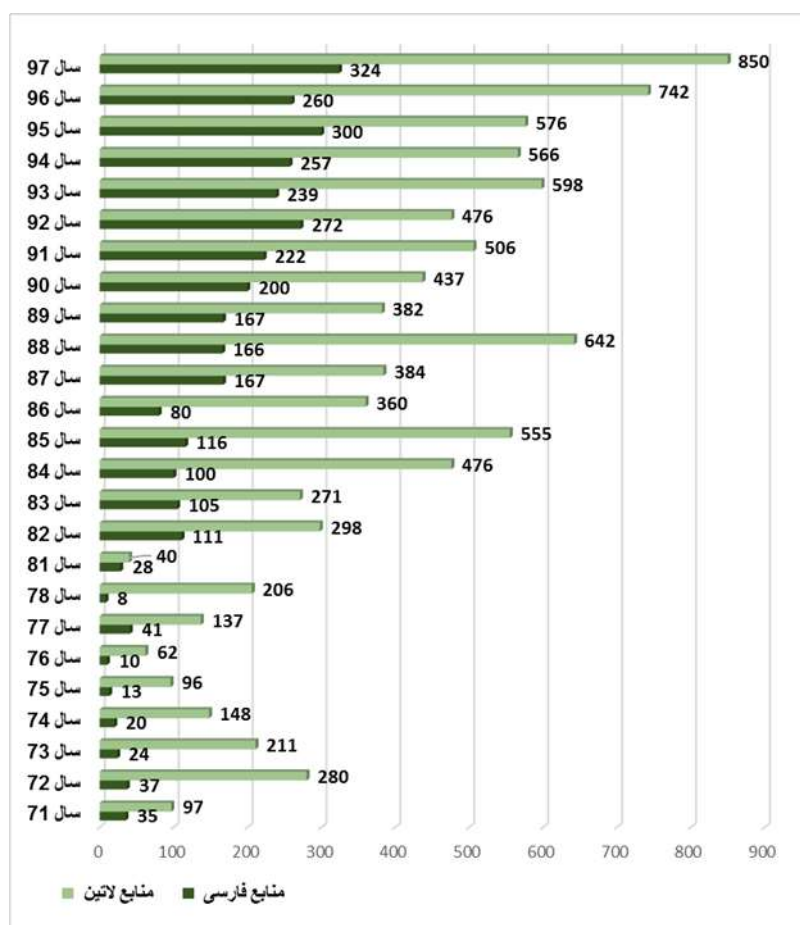
همانطور که در شکل شماره چهار نمایان است، ایرج نوروش با انتشار ۲۱ عنوان مقاله در رتبه اول، محمد نمازی با ۲۰ عنوان مقاله در رتبه دوم و محمد عرب مازار یزدی با ۱۵ عنوان مقاله، در رتبه سوم قرار گرفته‌اند. بطور کلی این ۱۰ پژوهشگر با انتشار ۱۳۷ عنوان مقاله، در حدود ۲۵ درصد از کل مقالات منتشر شده در مجله را به خود اختصاص داده‌اند. نکته قابل ذکر در اینجا این است که از این ۱۰ پژوهشگر ۷ نفر، از اعضای هیات تحریریه خود مجله می‌باشند، که نشان از سوگیری مجله در انتشار مقالات خودی داشته و از نکات ضعف مجله محسوب می‌شود، که البته با تدابیر اتخاذ شده توسط مسئولین نشریه، از جمله این که هر نویسنده در هر سال تنها می‌تواند یک مقاله در این نشریه منتشر نماید، تا حدودی این نقطه ضعف مجله در سال‌های اخیر پوشش داده شده است.

پرسش هشتم به بررسی گرایش موضوعی مقالات منتشر شده در فصلنامه اختصاص یافته است. در تحلیل محتوایی مقالات، آثار بررسی شده در شش گروه حسابداری مالی، حسابرسی، حسابداری مدیریت، آموزش حسابداری، حسابداری رفتاری و حسابداری بخش عمومی دسته بندی شدند که شکل شماره پنج داده‌های آماری آن را نشان می‌دهد.



شکل (۵): توزیع فراوانی گرایش‌های موضوعی مقالات

همانطور که داده‌های شکل شماره شش نشان می‌دهد، ۴۰۶ عنوان مقاله در حوزه حسابداری مالی بوده، حسابرسی با ۷۳ و حسابداری مدیریت با ۲۹ عنوان مقاله در رتبه‌های بعدی قرار دارند. سؤال نهم به بررسی زبان مورد استناد در منابع فصلنامه می‌پردازد که شکل شماره شش توزیع فراوانی آن‌ها را نشان می‌دهد.



شکل (۶): توزیع فراوانی میزان استناد براساس زبان مورد استناد

همانطور که شکل شماره شش نشان می‌دهد در تمام سال‌های انتشار فصلنامه، استنادات مقالات اکثراً به منابع لاتین بوده است. نتیجه بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد که از مجموع ۱۲۶۹۸ منبع مورد استناد، ۷۴ درصد به منابع انگلیسی و تنها ۲۶ درصد به منابع فارسی اختصاص داشته است. بنابراین در مجموع، زبان انگلیسی زبان غالب مورد استناد در فصلنامه می‌باشد. ذکر این نقطه ضروری است که انتشار فصلنامه در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ متوقف بوده است.

نتیجه گیری

مجلات علمی تخصصی، دو کارکرد برجسته تولید علمی و ارتباط علمی را در تمام حوزه های معرفتی برعهده دارند و علاوه بر آن نقش فزاینده ای در رشد و توسعه یافتگی دانش بشری ایفا می کنند که از آن میان می توان به نقش مجلات علمی تخصصی حسابداری در رشد و توسعه دانش حسابداری اشاره کرد. فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی یکی از نشریات با سابقه و معتبر حوزه دانش حسابداری در ایران است که انتظار می رود محتوای مقالات این نشریه انعکاس دهنده پژوهش های جدید در این حوزه و نیز در بردارنده گرایش ها و موضوعات بنیادین و بیانگر اولویت های موضوعی در حوزه دانش حسابداری در ایران باشد. بنابراین، بررسی مقالات و موضوعات مطرح شده در این نشریه، علاوه بر این که تصویری عینی از شرایط موجود و وضعیت انعکاس تحقیقات در این نشریه را نشان می دهد، می تواند نشان دهنده گرایش موضوعی و کمبودهای احتمالی موجود در این حوزه نیز باشد.

بررسی وضعیت مقالات منتشر شده در فصلنامه نشان داد که از مجموع ۵۶۳ عنوان مقاله منتشر شده، سال ۱۳۸۸ بیشترین و سال ۱۳۸۱ کمترین تعداد را به خود اختصاص داده اند. ضمن اینکه انتشار مجله در سال های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ متوقف بوده است. با نگاهی به توزیع فراوانی مقالات چاپ شده در سال های مختلف می توان فهمید که از سال ۱۳۸۹ به بعد چاپ مقالات منظم تر شده، به طوری که از این سال به بعد هر ساله به طور مرتب در حدود ۲۸ عنوان مقاله به چاپ رسیده است.

در بررسی جنسیت نویسندگان این نتیجه حاصل گردید که از مجموع ۵۶۳ عنوان مقاله منتشر شده، ۸۶ درصد نویسندگان را مردان و ۱۴ درصد را زنان تشکیل داده اند. از دلایل مشارکت کمتر زنان نسبت به مردان در تولید مقالات علمی می توان به تعداد کمتر اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی زن در این حوزه نسبت به مردان (گرامی راد، محمدی و سرلک، ۱۳۹۳) و همچنین در اولویت بودن نقش مادری و پرداختن به امور خانواده در نزد زنان ایرانی اشاره کرد. البته میزان مشارکت کمتر زنان در تولید مقالات علمی در حوزه دانش حسابداری تنها مختص این پژوهش نبوده، بلکه نتایج سایر پژوهش ها از جمله پژوهش گرامی راد، محمدی و سرلک (۱۳۹۳) که به بررسی محتوای مجلات حسابداری و مالی در ایران پرداخته بودند نیز مؤید این مطلب است.

یافته‌های مربوط به سهم هریک سطوح و مرتبه‌های علمی در تولید مقالات نشان داد که استادیاران با انتشار ۲۳۳ عنوان مقاله و ۴۱/۴ درصد آثار در رتبه اول، دانشیاران با ۹۳ اثر (۱۶/۵ درصد) در رتبه دوم و کارشناسان ارشد با ۸۹ عنوان مقاله و ۱۵/۸ درصد از آثار منتشر شده در رتبه سوم قرار دارند. بدین ترتیب یافته‌های این پژوهش با پژوهش گرامی‌راد، محمدی و سرلک (۱۳۹۳) همخوانی دارد، زیرا آنها نیز در پژوهش خود گزارش نموده بودند که استادیاران در مقایسه با سایر مرتبه‌های علمی، بیشترین تعداد تولیدات علمی را در حوزه حسابداری به خود اختصاص داده‌اند و دانشیاران و استادان در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

بررسی میزان مشارکت افراد در انتشار مقاله بصورت کار گروهی نشان داد که ۸ درصد آثار دارای یک نفر نویسنده بودند و ۹۲ درصد حاصل کار گروهی بوده است. این بخش از یافته‌های پژوهش، با یافته‌های گرامی‌راد، محمدی و سرلک (۱۳۹۳) همخوانی دارد. ایشان نیز در گزارش خود میزان آثار تک نویسنده‌ای را در مقایسه با آثار دو یا سه نویسنده‌ای کمتر گزارش نموده‌اند. با توجه به اینکه پژوهش فوق نیز در حوزه حسابداری انجام شده است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که متخصصین این حوزه گرایش زیادی به همکاری علمی و تألیف مشترک دارند.

در بررسی سهم هر یک از دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی در انتشار مقالات علمی در این فصلنامه، یافته‌ها نشان داد که دانشگاه تهران با تولید ۱۱۴ و دانشگاه شیراز با تولید ۳۴ عنوان مقاله در صدر نگراره قرار گرفته‌اند. البته پیشتاز بودن دانشگاه تهران قبلاً در پژوهش گرامی‌راد، محمدی و سرلک (۱۳۹۳) نیز گزارش شده بود و از این حیث بین یافته‌های این دو پژوهش همخوانی دیده شد. پیشتاز بودن دانشگاه تهران با توجه به عمر این دانشگاه، قدمت رشته حسابداری در آن و همچنین انتشار فصلنامه در این دانشگاه دور از انتظار نبوده است. از سوی دیگر، فاصله زیاد بین دانشگاه تهران که فصلنامه در آن منتشر می‌شود با سایر دانشگاه‌ها در تعداد مقالات منتشر شده می‌تواند یکی از نقاط ضعف این نشریه نیز محسوب گردد، که با تدابیر اتخاذ شده توسط مسئولین نشریه، از جمله این که هر نویسنده در هر سال تنها می‌تواند یک مقاله در این نشریه منتشر نماید، تا حدودی این نقطه ضعف مجله در سال‌های اخیر پوشش داده شده است.

بررسی گرایش‌های موضوعی مقالات نشان داد که بیشترین تعداد مقالات مربوط به موضوع حسابداری مالی است و حسابرسی و حسابداری مدیریت در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین، موضوع حسابداری بخش عمومی و دولتی کمترین میزان مقالات منتشر شده را به خود اختصاص داده است. این نتیجه با نتایج حاصل از پژوهش‌های مرادی و صفی‌خانی (۱۳۹۵) و گرامی‌راد، محمدی و سرلک (۱۳۹۳) در خصوص نشریات حسابداری همخوانی دارد. شاید دلیل انتخاب موضوعات مالی توسط پژوهشگران، ناشی از گوناگونی روش‌ها در این حوزه، مشکلات آموزشی، تقاضای اطلاعاتی از جمله نیاز مدیران، حسابداران، حسابرسان مستقل، اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران، تحلیلگران مالی و تمام گروه‌های ذینفع و فعال در بازارهای پول و سرمایه، به شناسایی و پیشبینی آثار سیاست‌های مالی و روش‌های حسابداری برگزیده شده بر رفاه خویش و همچنین تقاضای دریافت اطلاعات مناسب از سوی ذینفعان به منظور کاهش ریسک، اصلاح تصمیم‌گیری و ایجاد منافع باشد (گرامی‌راد، محمدی و سرلک، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، علیرغم اینکه بخش اعظمی از اقتصاد کشور در دست دولت و یا نهادهای عمومی است، تعداد پژوهش‌های مربوط به این بخش در رتبه آخر قرار گرفته است. البته، نتایج این بخش از پژوهش با بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه همخوانی دارد؛ شاید دلیل توجه کم محققان به حسابداری بخش عمومی و دولتی مربوط به ماهیت و پیچیدگی پژوهش در این حوزه، عدم دسترسی آسان به داده‌ها و عدم تعریف روشن و عملیاتی متغیرهای پژوهش باشد (گرامی‌راد، محمدی و سرلک، ۱۳۹۳)، در حالی که انجام تحقیق در این حوزه نقش مؤثری در تحلیل وضعیت مالی دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی دارد و کمک شایانی به برنامه‌ریزی‌های آینده دولت خواهد نمود.

منابع

- AKÇAKANAT, Ö. , Senal, S. , & ATEŞ, B. A. (2013). Türkiye Muhasebe Standartları Çalışmalarının İçerik Analizi Bakımından Değerlendirilmesi (2004-2011). Journal of Alanya Faculty of Business/Alanya İşletme Fakültesi Dergisi, 5 (3) ,1-8 (In Turkish).
- Apostolou, B. , Dorminey, J. W. , Hassell, J. M. , & Rebele, J. E. (2017). Accounting education literature review (2016). Journal of Accounting Education, 39, 1-31.
- Bakar, N. B. A. , & Saleh, Z. (2011). Public sector accounting research in Malaysia: Identifying gaps and opportunities. Journal of Research and Practice in Public Sector Accounting and Management, 1, 23-42.

- Bemanian, M. , Ahmadi, F. , Asadpur, A. (2013). Quantitative and Qualitative Evaluation of Scientific Articles in Two Urban Management Quarterly from 29 to 19. *Journal of Urban Management*, 11 (32) , 289-298 (In Persian).
- Erserim, A. (2016). Denetim Arastirmalarinda Baglam: Türkiye Denetim Yazini Üzerine Bir Inceleme/A Review of Audit Literature in Turkey. *Finans Politik & Ekonomik Yorumlar*, 53 (611) , 29-38.
- Geramirad, F. , Mohamadi, M. , Sarlak, N. (2014). Content Analysis of Scientific Journals of Accounting and Financial Published between 2009-2012. *Management Accounting*, 7 (23) , 105-122 (In Persian).
- Hoseini, N. , Gholami Jamkarani, R. (2017). Content Analysis of Earning Management Researches. *Management Accounting*, 10 (35) , 91-105 (In Persian).
- Moradi, M. , Safikhani, R. (2017). Analysis of Public Sector Accounting Researches in Iran and Future Researches Directions. *Accounting and Auditing Review*, 23 (4) , 547-574 (In Persian).
- Nobakh, Y. (2018). Scientometrics of Behavioral Accounting Research in Iran. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7 (27) , 125-136 (In Persian).
- Nobakht, Y. (2019). Scientometrics Study of Scientific Production of The Journal of Tax Research. *Knowledge Studies*, 5 (18) , 33-54 (In Persian).



ارتباط بین در دسترس بودن اطلاعات مالی با عملکرد و تغییر مدیرعامل بعد از اصلاحیه افشای اجباری اطلاعات شرکت‌های بورسی

نازنین بشیری منش^۱، حسین مشایخی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۵

مقاله پژوهشی

چکیده

وجود اطلاعات شفاف یکی از ارکان اساسی پاسخگویی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آگاهانه محسوب می‌شود. افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها یکی از منابع مهم و ارزشمند اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان است. سازوکارهای قانونی، دستورالعمل‌های مراجع ذیصلاح و یا استانداردهای حسابداری، موارد افشای اطلاعات را تعیین نموده و شرکت‌ها را ملزم به رعایت آن می‌کنند. دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی در اجرای بند ۱۱ و ۱۸ ماده ۷ و ماده ۴۵ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۹۱ به تصویب رسید. هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط بین در دسترس بودن اطلاعات مالی با عملکرد و تغییر مدیرعامل پس از تصویب این دستورالعمل است. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نمونه آماری شامل ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ و مبتنی بر روش رگرسیون خطی و لاجیت، تحلیل و بررسی گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پس از تصویب دستورالعمل افشاء، ارتباط بین عملکرد شرکت و در دسترس بودن اطلاعات کاهش یافته است، اما ارتباط بین نوسانات عملکرد شرکت و در دسترس بودن اطلاعات افزایش یافته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که پس از تصویب دستورالعمل افشاء، ارتباط بین نوسانات عملکرد شرکت و تغییر مدیرعامل افزایش یافته است، اما هیچ رابطه معنی‌داری بین عملکرد شرکت و تغییر مدیرعامل مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: نوسانات عملکرد شرکت، در دسترس بودن اطلاعات، اصلاحات افشاء.

طبقه‌بندی موضوعی: M40، M41، G38.

DOI: 10.22051/ijar.2019.24492.1487

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. نویسنده مسئول، (bashirimanesh@gmail.com)

^۲ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه پیام نور، واحد بین الملل قشم، ایران (acct.mashayekhi@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

درک بهتر سرمایه‌گذاران از مدیر در خصوص پیش‌بینی تغییرات اقتصادی، باعث بالاتر رفتن ارزش شرکت می‌شود. بنابراین، مدیران می‌توانند با ارائه و افشای اطلاعات، پیش‌بینی خود در رابطه با محیط اقتصادی آتی شرکت و نیز ارائه‌ی پیش‌بینی‌های سود مدیریت، باعث افزایش ارزش سهام و در نتیجه بالا رفتن موقعیت رقابتی شرکت در صنعت مربوط به خود در بازار سرمایه، شوند. با این حال افشای اطلاعات علاوه بر داشتن مزایای تجاری، باعث تحمیل هزینه‌هایی نیز بر شرکت می‌شود. در همین راستا، نظریه افشای اطلاعات بیان می‌کند که مدیران، در صورت فزونی منافع افشا بر هزینه‌های آن، اطلاعاتی را افشا خواهند (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ هرملین و ویسیچ، ۲۰۱۲؛ گوتری، ۲۰۱۲). بنابراین، با توجه به مطالب بیان شده، افشای اطلاعات به وسیله مدیران شرکت‌ها می‌تواند بر عملکرد و سودآوری آنها موثر باشد (دورنو و منگن، ۲۰۰۹؛ فو و همکاران، ۲۰۱۲؛ گایو و همکاران، ۲۰۱۶).

در این پژوهش، به بررسی ارتباط نوسانات عملکرد، در دسترس بودن اطلاعات و اصلاحات افشا پرداخته می‌شود. در اکثر کشورها، قوانین ویژه‌ای برای افشای اطلاعات شرکت‌ها در نظر گرفته شده است (به ویژه در شرکت‌های بورسی) که این قوانین در پاره‌ای اوقات با اصلاحیه همراه است. در ایران نیز در اجرای بندهای ۱۱ و ۱۸ ماده ۷ و ماده ۴۵ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب آذرماه ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی، دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان در ۳ فصل، ۲۱ ماده و ۸ تبصره در تاریخ ۱۳۸۶/۰۵/۰۳ به تصویب هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید. این دستورالعمل اجرایی با اعمال دو مصوبه مورخ ۸۸/۰۴/۰۶ و ۸۹/۰۶/۲۷ هیئت مدیره سازمان اصلاح شد. این دستورالعمل شامل مواردی است که ناشران بازار اوراق بهادار را ملزم به افشای اطلاعات می‌نماید. فصل سوم این قانون با عنوان موارد افشا، شامل سه بخش است. بخش اول، گزارش‌ها و صورت‌های مالی سالانه و میان دوره‌ای؛ بخش دوم، مجامع عمومی و بخش سوم، اطلاعات مهم است.

ماده ۱۳ دستورالعمل فوق‌الذکر، ناشران را موظف به افشای فوری اطلاعات مهم می‌نماید. رویدادهای زیر جزء موارد با اهمیت ذکر شده است:

- رویدادهای مؤثر بر فعالیت، وضعیت مالی و نتایج عملکرد ناشر.

- تصمیمات و شرایط مؤثر بر ساختار سرمایه و تأمین مالی ناشر.
- تغییر در ساختار مالکیت ناشر.
- سایر اطلاعات مهم و مؤثر بر قیمت اوراق بهادار ناشر و تصمیمات سرمایه گذاران.

تصویب قوانین و تدوین دستورالعمل‌ها در زمینه افشای اطلاعات، نشان از تأثیرگذار بودن اطلاعات برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان دارد که به دلیل اهمیت داشتن این گونه اطلاعات، افشای آنها از طریق قوانین و دستورالعمل‌ها، جنبه اجباری گرفته است. با توجه به این موارد و اهمیت افشا، انتظار می‌رود که این گونه افشاهای اجباری دارای محتوای اطلاعاتی باشد؛ به این معنی که سرمایه‌گذاران نسبت به انتشار اطلاعات، واکنش نشان دهند.

این اصلاحیه‌های افشاء منجر به تغییرات اساسی در افشای اطلاعات این شرکت‌ها و دسترسی اطلاعات شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد بررسی اثرات این اصلاحیه‌ها (که منجر به تغییر در اطلاعات در دسترس برای استفاده‌کنندگان داخلی و خارجی شده است)، بر عملکرد و ریسک شرکت ضروری به نظر می‌رسد.

مدیرعامل معمولاً عالی‌رتبه‌ترین مسئول اداری و اجرایی یا رئیس عهده‌دار مدیریت تام یک شرکت سهامی، سازمان، یا بنگاه است که به هیئت مدیره گزارش می‌دهد. مسئولیت‌های مدیر ارشد اجرایی توسط هیئت مدیره سازمان یا قدرت‌های دیگر انتخاب می‌شود. وظیفه مدیرعامل جهت دادن به اهداف داخلی و خارجی شرکت با توجه به دیدگاه استراتژی آن شرکت می‌باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۲). هسته عملکرد مدیرعامل تسهیل تجارت خارجی شرکت، زمانی که دیگر کارمندان و مدیران اجرائی به سمت هدفی معین حرکت می‌کنند، است. مدیر ارشد به‌عنوان اداره‌کننده، تصمیم‌گیرنده، رهبر، کارفرما و اجراکننده مسئولیت‌هایی را بر عهده دارد. مدیر ارشد اجرایی می‌تواند در نقش یک برقرارکننده ارتباط با مطبوعات و سایر دنیای بیرون و نیز کارفرمایان سازمان و کارمندان عمل کند. نقش تصمیم‌گیرندگی شامل تصمیمات سطح بالا درباره سیاست و استراتژی است. مدیر ارشد اجرایی به‌عنوان رهبر یک شرکت به هیئت مدیره مشورت می‌دهد و کارمندان را تهییج می‌کند و به‌عنوان یک کارفرما عملیات روزانه شرکت را اداره می‌کند. تغییر مدیرعامل می‌تواند اثر قابل ملاحظه‌ای بر عملکرد شرکت‌ها داشته

باشد. به طور معمول در بیشتر مواقع، تغییر مدیرعامل ارتباط مستقیم با عملکرد شرکت دارد. در شرکت‌های پرنوسان، تغییر مدیرعامل بیشتر است (فو و همکاران، ۲۰۱۶).

با توجه به موارد ذکر شده، مسئله اصلی این تحقیق بررسی پاسخ این سؤال است که آیا بین در دسترس بودن اطلاعات مالی با عملکرد و تغییر مدیرعامل بعد از اصلاحیه اجباری افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی مورخه ۸۹/۰۶/۲۷ مصوب مجلس شورای اسلامی انجام شده است، ارتباط معنی داری وجود دارد یا خیر؟

مبانی نظری

افشا و دسترسی به اطلاعات شرکت‌ها

تقاضا برای گزارشگری مالی و افشا از عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد نمایندگی بین مدیران و سرمایه‌گذاران برون سازمانی ناشی می‌شود (ناگر، ۱۹۹۹؛ هرملین و ویسیچ، ۲۰۰۹، ۲۰۱۲). با جدا شدن مالکیت از مدیریت، مدیران به عنوان نماینده مالکان (سهامداران)، شرکت را اداره می‌کنند. با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین سهامداران و مدیران ایجاد می‌گردد. بدان معنا که ممکن است مدیران دست به رفتارهای فرصت طلبانه زده که در راستای منافع شخصی آنها و عکس منافع سهامداران باشد (بوجرا و همکاران، ۲۰۰۹؛ جنتر و کانن، ۲۰۱۵). افشای اطلاعات شرکت‌ها اقدامی است که می‌تواند به میزان زیادی مانع از این رفتارهای فرصت طلبانه شود. افشای مالی سالم با ایجاد پل ارتباطی، شکاف عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران و در نتیجه مشکل نمایندگی را کاهش می‌دهد؛ در مقابل افشای مالی ضعیف، اغلب باعث گمراهی سهامداران شده و ممکن است مانند رسوایی‌های مالی اخیر گزارش شده، اثرات نامطلوبی بر عملکرد شرکت و ثروت آنها بگذارد (جین و همکاران، ۲۰۱۳).

اولین فرض تئوری نمایندگی این است که اشخاص بر حسب منافع شخصی خود عمل می‌کنند و شرکت در تقاطع ارتباطات قراردادی است که بین مدیریت، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دولت وجود دارد. طبق نظریه هزینه‌های نمایندگی، مدیریت سعی می‌کند منافع خود را حداکثر کند که این هدف لزوماً همسان و همسو با حداکثر کردن ارزش شرکت نیست (نمازی، ۱۳۸۴). امکان دارد مدیران که هدف مشابهی با سهامداران ندارند، بیشتر روی رشد شرکت‌ها تمرکز داشته باشند تا به حداکثر کردن ثروت سهامداران؛ در نتیجه، آنها ممکن است جریان‌های نقد

آزاد شرکت‌ها را روی پروژه‌های کم‌درآمد صرف کنند و از افشای اطلاعات مرتبط با آن بپرهیزند. عدم افشای کافی اطلاعات می‌تواند منجر به عدم تقارن اطلاعاتی شود که این عدم تقارن اطلاعاتی باعث افزایش ریسک و نوسانات عملکرد شرکت‌ها گردد. از اینرو این احتمال وجود دارد تا سطح افشای پایین شرکت‌ها منجر به افزایش پراکندگی و نوسان عملکرد شرکت گردد، زیرا مدیران این انگیزه را دارند تا به صورت فرصت‌طلبانه عمل کنند و با عمل کردن در جهت منافع شخصی، ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت را افزایش دهند.

اطلاعات پیش‌بینی شده مالی تأثیر معنادار و قابل توجهی بر بازارهای سرمایه دارد. افشای داوطلبانه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد که این کار از طریق بررسی ارتباط بین افشای اطلاعات پیش‌بینی شده مالی و عملکرد شرکت انجام می‌گیرد. از آنجا که نوسانات عملکرد شرکت با عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک بالای شرکت مرتبط است، این تحلیل از مفاهیم عملی معینی هم برای مدیران و هم برای قانون‌گذاران با توجه به اهمیت استراتژی خاص افشا در بازار سرمایه استفاده می‌کند (فو و همکاران، ۲۰۱۶).

در اکثر کشورها، قوانین ویژه‌ای برای افشای اطلاعات شرکت‌ها در نظر گرفته شده است (به ویژه در شرکت‌های بورسی) که این قوانین در پاره‌ای اوقات با اصلاحیه همراه است. در ایران نیز اصلاحاتی در این خصوص در تاریخ‌های ۸۸/۰۴/۰۶ و ۸۹/۰۶/۲۷ صورت پذیرفت.

این اصلاحیه‌ها ممکن است منجر به تغییرات اساسی در افشای اطلاعات شرکت‌ها و دسترسی به اطلاعات شده باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد با اعمال اجباری این اصلاحیه، میزان اطلاعات در دسترس شرکت‌ها در بازار سرمایه تغییر کند و بر عملکرد و نوسانات شرکت اثرگذار باشد.

تغییر مدیرعامل

در دنیای امروز مدیرعامل^۱ نقش تعیین‌کننده در افزایش بازدهی و بهره‌وری شرکت‌ها دارد. در میان چهار عامل کلیدی موفقیت در سازمان‌ها شامل نیروی کار، سرمایه، مواد اولیه و مدیریت، امروزه نقش مدیریت بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. در دنیای رقابتی امروز فشار زیادی برای دستیابی سریع به نتایج مطلوب و به تبع آن تصمیم‌گیری‌های سریع وجود دارد که مدیران در اجرای این مهم نقش حیاتی دارند و گاه در اثر نرسیدن به نتایج مطلوب در زودترین زمان ممکن تغییرات مدیریتی در سازمان صورت می‌گیرد (دیانتی و همکاران، ۱۳۹۲).

مدیران پس از اینکه به این سمت منصوب می‌شوند، به این دلیل که دوره تصدی بلندمدتی را برای خود پیش‌بینی نمی‌کنند، صرفاً در جهت منافع سهامداران حرکت نمی‌کنند، بلکه در مدت کوتاهی که در این سمت قرار دارند در راستای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند. به همین دلیل ممکن است مدیران از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بلندمدت، به دلیل این که در دوره تصدی آنها به بازدهی نمی‌رسد، خودداری کنند. به عبارت دیگر، تصمیماتی که می‌تواند برای منافع شخصی مدیریت مفید باشد، ممکن است از نظر شرکت تصمیمات بهینه‌ای نباشد (هلمستروم، ۱۹۷۹؛ کلاک و همکاران، ۲۰۰۵). مدیران در ابتدای انتصاب به هر مسئولیت، دوره غیرموثر را می‌گذرانند و پس از آن دوره تأثیر مثبت فعالیت‌های آنها شروع می‌شود. حال اگر مدیران قبل از رسیدن به این دوره از سمت خود برکنار شوند، هزینه‌های زیادی برای شرکت ایجاد خواهد شد. یکی از تضادهای بین مدیر و ذینفعان شرکت این است که افق تصمیم‌گیری مدیران برای شرکت کوتاه‌تر از افق سرمایه‌گذاری سهامداران است (کوهن و همکاران، ۲۰۱۳). ادعای مدیران نسبت به شرکت تنها محدود به دوره تصدی آنها است و همین مساله ممکن است باعث کاهش منافع سهامداران و ارزش شرکت شود. بنابراین، به نظر می‌رسد تغییر مدیرعامل می‌تواند بر عملکرد و نوسانات شرکت‌ها اثرگذار باشد.

پیشینه پژوهش

فو و همکاران (۲۰۱۶)، به بررسی نوسانات عملکرد، در دسترس بودن اطلاعات و اصلاحات افشا در شرکت‌های آمریکایی پرداختند. شواهد پژوهش یک رابطه ضعیف و منفی بین نوسانات عملکرد و در دسترس بودن اطلاعات را نشان می‌دهد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که در شرکت‌هایی که تغییر مدیرعامل بالاتر بوده است، احتمال نوسان بازده نیز افزایش یافته است.

مایورگا و تروتمن (۲۰۱۶)، به بررسی اثر چشم‌انداز منطقی سرمایه‌گذار و سطح افشای قبلی شرکت بر قضاوت افشای مدیران در شرکت‌های استرالیایی پرداختند. شواهد پژوهش آنها نشان داد که در شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاران به‌طور منطقی رفتار کرده‌اند، افشای مدیریتی افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. از سویی، نتایج این پژوهش نشان داد که سطح افشای قبلی شرکت می‌تواند بر قضاوت افشای مدیران اثر مثبت معنی‌داری داشته باشد.

رابرت و ویتد (۲۰۱۵)، به بررسی رابطه ویژگی‌های شرکت و سطح افشای داوطلبانه شرکت‌ها در بورس ترکیه پرداختند. نتایج بیانگر آن بود که بین اندازه شرکت، اندازه موسسه حسابرسی، اعضای مستقل هیئت مدیره و مالکیت شرکتی با سطح افشای داوطلبانه (متغیر وابسته) رابطه مثبت وجود دارد. همچنین، بین معیار سودآوری و اندازه هیئت مدیره با سطح افشای داوطلبانه، رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

نتایج تحقیق بوشمن و همکاران (۲۰۱۵)، نشان می‌دهد که اطلاعات پیش‌بینی شده افشا شده توسط شرکت‌ها با شهرت بالا، تأثیر بیشتری بر کاهش نوسان بازده سهام دارد. این شواهد برای مدیرانی که باید از اهمیت ایجاد و نگهداری شهرت شرکت در کارآمدی استراتژی‌های افشا آگاه باشند، بسیار مفید و کارا است.

اگستر و وانگر (۲۰۱۱)، به بررسی کیفیت افشای داوطلبانه، عملکرد عملیاتی و ارزشیابی بازار سهام پرداختند. عملکرد عملیاتی براساس سه معیار حاشیه سود خالص، نسبت سود به حقوق صاحبان سهام و رشد فروش اندازه‌گیری شده است. نتایج بررسی در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ نشان‌دهنده رابطه مثبت بین معیارهای عملکرد عملیاتی (به‌عنوان متغیر مستقل) با افشای داوطلبانه است.

در پژوهشی جین و همکاران (۲۰۱۳)، رابطه بین رتبه‌های افشا و عملکرد عملیاتی شرکت‌ها را بررسی کرد. نتایج بیانگر رابطه مثبت بین رتبه‌های افشا (به‌عنوان متغیر مستقل) با معیارهای عملکرد عملیاتی (تحقیق و توسعه، رشد فروش و حاشیه سود خالص) بود.

فروغی و علی‌دادی (۱۳۹۶)، به بررسی تأثیر هیئت مدیره مشترک بر افشای اختیاری اطلاعات و عملکرد شرکت پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هیئت مدیره مشترک بر عملکرد شرکت تأثیر مثبت دارد. به گونه‌ای که وجود هیئت مدیره مشترک باعث بهبود عملکرد شرکت‌های نمونه شد. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان داد که هیئت مدیره مشترک بر افشای اختیاری اطلاعات تأثیر مثبت دارد. به طوری که عضو مشترک هیئت مدیره، باعث ترغیب مدیران به افشای داوطلبانه اطلاعات می‌شود.

نیکبخت و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی تأثیر تأخیر در اعلان سود بر رابطه بین افشای اختیاری و نوسانات عملکرد شرکت پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌ها با استفاده از تحلیل

رگرسیون نشان می‌دهد که بین افشای اختیاری و نوسانات عملکرد شرکت رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. همچنین، بین افشای به‌موقع و نوسانات عملکرد شرکت نیز رابطه منفی و معنی‌دار برقرار است. به علاوه، این آزمون‌ها شواهدی فراهم آورد که نشان داد اثر تعاملی دو متغیر افشای اختیاری و افشای به‌موقع روی نوسانات عملکرد شرکت منفی و معنی‌دار است.

حیدری و همکاران (۱۳۹۵)، به بررسی رابطه بین مدیریت سود و تغییر مدیرعامل در شرکت‌های بورسی پرداختند. نتایج تحقیق، مدیرعامل مثبت سود در سال قبل از تغییر مدیرعامل را تأیید کرد، اما شواهدی از مدیرعامل منفی سود در سال تغییر و مدیرعامل مثبت سود در سال بعد از تغییر، به دست نیامده است. همچنین، نتایج تحقیق نشان داد که مدیریت سود به اندازه و نوع صنعتی که شرکت‌ها در آن فعالیت دارند، بستگی ندارد.

ناظمی و همکاران (۱۳۹۴)، به بررسی رابطه متقابل بین کیفیت افشای اطلاعات مالی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از سیستم معادلات همزمان پرداختند. نتایج برآورد حاکی از وجود یک رابطه دوطرفه بین کیفیت افشای اطلاعات مالی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به عبارت دیگر، نتایج حاصل از سیستم معادلات همزمان، از اطمینان و صحت بیشتری نسبت به برآورد تک معادله‌ای، برخوردار است.

کردستانی و عباسی (۱۳۹۳)، به بررسی رابطه بین تمرکز مشتری و عملکرد شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تمرکز مشتری رابطه مثبت با عملکرد شرکت دارد.

فرضیه‌های تحقیق

هدف اصلی افشاء، آگاه کردن تحلیلگران و سرمایه‌گذاران درباره مبلغ و زمانبندی جریان‌های نقدی آتی است تا تحلیلگران مالی و سرمایه‌گذاران پیش‌بینی بهتری از سودهای آتی داشته باشند. بنابراین، شفافیت و افشای بهتر برای سهامداران، اطلاع‌دهندگی بهتری را ایجاد می‌کند (کردستانی و ابراهیمی، ۱۳۹۲). طبق نظریه نمایندگی با تفکیک مالکیت از مدیریت، سرمایه‌گذاران به اطلاعات بیشتری برای سنجش عملکرد مدیریت نیاز دارند. مدیران نیز برای ایفای وظیفه مباشرت تلاش می‌کنند تا در راستای حداکثر کردن منافع سهامداران و بهبود

عملکرد گام بردارند (هرمالین و وبساج، ۲۰۱۲). براساس تئوری علامت‌دهی، شرکت‌های سودآور به وسیله ارائه اطلاعات بیشتر و بهتر به بازار نسبت به سایر شرکت‌ها، قدرت رقابتی خود را علامت‌دهی می‌کنند (دنیلی و همکاران، ۲۰۱۰). در کشورهای مختلف قوانین و دستورالعمل‌هایی برای بهبود شفافیت اطلاعاتی و افزایش سطح دسترسی به اطلاعات تصویب می‌گردد که نشان از اهمیت افشای اطلاعات برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران دارد.

فرضیه اول: بین "عملکرد شرکت" و "در دسترس بودن اطلاعات" بعد از اصلاحیه اجباری افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی مورخه ۸۹/۰۶/۲۷ مصوب مجلس شورای اسلامی و هیئت مدیره سازمان بورس اوراق بهادار تهران، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

مدیران در شرکت‌هایی که نوسان‌پذیری عملکرد شرکت بیشتر است، رویکرد کاهش میزان افشای اطلاعات را انتخاب می‌کنند؛ یکی از دلایل این امر این است که سرمایه‌گذاران با افزایش میزان دسترسی به اطلاعات امکان ارزیابی ریسک بیشتری داشته و بهتر بتوانند ناتوانی‌های مدیریت در رفع مشکلات و بهبود وضعیت شرکت را درک کنند (هرمالین و وبساج، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، شرکت‌هایی با نوسان‌پذیری زیاد عملکرد، عمدتاً در گروه شرکت‌های کوچک، جوان و دارای نوآوری هستند. این شرکت‌ها بخاطر داشتن دانش خاص یا برنامه‌های متفاوت تولید، از ارائه اطلاعات بیشتر اجتناب می‌کنند تا فضای رقابتی خود را حفظ کنند (هایس و لوندلم، ۱۹۹۶). بنابراین، در شرکت‌هایی با نوسان‌پذیری بالای عملکرد، انتظار می‌رود مدیریت از افشای اطلاعات به‌عنوان ابزاری برای علامت‌دهی به سرمایه‌گذاران در موقعیت‌های مناسب استفاده نماید تا از این طریق از مزایای اخبار خوب در بازار سرمایه بهره‌مند شود.

فرضیه دوم: بین "نوسانات عملکرد شرکت" و "در دسترس بودن اطلاعات" بعد از اصلاحیه اجباری افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی مورخه ۸۹/۰۶/۲۷ مصوب مجلس شورای اسلامی و هیئت مدیره سازمان بورس اوراق بهادار تهران، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

مدیران پس از اینکه به این سمت منصوب می‌شوند، به این دلیل که دوره تصدی بلندمدتی را برای خود پیش‌بینی نمی‌کنند، صرفاً در جهت منافع سهامداران حرکت نمی‌کنند، بلکه از مدت کوتاهی که در این سمت قرار دارند در راستای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند. به همین دلیل ممکن است مدیران از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بلندمدت، به دلیل این که در دوره

تصدی آنها به بازدهی نمی‌رسد خودداری کنند. به عبارت دیگر، تصمیماتی که می‌تواند برای منافع شخصی مدیریت مفید باشد، ممکن است از نظر شرکت تصمیمات بهینه‌ای نباشد (هلمستروم، ۱۹۷۹؛ کلاک و همکاران، ۲۰۰۵). مدیران در ابتدای انتصاب به هر مسئولیت، دوره غیرموثر را می‌گذرانند و پس از آن دوره تأثیر مثبت فعالیت‌های آنها شروع می‌شود. حال اگر مدیران قبل از رسیدن به این دوره از سمت خود برکنار شوند، هزینه‌های زیادی برای شرکت ایجاد خواهد شد. یکی از تضادهای بین مدیر و ذینفعان شرکت، این است که افق تصمیم‌گیری مدیران برای شرکت کوتاه‌تر از افق سرمایه‌گذاری سهامداران است (کوهن و همکاران، ۲۰۱۳).. بنابراین، به نظر می‌رسد تغییر مدیرعامل می‌تواند بر عملکرد و نوسانات شرکت‌ها اثرگذار باشد. فرضیه سوم: بین "عملکرد شرکت" و "تغییر مدیرعامل" بعد از اصلاحیه اجباری افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی مورخه ۸۹/۰۶/۲۷ مصوب مجلس شورای اسلامی و هیئت مدیره سازمان بورس اوراق بهادار تهران، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین "نوسانات عملکرد شرکت" و "تغییر مدیرعامل" بعد از اصلاحیه اجباری افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی مورخه ۸۹/۰۶/۲۷ مصوب مجلس شورای اسلامی و هیئت مدیره سازمان بورس اوراق بهادار تهران، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات شبه تجربی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری می‌باشد و از حیث هدف، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. روش تحقیق حاضر از نوع استقرایی و پس‌رویداردی (با استفاده از اطلاعات گذشته) و روش آماری آن همبستگی می‌باشد. اطلاعات واقعی و حسابرسی شده شرکت‌ها به صورت تلفیقی و به وسیله الگوی رگرسیون چندگانه تابلویی و رگرسیون لجستیک مورد بررسی قرار گرفته است. رگرسیون تابلویی هنگامی به کار می‌رود که سطح معنی‌داری در آزمون چاو زیر ۵٪ باشد. همچنین، هنگامی که متغیر وابسته یک متغیر مجازی است (صفر یا یک)، از رگرسیون لجستیک استفاده می‌شود. اطلاعات مزبور از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال استخراج و با اطلاعات صورت‌های مالی تطبیق یافت و برای آماده‌سازی اطلاعات، از صفحه گسترده اکسل و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نسخه ۹ نرم افزار EViews استفاده گردید.

جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶، است. شرایط زیر برای انتخاب جامعه آماری به روش غربالگری لحاظ گردیده است:

- (۱) تاریخ پذیرش آنها در بورس قبل از سال ۱۳۸۸ و تا پایان سال ۱۳۹۶ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.
 - (۲) اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس باشد و سهام آنها مورد معامله مستمر قرار گرفته باشد.
 - (۳) به منظور افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی آنها منتهی به پایان اسفندماه باشد و در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند.
- با توجه به شرایط ذکر شده، ۱۴۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ به عنوان جامعه آماری انتخاب شد. در مجموع تعداد ۱۲۶۰ مشاهده (سال / شرکت) مورد آزمون قرار گرفت.

الگو و متغیرهای تحقیق

در این پژوهش به پیروی از پژوهش گایو و همکاران (۲۰۱۶) برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیونی خطی و لاجیت استفاده شده است. بدین منظور، برای آزمون فرضیه اول و دوم از مدل (۱) و برای آزمون فرضیه سوم و چهارم از مدل (۲) استفاده شد.

مدل (۱)

$$CFO_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 (TA_{it} \times ROA_{it} \times POST_{it}) + \beta_2 (TA_{it} \times SDROA_{it} \times POST_{it}) + \beta_3 (TA_{it} \times ROA_{it}) + \beta_4 (TA_{it} \times POST_{it}) + \beta_5 (TA_{it} \times SDROA_{it}) + \beta_6 (CFO_{it} \times ROA_{it} \times POST_{it}) + \beta_7 (CFO_{it} \times SDROA_{it} \times POST_{it}) + \beta_8 (CFO_{it} \times ROA_{it}) + \beta_9 (CFO_{it} \times POST_{it}) + \beta_{10} (CFO_{it} \times SDROA_{it}) + \beta_{11} (LEV_{it} \times ROA_{it} \times POST_{it}) + \beta_{12} (LEV_{it} \times SDROA_{it} \times POST_{it}) + \beta_{13} (LEV_{it} \times ROA_{it}) + \beta_{14} (LEV_{it} \times POST_{it}) + \beta_{15} (LEV_{it} \times SDROA_{it}) + \beta_{16} (SIZE_{it} \times ROA_{it} \times POST_{it}) + \beta_{17} (SIZE_{it} \times SDROA_{it} \times POST_{it}) + \beta_{18} (SIZE_{it} \times ROA_{it}) + \beta_{19} (SIZE_{it} \times POST_{it}) + \beta_{20} (SIZE_{it} \times SDROA_{it}) + \beta_{21} TA_{it} + \beta_{22} CFO_{it} + \beta_{23} ROA_{it} + \beta_{24} SDROA_{it} + \beta_{25} POST_{it} + \beta_{26} SIZE_{it} + \beta_{27} LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

$$CEOTurnover_{it} = \beta_0 + \beta_1 (ROA_{it} \times POST_{it}) + \beta_2 (SDROA_{it} \times POST_{it}) + \beta_3 (CFO_{it} \times POST_{it}) + \beta_4 (TA_{it} \times POST_{it}) + \beta_5 (LEV_{it} \times POST_{it}) + \beta_6 (SIZE_{it} \times POST_{it}) + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 SDROA_{it} + \beta_9 POST_{it} + \beta_{10} CFO_{it} + \beta_{11} TA_{it} + \beta_{12} LEV_{it} + \beta_{13} SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل‌ها، تعریف عملیاتی متغیرها به صورت زیر است.

متغیر وابسته و نحوه محاسبه آن

۱) در دسترس بودن اطلاعات (Information Availability): اصطلاح دسترسی به اطلاعات در گسترده‌ترین مفهوم خود به معنای ارائه اطلاعات می‌باشد. حسابداران از این عبارت به صورت محدودتری استفاده می‌کنند و منظور آنها، انتشار اطلاعات مالی مربوط به یک شرکت در گزارش‌های مالی (معمولاً در قالب گزارش‌های سالانه) است. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری سطح اطلاعات در دسترس از محتوای اطلاعاتی اقلام تعهدی حسابداری در جریان‌ات نقد آتی شرکت، استفاده شده است (مینیس، ۲۰۱۱). مطابق با ادبیات حسابداری اجزای سود را می‌توان به دو جزء جریان‌های نقدی و اقلام تعهدی حسابداری تفکیک کرد. اقلام تعهدی در سود سال جاری شناسایی شده‌اند و باید به جریان‌های نقدی در دوره‌های آتی تبدیل شوند. افزایش محتوای اطلاعاتی اقلام تعهدی در جریان‌های نقدی آتی شرکت، سطح عملکرد اطلاعات در دسترس به سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد. این پژوهش در دسترس بودن اطلاعات را به عنوان توانایی اقلام تعهدی حسابداری برای پیش‌بینی جریان‌ات نقدی آتی شرکت تعریف می‌کند. این مدل به‌طور خلاصه به صورت زیر است.

$$CFO_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 TA_{it} + \beta_2 CFO_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

۲) تغییر مدیرعامل ($CEOTurnover_{it}$): مدیرعامل معمولاً عالی‌رتبه‌ترین مسئول اداری یا رئیس عهده‌دار مدیریت تام یک شرکت سهامی، سازمان، یا بنگاه است که به هیئت مدیره گزارش می‌دهد. به‌طور معمول یک مدیرعامل، چند مدیر اجرایی تابع دارد که هر یک مسئولیت‌های کاربردی ویژه خود را دارند. پیرو پژوهش بوشمن و همکاران (۲۰۱۵)، جنتر و کانان (۲۰۱۵) و لی و سرینیواسان (۲۰۱۱) از یک متغیر مجازی برای بررسی اثر تغییر مدیرعامل بر سطح عملکرد و نوسانات شرکت استفاده شده است. بدین منظور، اگر شرکت

در سال t مدیرعامل خود را به هر دلیلی تغییر داده باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد. اطلاعات مربوط به تغییر مدیرعامل با مراجعه به یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و گزارش هیئت مدیره استخراج شد.

متغیر مستقل و نحوه محاسبه آن

۱) عملکرد شرکت (ROA_{it}): در این پژوهش پیرو تحقیق فو و همکاران (۲۰۱۶) از نسبت سود خالص پس از کسر مالیات به جمع کل ارزش دفتری دارایی‌ها برای اندازه‌گیری عملکرد شرکت i در سال t استفاده شده است. در واقع این نسبت نشان خواهد داد که شرکت‌ها چه میزان بازدهی (سود) به ازای سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها خود کسب کرده‌اند.

۲- نوسانات عملکرد شرکت ($SDROA_{it}$): در این پژوهش برای نوسان عملکرد از انحراف معیار ۵ سال قبلی نرخ بازده دارایی‌های شرکت i در سال t استفاده شده است.

متغیر تعدیل‌گر و نحوه محاسبه آن

در این پژوهش، متغیر مجازی اصلاحیه اجباری افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی مورخه ۸۹/۰۶/۲۷ مصوب مجلس شورای اسلامی ($POST_{it}$) یک متغیر تعدیل‌کننده است که برای عملیاتی کردن آن در این پژوهش از یک متغیر مجازی استفاده شده است. با توجه به ابلاغ این اصلاحیه در سال ۹۰ به شرکت‌ها و اجباری شدن این قانون از سال ۹۱، به سال‌های ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵ و ۹۶ عدد یک و به سال شرکت‌های دیگر یعنی ۸۸، ۸۹ و ۹۰ عدد صفر می‌دهیم.

متغیر کنترلی و نحوه محاسبه آن

۱- اندازه شرکت ($SIZE_{it}$): متغیر اندازه شرکت که برابر با لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t است.

۲- اهرم مالی (LEV_{it}): شاخص اهرم مالی شرکت i در سال t که برابر با نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها است.

۳- جریان وجوه نقد عملیاتی (CFO_{it}): در این پژوهش از نسبت خالص جریان وجوه نقد عملیاتی شرکت i در سال t به ارزش دفتری دارایی‌ها به‌عنوان یک متغیر کنترلی استفاده شده است.

۴- مجموع ارقام تعهدی (TA_{it}): مجموع ارقام تعهدی شرکت i در سال t از طریق تفاضل سود خالص منهای خالص جریان وجوه نقد عملیاتی بدست می‌آید.

یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در نگاره (۱) آورده شده است که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. یافته‌ها نشان می‌دهد، میانگین عملکرد شرکت (نرخ بازده دارایی) تقریباً $۰/۰۷۵$ است؛ این نشان می‌دهد که به ازای یک ریال سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها، بازدهی در حدود $۰/۰۷$ ریال کسب شده است. متوسط متغیر تغییر مدیرعامل $۰/۲۱۶$ است؛ این نشان می‌دهد که حدود ۲۲ درصد از نمونه مورد بررسی در طول دوره مورد بررسی، مدیرعامل خود را تغییر داده‌اند. میانگین متغیر نسبت وجوه نقد عملیاتی به دارایی تقریباً $۰/۱۰۹$ است. این موید این مطلب است که میزان وجوه نقد عملیاتی در شرکت‌های مورد بررسی به‌طور متوسط حدود ۱۱ درصد متوسط دارایی‌ها بوده است. میانگین متغیر ارقام تعهدی به دارایی $۰/۰۳۴-$ است. منفی بودن ارقام تعهدی به دارایی نمایانگر بالا بودن متوسط جزء نقدی سود نسبت به جزء تعهدی سود در شرکت‌های بورسی بوده است.

میانگین (انحراف معیار) شاخص اهرم مالی نیز $۰/۶۶۵$ است. این نشان می‌دهد که به‌طور متوسط معادل ۶۶ درصد ساختار دارایی‌های شرکت‌های مورد مطالعه از بدهی تشکیل شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
(ROA _{it}) نرخ بازده دارایی‌ها (عملکرد شرکت)	۰/۰۷۵	۰/۰۶۸	۰/۱۳۷	-۰/۳۶۴	۰/۴۳۱
(SDROA _{it}) نوسانات عملکرد شرکت	۰/۰۶۸	۰/۰۴۹	۰/۰۶۷	۰/۰۰۷	۰/۴۹۶
متغیر مجازی اصلاحیه افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی (POST _{it})	۰/۶۲۵	۱	۰/۴۸۴	۰	۱
(CEO Turnover _{it}) متغیر مجازی تغییر مدیرعامل	۰/۲۱۶	۰	۰/۴۱۱	۰	۱
(CFO _{it}) نسبت وجوه نقد عملیاتی به دارایی	۰/۱۰۹	۰/۰۹۵	۰/۱۲۳	-۰/۱۸۲	۰/۵۱۲
(CFO _{it+1}) نسبت وجوه نقد عملیاتی به دارایی سال آتی	۰/۱۰۶	۰/۰۹۴	۰/۱۲۲	-۰/۱۸۸	۰/۴۹۳
(TA _{it}) نسبت اقلام تعهدی به دارایی	-۰/۰۳۴	-۰/۰۲۹	۰/۱۳۸	-۰/۴۹۹	۰/۳۳۰
(SIZE _{it}) (ضرب شده در ۱۰۰۰۰۰۰) اندازه شرکت	۲۷/۳۱۱	۲۷/۳۴۴	۱/۵۱۷	۲۲/۸۰۸	۴۰/۷۷۲
(LEV _{it}) اهرم مالی	۰/۶۶۵	۰/۶۵۹	۰/۲۱۰	۰/۱۹۸	۱/۱۱۴

آمار استنباطی

تحلیل فرضیه‌های اول و دوم

در این پژوهش برای تحلیل فرضیه اول و دوم از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. در نتیجه به منظور قابلیت استفاده از نتایج این مدل، باید از برقراری فروض رگرسیون خطی کلاسیک اطمینان حاصل نمود. برای تشخیص هم‌خطی بین متغیرها از آزمون VIF استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون هم‌خطی نشان داد که مقدار VIF در تمامی صنایع کمتر از ۱۰ بوده و مشکل هم‌خطی وجود ندارد. به منظور انتخاب بین داده‌های تابلویی و تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده شده است و برای تعیین اینکه الگوی مورد استفاده در شیوه داده‌های تابلویی، در قالب کدام یک از روش‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی انجام شود، آزمون هاسمن انجام شد. نتایج حاصل نشان داد که مدل باید با استفاده از داده‌های تلفیقی برآورد شود. در این پژوهش به منظور بررسی واریانس ناهمسانی از آزمون والد تعدیل شده استفاده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مدل با مشکل واریانس ناهمسانی مواجه است که برای رفع آن از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شد.

نگاره (۲): نتایج آزمون آماری فرضیه اول و دوم پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف معیار خطا	t آماره	سطح معنی داری	VIF
مقدار ثابت	۰/۱۰۲	۰/۰۰۲	۳۶/۴۶۴	۰/۰۰۰	-
$TA_{it} * ROA_{it} * POST_{it}$	-۰/۴۴۰	۰/۱۵۶	-۲/۸۰۸	۰/۰۰۵	۶/۰۷۰
$TA_{it} * SDROA_{it} * POST_{it}$	۱/۰۱۸	۰/۳۸۷	۲/۶۳۰	۰/۰۰۸	۷/۲۲۷
$TA_{it} * ROA_{it}$	-۰/۴۴۶	۰/۲۰۰	-۲/۲۲۵	۰/۰۲۶	۶/۶۵۷
$TA_{it} * POST_{it}$	۰/۰۰۶	۰/۰۵۴	۰/۱۱۰	۰/۹۱۲	۶/۰۲۴
$TA_{it} * SDROA_{it}$	-۰/۶۸۹	۰/۳۳۵	-۲/۰۵۷	۰/۰۳۹	۶/۳۱۰
$CFO_{it} * ROA_{it} * POST_{it}$	-۰/۰۴۶	۰/۰۳۲	-۱/۴۳۶	۰/۱۵۱	۱/۲۲۵
$CFO_{it} * SDROA_{it} * POST_{it}$	۲/۴۳۰	۱/۳۷۳	۱/۷۶۹	۰/۰۷۷	۱/۲۰۰
$CFO_{it} * ROA_{it}$	۱/۰۱۶	۰/۱۸۶	۵/۴۶۱	۰/۰۰۰	۵/۵۸۶
$CFO_{it} * POST_{it}$	-۰/۱۸۷	۰/۲۹۶	-۰/۶۳۱	۰/۵۲۸	۱/۰۶۸
$CFO_{it} * SDROA_{it}$	-۱/۱۷۹	۰/۸۱۹	-۱/۴۳۹	۰/۱۵۰	۹/۱۷۶
$LEV_{it} * ROA_{it} * POST_{it}$	۰/۴۶۹	۰/۱۷۸	۲/۶۳۴	۰/۰۰۸	۲/۷۵۸
$LEV_{it} * SDROA_{it} * POST_{it}$	۰/۴۲۶	۰/۴۱۰	۱/۰۳۸	۰/۲۹۹	۲/۳۲۳
$LEV_{it} * ROA_{it}$	۰/۳۲۸	۰/۱۶۸	-۱/۹۵۶	۰/۰۵۰	۳/۶۸۵
$LEV_{it} * POST_{it}$	-۰/۰۱۶	۰/۰۴۳	-۰/۳۸۰	۰/۷۰۳	۳/۹۵۹
$LEV_{it} * SDROA_{it}$	۰/۰۵۷	۰/۱۹۰	۰/۲۹۹	۰/۷۶۴	۱/۲۹۲
$SIZE_{it} * ROA_{it} * POST_{it}$	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	-۰/۸۴۵	۰/۳۹۸	۱/۱۵۲
$SIZE_{it} * SDROA_{it} * POST_{it}$	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	-۱/۳۸۷	۰/۱۶۵	۱/۸۶۴
$SIZE_{it} * ROA_{it}$	۰/۰۱۲	۰/۰۰۱	۸/۶۴۳	۰/۰۰۰	۶/۸۶۴
$SIZE_{it} * POST_{it}$	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۴۶۷	۰/۶۴۰	۵/۶۱۳
$SIZE_{it} * SDROA_{it}$	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۱/۱۵۸	۰/۲۴۷	۸/۱۹۶
TA_{it}	۰/۱۶۳	۰/۲۹۳	۰/۵۵۶	۰/۵۷۷	۱/۶۷۰
CFO_{it}	۰/۳۶۳	۰/۰۲۸	۱۲/۹۰۶	۰/۰۰۰	۱/۴۴۶
ROA_{it}	۰/۱۸۱	۰/۰۲۲	۸/۰۰۳	۰/۰۰۰	۶/۶۲۷
$SDROA_{it}$	۰/۰۰۹	۰/۰۴۶	۰/۲۰۳	۰/۸۳۸	۸/۲۵۶
$POST_{it}$	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۴	-۲/۲۸۰	۰/۰۲۲	۵/۳۶۱
$SIZE_{it}$	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۲/۵۸۴	۰/۰۰۹	۶/۹۱۷
LEV_{it}	-۰/۰۵۳	۰/۰۱۳	-۳/۸۲۰	۰/۰۰۰	۶/۲۵۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۷۱		F آماره	۲۲/۳۹۸	
آماره دوربین واتسون	۲/۱۶۴		سطح معنی داری	۰/۰۰۰	

فرضیه اول این پژوهش به این صورت مطرح شد که بین "عملکرد شرکت" و "در دسترس بودن اطلاعات" بعد از اصلاحیه اجباری افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی مورخه ۸۹/۰۶/۲۷ مصوب مجلس شورای اسلامی و هیئت مدیره سازمان بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی داری وجود دارد. در نگاره ۲، ضریب متغیر تعدیل گر اصلاحیه افشا در رابطه بین عملکرد و در دسترس بودن اطلاعات (TAit*ROAit*POSTit)، معادل ۰/۴۴۰- و آماره t معادل ۲/۸۰۸- است که در سطح (۰/۰۰۵) معنادار است و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معنی داری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که پس از اصلاحیه افشاء و از سال ۱۳۹۱ به بعد، ارتباط بین عملکرد شرکت و در دسترس بودن اطلاعات کاهش یافته است. بنابراین، فرضیه اول پژوهش تأیید شد و نتایج آن با تحقیق فو و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

فرضیه دوم این پژوهش به این صورت مطرح شد که بین "نوسانات عملکرد شرکت" و "در دسترس بودن اطلاعات" بعد از اصلاحیه اجباری افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی مورخه ۸۹/۰۶/۲۷ مصوب مجلس شورای اسلامی و هیئت مدیره سازمان بورس اوراق بهادار تهران، رابطه معنی داری وجود دارد. در نگاره ۲، ضریب متغیر تعدیل گر اصلاحیه افشا در رابطه بین نوسانات عملکرد و در دسترس بودن اطلاعات (TAit*SDROAit*POSTit)، معادل ۱/۰۱۸ و آماره t معادل ۲/۶۳۱، است که در سطح (۰/۰۰۵) معنادار است و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معنی داری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که پس از اصلاحیه افشاء و از سال ۱۳۹۱ به بعد، ارتباط بین نوسانات عملکرد شرکت و در دسترس بودن اطلاعات افزایش یافته است. به عبارتی، اصلاحیه افشا منجر به نوسانات بالاتر عملکرد شرکت‌ها بعد از اصلاحیه و از سال ۱۳۹۱ به بعد در نمونه مورد بررسی شده است. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش تأیید شد و نتایج آن با تحقیق فو و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

تحلیل فرضیه‌های سوم و چهارم

برای آزمون فرضیه سوم و چهارم (مدل دوم) با توجه به اینکه متغیر وابسته تحقیق به صورت یک متغیر شاخص (صفر یا یک) است، از رگرسیون لاجیت استفاده شده است. برای بررسی

هم خطی بین متغیرهای مستقل از آزمون تورم واریانس استفاده شد. نتایج عدم وجود هم خطی شدید بین متغیرهای مستقل، را نشان داد. همانطور که در نگاره ۵ مشاهده می شود، در مدل دوم با توجه به آماره LR و احتمال مربوط به آن می توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۵٪ معادله رگرسیون معنی دار است.

فرضیه سوم این پژوهش به این صورت مطرح شد که بین "عملکرد شرکت" و "تغییر مدیرعامل" بعد از اصلاحیه افشای اجباری اطلاعات شرکت های بوری مورخه ۸۹/۰۶/۲۷ مصوب مجلس شورای اسلامی و هیئت مدیره سازمان بورس اوراق بهادار تهران، رابطه معنی داری وجود دارد. در نگاره ۳، ضریب متغیر تعدیل گر اصلاحیه افشا در رابطه بین عملکرد شرکت و تغییر مدیرعامل $(ROA_{it} * POST_{it})$ ، معادل ۱/۸۳۴ و آماره t معادل ۲/۷۴۰، است که در سطح (۰/۰۰۶) معنادار است و از آنجا که کمتر از خطای پیش بینی (۵٪) است، معنی داری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می شود. این نتیجه نشان می دهد که پس از اصلاحیه افشاء و از سال ۱۳۹۱ به بعد، ارتباط بین عملکرد شرکت و تغییر مدیرعامل شرکت افزایش یافته است. به عبارتی، اصلاحیه افشا منجر به افزایش بالاتر عملکرد شرکت ها بعد از اصلاحیه و از سال ۱۳۹۱ شده است، اما احتمال تغییر مدیرعامل نیز بیشتر شده است. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش تأیید شد و نتایج آن با تحقیق فو و همکاران (۲۰۱۷) نیز مطابقت دارد.

فرضیه چهارم این پژوهش به این صورت مطرح شد که بین "نوسانات عملکرد شرکت" و "تغییر مدیرعامل" بعد از اصلاحیه اجباری افشای اطلاعات شرکت های بوری مورخه ۸۹/۰۶/۲۷ مصوب مجلس شورای اسلامی و هیئت مدیره سازمان بورس اوراق بهادار تهران، رابطه معنی داری وجود دارد. در نگاره ۳، ضریب متغیر تعدیل گر اصلاحیه افشا در رابطه بین نوسانات عملکرد شرکت و تغییر مدیرعامل $(SDROA_{it} * POST_{it})$ ، معادل ۱/۴۷۵ و آماره t معادل ۲/۸۹۴، است که با توجه به سطح معنی داری (۰/۰۶۱۰)، هیچ رابطه معنی داری بین متغیر تعدیل گر اصلاحیه افشا بر رابطه بین نوسانات عملکرد شرکت مشاهده نشد. به عبارتی، اصلاحیه افشاء بعد سال ۱۳۹۱ بر رابطه بین نوسانات عملکرد و تغییر مدیرعامل اثر معنی داری نداشته است. این نتیجه را می توان به این صورت توصیف کرد که اصلاحیه افشاء به دلیل اینکه یک رویداد بیرونی است، نمی تواند اثری بر تغییر مدیرعامل شرکت داشته باشد و از اینرو رابطه بین نوسانات

عملکرد و تغییر مدیرعامل را تحت تأثیر قرار نداده است. بنابراین، فرضیه چهارم پژوهش رد شد و نتایج آن با تحقیق فو و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت ندارد.

نگاره (۳): نتایج آزمون آماری فرضیه‌ی سوم و چهارم پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف معیار خطا	t آماره	سطح معنی داری	VIF
مقدار ثابت	-۲/۰۳۰	۲/۵۷۱	-۰/۷۸۹	۰/۴۲۹	-
ROA _{it} *POST _{it}	۱/۸۳۴	۰/۶۶۹	۲/۷۴۰	۰/۰۰۶	۱/۲۰۸
SDROA _{it} *POST _{it}	۱/۴۷۵	۲/۸۹۴	۰/۵۰۹	۰/۶۱۰	۲/۸۲۸
CFO _{it} *POST _{it}	-۱۱/۲۶۵	۶/۶۵۵	-۱/۵۹۲	۰/۰۹۰	۱/۰۳۶
TA _{it} *POST _{it}	-۱۱/۹۵۰	۶/۶۷۶	-۱/۷۸۹	۰/۰۷۳	۱/۱۸۲
LEV _{it} *POST _{it}	۰/۶۶۰	۰/۶۱۶	۱/۰۶۹	۰/۲۸۴	۱/۲۶۰
SIZE _{it} *POST _{it}	۰/۱۱۹	۰/۱۲۳	۰/۹۶۵	۰/۳۳۴	۴/۹۸۱
ROA _{it}	-۱۱/۶۱۰	۷/۰۰۱	-۱/۶۵۸	۰/۰۹۷	۱/۷۴۷
SDROA _{it}	-۱/۵۶۴	۱/۷۸۲	-۰/۸۷۷	۰/۳۸۰	۱/۶۳۵
POST _{it}	-۳/۶۱۲	۳/۳۷۲	-۱/۰۷۱	۰/۲۸۴	۴/۸۲۷
CFO _{it}	۹/۷۵۵	۶/۸۶۴	۱/۴۲۱	۰/۱۵۵	۱/۴۲۰
TA _{it}	۱۱/۴۱۴	۶/۸۷۱	۱/۶۶۱	۰/۰۹۶	۱/۸۰۵
LEV _{it}	۰/۶۴۸	۰/۷۳۱	۰/۸۸۶	۰/۳۷۵	۴/۱۶۷
SIZE _{it}	۰/۰۱۲	۰/۰۹۴	۰/۱۲۷	۰/۸۹۸	۳/۶۱۵
ضریب تعیین مک فادن	۰/۱۲۴		LR/ماره	۲۸/۷۶۹	
درجه آزادی	۱۳		سطح معنی داری	۰/۰۰۷	

نتیجه گیری

مبنای تصمیم گیری مشارکت کنندگان در بازارهای اوراق بهادار، اطلاعاتی است که بورس‌ها، ناشران اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس و واسطه‌های فعال در این بازارها منتشر می‌کنند. بهره‌گیری از این اطلاعات و به عبارتی تصمیم‌گیری صحیح در بازار اوراق بهادار، زمانی امکان‌پذیر است که اطلاعات مزبور به موقع، مربوط، با اهمیت و نیز کامل و قابل فهم باشد. چنانچه اطلاعات افشاشده از ویژگی‌های فوق با بعضی از آنها برخوردار نباشند، بدون تردید ساز

و کار کشف قیمت در بازار به درستی عمل نخواهد کرد و قیمت گذاری اوراق به شیوه‌ای مطلوب انجام نخواهد شد. در نتیجه، واقعی بودن قیمت‌ها و پیش‌بینی منطقی روند آتی آن و به‌طور کلی شفافیت و عادلانه بودن بازار مورد سؤال خواهد بود. بنابراین، نهادهای ناظر بر بازارهای اوراق بهادار به‌منظور شفاف کردن بازار، فراهم آوردن امکان دسترسی یکسان فعالان بازار به اطلاعات و به‌طور کلی ایجاد بازاری شفاف و منصفانه برای مبادله اوراق بهادار، قوانین، مقررات، آیین‌نامه و دستورالعمل‌های متعددی تدوین کرده‌اند. در این قوانین و مقررات هر یک از نهادهای بازار یعنی بورس، ناشران اوراق پذیرفته شده و واسطه‌های بازار به افشای اطلاعات معینی درباره امور و فعالیت‌های خود مکلف شده‌اند (نصیرزاده و موسوی، ۱۳۹۶).

دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان در اجرای بند ۱۱ و ۱۸ ماده ۷ و ماده ۴۵ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید. این دستورالعمل شامل مواردی است که ناشران بازار اوراق بهادار را ملزم به افشای اطلاعات می‌نماید. این پژوهش به بررسی ارتباط بین در دسترس بودن اطلاعات مالی با عملکرد و تغییر مدیرعامل بعد از اصلاحیه افشای اجباری اطلاعات شرکت‌های بورسی در طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶، پرداخته است.

شواهد حاصل از آزمون‌های آماری فرضیه اول و دوم پژوهش نشان می‌دهد که پس از اعمال اصلاحیه افشاء، ارتباط بین عملکرد شرکت و در دسترس بودن اطلاعات کاهش یافته است، اما ارتباط بین نوسانات عملکرد شرکت و در دسترس بودن اطلاعات افزایش یافته است. به عبارتی، اصلاحیه افشا منجر به تضعیف عملکرد شرکت و کاهش دسترسی به اطلاعات شده است و در مقابل اصلاحیه افشاء باعث افزایش نوسانات عملکرد شرکت‌ها و افزایش دسترسی به اطلاعات شده است. این نتایج سازگار با پژوهش فو و همکاران (۲۰۱۷) بوده است.

نتایج آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که پس از اصلاحیه افشاء، ارتباط بین عملکرد شرکت و تغییر مدیرعامل افزایش یافته است. به عبارتی، اصلاحیه افشا منجر به بهبود عملکرد شرکت‌ها و افزایش احتمال تغییر مدیرعامل گردیده است. این نتیجه با پژوهش فو و همکاران (۲۰۱۷) نیز مطابقت دارد. شواهد حاصل از آزمون فرضیه چهارم نشان می‌دهد که پس از اصلاحیه افشاء، هیچ رابطه معنی‌داری بین نوسانات عملکرد شرکت و تغییر مدیرعامل وجود ندارد. این نتایج در

تضاد با پژوهش فو و همکاران (۲۰۱۷) بوده است. این نشان می‌دهد که تغییر مدیرعامل می‌تواند متأثر از عوامل دیگر از جمله عوامل سیاسی و محیطی باشد که در این پژوهش لحاظ نشده است.

پیشنهادات

براساس نتایج حاصل از پژوهش به تصمیم‌گیرندگان (از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، مدیران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران) بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود، به این مهم توجه داشته باشند که بعد از تصویب و اجرایی شدن دستورالعمل جدید افشای اطلاعات از سال ۱۳۹۱، ارتباط بین عملکرد شرکت و دسترسی به اطلاعات کاهش یافته است، اما همزمان ارتباط بین نوسانات عملکرد شرکت و دسترسی به اطلاعات افزایش یافته است. این نتایج می‌تواند به مدیران و اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها نشان دهد که دستورالعمل جدید افشای اطلاعات می‌تواند با تأثیر مستقیم بر روی عملکرد (سودآوری) شرکت‌ها، بر میزان دسترسی به اطلاعات نیز اثرگذار باشد، که این امر می‌تواند بر روند قیمت‌گذاری سهام آنها در بورس بی‌تأثیر نباشد.

همچنین، به مدیران اجرایی پیشنهاد می‌شود که به این مهم توجه داشته باشند که بعد از تصویب دستورالعمل جدید افشای اطلاعات، ارتباط عملکرد شرکت و تغییر مدیرعامل بیشتر شده است. این نتایج می‌تواند به مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره نشان دهد که دستورالعمل جدید افشای اطلاعات با اینکه عملکرد شرکت را افزایش داده است، اما احتمال تغییر مدیریت را نیز افزایش داده است. بنابراین، در تصمیمات آتی خود به آن توجه داشته باشند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از سایر معیارهای اندازه‌گیری عملکرد از جمله شاخص ارزش افزوده اقتصادی یا شاخص کیوتوبین استفاده و نتایج آن با پژوهش فعلی مقایسه گردد. همچنین، با توجه به افزایش روزافزون نقش شرکت‌های مالی از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری، لیزینگ و بانک‌ها و...، پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر به صورت مجزا در این شرکت‌ها انجام شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر به تفکیک هر صنعت و در صنایع مختلف صورت گیرد.

بی‌نوشت

۱ CEO

منابع

- Armstrong, C. S. , Guay, W. R. , & Weber, J. P. (2010). The role of information and financial reporting in corporate governance and debt contracting. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3) , 179-234.
- Bhojraj, S. , Hribar, P. , Picconi, M. , & McNnis, J. (2009). Making sense of cents: An examination of firms that marginally miss or beat analyst forecasts. *The Journal of Finance*, 64 (5) , 2361-2388.
- Bushman, R. , Dai, Z. , & Wang, X. (2010). Risk and CEO turnover. *Journal of Financial Economics*, 96 (3) , 381-398.
- Cohen, D. A. , Dey, A. , & Lys, T. Z. (2013). Corporate governance reform and executive incentives: Implications for investments and risk taking. *Contemporary Accounting Research*, 30 (4) , 1296-1332.
- Durnev, A. , & Mangen, C. (2009). Corporate investments: Learning from restatements. *Journal of Accounting Research*, 47 (3) , 679-720.
- Bini, L. , Giunta, F. , & Dainelli, F. (2010). Signalling Theory and Voluntary Disclosure to the Financial Market-Evidence from the Profitability Indicators Published in the Annual Report. Available at SSRN 1930177.
- Eugster, F. , & Wagner, A. F. (2011). When and how is voluntary disclosure quality reflected in equity prices?. *Swiss Finance Institute Research Paper*, (11-15).
- Fu, R. , Kraft, A. , & Zhang, H. (2012). Financial reporting frequency, information asymmetry, and the cost of equity. *Journal of Accounting and Economics*, 54 (2-3) , 132-149.
- Foroghi, D. , & Alidadi, S. J. (2017). The Influence of The Interlocked Board of Directors on Voluntary Disclosure and Earning Quality.
- Fu, R. , Gao, F. , Kim, Y. H. , & Qiu, B. (2017). Performance volatility, information availability, and disclosure reforms. *Journal of Banking & Finance*, 75, 35-52.
- Guthrie, K. , Sokolowsky, J. , & Wan, K. M. (2012). CEO compensation and board structure revisited. *The Journal of Finance*, 67 (3) , 1149-1168.
- Hermalin, B. E. , & Weisbach, M. S. (2012). Information disclosure and corporate governance. *The journal of finance*, 67 (1) , 195-233.
- Heydari, A. , Ariyan, A. (2015). Investigating the effect of managing change on profit management. *Second International Conference on Accounting, Business Management and Innovation*, Rasht, California Lutheran University, Rasht Municipality. (In Persian).
- Hölmstrom, B. (1979). Moral hazard and observability. *The Bell journal of economics*, 74-91.
- Jenter, D. , & Kanaan, F. (2015). CEO turnover and relative performance evaluation. *The Journal of Finance*, 70 (5) , 2155-2184.

- Jin, J. Y. , Kanagaretnam, K. , & Lobo, G. J. (2013). Unintended consequences of the increased asset threshold for FDICIA internal controls: Evidence from US private banks. *Journal of Banking & Finance*, 37 (12) , 4879-4892.
- Klock, M. S. , Mansi, S. A. , & Maxwell, W. F. (2005). Does corporate governance matter to bondholders? *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 40 (4) , 693-719.
- Kurdestani, GH. , Abdollahi, A. (2013). Investigating the impact of customer focus on corporate financial performance. *Asset and Finance Management*, 2 (3) , 81-92. (In Persian).
- Li, F. , & Srinivasan, S. (2011). Corporate governance when founders are directors. *Journal of Financial Economics*, 102 (2) , 454-469.
- Minnis, M. (2011). The value of financial statement verification in debt financing: Evidence from private US firms. *Journal of accounting research*, 49 (2) , 457-506.
- Morck, R. , Yeung, B. , & Yu, W. (2000). The information content of stock markets: why do emerging markets have synchronous stock price movements? *Journal of financial economics*, 58 (1-2) , 215-260.
- Musavi, Z. , Moridipour, H. , Jari, A. (2012). Investigating the evaluation of the effect of corporate mobility supervision mechanism on the performance of companies accepted in the market of Tehran stock exchange. *Journal of Financial Accounting*, 2 (6) , 141-155. (In Persian).
- Nazemi, A. , Momtazian, A. , Behpour, S. (2014). Examining the relationship between the quality of disclosure of financial information and stock returns. *Accounting Advances*, 7 (2) , 219-244. (In Persian).
- Nagar, V. (1999). The role of the manager's human capital in discretionary disclosure. *Journal of Accounting Research*, 37, 167-181.
- Nasirzadeh, F. , Mousavi, A. (2016). Investigating the market reaction to disclosure of significant information, *Accounting Knowledge*, 8 (3) , 80-53. (In Persian).
- Nikbakht, M. R. , Azadi, K. , Aminpour, A. , Gholami, F. (2016). Investigating the effect of delay in profit statement on the relationship between optional disclosures and the cost of ownership capital. *Management System*, 6 (1) , 127-152. (In Persian).
- Roberts, M. R. , & Whited, T. M. (2013). Endogeneity in empirical corporate finance. In *Handbook of the Economics of Finance* (Vol. 2, pp. 493-572). Elsevier.



بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و سرمایه انسانی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

حمید بداغی^۱، حمیدرضا رضایی^۲، فهیمه زمانی ثانی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و سرمایه انسانی صورت گرفته است. برای انجام این پژوهش، نمونه‌ای متشکل از ۱۱۵ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش، نوسانات بازده سهام روزانه غیراثرمی به‌عنوان معیار سنجش سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز (متغیر مستقل) و پاداش هیئت‌مدیره و میانگین حقوق و مزایای کارکنان به‌عنوان معیارهای اندازه‌گیری سرمایه انسانی (متغیر وابسته) معرفی شدند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول، نشان می‌دهد وجود رابطه معنی‌دار و معکوس بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز با پاداش هیئت‌مدیره احتمالاً ناشی از عدم وجود بازار کارا و قوی و شیوه تصویب و پرداخت پاداش هیئت‌مدیره در ایران است. همچنین، نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم، بیانگر عدم وجود رابطه معنی‌داری بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز با حقوق پرسنل است. علاوه بر این، شواهد نشان می‌دهد که پرداخت حقوق به کارکنان بیشتر از میانگین حقوق شرکت‌های نمونه نیز، تأثیری بر رابطه بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و حقوق پرسنل ندارد؛ این موضوع می‌تواند احتمالاً بیانگر عدم توجه کافی شرکت‌ها به اهمیت سرمایه انسانی، به‌عنوان یک منبع با ارزش در واحد تجاری تلقی گردد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز، سرمایه انسانی، هزینه‌های سرمایه انسانی.

طبقه‌بندی موضوعی: G11.J24.O15

10.22051/ijar.2019.23329.1459:DOI

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، موسسه آموزش عالی بینالود، مشهد، ایران، نویسنده مسئول
(bodaghi@binaloud.ac.ir)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، موسسه آموزش عالی بینالود، مشهد، ایران (hr.rezaei@mail.um.ac.ir)
^۳ کارشناس ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی بینالود، مشهد، ایران. (zamani.fahime@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

مقدمه

سازمان‌ها همواره در جستجوی راهی هستند تا با ایجاد و دستیابی به فرصت‌های رشد، حیات خود را تداوم بخشند. در غیر اینصورت به دلیل تغییرات محیطی و فرسودگی شایستگی‌های سازمانی به تدریج جایگاه خود را به دیگران واگذار نموده و از صحنه رقابت حذف خواهند شد. بنابراین، مساله رشد و توسعه کسب و کار همواره از موضوعات راهبردی است که اذهان مدیران را به خود مشغول می‌کند. در کنار رشد طبیعی سازمان که ناشی از تداوم و بهبودهای جزئی در فعالیت‌های جاری کسب و کار کنونی است، بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه و جستجوی مزیت‌های جدید (که از آن به‌عنوان رشد غیرذاتی یاد می‌شود)، عامل دیگر توسعه سازمان‌ها خواهد بود. در این بین «سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز بنگاه» به معنی توسعه آگاهانه کسب و کارها و فعالیت‌های جدید با هدف رشد و توسعه سازمان به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار تحقق رشد غیرذاتی مطرح است، اما ورود به یک سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و موفقیت در آن به دلیل ماهیت جدید این فعالیت و تمایز آن با کسب و کار جاری همواره چالش اساسی پیش‌روی مدیران بوده است. نرخ بالای شکست این اقدام، گواهی بر این مدعا است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری مستلزم مطالعه فرآیند سرمایه‌گذاری و مدیریت ثروت سهامداران است و فرآیند سرمایه‌گذاری در یک حالت منسجم، مستلزم تجزیه و تحلیل ماهیت اصلی تصمیم‌های سرمایه‌گذاری است (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۱). واحدهای تجاری، همواره با فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیادی روبرو می‌شوند و باید نسبت به انتخاب یک سرمایه‌گذاری بهینه به‌طور منطقی تصمیم‌گیری نمایند. در واقع سرمایه‌گذاری هر واحد تجاری باید با توجه به محدودیت منابع و کارا بودن آن صورت گیرد، اما مسئله اصلی انتخاب طرح‌ها و تصمیم‌گیری نسبت به فرصت‌های سرمایه‌گذاری توسط مدیران واحدهای تجاری است که می‌تواند بر اساس منافع شخصی آنها صورت گیرد (مقدس‌نوقابی و همکاران، ۱۳۹۵).

اغلب سیاست‌های سرمایه‌گذاری جسورانه با ریسک تجاری زیاد مرتبط است. اگر این سیاست‌ها همراه با موفقیت باشند، در بلندمدت برای شرکت سودآوری را به همراه خواهند داشت و اگر شکست بخورند، شکست کسب و کار را سرعت می‌بخشند. منابع اقتصادی نیروی کار نشان می‌دهند که ترس از دست دادن شغل برای کارکنان، یک نگرانی مهم است و اهمیتی ندارد که آیا کارکنان می‌توانند یک شغل جایگزین بیابند یا خیر؟ هرچه سیاست سرمایه‌گذاری

شرکت، جسورانه‌تر باشد، شرکت در مواجهه با ریسک بیشتری است و احتمال این که واحد تجاری با زیان عمده و شکست روبه‌رو شود، افزایش می‌یابد. بنابراین ریسک بالای زیان سرمایه انسانی تحمل شده توسط کارکنان نیز، بیشتر می‌شود (جی و لی، ۲۰۱۷).

سرمایه انسانی قابلیت‌های ترکیبی نظیر دانش، مهارت‌ها و توانایی‌های کارکنان یک سازمان را تشکیل می‌دهد که در حل مسائل کسب و کار به کمک سازمان می‌آیند. سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی درونی در میان افراد بوده و سازمان قادر به اکتساب و تملک آنها نیست (مصطفایی، ۱۳۹۲). منابع انسانی بر خلاف منابع فیزیکی و مالی در اقتصاد جهانی، بی‌نظیر و کم‌یاب هستند. همچنین، آنها یک منبع بی‌نظیر و منحصر به فرد از مزیت رقابتی را فراهم می‌کنند (والکر، ۲۰۰۱). بنابراین، در حال حاضر، سنجش و ارزش‌گذاری سرمایه‌های انسانی شرکت‌ها اهمیت زیادی پیدا کرده است. این در حالی است که در کشور ما مفهوم سرمایه انسانی یک مفهوم بسیار جدید است که مدیران سازمان‌ها با آن آشنایی زیادی ندارند و از ارزشی که این قبیل دارایی‌های ناملموس ایجاد می‌کنند، اغلب غافل بوده و به تبع به اندازه‌گیری ارزش این دارایی‌های خود هم اعتنایی ندارند (نادری و همکاران، ۱۳۹۴). در واقع هدف از انجام این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که آیا بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و سرمایه انسانی رابطه‌ای وجود دارد؟

با توجه به اشاره والکر (۲۰۰۱) با این نظر که کارکنان با ایده‌هایشان بر منابع مالی و فیزیکی شرکت به منظور ایجاد درآمدهای مالی که موجب بقای شرکت می‌شود تأثیرگذار هستند، شاید سرمایه انسانی ضروری‌ترین و حیاتی‌ترین منبع فرآیندهای سازمان باشد. بنابراین، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و افزایش سهم آن در کل سرمایه‌گذاری کشور می‌تواند باعث بهره‌برداری بهتر از سرمایه فیزیکی گردیده و عامل با اهمیتی در فرایند رشد و توسعه بشمار رود. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش، بررسی رابطه میان سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز و سرمایه انسانی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است تا بدین وسیله سازمان‌ها بتوانند به‌طور همزمان از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و سرمایه انسانی خود بیشترین و موثرترین بهره‌وری را داشته باشند.

مبانی نظری

سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز برای طرح یک ایده نو یا محصول جدیدی که احتمالاً دارای ریسک بالا ولی استعداد بالقوه‌ای برای تامین بازده بالاتر از میانگین سود را دارد، بکار می‌رود. این نوع سرمایه‌گذاری بیشتر در شرکت‌هایی که دارای پتانسیل نوآوری یا تحقیقات ویژه‌ای در تکنولوژی‌های برتر هستند، قابل استفاده است و قابلیت سود و زیان بالقوه در ذات آن نهفته است و به همین دلیل، اغلب، به چنین جوهری، سرمایه پرخطر یا ریسکی نیز می‌گویند (تیت، ۲۰۰۶). دامبولنا و خوری (۱۹۸۰) نشان دادند که بی‌ثباتی قابل توجه در نسبت‌های شرکت، با شکست شرکت ارتباط دارد. وقتی سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز بزرگ شکست می‌خورد، شرکت با احتمال بالاتری از زیان مواجه است که در نهایت باعث تعطیلی واحد تجاری می‌شود. مارکسیمویچ و تیتمن (۱۹۹۱) معتقدند که کارمندان، مخالف کسب و کار با شرکت‌های اهرم بالا هستند، زیرا دشواری‌ها و سختی‌های مالی می‌توانند بر انگیزه شرکت در قراردادهایی که منجر به افزایش دستمزد کارمندان می‌شود، تأثیر بگذارد. برک و همکاران (۲۰۱۰) و چمانور و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که شرکت‌ها با اهرم زیاد، با هزینه‌های سرمایه‌انسانی بیشتری مواجه هستند.

کولس و همکاران (۲۰۰۶)، مشوق‌های مدیریتی و ریسک‌پذیری را مطالعه کردند. آنها رابطه علت و معلولی قوی بین حقوق مدیریتی و سیاست سرمایه‌گذاری، سیاست بدهی و ریسک شرکت یافتند و از نوسان بازده سهام به‌عنوان شاخصی برای ریسک شرکت استفاده کردند. گوا (۱۹۹۹)، رابطه مثبتی بین نوسان بازده سهام شرکت‌ها، به‌عنوان معیار ریسکی بودن سرمایه و حساسیت پاداش (مشوق‌های انگیزشی) مدیران به ریسک حقوق صاحبان سهام را بیان کرد. نوسان جریان نقدی و نوسان بازده سهام، دو معیار پرکاربرد برای ریسک‌های شرکتی مرتبط با سرمایه‌گذاری هستند. مقدس نوقابی و همکاران (۱۳۹۵)، بیان می‌دارند که در بازارهای ناکامل به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران، هنگامی که مدیران اطلاعات بیشتری راجع به دارایی‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری دارند، انتخاب‌های نادرست و خطر اخلاقی می‌تواند دسترسی شرکت به منابع خارجی را محدود سازد. این محدودیت می‌تواند موجب رقابت بین پروژه‌های سرمایه‌گذاری و سود سهام برای دستیابی به سرمایه‌های داخلی شود و شرکت‌هایی که منابع مالی محدود دارند باید بین حمایت از پروژه‌های سرمایه‌گذاری و پرداخت سود یکی

را برگزینند. فاما (۱۹۸۰)، معتقد است مدیران بخشی از بازار نیروی کار هستند و بر اساس عملکرد فردی و سازمانی که در آن کار می‌کنند، پاداش می‌گیرند و عملکرد آنان توسط بازار نیروی کار نظم می‌گیرد. بنابراین، در صورت عدم تناسب پاداش با عملکرد، مدیری که کمتر از عملکرد خود دریافت نماید، شرکت را ترک می‌کند. در نتیجه با اعمال طرح‌های پاداش، مدیران در جهت منافع سهامداران کار می‌کنند، زیرا در غیر اینصورت ارزش شرکت و ارزش مدیر در بازار کار کاهش می‌یابد (امیرمعزی و بی‌ذر، ۱۳۹۳). گری و کانلا (۱۹۹۷)، بیان کردند مدیریت که حقوق خود را بر اساس افق زمانی طولانی‌تر دریافت می‌کند، مشوق‌هایی برای رفتار متفاوت دارند. مدیریت می‌تواند با شرکت در راهبردهایی که با حفظ سطوح بالای سرمایه‌گذاری در مخارج تحقیق و توسعه، مخارج سرمایه‌ای و مخارج تبلیغات که سودمندی بلندمدتی برای شرکت دارند، حقوق کلی خود را حداکثر کند. همچنین، جی و لی (۲۰۱۷)، معتقدند که کارکنان، دارای سرمایه انسانی خاص شرکت هستند که به آسانی قابل انتقال به شرکتی دیگر نیست. این بدان معنی است که هنگامی که نیروی کار شغل خود را از دست می‌دهد و به بازار کار برمی‌گردد، در شرکت دیگر به همین اندازه حقوق دریافت نمی‌کند و یا باید هزینه بسیاری برای تجهیز مجدد سرمایه انسانی خود مطابق با نیازهای کارفرمای جایگزین تحمل کند، حتی اگر کارفرمای جدید تمایل به پرداخت دستمزد مشابه با شرکت قبلی را به او داشته باشد. همچنین، آنها معتقدند که امنیت شغلی، نقش کلیدی در رضایت و سعادت کارکنان دارد. هنگامی که شرکت در پروژه‌های مخاطره‌آمیز سرمایه‌گذاری می‌کند، ریسک تحمیل شده بر شرکت را افزایش می‌دهد و با افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، احتمال شکست کسب و کار نیز افزایش می‌یابد. زیان سرمایه انسانی کارکنان نیز معمولاً با شکست کسب و کار همراه است. این زیان قابل توجه بالقوه بر سرمایه انسانی، کارکنان را به درخواست حقوق بیشتر تحریک می‌کند و در نتیجه، برای جبران ریسکی که شرکت می‌پذیرد، نه تنها مدیران، بلکه کارکنان غیراجرایی (میانی) نیز دستمزد بیشتری طلب می‌کنند. شرکت نیز، به دلیل هزینه بالای نیروی کار که مرتبط با سرمایه‌گذاری‌های ریسکی است، مجبور می‌شود سیاست سرمایه‌گذاری محافظه‌کارانه را به کار برد و از فرصت‌های سرمایه‌گذاری (حتی سرمایه‌گذاری‌های با ارزش فعلی خالص مثبت) چشم‌پوشی کند.

پیشینه پژوهش

گوهری و همکاران (۱۳۹۵)، به بررسی اثر توسعه مالی بر سرمایه انسانی پرداختند. هدف پژوهش بررسی تأثیر توسعه مالی در تشکیل سرمایه انسانی ایران طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۵۲ می باشد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که توسعه مالی در کوتاه مدت و بلندمدت اثر مثبت و معنی داری بر سرمایه انسانی دارد که میزان اثرگذاری در بلندمدت نسبت به کوتاه مدت بیشتر است. عزیزیان (۱۳۹۴)، در پژوهش خود به بررسی تأثیر اهرم مالی شرکت و نرخ بیکاری بر سرمایه انسانی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پرداخت. نتایج در سطح کل شرکت حاکی از آن است که بین اهرم مالی و نرخ بیکاری با سرمایه انسانی در سطح کل شرکت ها رابطه معنی داری وجود دارد. گرایی نژاد و همکاران (۱۳۸۷)، به بررسی اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر سرمایه انسانی پرداختند. در این پژوهش، تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر سرمایه انسانی در کشورهای مختلف در حال توسعه با درآمد متوسط رو به پائین در دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۴ بررسی شد. برای این منظور تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر سرمایه انسانی در کشورهای منتخب را با استفاده از روش داده های تابلویی و به کمک آزمون تغییرات ساختاری با توجه به تغییر در جمله ثابت و شیب مدل، بررسی کردند. نتایج نشان داد که سرمایه گذاری مستقیم خارجی باعث رشد سرمایه انسانی در این کشورها شده است. یعنی سرمایه گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت و معنی داری بر سرمایه انسانی در این کشورها داشته است.

جی و لی (۲۰۱۷)، به بررسی رابطه سیاست سرمایه گذاری و سرمایه انسانی پرداختند. نتایج آزمون فرضیه ها، بیانگر این مطلب بود که سطح سرمایه گذاری مخاطره آمیز شرکت با حقوق مدیرعامل و متوسط پرداختی کارمند، ارتباطی معنی دار و مثبت دارد. همچنین، نتایج نشان می دهد که افزایش هزینه های سرمایه انسانی همراه با سرمایه گذاری های ریسکی می تواند مانع تصمیم گیری شرکت ها برای سرمایه گذاری های ارزشمند شود که مشکل سرمایه گذاری کمتر از حد را به وجود می آورد. چمانور و همکاران (۲۰۱۳)، در بررسی رابطه سرمایه انسانی، ساختار سرمایه و پرداختی به کارکنان به صورت تجربی از پیش بینی های برک و همکاران (۲۰۱۰) حمایت کردند و متوجه شدند که دستمزدها، قدرت توضیحی بسیاری برای اهرم شرکت دارند. آنها تأثیر اهرم بر هزینه های کار را آزمون کردند و دریافتند که اهرم تأثیر قابل ملاحظه و مثبتی

بر روی مجموع پاداش‌های نقدی و مبتنی بر سهام مدیرعامل و متوسط پرداختی به کارکنان دارد. برک و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهش خود که به بررسی رابطه سرمایه انسانی، ورشکستگی و ساختار سرمایه می‌پردازد، بیان کردند که کارکنان تحت قرارداد نیروی کار بهینه برای شرکت اهرمی، تثبیت می‌شوند و بنابراین چنین شرکت‌هایی در ورشکستگی، با هزینه‌های سرمایه انسانی بزرگی مواجه می‌شوند. آنها نشان دادند که در طی ورشکستگی شرکت، مطبوعات بر هزینه‌های سرمایه انسانی ورشکستگی تمرکز می‌کنند. این تمرکز را می‌توان با تحقیق در روانشناسی توضیح داد، که نشان می‌دهد امنیت شغلی، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رضایت انسان است و اثرات زیان‌بار بر روی رضایت از دست رفته ناشی از دست دادن غیرارادی شغل، با اهمیت است. گراندی و لی (۲۰۱۰)، پیش‌بینی کردند سطح سرمایه‌گذاری شرکت با خوش‌بینی سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد. رابطه مثبتی که آنها بین سطح سرمایه‌گذاری و حقوق مدیر یافتند، قابل توجه و وابسته به احساس سرمایه‌گذار و سایر پارامترها است. چنگ و هسیو (۱۹۹۷)، به بررسی رابطه علی سرمایه انسانی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتیجه مطالعه آنها نشان می‌دهد که در ژاپن سرمایه انسانی عامل رشد اقتصادی است و همچنین رشد اقتصادی عامل رشد سرمایه انسانی بوده است. به عبارت دیگر یک رابطه دوسویه بین این دو متغیر در ژاپن وجود دارد و سرمایه انسانی و رشد اقتصادی همدیگر را تقویت می‌کنند. کلینچ (۱۹۹۱)، بیان می‌کند که سه عامل معروف تعیین‌کننده فعالیت‌های پاداش شامل نگرانی‌های مبتنی بر انگیزه (خطر اخلاقی)، نگرانی مبتنی بر اطلاعات (انتخاب نامطلوب) و مسائل مالیاتی است. تفسیر نتایج از دیدگاه‌های مبتنی بر انگیزه، اطلاعات و مالیات سخت است، چون عوامل بسیاری وجود دارند که بر طرح‌های پاداش در هر محیط تأثیر می‌گذارند. در بیشتر موارد، مخصوصاً برای شرکت‌های بزرگ یا موقعیت‌های اداری، کارکنان غیراجرایی در تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت، مشارکت کمی دارند.

بر اساس مبانی نظری مطرح شده و همچنین پیشینه مطالعات انجام شده، به منظور پاسخ‌گویی به سوال اصلی پژوهش، فرضیه‌های اول و دوم به شرح ذیل تدوین شده است.

فرضیه اول: بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و پاداش هیئت مدیره رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و میانگین حقوق و مزایای پرسنل رابطه معنی‌داری

وجود دارد.

همچنین، جی و لی (۲۰۱۷)، بیان می‌کنند که چون کارکنان برای جبران زیان سرمایه انسانی بالقوه ایجاد شده به واسطه سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز شرکت، حقوق بیشتری درخواست می‌کنند، پس سطح درک و بینش پرسنل از سیاست‌های سرمایه‌گذاری باید عاملی مهم در تعیین رابطه بین مخارج سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و متوسط پرداختی به آنان باشد. با در نظر گرفتن این موضوع، انتظار می‌رود کارکنانی که تحصیلات بالاتری دارند، نسبت به کارکنانی که از تحصیلات پایین‌تری برخوردارند، بینش‌های بهتری درباره درک ریسک سرمایه‌گذاری شرکت داشته باشند. از طرفی کارکنان با دستمزد بالاتر، نسبت به کارکنانی که دستمزد کمتری دریافت می‌کنند در هنگام شکست کسب و کار، متحمل زیان بیشتری می‌شوند. بنابراین، چنین کارکنانی باید نسبت به سیاست‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز حساسیت بیشتری داشته باشند. جهت بررسی این موضوع (با توجه به محدودیت در افزایش سطح تحصیلات، آگاهی و بینش کارکنان)، از سطح حقوق پرداختی به‌عنوان شاخصی برای سطح تحصیلات استفاده شد و فرضیه دیگری به شرح زیر تدوین گردید.

فرضیه سوم: سطح پرداخت حقوقی بالاتر از میانگین حقوق شرکت‌های نمونه آماری به کارکنان شرکت، بر رابطه بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و میانگین حقوق پرسنل تأثیر معنی‌داری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌هایی است که قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۵ در آن حضور داشته و همچنین دارای شرایط ذیل باشند:

به دلیل قابلیت مقایسه‌پذیری، سال مالی نمونه منتهی به پایان اسفند ماه باشد. در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ تغییر سال مالی نداشته باشند. جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گرهای مالی، هلدینگ‌ها، بیمه‌ها و لیزینگ‌ها) نیستند. در دوره مورد بررسی تمامی اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد. ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت منفی نیست. در نهایت وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نداشته باشند.

با مدنظر قرار دادن ویژگی‌های ذکر شده، جامعه آماری این پژوهش متشکل از ۱۱۵ شرکت (تعداد کل مشاهدات ۶۹۰ مورد شرکت/سال) است. جهت جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از نرم‌افزار ره‌آوردنوین و سایت کدال استفاده شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها از طریق صفحات گسترده، طبقه‌بندی و محاسبه و با استفاده از بسته نرم‌افزارهای آماری R و ای وی یوز نسخه ۹ مورد پردازش قرار گرفت.

متغیرهای پژوهش

• متغیر وابسته

به تبعیت از جی و لی (۲۰۱۷)، جهت سنجش سرمایه انسانی از دو معیار پاداش هیات مدیره و میانگین حقوق و دستمزد کارکنان استفاده شد که به شرح ذیل تعریف عملیاتی آن ارائه شده است.

پاداش هیئت مدیره (compnsation): نسبت پاداش نقدی هیئت مدیره بر مبلغ حاصل از درآمد فروش کالا و خدمات شرکت، است.

میانگین حقوق و دستمزد کارکنان (Ave Employee): حاصل نسبت مجموع هزینه‌های حقوق پرداختی به تعداد کل پرسنل بر مبلغ حاصل از درآمد فروش کالا و خدمات شرکت، است.

متغیر موهومی میانگین حقوق شرکت: (Ave salary) نسبت مجموع حقوق‌های پرداختی در سطح کل نمونه به مجموع کلیه پرسنل در سطح کل شرکت‌های نمونه‌ی آماری معرفی می‌گردد که این متغیر با شاخص صفر و یک سنجیده می‌شود. اگر میانگین حقوق شرکتی بیشتر از میانگین حقوق کل شرکت‌های نمونه آماری باشد، عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر، لحاظ خواهد شد.

• متغیر مستقل

پیرو پژوهش جی و لی (۲۰۱۷)، متغیر مستقل سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز توسط معیار نوسان بازده سهام روزانه غیراثر می‌اندازه‌گیری می‌شود که به شرح ذیل تعریف عملیاتی می‌گردد.

نوسان بازده سهام روزانه غیراثری (RiskyInvestment): حاصلضرب عدد (اثرم بازار - ۱) و انحراف معیار بازدهی سهام روزانه، که بازدهی سهام روزانه عبارتست از تفاوت قیمت سهام روز قبل و روز جاری.

• متغیرهای کنترلی

اثرم بازار شرکت (ML): نسبت مجموع ارزش بازار بدهی به ارزش بازار دارایی‌ها (با فرض برابری ارزش دفتری و بازار بدهی)، اندازه شرکت (Size): معادل لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت، دارایی ثابت (Assets): نسبت خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات به ارزش دفتری دارایی‌ها، بازده دارایی (ROA): نسبت سود خالص به ارزش دفتری دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام (ROE): نسبت سود خالص به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، ارزش بازار دارایی‌ها به دفتری (MtB): نسبت ارزش بازار دارایی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌ها، متوسط فروش هر کارمند (ASE): مبلغ کل فروش و درآمد خدمات تقسیم بر تعداد کل پرسنل، وجه نقد (Cash): نسبت وجه نقد به مجموع دارایی‌های شرکت، عمر بورسی شرکت (Date): تفاوت سال مالی تحت بررسی و سال ورود شرکت به بورس اوراق بهادار تهران، سن شرکت (Age): تاریخ تاسیس شرکت، بازده سالانه سهامدار (Return): نسبت سود تقسیمی هر سهم به اضافه قیمت سهام در سال $t-1$ منهای قیمت سهام در سال t به قیمت سهام در سال $t-1$ است و در نهایت، رییس هیئت مدیره (Chair): متغیر موهومی که اگر رییس هیئت مدیره، مدیرعامل شرکت هم باشد عدد آن برابر یک و در غیر اینصورت عدد صفر خواهد بود.

الگوهای مورد برازش برای آزمون فرضیه‌ها

جهت آزمون فرضیه‌های اول تا سوم پژوهش، مدل‌های آماری زیر به ترتیب تعریف می‌شوند.
الگوی مورد استفاده برای آزمون فرضیه اول:

$$\text{Compensation}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{RiskyInvestment}_{it} + \beta_2 \text{size}_{it} + \beta_3 \text{ML}_{it} + \beta_4 \text{MtB}_{it} + \beta_5 \text{ROA}_{it} + \beta_6 \text{ROE}_{it} + \beta_7 \text{Age}_{it} + \beta_8 \text{Date}_{it} + \beta_9 \text{Return}_{it} + \beta_{10} \text{Chair}_{it} + \varepsilon_{it}$$

الگوی مورد استفاده برای آزمون فرضیه دوم:

$$\begin{aligned} \text{AveEmployeeit} = & \beta_0 + \beta_1 \text{RiskyInvestmentit} + \beta_2 \text{Sizeit} + \beta_3 \text{ASEit} + \\ & \beta_4 \text{MLit} + \beta_5 \text{MtBit} + \beta_6 \text{Assetsit} + \beta_7 \text{ROAit} + \beta_8 \text{ROEit} + \beta_9 \text{Cashit} + \\ & \beta_{10} \text{Ageit} + \beta_{11} \text{Dateit} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

الگوی مورد استفاده برای آزمون فرضیه سوم:

$$\begin{aligned} \text{AveEmployeeit} + \beta_1 \text{RiskyInvestmentit} + \beta_0 \text{Ave salaryit} = & \beta \\ \text{MLit} + \beta_4 \text{ASEit} + \beta_5 \text{Sizeit} + \beta_6 \text{RiskyInvestmentit} * \text{AveEmployeeit} + & \beta_3 \beta \\ \text{Ageit} + \beta_2 \text{Cashit} + \beta_{11} \text{ROEit} + \beta_{10} \text{ROAit} + \beta_9 \text{Assetsit} + & \beta_8 \text{MtBit} + \beta_7 \beta \\ \text{Dateit} + \varepsilon_{it} = & \beta \end{aligned}$$

روش پژوهش

به منظور آزمون فرضیات اول و دوم پژوهش از مدل‌های رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. داده‌های پژوهش دارای دو جنبه زمانی و مکانی (شرکتی) هستند. با توجه به اینکه تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها در نرم افزار R صورت می‌گیرد، پس از تهیه اطلاعات مورد نیاز در قالب قابل شناسایی برای نرم‌افزار و فراخوانی داده‌ها در آن، برای بررسی ایستایی (مانائی) متغیرهای پژوهش از میان روش‌های متعدد موجود، از آزمون لوین، لین، چو توسط نرم افزار R استفاده شده است. همچنین، برای برازش اولیه مدل فرضیه‌های اول و دوم از چهار روش مرسوم بهره گرفته شد. این چهار روش شامل، روش OLS ساده، روش OLS فقط با در نظر گرفتن عامل زمان، روش پانلی با اثرات ثابت و روش پانلی با اثرات متغیر است. مطابق با اقتصادسنجی بروکز (۲۰۱۴)، ابتدا آزمون اف‌لیمر (چاو) برای بررسی اینکه آیا داده‌ها از روش پانلی پیروی می‌کنند یا روش رگرسیون حداقل مربعات (OLS) ساده یا با در نظر گرفتن عامل زمان، انجام شد. در صورت رد فرضیه صفر آزمون اف‌لیمر (تائید استفاده از الگوی داده‌های پانلی)، لازم است تا مشخص شود که مدل پانلی مورد استفاده می‌بایست دارای اثرات ثابت باشد یا اثرات تصادفی که برای این منظور آزمون هاسمن به کار گرفته شد. قبل از اینکه روش پانلی با اثرات ثابت یا تصادفی را برازش دهیم، باید این مورد بررسی شود که آیا می‌توان عوامل زمان و مکان را در مدل‌ها ادغام نمود یا خیر که برای اثبات این مورد از آزمون بروش پاگان (ضریب لاگرانژ)

استفاده شد. در نهایت، برای بررسی عدم وجود خود همبستگی میان جملات خطا از آزمون بریوش / گادفری بهره گرفته شد.

فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند که سطح پرداخت حقوق بالاتر از میانگین حقوق شرکت‌های نمونه بر رابطه بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و میانگین حقوق پرسنل تأثیر معنی‌داری دارد. مدل فرضیه یک مدل لاجیت است. مدل‌های لاجیت معرف مدل‌هایی هستند که متغیر وابسته آنها دو تایی است. در یک مدل لاجیت لگاریتم برتری به‌عنوان برون‌داد (خروجی) مدل و بر اساس ترکیبی از متغیرهای مستقل مدلیزه می‌شود. در این نوع از رگرسیون از نسبت برتری که نسبت موفقیت به شکست می‌باشد، استفاده می‌شود. با توجه به این که مدل فوق از نوع داده‌های ترکیبی است، لازم است تا نوع تخمین مناسب برای آن با استفاده از معیار آکائیک (AIC)، انتخاب شود. برای این منظور الگوی لاجیت با استفاده از چهار روش GLM ساده، روش GLM سری زمانی (فقط با در نظر گرفتن عامل زمان)، روش پانلی با اثرات ثابت و روش پانلی با اثرات متغیر برآورد و معیار AIC روش‌ها با هم مقایسه خواهد شد. هر یک از این مدل‌ها که دارای AIC کوچک‌تری باشد، به‌عنوان مدل مطلوب و نهایی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

آمار توصیفی، مجموعه روش‌هایی است که به خلاصه کردن، طبقه‌بندی، توصیف و تفسیر داده‌ها می‌پردازد. یافته‌های توصیفی حاصل از این پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، کمترین مشاهده و بیشترین مشاهده طی نگاره‌ها ذیل ارائه شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
پاداش هیئت مدیره	compensation	۰/۰۰۱۹	۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۹۸
میانگین حقوق	AveEmployee	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۲۲
میانگین حقوق	Ave Salary	۳۵۲/۹۰	۳۱۴/۵۴	۱۹۴/۵۴	۲۱۷/۳۳	۱۸۶۰/۵۸
نوسان بازده سهام روزانه غیراهرمی	RiskyInvestment	۱/۸۲	۱/۴۹	۱/۴۹	۰/۰۰۲	۲۲/۸۶
اندازه شرکت	Size	۱۴/۱۶	۱۳/۹۷	۱/۶۱	۹/۷۹	۱۸/۷۸
اهرم بازار شرکت	ML	۰/۳۹	۰/۳۷	۰/۱۹	۰/۰۳	۰/۹۱
ارزش بازار دارایی به ارزش دفتری	MtB	۱/۶۹	۱/۵	۰/۶۸	۰/۵۳	۵/۳۵
میانگین فروش برای هر پرسنل شرکت	ASE	۳۴۸۶۸/۸	۲۴۴۸/۹	۳۸۷۳/۸۹	۵۹/۶۲	۴۳۴۱/۰۹
دارایی‌های ثابت	Assets	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۰۱۹	۰/۸۵
بازده دارایی	ROA	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۱۹	-۰/۱۱۶	۰/۶۳
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰/۳۲	۰/۲۸	۰/۲۶	-۰/۵۸	۴/۲۵
وجه نقد	Cash	۰/۰۴۲	۰/۰۲۷	۰/۰۴۵	۰/۰۰۰۴	۰/۴۶
سن شرکت	Age	۳۷/۵۲	۴۰	۱۳/۲۷	۱۲	۶۸
عمر بورسی شرکت	Date	۱۶/۶۸	۱۵	۹/۱۱	۱	۴۹
بازده سالانه سهام	Return	۰/۳۵	۰/۰۷۵	۰/۹۶	-۰/۸۶	۸/۹۹

با توجه به نگاره (۱) متغیر نسبت پاداش هیئت مدیره در کمترین مقدار صفر است که نشان از عدم تصویب پرداخت پاداش به هیئت مدیره در برخی از شرکت‌ها در طی دوره مورد بررسی است. متغیر میانگین حقوق پرسنل شرکت که نسبت به درآمد کل شرکت اندازه‌گیری می‌شود، در شاخص‌های مرکزی میانگین و میانه به ترتیب مقادیر ۰/۰۰۰۵ و ۰/۰۰۰۲ است که نشان از توزیع تقریباً متقارن این متغیر دارد که مقدار انحراف معیار (۰/۰۰۱۲) نیز گویای این موضوع است. متغیر میانگین حقوق شرکت، میزان پراکندگی حقوق در شرکت‌های نمونه با کمینه و بیشینه به ترتیب ۲۱۷ و ۱۸۶۰ میلیون را نشان می‌دهد. میانگین اهرم بازار (۰/۳۸۹) نشان می‌دهد که کمتر از نیمی از دارایی‌های شرکت‌ها از محل بدهی‌ها تامین شده‌است. به طور متوسط ۲۵ درصد از کل دارایی‌های شرکت‌ها را دارایی ثابت شکل می‌دهند. سن شرکت در کمترین و

بیشترین مقدار به ترتیب ۱۲ و ۶۸ سال است که نشان‌دهنده قدمت فعالیت شرکت‌های نمونه و عدم تازه تاسیس بودن آنها در طی دوره مورد بررسی است.

نگاره (۳): آمار توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش

نام متغیر	نماد	یک		صفر		کل	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
میانگین حقوق شرکت	Ave Salary	۱۵	۱۰۹	۸۵	۵۸۱	۶۹۰	۱۰۰
رئیس هیئت مدیره	Chair	۲۴	۱۶۵	۷۶	۵۲۵	۶۹۰	۱۰۰

نگاره (۲) آمار توصیفی متغیرهای کیفی (متغیرهایی با ارزش صفر و یک) پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج، به‌طور متوسط در ۱۰۹ مشاهده این پژوهش (۱۵ درصد)، شرکت‌ها میانگین حقوقی که به کارکنانشان پرداخته‌اند، از میانگین حقوق کل شرکت‌های نمونه آماری در طی دوره مورد بررسی بیشتر است. همچنین، به‌طور متوسط ۲۴ درصد از مشاهدات حاکی از آن است که مدیرعامل همزمان سمت رئیس هیئت مدیره را عهده‌دار است.

آمار استنباطی

مطابق با نگاره (۳)، نتایج آزمون بیانگر مانائی متغیرها است. بدین معنا که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت است. نتایج آزمون مذکور حاکی از آن بود که مقدار p-value در مورد همه متغیرها کمتر از ۵ درصد (۰/۰۵) است. بنابراین تمام متغیرهای مدل مانا (ایستا) بوده و رگرسیون کاذب به وجود نمی‌آید.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه اول

آزمون اف‌لیمر در نگاره (۴) برای فرضیه اول در سطح معنی‌داری ۵ درصد، بسیار کمتر از یک هزارم (۰/۰۰۱) است. بنابراین، فرضیه صفر پذیرفته نمی‌شود و در نتیجه استفاده از داده‌های پانل برای آزمون مورد پذیرش قرار می‌گیرد. نتایج آزمون بروش پاگان (ضریب لاگراژ) در سطح معنی‌داری ۵ درصد نیز نشان می‌دهد که فقط قابلیت ادغام زمان وجود دارد. همچنین، نتایج آزمون هاسمن بیانگر پذیرش فرضیه صفر است (p-value=۰/۲۶۵). بنابراین، روش برآورد

پارامترهای این مدل روش پانلی با اثرات تصادفی است. نتایج حاصل از آزمون بریوش - گادفری نیز نشان می‌دهد که بین جملات خطا، خودهمبستگی سریالی وجود دارد. وجود خودهمبستگی بین جملات خطا در فرضیه اول سبب ایجاد آریبی در تخمین مدل فرضیه خواهد بود.

نگاره (۳): بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره آزمون	مقدار احتمال	نتیجه آزمون
Compensation	-۲۷/۱۱۹	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
Ave Employee	-۱۰۷/۸۶۵	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
Ave Salary	-۴/۳۶۵	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
RiskyInvestment	-۲۵/۲۶۱	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
Size	-۴۹/۱۹۵	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
ASE	-۱۲/۰۹۹	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
M L	-۴۰/۲۵۲	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
MtB	-۲۰/۹۴۶	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
Assets	-۲۵/۱۵۴	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
ROA	-۲۸/۱۸۳	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
ROE	-۲۷/۲۲۰	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
Cash	-۳۳/۶۵۹	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
Age	-۴۲/۵۹۶	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
Date	-۴/۵۶۰	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
Return	-۲۵/۶۶۰	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
Chair	-۳/۶۰۹	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.

برای رفع مشکل خودهمبستگی جملات خطا و جهت تخمین مناسب‌تر پارامترهای مدل از روش پانلی تعمیم یافته (PGLM)، برای برازش نهایی مدل استفاده خواهد شد.

نگاره (۴): نتایج آزمون‌های اف لیمر، بروش پاگان، هاسمن و بریوش_گادفری برای مدل فرضیه اول

آزمون‌ها	فرضیه H	آماره	معنی داری	نتیجه
اف لیمر	فرضیه H: رجحان مدل OLS ساده	۲/۵۰۶	<۰/۰۰۱	رد H
	فرضیه H: رجحان مدل OLS سری زمانی	۲/۵۷۹	<۰/۰۰۱	رد H
بروش - پاگان	فرضیه H: قابلیت ادغام مکان وجود دارد.	۵۱/۷۴۴	<۰/۰۰۱	رد H
	فرضیه H: قابلیت ادغام زمان وجود دارد.	۰/۵۹۹	۰/۴۳۸	پذیرش H
	فرضیه H: قابلیت ادغام زمان و مکان به طور همزمان وجود دارد.	۵۲/۳۴۴	<۰/۰۰۱	رد H
هاسمن	فرضیه H: استفاده از روش اثرات تصادفی	۱۲/۳۰۲	۰/۲۶۵	پذیرش H
بریوش - گادفری	فرضیه H: عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا	۱۴/۵۷۰	۰/۰۲۳۸	رد H

نگاره (۵): نتایج نهایی برازش مدل مربوط به فرضیه اول پژوهش

نماد	ضریب رگرسیون	انحراف معیار	t آماره	P - Value	آماره‌های مدل
β_0	۱/۰۴۹	۰/۳۰۷	۳/۴۱۳	۰/۰۰۰۶	ضریب = ۰/۱۳۳
RiskyInvestment	-۰/۰۱۶	۰/۰۱۹	-۰/۸۵۲	۰/۰۳۹۴	تعیین
Size	-۰/۰۴۳	۰/۰۱۶	-۲/۵۵۵	۰/۰۱۰۶	ضریب = ۰/۱۳۱ تعیین تعدیل شده
M L	-۰/۵۴۹	۰/۲۱۱	-۲/۵۹۶	۰/۰۰۹	
MtB	-۰/۰۶۸	۰/۰۴۴	-۱/۵۲۷	۰/۱۲۶	
ROA	۰/۲۱۶	۰/۲۹۱	۰/۷۴۲	۰/۴۵۸	... = سطح معنی داری مدل
ROE	-۰/۰۳۸	۰/۱	-۰/۳۸۰	۰/۷۰۳	
Age	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲۴	۰/۸۷۴	۰/۳۸۲	
Date	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۲۰۲	۰/۸۳۹	آماره = ۱/۵۴۸ دوربین واتسون
Return	۰/۰۲۵	۰/۰۱۹۶	۱/۲۸۰	۰/۸۴۰	
Chair	-۰/۰۳۱	۰/۰۵۴	-۰/۵۶۷	۰/۵۷۱	

از نتایج نگاره (۵) و آماره t در سطح معنی داری ضرایب و علامت ضریب رگرسیون هر یک از متغیرها می‌توان نتیجه گرفت که متغیر سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز رابطه منفی و معنی داری با میزان پاداش هیئت مدیره دارد (p-value = ۰/۰۳۹۴). از طرف دیگر متغیرهای اندازه شرکت و اهرم بازار شرکت رابطه منفی و معنی داری با میزان پاداش هیئت مدیره دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در مدل نشان می‌دهد که با فرض ثابت بودن اثر سایر عوامل، تنها ۱۳/۱ درصد از تغییرات پاداش هیئت مدیره (متغیر وابسته) می‌تواند توسط تغییرات در متغیرهای وارد شده در

مدل توضیح داده شود. فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. بنابراین، بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و پاداش هیئت مدیره رابطه معنی‌داری و معکوس برقرار است.

آزمون فرضیه دوم

مطابق با نگاره (۶)، نتایج حاصل از آزمون اف‌لیمر برای فرضیه دوم در سطح معنی‌داری ۵ درصد نشانگر عدم پذیرش فرضیه صفر است و در نتیجه استفاده از داده‌های پانلی برای آزمون مورد پذیرش قرار می‌گیرد. نتایج آزمون بروش پاگان (ضریب لاگرانژ) در سطح معنی‌داری ۵ درصد نیز نشان می‌دهد که فقط قابلیت ادغام زمان وجود دارد. همچنین، نتایج آزمون هاسمن بیانگر رد فرضیه صفر است ($p\text{-value} = ۰/۰۳۶۷$). بنابراین، روش برآورد پارامترهای این مدل روش پانلی با اثرات ثابت است. نتایج حاصل از آزمون بریوش-گادفری نیز نشان می‌دهد که بین جملات خطا خودهمبستگی سریالی وجود دارد. وجود خودهمبستگی بین جملات خطا در فرضیه دوم پژوهش سبب ایجاد اریبی در تخمین مدل فرضیه خواهد بود.

نگاره (۶): نتایج آزمون‌های اف‌لیمر، بروش پاگان، هاسمن و بریوش-گادفری برای مدل فرضیه دوم

آزمون‌ها	فرضیه H	آماره	معنی داری	نتیجه
اف لیمر	فرضیه H: رجحان مدل OLS ساده	۶/۵۹۱	$< ۰/۰۰۱$	رد H
	فرضیه H: رجحان مدل OLS سری زمانی	۶/۸۰۶	$< ۰/۰۰۱$	رد H
بروش-پاگان	فرضیه H: قابلیت ادغام مکان وجود دارد.	۱۶۱/۸۵۰	$< ۰/۰۰۱$	رد H
	فرضیه H: قابلیت ادغام زمان وجود دارد.	۰/۱۱۲	۰/۷۳۷	پذیرش H
	فرضیه H: قابلیت ادغام زمان و مکان به‌طور همزمان وجود دارد.	۱۶۱/۹۶۲	$< ۰/۰۰۱$	رد H
هاسمن	فرضیه H: استفاده از روش اثرات تصادفی	۲۰/۶۸۹	۰/۰۳۶۷	رد H
بریوش-گادفری	فرضیه H: عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا	۱۳/۱۶۳	$< ۰/۰۰۱$	رد H

برای رفع مشکل خودهمبستگی بین جملات خطا و جهت تخمین مناسب‌تر پارامترهای مدل از روش پانلی تعمیم یافته (PGLM)، برای برآزش نهایی مدل استفاده خواهد شد.

نگاره (۷): نتایج نهایی برازش مدل مربوط به فرضیه دوم پژوهش

نماد	ضریب رگرسیون	انحراف معیار	آماره t	P - Value	آماره‌های مدل
β_0	۰/۲۰۸	۰/۰۹۵۲	۲/۱۹۱	۰/۲۸۵	آماره‌های مدل ۰/۲۳۱ = ضریب تعیین
RiskyInvestment	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	-۰/۳۴۳	۰/۷۳۱	
Size	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	-۰/۲۱۴	۰/۸۳۱	آماره‌های مدل ۰/۲۲۷ = ضریب تعیین تعدیل شده
ASE	-۰/۰۱۵	۰/۰۰۱	-۱۰/۲۱۱	<۰/۰۰۱	
ML	-۰/۱۲۶	۰/۰۵۰۴	-۲/۵۰۵	۰/۰۱۲۲	
MtB	۰/۰۰۲	۰/۰۰۹	۰/۲۷۳	۰/۷۸۴	... = سطح معنی داری مدل
Assets	-۰/۰۷۸	۰/۰۳۶	-۲/۱۳۸	۰/۳۲۵	
ROA	-۰/۱۵۵	۰/۰۶۳	-۲/۴۶۲	۰/۰۱۳۸	
ROE	۰/۰۰۸	۰/۰۲۰۴	۰/۴۴۰	۰/۶۶۰	۱/۳۶۳ = آماره دوربین واتسون
Age	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۸	۰/۲۶۴	۰/۷۹۲	
CASH	-۰/۰۵۶	۰/۰۹۴	-۰/۶۰۱	۰/۵۴۸	
Date	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۱۴۹	۰/۸۸۱	

با توجه به $p\text{-value} = ۰/۷۳۱$ و آماره t در سطح خطای ۵ درصد جهت معنی داری ضرایب و علامت ضریب رگرسیون هر یک از متغیرها می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیر سرمایه گذاری مخاطره‌آمیز با حقوق پرسنل، هیچ رابطه‌ی معنی داری وجود ندارد. از طرفی متغیرهای میانگین فروش هر کارمند، اهرم بازار شرکت و بازده دارایی، رابطه منفی و معنی داری با میزان حقوق پرسنل شرکت دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در مدل نشان می‌دهد که با فرض ثابت بودن اثر سایر عوامل، تنها ۲۲/۷ درصد از تغییرات میانگین حقوق پرسنل (متغیر وابسته) می‌تواند توسط تغییرات در متغیرهای وارد شده در مدل توضیح داده شود. فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته نمی‌شود.

آزمون فرضیه سوم

نتایج نهایی حاصل از برازش چهار مدل و مقادیر AIC هر کدام به شرح نگاره ذیل است.

نگاره (۸): نتایج آزمون معیار آکائیک (AIC)

معیار شناسایی	مدل ساده	مدل GLM با اعمال فاکتور زمان	مدل پانلی تعمیم یافته با اثرات ثابت	مدل پانلی تعمیم یافته با اثرات متغیر
ضریب آکائیک	۳۲۹/۷۵۴	۳۲۶/۶۵۸	۷۴/۲۸۲	۷۴/۲۸۲

با توجه به برآزش چهار مدل ذکر شده و نتایج AIC ها، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مدل پانلی تعمیم یافته با اثرات ثابت (متغیر) بدلیل دارا بودن کمترین مقدار (۷۴/۲۸۲) مناسب‌ترین روش برای برآزش مدل خواهد بود. نتایج حاصل از مدل به شرح نگاره ذیل است.

نگاره (۹): نتایج نهایی برآزش مدل مربوط به فرضیه سوم پژوهش

نماد	ضرایب رگرسیون	انحراف معیار	آماره t	P - Value
β_0	-۰/۹۹۹	۰/۲۱۸	-۴/۵۶۸	<۰/۰۰۱
RiskyInvestment	-۰/۰۰۲	-۰/۰۱۰	-۰/۲۳۶	۰/۸۱۳
AveEmployee	۰/۵۵۵	۰/۱۴۴	۳/۸۳۸	۰/۰۰۰۱
RiskyInvestment* AveEmployee	۰/۰۲۶۸	۰/۷۲۶	۰/۳۶۹	۰/۰۷۱۲
Size	۰/۰۷۱	۰/۰۱۳۳	۵/۳۴۳	<۰/۰۰۱
ASE	۰/۰۲۴۱	۰/۰۰۴	۶/۵۴۶	<۰/۰۰۱
M L	۰/۳۴۴	۰/۱۱۷	۲/۹۲۶	۰/۰۰۳
MtB	-۰/۰۱۹	۰/۰۲۳	-۰/۸۲۸	۰/۴۰۷
Assets	۰/۰۵۸۸	۰/۰۸۷	۰/۶۷۰	۰/۵۰۲
ROA	۰/۲۲۹	۰/۱۵۳	۱/۴۹۹	۰/۱۳۳
ROE	۰/۰۱۳	۰/۰۴۹	۰/۲۷۴	۰/۷۸۳
Cash	۰/۲۹۱	۰/۲۲۶	۱/۲۸۶	۰/۱۹۸
Age	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	-۰/۷۰۳	۰/۴۸۲
Date	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	-۱/۶۸۸	۰/۰۹۱۴

از نتایج نگاره (۹) و آماره t در سطح معنی‌داری ضرایب و علامت ضریب رگرسیون هر یک متغیرها می‌توان نتیجه گرفت که متغیر حقوق پرسنل شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری با میانگین حقوق پرسنل شرکت‌ها دارد. از سوی دیگر، بین رابطه متقابل سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و حقوق پرسنل (RiskyInvestment* AveEmployee) و میانگین حقوق و دستمزد پرسنل، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین، عدم وجود رابطه معنی‌دار نشان‌دهنده عدم پذیرش فرضیه سوم پژوهش است. به عبارتی، سطح پرداخت حقوق بالاتر از میانگین حقوق و دستمزد

شرکت‌های نمونه به کارکنان شرکت، بر وجود رابطه بین حقوق پرسنل و سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز تأثیرگذار نیست.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و سرمایه‌انسانی است. از ویژگی‌های سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز طبق تعریف نقی و هتی‌ها (۲۰۰۷)، این است که معمولاً اینگونه سرمایه‌گذاری‌ها را بلندمدت و در بازه زمانی بین ۵ تا ۱۰ ساله دانسته‌اند. حال بر اساس نظر گری و کانلا (۱۹۹۷)، مدیریتی که حقوق و پاداش خود را بر اساس افق زمانی طولانی‌تر دریافت می‌کند، می‌تواند با حفظ سطوح بالای سرمایه‌گذاری‌های ارزشمند که سودمندی بلندمدتی برای شرکت به همراه دارند، حقوق کلی خود را حداکثر کند. در مقابل، خوش‌طینت (۱۳۸۲)، مطرح می‌نماید که در کشورهای غربی طرح‌های پاداش مدیران اغلب بلندمدت بوده و چندین سال طول می‌کشد، اما طرح‌های پاداش در ایران مبتنی بر سود بوده و پاداش مدیران کمتر از یک سال به تأخیر می‌افتد (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۲). از طرفی مقدس‌نوقابی و همکاران (۱۳۹۵)، نشان دادند که چون مدیران تمایل بیشتری برای حفظ و بقای موقعیت خویش و دریافت پاداش بیشتر دارند، سعی می‌کنند رضایت سهامداران از عملکرد خویش را با تقسیم سود میان آنها، جلب کنند. بنابراین، آنها سیاست تقسیم سود را برگزیده و از فرصت‌های سرمایه‌گذاری حتی سرمایه‌گذاری‌های باارزش به دلیل فرار از مورد بازخواست واقع شدن در صورت عدم موفقیت، چشم‌پوشی خواهند کرد.

فرضیه اول پژوهش به بررسی رابطه میان سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و پاداش هیئت‌مدیره می‌پردازد. نتیجه آزمون نشان‌دهنده وجود یک رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر است که با تحقیق جی و لی (۲۰۱۷)، مطابقت دارد، اما جهت رابطه در تحقیق جی و لی (۲۰۱۷) مثبت است، یعنی پاداش مدیریت با ریسک سرمایه‌گذاری افزایش می‌یافت. به عبارتی هرچه سرمایه‌گذاری‌ها ریسکی‌تر (جسورانه‌تر) می‌شوند، مدیریت پاداش بیشتری دریافت می‌کند، اما دلایل احتمالی معکوس شدن رابطه بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و پاداش هیئت‌مدیره در این پژوهش با در نظر گرفتن شرایط حال حاضر اقتصاد داخلی ایران و آنچه که در مبانی نظری تحقیق و مقدمه این بخش عنوان شد، می‌تواند تحت تأثیر عواملی چون تمایل مدیران به حفظ

بقا (از طریق چشم‌پوشی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری جسورانه برای فرار از مورد بازخواست شدن در صورت عدم موفقیت و طبق تئوری ارضای سهامداران، انتخاب سیاست تقسیم سود برای جلب نظر مساعد سرمایه‌گذاران در جهت حداکثر سازی مبلغ پاداش)، عدم وجود یک بازار کارآمد و قوی که باعث محدودیت دسترسی سهامداران و سرمایه‌گذاران به اطلاعات محرمانه شرکت از جمله فرصت‌های از دست‌رفته سرمایه‌گذاری می‌گردد و همچنین شیوه تصویب و پرداخت پاداش هیئت مدیره توسط مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت‌های داخلی، دانست.

فرضیه دوم پژوهش رابطه میان سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و میانگین حقوق و دستمزد کارکنان را بررسی می‌نماید. همانگونه که کلینچ (۱۹۹۱) اشاره می‌کند، در بیشتر موارد به ویژه برای شرکت‌های بزرگ یا موقعیت‌های اداری اجرایی، کارکنان غیراجرایی در تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت، مشارکت کمی دارند. همچنین، طبق نظر برک و همکاران (۲۰۱۰)، برخی متغیرها، مانند رتبه‌بندی اعتباری می‌تواند ارتباطی بین مشخصات شرکت و احتمال ورشکستگی یا بسته شدن شرکت فراهم کند و به‌عنوان مرجعی برای کارمندان عمل کند. نتیجه آزمون فرضیه دوم بیانگر عدم وجود رابطه‌ای معنی‌داری بین این دو متغیر است که با تحقیق جی و لی (۲۰۱۷) مغایرت دارد. در تحقیق جی و لی (۲۰۱۷)، افزایش در سطح سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز باعث افزایش در سطح حقوق و مزایای کارکنان گشته بود، اما عدم وجود رابطه معنی‌داری بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و میانگین حقوق پرسنل در این پژوهش را شاید بتوان تحت تأثیر دو عامل توجیه نمود؛ یکی اینکه اطلاعات مرتبط با متغیر رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها در ایران فقط در اختیار نهادهای ناظر است و افشای عمومی نمی‌شود، بنابراین کارکنان دسترسی به این مرجع اطلاعاتی ندارند و دوم اینکه در شرکت‌های داخلی هنوز ساز و کار مناسبی برای تشویق کارکنان به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری‌های شرکت ایجاد نگشته است و یا این درصد مشارکت در سطح بسیار پایینی می‌باشد.

فرضیه سوم پژوهش، این موضوع را بررسی می‌نماید که آیا پرداخت حقوق به کارکنان بیشتر از میانگین حقوق کل شرکت‌های نمونه آماری، تأثیر معنی‌داری بر رابطه بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و حقوق پرسنل دارد؟ مطابق با مبانی نظری تحقیق، تحصیلات بالاتر، بینش بهتری از درک سرمایه‌گذاری‌ها و مخاطراتش برای خود کارکنان ایجاد می‌نماید، زیرا افراد با

تحصیلات بالاتر، نسبت به افراد با تحصیلات کمتر، در زمان مذاکره با شرکت، توانایی بیشتری در ارزیابی ریسک سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط شرکت و برآورد زیان‌های احتمالی سرمایه انسانی خود را خواهند داشت. از طرفی کارکنان با دستمزد بالاتر، نسبت به کارکنانی که دستمزد کمتری دریافت می‌کنند، در هنگام شکست کسب و کار، متحمل زیان بیشتری می‌شوند. نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پرداخت حقوق بالاتر از سطح میانگین حقوق شرکت‌های نمونه هیچ تأثیری بر رابطه بین سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و میانگین حقوق پرسنل ندارد. این نتیجه با نتایج تحقیق جی و لی (۲۰۱۷) مغایرت دارد. طبق پژوهش جی و لی (۲۰۱۷)، شرکت‌هایی که میانگین حقوق کارکنانشان بالاتر از میانگین حقوق جامعه آماری است، رابطه میان سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و هزینه سرمایه انسانی قوت بیشتری می‌یافت. دلیل عدم پذیرش فرضیه سوم احتمالاً بیانگر این موضوع است که کارکنان شرکت‌های داخلی حتی اگر از تحصیلات عالی برخوردار باشند، هنوز توانایی دستیابی به درک و بینش وسیع نسبت به سرمایه‌گذاری‌های شرکت به‌ویژه سرمایه‌گذاری‌های پر مخاطره را ندارند. بنابراین، قادر به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های شرکت مطبوع خود و برآورد زیان احتمالی بالقوه سرمایه انسانی خویش نخواهند بود.

به‌طور کلی نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش می‌تواند به‌طور احتمالی بیانگر موضوع عدم توجه کافی شرکت‌ها به اهمیت سرمایه انسانی، به‌عنوان مهم‌ترین دارایی و یک منبع با ارزش، تلقی گردد.

پیشنهادات

یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر می‌تواند بر دیدگاه‌های سرمایه‌گذاران و سهامداران در جهت تغییر شیوه تصویب و پرداخت پاداش هیئت‌مدیره اثرگذار باشد. همچنین، لزوم تصویب استانداردهای لازم الاجرا را برای شفافیت در افشای حقوق و پاداش مدیران ارشد به ویژه مدیرعامل را بیان می‌کند. از آنجایی که نیروی انسانی ارزش‌آفرین می‌تواند یک مزیت رقابتی برای واحدهای تجاری ایجاد نماید، حتی اگر سازمان دارای منابع مالی غنی دیگری نیز باشد، با جبران خدمات درست و بهینه، می‌توان ابزار انگیزشی برای سرمایه‌های انسانی ایجاد نمود که منجر به افزایش بازدهی حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها شود. در حال حاضر، سازمان‌ها به دلایلی از

قبیل، ترس از رقیبان، اتحادیه‌های کارگری، مشکلات عملی گردآوری اطلاعات سرمایه انسانی، تمایل چندانی برای گزارش اطلاعات بیشتری از سرمایه انسانی خود ندارند. شفافیت در افشای اطلاعات مرتبط با حقوق می‌تواند به پرسنل کارآمد در انتخاب آگاهانه مکان اشتغال (با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی کشور) یاری رساند و از زیان سرمایه انسانی بالقوه که در آینده متوجه‌شان خواهد شد، بکاهد. از آنجایی که در انجام این پژوهش با محدودیت متغیر جبران خدمت مدیرعامل مواجه بودیم (در صورتی که قوانین و مقررات و یا استانداردهای حسابداری در خصوص افشای حقوق و پاداش مدیرعامل به‌طور جداگانه و شفاف در صورتهای مالی و یادداشت‌های همراه به تصویب رسید)، در مطالعات آتی پیشنهاد می‌گردد که اثر رابطه سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز بر سرمایه انسانی با شاخص جبران خدمت مدیرعامل صورت پذیرد. همچنین، بررسی پژوهش حاضر در بانک‌ها و موسسات مالی (با توجه به نیروی انسانی که در اختیار دارند و حقوق و مزایایی که به پرسنل تعلق می‌گیرد)، و شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری (با در نظر گرفتن ماهیت فعالیت‌شان) و شرکت‌های دانش بنیان و غیردانش بنیان می‌تواند آثار و نتایج باارزشی را برای بهره‌مندی موثرتر از سرمایه‌های انسانی به همراه داشته باشد.

منابع

- Amirmoezzi, H. , & Bizar, K. (2015). Investigating the relationship between managers and earnings management with the performance of companies accepted in Tehran stock exchange. The second National Conference on Applied Researches in Accounting and Management, Tehran, Iran. (In Persian).
- Azizian, E. (2016). The effect of financial leverage and the unemployment rate on Human capital companies listed in Tehran stock exchange. A dissertation in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of science in accounting. Binaloud Institute of Higher Education, Mashhad, Iran. (In Persian).
- Berk, J. B. , Stanton, R. , & Zechner, J. (2010). Human capital, bankruptcy, and capital structure. *The Journal of Finance*, 65 (3) , 891-926.
- Brooks, C. (2014). *Introductory econometrics for finance*. Cambridge university press.
- Chemmanur, T. J. , Cheng, Y. , & Zhang, T. (2013). Human capital, capital structure, and employee pay: An empirical analysis. *Journal of Financial Economics*, 110 (2) , 478-502.
- Cheng, B. S. , & Hsu, R. C. (1997). Human capital and economic growth in Japan: an application of time series analysis. *Applied Economics Letters*, 4 (6) , 393-395.

- Clinch, G. (1991). Employee compensation and firms' research and development activity. *Journal of Accounting Research*, 29 (1) , 59-78.
- Coles, J. L. , Daniel, N. D. , & Naveen, L. (2006). Managerial incentives and risk-taking. *Journal of financial Economics*, 79 (2) , 431-468.
- Dambolena, I. G. , & Khoury, S. J. (1980). Ratio stability and corporate failure. *The Journal of Finance*, 35 (4) , 1017-1026.
- Dastgir, M. , Saedi, R. , Bataghva, H. , & Zivdar, Z. (2012). The Effects of operating cash flow and firm size on investment decisions in capital assets of listed firms on Tehran stock exchange. *Journal of Empirical Research In Accounting*, 3 (1) , 1-16. (In Persian).
- Geraeenejad, Gh. , Khosravinejad, A. , & Bahraminia, E. (2008). The impact of foreign direct investment (FDI) on human capital in selected countries. *Jornal FED*, 2 (3) , 55-69. (In Persian).
- Ghorbani, M. , Bagheri, M. , & Tarighi, S. (2015). The Impact of venture capital investments on strategic innovation in knowledge-based organizations, 6 (10) , 85-94. (In Persian).
- Gohari, L. , Salimifar, M. , & Aboutorabi, M. A. (2016). The effect of financial development on human capital in Iran. *Jornal of The Economic Research (Scientific Research Quarterly)* , 3 (9) , 181-207. (In Persian).
- Gray, S. R. , & Cannella Jr, A. A. (1997). The role of risk in executive compensation. *Journal of Management*, 23 (4) , 517-540.
- Grundy, B. D. , & Li, H. (2010). Investor sentiment, executive compensation, and corporate investment. *Journal of Banking & Finance*, 34 (10) , 2439-2449.
- Guay, W. R. (1999). The sensitivity of CEO wealth to equity risk: an analysis of the magnitude and determinants. *Journal of Financial Economics*, 53 (1) , 43-71.
- Ji, S. , & Li, X. (2018). Human Capital and Investment Policy. Available at SSRN 3015044.
- Khoshtinat, M. , & Khani, A. (2003). Income management and management bonus: study for financial information disclosure. *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 1 (3) , 127-153. (In Persian).
- Maksimovic, V. , & Titman, S. (1991). Financial policy and reputation for product quality. *The Review of Financial Studies*, 4 (1) , 175-200.
- Mashayekh, S. , Arbabi, Z. , & Rahimi Far, M. (2013). Study of earnings management incentives. *Journal of Accounting Research*, 3 (2) , 53-70. (In Persian).
- MoghaddasNooghabi, M. , & Sigari, A. , (2016). The Role of Financial Reporting Quality in Mitigating the Constraining Effect of Dividend Policy on Investment. *Jornal of ASSET Management & Financing*, 2 (8) , 95-110. (In Persian).
- Mostafae, P. (2013). A Review of the models used to measure intellectual capital (IC). *Journal of Accounting Research*, 3 (3) , 165-183. (In Persian).
- Naderi, A. , HeidariKebriti, T. , & Amiri, A. (2016). Relationship between human capital and organizational performance: The case of Asia insurance company. *Quarterly of Research on Educational Leading & management*, 5 (1) , 1-30. (In Persian).

- Naqi, S. A. , & Hettihewa, S. (2007). Venture capital or private equity? The Asian experience. *Business Horizons*, 50 (4) , 335-344.
- Tit, K. (2006). Emerging markets clean up their act. *Journal of Euro money*, 37 (442) , 158-160.
- Walker, D. C. (2002). Exploring the human capital contribution to productivity, profitability, and the market evaluation of the firm.

Relationship Between Risky Investment and Human Capital in Companies Listed in Tehran Stock Exchange

Hamid Bodaghi¹, Hamidreza Rezaei², Fahimeh Zamani Sani³

Received: 2018/11/29

Accepted: 2019/03/11

Research Paper

Abstract

The present study aimed to examine the relationship between Risky Investment and Human Capital. For this purpose, a sample consisting of 115 company in the period 2011 to 2016 were studied. In the research process unlevered daily stock return volatility is introduced as criteria for measure risky investment (independent variable) and; to evaluate human capital as dependent variable, two criteria included the board compensation and the costs of salary were used. The results of the hypothesis test showed that there is a significant, inverse relationship between risky investment and the compensation of the board, probably due of the lack of effective and complete market and the way of approval and payment of board compensation in Iran. There is not a significant relationship between risk investment and employee payroll. In addition, evidence suggest that payment of salary to the employees which was greater than the average of the salaries of the sample companies, did not have a significant effect on the relationship between risky investment and personnel salary. This could possibly indicate that companies are not paying enough attention to the importance of human capital as a valuable resource.

Keywords: Human Capital, Human Capital Costs, Investment, Risky Investment.

JEL classification: G11,J24,O15

DOI: 10.22051/ijar.2019.23329.1459

¹ PhD Student in Accounting, Binaloud Institute of Higher Education, Mashhad, Iran. Corresponding Author (bodaghi@binaloud.ac.ir)

² PhD Student in Accounting, Binaloud Institute of Higher Education, Mashhad, Iran. (hr.rezaei@mail.um.ac.ir)

³ MSc of Accounting, Binaloud Institute of Higher Education, Mashhad, Iran. (zamani.fahime@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>



Alzahra University- Faculty of Social Sciences and Economics
Accounting and Auditing Research, VOL. 10, NO. 1, Spring 2020, Pages 135-157

The Relationship Between the Financial Information Availability to Performance and CEO Change After Mandatory Amendment of Information Disclosure of listed Companies

Nazanin Bashirimanesh¹, Hossein Mashayekhi²

Received: 2019/01/02

Accepted: 2019/04/10

Research Paper

Abstract

The existence of transparent information is an essential element of accountability and informed economic decision-making. Disclosure of information by companies is one of the most important and valuable sources of information for investors, creditors and other stakeholders. Legal mechanisms, guidelines, or accounting standards define disclosure cases and require companies to comply with them. The executive instruction on the disclosure of information by listed companies in stock exchange in the implementation of paragraphs 11 and 18 of Article 7 and Article 45 of the Law on the Securities Market of the Islamic Republic of Iran was adopted in 1391. The main purpose of this research is to investigate the relationship between the availability of financial information and the performance and change of CEO after the adoption of this instruction. The research hypotheses were analyzed by a statistical sample of 140 firms approved during the years 2009 to 2017 based on linear regression and Logit method. The research findings indicate that after the approval of the disclosure directive, the relationship between firm performance and availability of information has decreased, but the relationship between company performance fluctuations and availability of information has increased. The research findings showed that after the adoption of the disclosure directive, the relationship between the company's performance fluctuations and CEO change has increased, but there was no significant relationship between corporate performance and CEO change.

Keyword: Disclosure Reforms, Information Availability, Performance Volatility.

JEL Classification: M40, M41, G38.

DOI: 10.22051/ijar.2019.24492.1487

¹ Assistant Professor of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. Corresponding Author (bashirimanesh@gmail.com)

² MSc of Accounting, Payame Noor University, Qeshm International Branch, Qeshm, Iran. (acct.mashayekhi@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

Scientometric Study of Scientific Production of the Journal of Accounting and Auditing Review

Younes Nobakht¹

Received: 2019/01/14

Accepted: 2019/05/18

Research Paper

Abstract

The purpose of this article is scientometrics study of scientific productions of the journal of accounting and auditing review of the University of Tehran, as the oldest scientific journal in the field of accounting knowledge in Iran from the beginning of publication (1992) to the end of 2018. This research is a scientometric study and has been done using quantitative content analysis method. The research data were also collected using a check list tool and statistically analyzed using Excel software. Research findings show that in the 563 articles published during these years, 1222 authors have contributed, of which 1,039 were men and 183 were women. At the same time, 8% of the articles were written by one author and 92% by the working group. Also, in terms of education level and scientific ranking, assistant professors with 41% and associate professors with 16% are in the top of the ranking list of authors. Among universities and educational institutions, the University of Tehran is ranked first with 114 articles and Shiraz university is ranked second with 34 articles. In terms of subject orientation, 72% of the published works are in the field of financial accounting, and auditing with 13% is in the next rank. Also, from total of 12698 references cited in the articles, 74% were in English and 26% in Persian.

Keywords: Accounting Knowledge, Content Analysis, Journal of Accounting and Auditing Review, Scientometrics.

JEL classification: I2, I22

DOI: 10.10.22051/ijar.2019.24088.1480

¹ PhD of Accounting, Selçuk University, Konya, Turkey. (y.nobaxt@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

Relationship Customer Concentration and Tax Avoidance by the Moderating Role of Managers Ability

Mozhgan Safa¹, Seyed Reza Ghazi², Neda Hesami³

Received: 2018/10/18

Accepted: 2019/01/28

Research Paper

Abstract

Companies with a major customer concentration due to high business risk (risk of losing major customers) require additional cash holdings. A tax avoidance can reduce the cash outflow and create additional cash for the company. The main objective of this research is to investigate the relationship between concentration on major customers and tax evasion in companies admitted to the Tehran Stock Exchange. To measure tax evasion (effective tax rate), the ratio of the tax expense tax to net profit before deduction of tax, for the customer concentration on the ratio of major sales (sales above 10%), and for measuring the variable power of managers from the model of Damirian et al. (2012) has been used. This research is a quasi-experimental and post-event type in the field of accounting proof research and is a kind of applied research. Linear regression model has been used to test the research hypotheses. The research community is included 130 companies selected by Cochran formula in the Tehran Stock Exchange during the period 2011 to 2016. The results of statistical tests of the first hypothesis showed that there is a negative and significant relationship between customer concentration and tax avoidance. In other words, in major customer companies, higher effective tax rates and tax avoidance have been lower. Also, the results of the study showed that the managers power as a moderating variable, weakens the relationship between customer concentration and tax avoidance.

Keywords: Customer Concentration, Effective Tax Rate, Managers Ability, Tax Avoidance.

JEL classification: H20, G30, G38, M49.

DOI: 10.22051/ijar.2019.22628.1444

¹ Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, Ghom Branch, Ghom, Iran. (Mozhgan_safa@yahoo.com)

² Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, Natanz Branch, Natanz, Iran. (Sr_ghazi@yahoo.com)

³ MSc of Accounting, Islamic Azad University, Natanz Branch, Natanz, Iran. (Hesami.neda@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

Explaining Corporate Governance Using Contingency Theory: A Direction for Future Research

Farhad Sabz Alipour¹, Mohamad Ali Aghaei², Sahar Sepasi³

Received: 2018/08/20

Accepted: 2018/12/03

Review Paper

Abstract

Over the years, corporate governance research has been working to develop a model that is compatible for all companies and for various purposes. The focus of these research was minimizing agency conflict between owners and managers. One important characteristic of the traditional agency literature is to search for universal relationships between corporate governance and outcomes based on a “closed systems” logic centered on agency costs. In recent decades, many researchers have focused on the need to provide a view of corporate governance by arguing that agency theory less addresses the context of an organizational environment. The present paper, with descriptive and analytic approach, has explained corporate governance through contingency theory. In this regard, in first step, it explains agency theory and its criticisms and then presents the theoretical foundations of contingency theory and corporate governance literature using this theory. In the end, it will also provide suggestions on the direction of future research in this area.

Keywords: Agency Theory, Contingency Theory, Corporate Governance, Organizational Contexts.

JEL classification: M41, G34, L11

DOI: 10.22051/ijar.2019.21762.1423

¹ Assistant Professor of Accounting, Ilam University, Ilam, Iran. Corresponding Author (f.sabzalipour@ilam.ac.ir)

² Associate Professor of Accounting, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (aghaeim@modares.ac.ir)

³ Associate Professor of Accounting, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (sepasi@modares.ac.ir)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

Factors Affecting the Productivity of Accounting Researches

Syed Ali Hosseini¹, Mahnaz Mahmoudkhani²

Received: 2019/10/20

Accepted: 2020/05/15

Review Paper

Abstract

The rate of research publications is an effective factor in evaluating the quality of universities and faculty members of accounting. Increasing awareness of the factors affecting research productivity in the field of accounting will help universities to use their resources and facilities effectively. Also, by recognizing these factors, researchers can be more productive in doing research. So the main purpose of this study is to investigate the factors affecting the productivity of accounting research. In this research, we have tried to investigate the factors affecting the productivity of accounting research using theories such as motivation theory, job satisfaction, and organizational commitment. In this research by studying papers and previous literature, the research objectives are described. The research findings show that organizational commitment, gender, the existence of research universities, individual factors, research characteristics, and publishing policies and motivation are factors that affect research productivity. Therefore, improving factors such as salary increases, promotion policies, employment policies, and the existence of a research culture can be effective in increasing the productivity of accounting research.

Keywords: Accounting, Accounting Journals, Research Productivity.

Jel classification: M40

DOI: 10.22051/ijar.2019.14834.1283

¹ Assistant Professor of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. Corresponding Author (a.hosseini@alzahra.ac.ir)

² PhD of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. (mahnaz.mahmoudkhani@gmail.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

Comparative Study of Diverse Aspect of Performance Budgeting in Iran

Jafar Babajani¹ , Amir Sahebgharani²

Received: 2019/02/04

Accepted: 2019/05/15

Review Paper

Abstract

Budget as a document that contains information on resources and how it is consumed is one of the most important components of the public accountability system that has undergone many changes under the influence of the new public management paradigm in the public in recent. In recent years in Iran, there have been many debates regarding the necessity of reforming the budgeting system and converting of budget system into the operational budgeting. Considering the current structure of the accounting and financial reporting system in the executive agencies of the country, achieving this, is a major challenge. Based on this and the necessity of using the experience of leading countries in the operational budget discussion, the present study has examined a comparative study of the dimensions and challenges of operational budgeting in the Netherlands. It should be noted that this country provided and presented to parliament the first budget in operational method in 2011. What is important in the process of implementing an operational budgeting system, is improvement the infrastructure of budgeting system, such as the accounting and financial reporting system In order to improve the measurement of the cost of the projects and finally accurate definition of quantitative about evaluation of how to achieve operational budget goals, It will play a significant role in the success of operational budgeting.

Keywords: Accountability, Financial Accounting and Reporting System, Netherlands, New Public Management, Operational Budgeting.

JEL classification: H83, H61

DOI: 10.22051/ijar.2019.23119.1452

¹ Professor of Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
(jafar.babajani@gmail.com)

² Phd of Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Corresponding Author
(abbas_sahebgharani@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

Specialist CEOs and IPO Survival

Fereydoon Rahnamay Roodposhti¹, Anahita Zandi²

Received: 2018/09/12

Accepted: 2019/01/16

Research Paper

Abstract

This study examines the influence of specialist CEOs on the probability of failure and survivability of initial public offering (IPO) firms during the years 2006 to 2016. In this research, CEOs classified to specialist and generalist groups based on index of skills. Specialist CEOs pursue a career in particular functional roles, firms and industry sectors, as opposed to generalist CEOs who accumulate their work experience through various positions, firms and industries. In this research, strong evidence was found that IPO firms with a specialist CEOs have a lower probability of failure and a longer time to survive in subsequent periods following the offering. The findings suggest that specialist CEOs ability has significant implications for post-issue performance of newly listed firms. Additionally, specialist CEOs can operate in line with the goals of firm and stockholders that cause to increase the sustainability of IPO firms in longer of time.

Keywords: CEO's Work Experience, IPO, IPO Survival, Specialist CEOs.

JEL classification: G32, G30. G31

DOI: 10.22051/ijar.2019.22088.1435

¹Professor of Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
(rahnama.roodposhti@gmail.com)

² PhD of Accounting, Islamic Azad University, Iran. Corresponding Author,
(zandi_anna@yahoo.com)

<http://ijar.alzahra.ac.ir>

Table of content

Specialist CEOs and IPO Survival.....	1
Fereydoon Rahnamay Roodposhti , Anahita Zandi	
Comparative Study of Diverse Aspect of Performance Budgeting in Iran.....	25
Jafar Babajani , Amir Sahebgharani	
Factors Affecting the Productivity of Accounting Researches	47
Seyed Ali Hosseini , Mahnaz Mahmoudkhani	
Explaining Corporate Governance Using Contingency Theory: A Direction for Future Research.....	71
Farhad Sabz Alipour , Mohamad Ali Aghaei , Sahar Sepasi	
Relationship Customer Concentration and Tax Avoidance by the Moderating Role of Managers Ability	91
Mozhgan Safa , Seyed Reza Ghazi , Neda Hesami	
Scientometric Study of Scientific Production of the Journal of Accounting and Auditing Review.....	115
Younes Nobakht	
The Relationship Between the Financial Information Availability to Performance and CEO Change After Mandatory Amendment of Information Disclosure of listed Companies	135
Nazanin Bashirimanesh , Hossein Mashayekhi	
Relationship Between Risky Investment and Human Capital in Companies Listed in Tehran Stock Exchange	159
Hamid Bodaghi, Hamidreza Rezaei ,Fahimeh Zamani Sani	

IN THE NAME OF GOD

Quarterly Journal of Accounting and Auditing Research
Spring 2020, Volume 10, Issue number 1
Number 36

<p>Jornal of</p> <p><i>Accounting research</i></p>	<p>Licence Holder: Alzahra University Director: Rahmani. Ali, Prof. Alzahra University Editor in chief: Mashayekh. Shahnaz, Associate Prof. Alzahra University Executive Manager: Behbahaninia. Parisa Saadat, Assistant Prof. Alzahra University Editorial Board: Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University Hejazi, Rezvan, Professor of Alzahra University Rahmani Ali, Professor of Alzahra University Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University Mashayekh, Shahnaz, Associate Prof. of Alzahra University Mollanazari, Mahnaz, Associate Prof. of Alzahra University Homayoun Saeid, Professor of Gavle University Yazdifar Hassan, Associate Professor of Salford University Business School Scientific Editor: Behbahaninia, Parisa Saadat Literally editor: Taheri, Mandana English Editor: Mostafaie, Parasto Cover Designer: Samadian, Maryam Lay out editor: Esfandi, Khadijeh Coordinator: Pakkhesal Azam, Esfandi Khadijeh Address: Alzahra University, Vanak ,Tehran - Iran. P. O Box 1993893973 Tel: (+9821) 85692421- 85692745 Fax: 88252178 Website: http://ijar.alzahra.ac.ir/ Email: jar@alzahra.ac.ir</p>